



فرهنگ رضوی

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴



فصلنامه فرهنگ رضوی

علمی - پژوهشی

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا^(ع)

مدیر مسئول: سیدجواد جعفری احمدآبادی

سر دبیر: جلال درخشه

مدیر اجرایی: محمدعلی ندائی

هیئت تحریریه:

سید محمدرضا احمدی طباطبایی	دانشیار همکار بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا ^(ع)
جلال درخشه	استاد دانشگاه امام صادق ^(ع)
علی سروری مجد	استادیار همکار بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا ^(ع)
مهناز شایسته‌فر	دانشیار دانشگاه تربیت مدرس
محمود واعظی	استادیار دانشگاه تهران
محمدهادی همایون	دانشیار همکار بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا ^(ع)
سیده راضیه یاسینی	استادیار پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

ویرایش و صفحه‌آرایی: مؤسسه داده‌گستر هور

چاپخانه: زمرد

دفتر نشریه:

مشهد مقدس، بلوار شهید کامیاب، شهید کامیاب ۳۴، پلاک ۳، بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا^(ع)،

طبقه سوم، دفتر نشریه

تلفن: ۹ - ۳۲۲۸۳۰۴۴ - ۰۵۱ ایمیل نشریه: faslname@shamstoos.ir

پایگاه اینترنتی فصلنامه: www.shamstoos.ir

بر اساس نامه شماره ۳/۱۸/۲۰۲۰۶۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱ دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه فرهنگ رضوی از شماره اول دارای اعتبار علمی - پژوهشی است.

فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ رضوی در پایگاه‌های علوم استنادی جهان اسلام (Isc) و اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (Sid) نمایه می‌شود.

● دربارهٔ مجله

فصلنامه فرهنگ رضوی، مقاله‌های پژوهشی در زمینه‌های اعتقادی، کلامی، فقهی، تفسیری، حدیثی، تاریخی، تطبیقی و سایر ابعاد علمی با محوریت امام رضا^(ع) می‌پذیرد.

● راهنمای تهیه و تنظیم مقاله

– چکیده فارسی و انگلیسی مقاله (حداکثر ۱۵۰ کلمه) و واژگان کلیدی (حداکثر ۵ واژه) همراه مقاله ارسال شود.

– یادداشت‌ها و مآخذ به ترتیب الفبایی نام‌خانوادگی در پایان مقاله درج شود.

– در متن مقاله، هر جا که لازم بود، نام مؤلف، سال انتشار منبع و صفحه موردنظر (روش APA) و در مورد منابع خارجی (لاتین) معادل خارجی آنها در پایین همان صفحه درج شود.
– نشانی کامل مقاله‌ها، کتاب‌ها، رساله‌ها و گزارش‌های لاتین ترجمه‌شده به فارسی باید ضمیمه مآخذ شوند.

– مؤلف باید سمت پژوهشی یا آموزشی، نشانی کامل محل کار و نشانی پست الکترونیکی (e-mail) خود را ضمیمه مقاله کند.

- پذیرش نهایی مقاله و چاپ آن در مجله منوط به تأیید هیئت تحریریه و داوران متخصص «فرهنگ رضوی» است.
- مقاله‌های رسیده نباید در مجله‌های فارسی‌زبان داخل و خارج کشور چاپ شده باشد.
- مجله در «ویرایش» مقاله رسیده، بدون تغییر در مفاهیم آن، آزاد است.
- «فرهنگ رضوی» ترجیح می‌دهد مقاله‌هایی را چاپ کند که نتیجه پژوهش‌هایی دربارهٔ معارف و فرهنگ رضوی (امام رضا^(ع)) باشد.
- مسئولیت مطالب مقاله‌های مندرج در فصلنامه، برعهده نویسندگان آنهاست.

● اشتراک

مبلغ اشتراک سالیانه در ایران ۱۶۰۰۰۰ هزار ریال است. علاقه‌مندان به اشتراک، این مبلغ را به شماره حساب ۰۱۰۹۳۶۷۹۵۲۰۰۳ بانک ملی شعبه هاشمی‌نژاد واریز و اصل فیش را به نشانی مشهد مقدس، بلوار شهید کامیاب، شهید کامیاب ۳۴، پلاک ۳، بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا^(ع)، طبقه سوم، دفتر نشریه ارسال کنند.

فهرست

روشن‌های فرهنگی امام رضا ^(ع) در خصوص زنده نگه‌داشتن یاد و نام امام حسین ^(ع)	۷
مهدی اکبرنژاد - پیمان صالحی	
اصول علمی و اخلاقی مناظره‌های رضوی	۳۷
فریبا رضازاده کهنکی - علیرضا فارسی‌نژاد	
علی‌بن موسی‌الرضا ^(ع) و سبک زندگی اسلامی در روابط اجتماعی	۵۹
سیدحسن قریشی‌کرین - حمید فاضل قانع - آرمان فروهی	
طراحی محتوایی و ساختاری پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه	۸۷
مسلم علی‌مهدی - مهدی منتظر قائم	
محسنات لفظی در کلام امام رضا و امام سجاده ^(ع)	۱۲۵
مصطفی اسفندیاری (فقیه) - حسن عبداللهی - علیرضا نادریان لایین	
مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا ^(ع) و انبیای الهی	۱۵۳
معصومه رودی - مرتضی حسینی‌شاهرودی	
ساختار حمایت‌های مالی از زنان در نظام حقوقی اسلام (با تمرکز بر روایت‌های امام رضا ^(ع))	۱۹۷
منصوره فصیح رامندی	

روش‌های فرهنگی امام رضا^(ع) در خصوص زنده نگه‌داشتن یاد و نام امام حسین^(ع)

مهدی اکبرنژاد* - پیمان صالحی**

چکیده

در قیام شکوهمند حسینی، به مدد معماری هوشمندانه و شجاعت دوران‌پیشانی آن بگانه دوران، تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی واقعه کربلا، چنان سنجیده و در آرایشی بی‌بدیل، در کنار هم قرار گرفتند که سیر زمان، دم به دم بر استحکام، عمق و اثرگذاری آن می‌افزاید. با این حال، یکی از مهم‌ترین دلایل این اثرگذاری، سیره ائمه اطهار^(ع) در زنده نگه‌داشتن یاد و راه سیدالشهدا^(ع) است. این مقاله، تلاش کرده تا روش‌ها و رویکردهای فرهنگی امام علی بن موسی الرضا^(ع) را به منظور پاسداشت و محافظت از قیام سالار شهیدان^(ع)، مورد بررسی قرار دهد. نتایج نشان از آن دارد که حضرت برای زنده نگه‌داشتن یاد و راه سیدالشهدا^(ع)، روش‌ها و راهکارهای ویژه‌ای داشتند، از جمله: تبیین جایگاه والای امام حسین^(ع) در میان سایر ائمه^(ع)، ابراز تنفر از قاتلان آن حضرت، تبیین نتایج بی‌حرمی و احترام نسبت به عاشورا، ترغیب شاعران به مرثیه‌سرایی بر سالار شهیدان^(ع)، توصیه به روزه‌داری در ماه محرم، تقدیس تربت سالار شهیدان^(ع)، توصیه به زیارت قبر آن حضرت و تعیین زمان‌ها و دعاهای مخصوص برای آن و تبیین نتایج این زیارت مانند: رسیدن به قرب الهی، برخورداری از شفاعت و برابری آن با حج، برپایی سوگواری و بیان نتایج آن همچون حفظ دستاوردهای نهضت عاشورا، آگاهی از حقیقت دین، پیوند با سیدالشهدا^(ع)، آمرزش گناهان و رهایی از هول و هراس روز قیامت.

واژه‌های کلیدی

امام رضا^(ع)، امام حسین^(ع)، محرم، عاشورا، رویکردهای فرهنگی، حفظ دستاوردها

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۲۰

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام
** استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه ایلام

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۱۸

m_akbarnezhaad@yahoo.com
salehi.payman@yahoo.com

❖ مقدمه

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴

سال‌ها و سده‌ها از پی هم می‌آیند و حماسه‌نینوا، به‌صورت مکرر و نسل به نسل، همچنان شورانگیز ادامه و انتقال می‌یابد. این حماسه، نه‌تنها نماد جاودان آزادی‌خواهی و ظلم‌ستیزی است، بلکه در سایه ذکاوتی عمیق و پرشور، از رسالتی فرهنگی و روشنگرانه نیز برخوردار است.

ماندگاری هر قیامی نیازمند دو چیز است: یکی خون و دیگری پیام. بی‌شک، در میان قیام‌هایی که در طول تاریخ به وقوع پیوسته است، هیچ حرکتی، پویایی و برجستگی خون و پیام قیام عاشورا را ندارد. اما آنچه بیش از همه، واقعه کربلا را پرفروغ و سازنده جلوه‌گر کرده، سیره ائمه اطهار^(ع) و جهت‌گیری‌های آنان در قبال این رویداد عظیم بشری است. آنان با موضع‌گیری‌های مناسب، توانستند از عاشورا و دستاوردهای ارزشمند آن به‌صورت شایسته پاسداری کنند و راه حماسه‌آفرینان کربلا را تداوم بخشند.

اما نگاهی ظاهری به زندگی امام حسین و امام رضا^(ع)، نشان از تفاوت بسیار زیاد در جهت‌گیری‌های آن دو بزرگوار در قبال حاکمان زمانه دارد، چراکه امام حسین^(ع)، به جهاد و نبرد علیه بنی‌امیه پرداختند، ولی امام رضا^(ع)، ولایتعهدی مأمون را پذیرفتند. بنابراین راه و روش امام رضا^(ع) در زنده نگه‌داشتن راه و مسلک سیدالشهدا^(ع) قابل مطالعه است. قبل از پرداختن به این موضوع، ضرورت دارد مسئله مهمی که اغلب در زندگی ائمه^(ع) به‌طور شایسته مورد توجه قرار نگرفته، بررسی شود و آن، عنصر «مبارزه حاد سیاسی» است که بزرگ‌ترین هدفش تشکیل نظام اسلامی و تأسیس حکومتی بر پایه امامت بود. بیشترین دشواری‌های زندگی ایشان و یارانشان، به‌خاطر این هدف بود و ائمه^(ع) از دوران امام سجاد^(ع) و بعد از حادثه عاشورا، به زمینه‌سازی درازمدت برای این مقصود پرداختند. در تمام دوران ۱۴۰ ساله میان حادثه عاشورا و ولایتعهدی امام هشتم^(ع)، جریان وابسته به امامان اهل بیت^(ع) یعنی شیعیان، همیشه بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن دستگاه‌های خلافت به حساب می‌آمدند. هنگامی که حضرت موسی بن جعفر^(ع) پس از سال‌ها حبس در زندان

روش‌های فرهنگی امام رضا^(ع) درخصوص ... ❖ ۹

هارونی مسموم و شهید شدند، در قلمرو وسیع سلطنت عباسی، اختناق کامل حکمفرما بود. در آن فضای گرفته، بزرگ‌ترین هنر امام معصوم^(ع) آن بود که توانست درخت تشیع را از گزند طوفان حادثه به سلامت بدارد. به تدبیر می‌توان فهمید که امام هشتم^(ع) در این دوران، همان مبارزه درازمدت اهل بیت^(ع) را که در همه اعصار بعد از عاشورا استمرار داشته، با همان جهت‌گیری و همان اهداف، ادامه داده‌اند. امام رضا^(ع) با تدبیری الهی بر مأمون فائق آمدند و سال ولایتعهدی ایشان، یکی از پربرکت‌ترین سال‌های تاریخ تشیع و نفس تازه‌ای بر مبارزه علویان دمیده شد. این همه، به برکت تدبیر حکیمانه‌ای بود که امام هشتم^(ع) در این آزمایش بزرگ از خویشتن نشان دادند.

آنچه در نوشتار پیش‌رو مورد توجه قرار می‌گیرد تحلیل این موضوع است که راهکارها و شیوه‌های فرهنگی امام رضا^(ع) برای زنده نگه‌داشتن نام، قیام و حرکت سیدالشهدا^(ع) به چه شکل‌هایی بوده است؟ برای تبیین دقیق این موضوع، از منابع معتبر و اولیه‌ی روایی و گاهی تاریخی بهره برده شده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، این حقیقت مشخص شده است.

اهمیت این موضوع هم کاملاً روشن بوده، بدان سبب که سیره ائمه^(ع) بر شیعیانشان حجت است و آنان باید روش‌هایی که امامان^(ع) در زندگی و گفتار خود و ازجمله در این باره داشته‌اند به دقت بررسی کرده، برای حفظ و احیای تشیع، آن خط‌مشی را دنبال کنند و بهترین پاسداشت ائمه^(ع) شناخت سیره آنان و سپس تبعیت است.

پس از این مقدمه، به بررسی سیره فرهنگی امام علی بن موسی الرضا^(ع) در زنده نگه‌داشتن رویداد عظیم کربلا و حماسه‌آفرینان آن پرداخته می‌شود.

راهکارهای فرهنگی امام رضا^(ع) برای زنده نگه‌داشتن یاد و راه امام حسین^(ع)

آن حضرت برای زنده نگه‌داشتن یاد و راه سیدالشهدا^(ع)، توصیه‌ها و راهکارهایی اساسی و بنیادی، ارائه فرمودند، ازجمله:

۱. تبیین جایگاه امام حسین^(ع) در میان سایر ائمه^(ع)

پیامبر^(ص) و پیشوایان پس از ایشان، همگی درهای بهشت‌اند، ولی برای امام حسین^(ع) فراخ‌تر است و نیز همگی کشتی نجات‌اند، ولی کشتی حسین^(ع) در گرداب‌های پرخروش، پرشتاب‌تر و لنگر انداختن و پهلوی گرفتن آن بر ساحل نجات، آسان‌تر است. آنان همگی چراغ‌های فروزان ره‌یافتگی‌اند ولی فروغ حسین^(ع) گسترده‌تر و برخورداری از فروغش فزون‌تر است. آنان همگی پناهگاه‌هایی استوارند ولی راه رسیدن به پناهگاه حسین^(ع) آسان‌تر است.

این مسئله‌ای بود که همواره توسط امام رضا^(ع) بیان می‌شد: «كُلُّنَا سَفِينَةُ النِّجَاةِ، وَلَكِنْ سَفِينَةُ الْحُسَيْنِ أَوْسَعُ وَفِي لُجِّ الْبَحْرِ أَسْرَعُ؛ همه ما (اهل بیت^(ع)) کشتی نجات هستیم؛ ولی کشتی حسین^(ع)، وسیع‌تر و در تلاطم امواج، سریع‌تر است» (حسینی، ۱۳۸۵: ۷۲).

زمانی هم که زیدبن موسی برادر امام رضا^(ع) در مدینه شورش کرد و دست به کشتار و آتش‌سوزی خانه‌های بنی‌عباس زد و به «زید النار» معروف شد، مأمون، افرادی را برای دستگیری او فرستاد. وقتی او را پیش مأمون آوردند، مأمون گفت: او را نزد امام رضا^(ع) ببرید. چون خدمت حضرت رسیدند، امام^(ع) فرمودند: «ای زید! آیا سخن سفلیگان کوفه مغرورت کرده است که گفته‌اند: فاطمه^(س) چون عفاف ورزید، خداوند ذریه او را بر آتش حرام کرد؟ این سخن فقط درباره حسن و حسین^(ع) است، نه من و تو» (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴۹: ۲۱۷؛ صدوق، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۸۶).

در جایی دیگر برای تأکید بر عظمت آن حضرت، سخن پیامبر^(ص) را در شأن ایشان یادآور می‌شوند: «إِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ همانا حسن و حسین^(ع) سرور جوانان اهل بهشت هستند»^۱ (همان: ۳۲۹).

حضرت علی‌بن موسی^(ع)، آن‌قدر به راه و روش امام حسین^(ع) اعتقاد داشتند که بارها

۱. علی‌بن موسی^(ع) در بسیاری از موارد، در تأیید سخنان و فرمایش‌های خود در مورد سیدالشهدا^(ع)، روایت‌هایی از سایر معصومان^(ع) نقل می‌فرمودند.

روش‌های فرهنگی امام رضا^(ع) درخصوص ... ❖ ۱۱

شهادت در رکاب ایشان را برای خود آرزو می‌کردند و به دیگران نیز داشتن چنین آرزویی را سفارش می‌فرمودند. حضرت به پسر شیب، چنین فرمودند: «اگر بخواهی مانند شهدای کربلا باشی و ثواب آنان را داشته باشی، هر گاه مصیبت آن حضرت را یاد کردی، بگو: یا لَبَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا؛ ای کاش من با ایشان بودم و به رستگاری بزرگی دست می‌یافتم!»^۱ (همان، ج ۱: ۳۰۰).

۲. ابراز تنفر از قاتلان سیدالشهدا^(ع)

از جمله اعتقادهای برجسته شیعه، مسئله تولای اهل بیت^(ع) و تبرّی از دشمنان آنان است. طبعاً در این میان، ائمه^(ع) نقش حساسی در هدایتگری جامعه دارند.^۲ امام رضا^(ع) به عنوان هدایتگر جامعه بشری وظیفه مهمی بر عهده داشتند. ایشان، امامت را اصل و اساس اسلام می‌دانستند که پایه‌های دین مقدس به آن بستگی دارد (الغازی، ۱۴۰۳ق: ۳۲۵) و در این زمینه، برخی از سخنان پیامبر^(ص) را یادآوری می‌کنند: «هر کس بمیرد و امامی از فرزندان مرا قبول نکند، در جاهلیت و نادانی مرده است و با او، طبق آنچه در جاهلیت و اسلام عمل شده است، رفتار خواهد شد» (همان: ۳۱۸)؛ «روز قیامت از چهار نفر شفاعت خواهم کرد. یکی از آنها کسی است که بعد از من به ذریه‌ام احترام کند» (همان: ۳۳۱)؛ «بهشت بر کسی که به اهل بیت من ستم یا با آنها جنگ کند یا اینکه با دشمنان آنان همکاری کند یا اینکه آنان را سب نماید، حرام شده است» (همان: ۳۳۳).

از امام رضا^(ع) روایت‌های زیادی در خصوص دوستی و لزوم احترام به اهل بیت^(ع) وارد شده است و در اغلب موارد، آنها را از زبان دیگر معصومان^(ع) نقل کردند (نک: همان: ۳۲۹ _ ۳۱۷).

۱. تقریباً تمام احادیثی که در این نوشتار به کار برده شده است در منابع معتبر اهل سنت نیز وجود دارد (نک: عطایی، ۱۳۸۸: ۲۰۶-۱۶۰). همچنین، بسیاری از این احادیث، در منابع معتبر فراوانی ثبت شده که به علت تنگنای فرصت مقاله به ذکر یک یا دو مورد بسنده شده است.

۲. اوج تبرّی ائمه^(ع) در زیارت عاشورا جلوه‌گری می‌کند. این زیارت از امام باقر^(ع) نقل شده است.

درواقع این مسئله، نشان از بار تبلیغی حضرت در این زمینه دارد و به نوبه خود، بیانگر موضع گیری یکسان آنان در قبال واقعه عاشورا است.

امام رضا^(ع)، اعتقاد اعراب جاهلی را به حرمت ماه محرم، بسیار بیشتر از اعراب مسلمانی می دانستند که با وجود اینکه پیامبر^(ص) سال ها به ارشاد آنان پرداختند ولی حرمت حضرت و این ماه را به جا نیاوردند و فرزندش را شهید کردند:

إِنَّ الْمُحَرَّمَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يُحَرِّمُونَ فِيهِ الظُّلْمَ وَالْقِتَالَ لِحُرْمَتِهِ، فَمَا عَرَفَتْ هَذِهِ الْأُمَّةُ حُرْمَةَ شَهْرِهَا وَلَا حُرْمَةَ نَبِيِّهَا، لَقَدْ قَتَلُوا فِي هَذَا الشَّهْرِ ذُرِّيَّتَهُ وَسَبُّوا نِسَاءَهُ وَانْتَهَبُوا ثَقْلَهُ، فَلَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ أَبَدًا؛ محرم همان ماهی است که مردم زمان جاهلیت، حرمتش را رعایت می کردند و چون این ماه می رسید از ستمکاری و قتال برکنار می شدند، اما این امت، حرمت این ماه و پیامبر خودشان را رعایت نکردند و ذریه طیبه اش را در آن کشتند، زنانش را اسیر ساختند و اموالش را به تاراج بردند، خداوند ایشان را هرگز نیامرزد! (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴۴: ۲۸۵؛ صدوق، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۹۹).

علی بن موسی^(ع)، جایگاه قاتلان امام حسین^(ع) را از زبان پیامبر^(ص)، این گونه بیان می فرماید:

إِنَّ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ^(ع) فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ عَلَيْهِ نَصْفُ عَذَابِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَقَدْ شُدَّ يَدَاهُ وَرِجْلَاهُ بِسِلَاسِلٍ مِنْ نَارٍ فَيَرْكَسُ فِي النَّارِ حَتَّى يَقَعَ فِي قَعْرِ جَهَنَّمَ وَلَهُ رِيحٌ يَتَعَوَّذُ أَهْلُ النَّارِ إِلَيْهِ مِنْ شِدَّةِ تَنَنِهِ وَهُوَ فِيهَا خَالِدٌ ذَائِقُ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ مَعَ جَمِيعٍ مَنْ شَايَعَ عَلَى قَتْلِهِ؛ كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ، بَدَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِمُ الْجُلُودَ حَتَّى يَذُوقُوا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ؛ لَا يَفْتَرُ عَنْهُمْ سَاعَةً وَيُسْقَوْنَ مِنْ حَمِيمِ جَهَنَّمَ؛ فَوَيْلٌ لَهُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ تَعَالَى فِي النَّارِ؛ به درستی که قاتل حسین^(ع) در تابوتی از آتش قرار دارد و نیمی از عذاب مردم دنیا به وی می رسد و درحالی که دست ها و پاهایش بسته شده، با سر در آتش می افتد تا اینکه در قعر جهنم جای گیرد و بسوی چنان ناخوش از وی برمی خیزد که از گند آن، تمام دوزخیان به خداوند پناه می برند و در دوزخ همیشه بماند. او و کسانی که در قتل حسین^(ع) شرکت کردند عذاب

روش‌های فرهنگی امام رضا^(ع) درخصوص ... ❖ ۱۳

دردناکی بینند. هرگاه پوست آنها سوخته شود خداوند متعال، پوست دیگری را در جای آن، قرار خواهد داد تا عذاب دردناک را بچشند. این عذاب، هرگز از آنها منفک نمی‌شود و از آب گرم جهنم خواهند نوشید. وای بر آنها به‌خاطر عنابی که بر ایشان، مسلط خواهد شد (همان، ج ۲: ۳۵۲؛ نجف، ۱۴۰۶ق: ۵۸).

و باز آن حضرت از پیامبر^(ص) نقل فرمودند:

إِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ سَأَلَ رَبَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ: رَبِّ أَخِي هَارُونُ مَاتَ فَاسْأَلْنِي عَنْهُ فَأَوْحَى إِلَيَّ تَعَالَى إِلَيَّ: يَا مُوسَى! لَوْ سَأَلْتَنِي فِي الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَأَجَبْتُكَ مَا خَلَا قَاتِلَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فَإِنِّي أَنْتَقِمُ لَهُ مِنْ قَاتِلِهِ؛ همانا موسی بن عمران از پروردگار عزوجل خود درخواست کرد که پروردگارا! برادرم هارون وفات کرده است او را پیامرزا! حق تعالی بدو وحی فرستاد: ای موسی! اگر از من آمرزش خلق اولین و آخرین را سؤال و خواهش می‌نمودی درخواست تو را اجابت می‌کردم مگر کشته‌شدن حسین بن علی که انتقام او را از قاتلش می‌کشم (استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۷۴۳؛ صدوق، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۵۳).

امام رضا^(ع) در جایی دیگر از پیامبر^(ص) روایت کردند:

در روز قیامت، دخترم وارد صحرای محشر می‌شود در حالتی که چند جامه که به خون، رنگین است با او باشد و آن را به ستونی از ستون‌های عرش الهی بیاویزد و عرض کند: ای عادل‌ترین حکم‌کنندگان! میان من و قاتل فرزندم، حکم فرما. به پروردگار کعبه سوگند که خداوند برای دخترم فاطمه^(س) حکم می‌کند (همان: ۳۱۹).

طبق روایت امام رضا^(ع)، نقش انگشتر علی بن الحسین^(ع) این عبارت بود: «خزی و شقی قاتل الحسین بن علی^(ع)؛ قاتل حسین بن علی^(ع) (برای همیشه) خوار و بدبخت باشد» (همان، ج ۲: ۳۶۴).

ایشان، لعنت گفتن بر قاتلان امام حسین^(ع) را باعث آمرزش گناهان دانستند و فرمودند: هنگامی که سر حسین بن علی^(ع) را به‌سوی شام بردند، یزید- لعنة الله علیه- دستور داد آن را در کناری نهادند و سفره غذا را گسترده و او با یارانش مشغول

خوردن غذا و نوشیدن شراب آبجو شدند، چون فارغ گشتند، امر کرد سر بریده حسین^(ع) را در طشتی، پیش تخت او نهادند و میز بازی شطرنج را روی آن طشت گذارد و با یارانش به بازی شطرنج مشغول شده و حسین، پدر و جانش را به مسخرگی یاد می کرد، ... کسی که به فقاع و شطرنج نگاه کند باید حسین^(ع) را به یاد آورد و بر یزید و آل او لعنت بفرستد که در این صورت، خداوند عزوجل گناهان او را محو می گرداند اگرچه مانند ستارگان آسمان، زیاد باشد (همان: ۲۲).

بر این اساس، علی بن موسی^(ع) به ریان بن شبیب، چنین توصیه کردند: «اگر می خواهی در غرفه ای از بهشت جای گیری و با رسول خدا^(ص) و ائمه طاهرين^(ع)، همنشین گردی، قاتلان حسین^(ع) را لعنت کن» (همان، ج ۱: ۲۹۹).

۳. تبیین نتایج بی حرمتی و احترام به عاشورا

یکی از مهم ترین عوامل فرهنگی که تاکنون باعث اثرگذاری عمیق عاشورای حسینی بر مردم شده، تبیین نتایج بی حرمتی و احترام نسبت به آن بوده که توسط ائمه اطهار^(ع) به خوبی صورت گرفته است. امام رضا^(ع) در مورد بی حرمتی به روز عاشورا این گونه می فرمایند:

مَنْ سَمِيَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ بَرَكَةٍ وَادَّخَرَ فِيهِ لِمَنْزِلِهِ شَيْئًا لَمْ يُبَارِكْ لَهُ فِيهَا اَدَّخَرَ وَخَسَرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ يَزِيدَ وَعَبِيدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَعُمَرَ بْنِ سَعْدٍ إِلَى أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ النَّارِ؛ هر کس روز عاشورا را روز برکت نامد و در آن روز، چیزی را در منزل خود ذخیره بدارد، او را در آنچه ذخیره ساخته برکت نباشد و در روز قیامت با یزید و عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد در پست ترین درکات جهنم، محشور شود (همان: ۲۹۸؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۵۷۸).

در مقابل این موضع گیری، چنین وعده دادند: «مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوَائِجِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ هر کس در عاشورا، تلاش در رفع نیازهایش را (به خاطر به پا داشتن عزا) ترک کند، خداوند حوائج دنیا و آخرتش را برآورده می سازد» (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۹۸).

روش‌های فرهنگی امام رضا^(ع) درخصوص ... ❖ ۱۵

۴. ترغیب شاعران به مرثیه‌سرایی بر سالار شهیدان^(ع)

عرب‌ها به شعر و شاعری اهمیت بسیاری می‌دادند، زیرا از مهم‌ترین ابزارهایی بود که با کمک آن می‌توانستند افتخارهای قوم خود را جاودانه سازند. طبعاً در شرایطی که امامان شیعه^(ع) از طرف حکمرانان اموی و عباسی با اختناق شدیدی روبرو بودند، اگر شاعری به مدح و ستایش اهل بیت^(ع) برمی‌خواست قطعاً با آوارگی، تبعید، محرومیت از حقوق و... مواجه می‌شد (نک؛ خزعلی، ۱۳۸۱: ۶۵).

با این حال، امام رضا^(ع)، همواره شاعران را به مرثیه‌سرایی بر سیدالشهدا^(ع) ترغیب می‌فرمودند.^۱ ازجمله این شاعران، شاعر و مداح اهل بیت^(ع) دعبل خزایی^۲ بود که حضرت

۱. اصولاً شعر عاشورایی را در گستره ادبیات عربی، می‌توان به چهار دوره مشخص تقسیم کرد: الف: دوره امامان که با شهادت امام حسین^(ع) شروع و با غیبت امام زمان^(عج) پایان می‌یابد؛ ب: دوره پس از غیبت که از اوایل قرن چهارم آغاز و تا پایان قرن ششم ادامه می‌یابد؛ ج: دوره سوم که از ابتدای قرن ششم شروع و با پایان قرن نهم خاتمه می‌یابد؛ د: دوره چهارم از قرن دهم شروع و تا روزگار ما تداوم یافته است.

شاعران شیعی تحت تأثیر رویکرد انمه^(ع) نسبت به قیام امام حسین^(ع) در دوره اموی و عباسی، به انعکاس شاعرانه این رخداد مکتبی و ابعاد گوناگون آن در آفریده‌های شعری خود پرداختند و دفاع از حریم ولایت و مقدسات اسلامی که به‌نحو کامل در قیام امام حسین^(ع) تجلی یافته بود، به شعر شاعران بزرگی همچون سید حمیری، کمیت اسدی، منصور نمری، دیک الجن و ابن‌رومی راه یافت و با قصیده تائیه دعبل خزاعی به اوج خود رسید. صراحت لهجه و ربط حادثه کربلا به سقیفه، از مشخصات شعر عاشورایی این دو دوره است (نک؛ خزعلی، ۱۳۸۱: ۹۱-۶۷).

۲. دعبل بن علی بن رزین از قبیله خزاعه بود که در سال ۱۴۰ق. در کوفه و در خانواده‌ای متدین و اهل شعر و شاعری متولد شد. در مسائل شیعی، اشعار فراوانی دارد. دوستی اهل بیت^(ع) او را به نشاط می‌آورد و هنگامی که از آنان سخن می‌گفت، چنان با گریه و سوز و خلوص، لب می‌گشود که چنین عاطفه‌ای در هیچ شاعری دیده نشده است. این شاعر، قصیده تائیه‌ای دارد که به «مدارس الآیات» مشهور است، ۱۲۱ بیت دارد و بلندترین شعری است که دعبل در مدینه سروده بود و سوز درونی شاعر در تک تک بیت‌های آن قصیده غراً و جاودانه شعله می‌کشد. این قصیده که حماسه تاریخ بنی‌هاشم و منقبت‌نامه آل علی^(ع) است، بسیار مورد توجه امام رضا^(ع) قرار گرفت و «چنان زبانزد خاص و عام و کوچک و بزرگ شده بود که حتی راهزنان نیز آن‌را از بر داشتند» (نک؛ بحرانی، ۱۴۲۹ق: ۱۲۶-۱۲۱).

وی در مورد امام حسین^(ع) مرثیه‌های فراوانی سروده ازجمله:

رَأْسُ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَ وَصِيٍّ يَاللَّجَّالِ عَلَى قَنَآةٍ يُرْفَعُ
وَالْمُسْلِمُونَ يَمْتَظِرُونَ بِمَسْمَعٍ لَا جَزَاءَ مِنْ ذَا وَلَا مُتَخَشَّعُ

ای مردان! سر پسر دختر پیامبر^(ص) و وصی او بر روی نیزه‌ای برافراشته شده است. مسلمانان فقط نظاره‌گر و شنوای این داستان هستند و از این کار، نه زاری کرده و نه وحشتی دارند.

وی در سال ۲۳۵ق. درگذشت (نک؛ ضیف، ۱۴۲۷ق، ج ۳: ۳۱۸-۳۲۴).

❖ از وی خواستند تا اشعاری در مرثیه سیدالشهدا^(ع)، بسراید: «یا دعبل! ارث الحسین^(ع)، فأنْتَ ناصرُنَا ومادحُنَا مادُمْتَ حَيًّا فلا تُقْصِرْ عَنْ نَصْرِنَا ما اسْتَطَعْتَ؛ ای دعبل! بر حسین^(ع) مرثیه سرایی کن، چراکه تو تا زمانی که زنده هستی، یاور و مدیحه سرای مایی، پس، از یاری ما تا می توانی کوتاهی نکن» (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۵۶۷).

دعبل نیز قصیده بلندی را با عنوان «مدارس آیات» که حدود ۱۲۰ بیت داشت و درخصوص واقعه عاشورا بود در حضور امام^(ع) خواند. زمانی که اشعار دعبل تمام شد، امام^(ع) ۳۰۰ درهم برای این شاعر آوردند و به همراه خلعت خویش به او هدیه دادند^۱ (نک؛ اربلی، بی تا: ج ۳: ۱۵۹-۱۶۶؛ بحرانی، ۱۴۲۹ق: ۱۲۰-۱۰۰).

نکته قابل تأمل در اینجا این است که آن حضرت به یکی از غلامانشان فرمودند به شاعر برجسته ای چون ابونواس^۲ که پیش از این، در مدح وی شعر سروده بود، ۳۰۰ درهم بدهند

۱. زمانی که دعبل همراه آن خلعت وارد قم شد، مردم آن شهر از او خواستند تا پیراهن امام^(ع) را به ۳۰۰ هزار درهم بفروشد. او راضی نشد، مردم پیراهن را از او گرفتند و به او گفتند: یا پول را بگیر و یا پیراهن را به تو نخواستیم داد. دعبل گفت: من آن را از روی میل به شما نداده ام، لباس غصبی هم برای شما سودی ندارد. سرانجام با توافق، یکی از دو آستین جامه را با ۳۰۰ هزار درهم به او دادند (بحرانی، ۱۴۲۹ق: ۱۲۷).

۲. ابونواس از شاعران مشهور دوره اول عباسی است که در خمیه سرایی سرآمد شاعران عرب به شمار می آید. اما در اواخر عمر، توبه کرد و به زهد روی آورد وی در سال ۱۹۸ ق. درگذشت (نک، ضیف، ۱۴۲۷ق، ج ۳: ۲۳۷-۲۲۰).

در مجلس باشکوهی که مأمون به مناسبت ولایتعهدی امام^(ع) ترتیب داد، ابونواس در مدح اهل بیت^(ع) چنین سرود:

مُطَهَّرُونَ نَقِيَّاتٍ ثِيَابُهُمْ تَجَرَّى الصَّلَاةُ عَلَيْهِمْ أَيْمًا ذُكُرُوا
مَنْ لَمْ يَكُنْ غَلَوِيًّا حِينَ تُسَبِّهُ فَمَا لَهُ مِنْ قَدِيمِ الذَّهْرِ مُفْتَخِرُ

آل محمد^(ع) افراد منزله ای هستند و دامانشان هم از هر عیب و ننگی، پاکیزه است. هر کجا نام آنان برده شود سیل صلوات و درود بر آنان جاری می شود. کسی که سلسله خاندانش در موقع انتساب به علی^(ع) نرسد از روزگار قدیم او را افتخار و مباهاتی نباشد.

پس از اینکه ابونواس اشعارش را به اتمام رساند، امام^(ع) به وی فرمودند: «قد جئتنا يا أبانواس بأبياتٍ ما سَبَقَكَ إليها أَحَدٌ مِنَ الْعَالَمِينَ؛ ای ابونواس! برای ما ابیاتی را آورده ای که هیچ کس در جهان، در سرودن مانند آن بر تو پیشی نگرفته است» (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۴۲).

روش‌های فرهنگی امام رضا^(ع) درخصوص ... ❖ ۱۷

(صدوق، ۱۳۸۷: ج ۲: ۱۴۲) ولی برای هدیه دادن به دعبل که در مورد امام حسین^(ع) و عاشورا، مرثیه‌سرایی کرده بود، علاوه بر اینکه خود شخصاً اقدام می‌کنند، خلعتشان را نیز به وی ارزانی می‌دارند. درواقع این برخورد امام^(ع)، ارزش و اهمیت مرثیه‌سرایی بر امام حسین^(ع) را نشان می‌دهد.^۱

۵. توصیه به روزه‌داری در اول ماه محرم

در اسلام، برخی از ایام سال از اهمیت معنوی فراوانی برخوردارند به گونه‌ای که قداست آنها موجب شده تا معصوم^(ع)، افراد را به روزه‌داری در آن روز سفارش کنند. بر این اساس، امام رضا^(ع)، برای اینکه مسلمانان را همواره متوجه محرم و اتفاق‌های آن کنند، آنان را به روزه‌داری در اولین روز این ماه توصیه می‌فرمودند. از ریان‌بن شیب روایت شده است که روز اول محرم خدمت حضرت رضا^(ع) مشرف شدم، آن حضرت فرمودند: ای پسر شیب! آیا روزه هستی؟ عرض کردم: روزه نیستم. فرمودند: این روز، همان روزی است که حضرت زکریا^(ع)، پروردگارش عزوجل را بخواند و عرض کرد: «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» پروردگارا! از جانب خود، فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن، که تو شنونده دعایی «آل عمران / ۳۸»، پس خداوند رحمان، دعای او را اجابت کرد و فرمود تا فرشتگان به وی در حالی که در محراب به نماز ایستاده بود، ندا دهند که خداوند متعال تو را به یحیی بشارت می‌دهد.

بنابراین هر کس که در این روز، روزه‌داری و پس از آن به درگاه خداوند دعا کند،

۱. بعضی شاعران فارسی‌زبان، میان مصائب کربلا و مصائب امام رضا^(ع) هماهنگی و ارتباط برقرار کرده‌اند. به‌عنوان نمونه ملک‌الشعرای بهار، ترکیب بند «توپ روس» را در سوگواری حادثه بمباران آستان مقدس رضوی توسط روس‌ها در سال ۱۲۹۰ سرود:

اردیبهشت نوحه و آغاز ماتم است	ماه ربیع نیست ماه محرم است
گر باد نوبهار وزد اندرین ربیع	همچون محرم از چه جهان غرق ماتم است؟
...آیا دوباره خون حسین و کسان او	گشته است بر گروه زنازادگان سیل؟

(۱۳۶۸، ج ۱: ۲۲۷).

❖ سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۲
 خداوند دعایش را مستجاب فرماید، چنان‌که دعای زکریا را مستجاب ساخت (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۷۰).

۶. توصیه به زیارت قبر امام حسین^(ع)

بنی‌امیه و بنی‌عباس برای حفظ حکومتشان با بهره‌گیری از کلیه امکانات، خطرهای احتمالی را دفع می‌کردند. تنها فرقه‌ای که بر اساس آرمان‌های مکتبی خود، ستمگری آنها را برنمی‌تابید، مذهب تشیع بود. شیعیان که با اقتدا به سیدالشهدا^(ع)، مرگ با عزت را بر زندگی باذلت ترجیح می‌دادند، چوبه دار خویش را حمل می‌کردند. دعبل می‌گفت: «أَنَا أَحْمِلُ خَشْبَتِي عَلَى كَتِفِي مُنْذُ خَمْسِينَ سَنَةً لَسْتُ أَجِدُ أَحَدًا يُصَلِّيَنِي عَلَيْهَا؛ مَنْ أَوْ ۵۰ سال پیش، چوبه دارم را با خود حمل می‌کنم؛ ولی کسی را نمی‌یابم که مرا بر آن به دار آویزد» (اصفهانی، بی‌تا، ج ۲۰: ۱۳۲؛ عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ۴۳۱).

این واقعیت، حکومت اموی و عباسی را بر آن داشت تا با هر نماد و نشانه‌ای که گویای تفکر شیعی است به مخالفت برخیزند. بنابراین، طبیعی بود که آنها با زیارت قبر حسین بن علی^(ع) که تأثیر شگرفی بر بیداری اسلامی و خیزش مسلمانان داشت، از در عناد و ستیز درآیند. امام رضا^(ع) نیز با آگاهی کامل از این مسئله، برای احیای نهضت عاشورا، همواره شیعیان را به زیارت قبر امام حسین^(ع) ترغیب کرده و حتی قداست آن را برتر از خانه خدا دانستند: «قبر سیدالشهدا^(ع) نزد خداوند، گرامی‌تر از کعبه است و در هر نمازی، ۷۰ هزار فرشته غبارآلود و اندوهگین بر آن فرود می‌آیند و بار دیگر صعود کرده و دسته‌ای دیگر می‌آیند» (الغازی، ۱۴۰۳ق: ۶۸۷).

آن حضرت، همواره برای اینکه دیگران را از اهمیت و ارزش معنوی زیارت قبر امام حسین^(ع) مطلع سازند، از هر فرصتی در این زمینه بهره می‌بردند. به‌عنوان نمونه، حسن بن علی و شاء گوید: «از حضرت رضا^(ع) پرسیدم: فضیلت زیارت موسی بن جعفر^(ع) را بیان فرمایید. ایشان فرمودند: مانند کسی است که حضرت سیدالشهدا^(ع) را زیارت کرده باشد» (همان: ۶۸۸).

روش‌های فرهنگی امام رضا^(ع) درخصوص ... ❖ ۱۹

نکته حائز اهمیت در پاسخ آن حضرت این است که می‌توانستند بفرمایند مثلاً هر کس قبر پدرم را زیارت کند از ثواب حج، بخشش گناهان، قرب الهی و... برخوردار است؛ اما با اشاره به برابری ثواب آن زیارت با زیارت قبر سیدالشهدا^(ع)، هم به ثواب آن اشاره فرمودند و هم اهمیت زیارت قبر سالار شهیدان^(ع) را نشان دادند.

امام^(ع) خطاب به ابن شیب فرمودند: «يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ سِرْكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَلَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فَرَزَ الْحُسَيْنُ^(ع)؛ ای پسر شیب اگر دوست داری خداوند را ملاقات کنی در حالی که هیچ گناهی بر تو نباشد، به زیارت امام حسین^(ع) برو» (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۹۹).

در جای دیگر امام^(ع) به نقل از پدر بزرگوارشان و ایشان هم از امام صادق^(ع) روایت کردند: «إِنَّ أَيَّامَ زَائِرِي الْحُسَيْنِ^(ع) لَتُحْسَبَ مِنْ أَعْمَارِهِمْ وَلَتُعَدَّ مِنْ آجَالِهِمْ؛ روزهایی که زائران امام حسین^(ع) به زیارت آن حضرت می‌روند از عمرشان محسوب نمی‌شود و جزء اجل آنها به حساب نمی‌آید» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ح ۱: ۱۳۶؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۳).

۷. تعیین زمان‌ها و ادعیه مخصوص برای زیارت سیدالشهدا^(ع)

از دیگر اقدام‌های فرهنگی که ایشان برای تأکید بر اهمیت زیارت سیدالشهدا^(ع)، انجام دادند، قرار دادن زمان‌ها و اعمال ویژه‌ای برای زیارت آن حضرت بود. بزنی گوید:

از حضرت رضا^(ع) پرسیدم که در کدام ماه، امام حسین^(ع) را زیارت کنم؟ فرمودند: در نیمه رجب و شعبان، همچنین مستحب است که در هنگام زیارت، غسل کند و دعای آم‌داود را بخواند. هرگاه خواست این اعمال را انجام بدهد باید روز سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم را روزه بگیرد و اعمال ویژه‌ای را انجام داده و دعاها و سوره‌های خاصی را بخواند (نک: همان: ۵۶۴).

در جایی دیگر فرمودند: «مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ^(ع) بِعَرَفَةِ قَلْبُهُ اللَّهُ تَعَالَى تُلْجَ الصَّدْرُ؛ هر کس که در روز عرفه، حسین بن علی^(ع) را زیارت کند، خداوند قلب او را مطمئن می‌گرداند» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۵۸۰؛ نوری طبرسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۰: ۲۸۳).

۲۰ ❖ فرهنگ رضوی

علی بن حسان نیز می گوید:

از حضرت رضا^(ع) در مورد چگونگی زیارت سیدالشهدا^(ع) سؤال شد. حضرت در پاسخ فرمودند: پس از اینکه او را زیارت کردید، در مساجد اطراف قبر آن جناب، نماز بگذارید و در هر جایی که بودید این زیارت را بخوانید: السَّلَامُ عَلَیْ أَوْلِیَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِیَائِهِ. السَّلَامُ عَلَیْ أَمَنَاءِ اللَّهِ وَأَحِبَّائِهِ...؛ سلام بر اولیای خدا و برگزیدگان او باد. سلام بر آنان که امین خدا هستند سلام بر دوستان (خاص) خدا (الغازی، ۱۴۰۳ق: ۶۸۷).

۸. تبیین نتایج زیارت سالار شهیدان^(ع)

علی بن موسی الرضا^(ع)، نتایج زیارت مزار سیدالشهدا^(ع) را این گونه برشمردند:

رسیدن به قرب الهی

قرآن کریم، قرب الهی را مصداق کمال نهایی می داند که همه کمال های جسمی و روحی، مقدمه رسیدن به آن است و بالاترین و پایدارترین لذت، از رسیدن به مقام قرب حاصل می شود. نقطه اوج قرب به خدا، مقامی است که انسان به ذات اقدس الهی رهنمون می شود و در جوار رحمت الهی استقرار می یابد. آیاتی که در ادامه می آیند بر حقیقت یادشده دلالت دارند: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ* فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ؛ به راستی که پرهیزکاران در باغ ها و جویبارها در جایگاهی راستین نزد پادشاهی مقتدرند» (قمر / ۵۵ - ۵۴).

آن حضرت برای قبر سالار شهیدان^(ع) چنان ارزش و اهمیتی قائل بودند که زائر آن را مقرب درگاه الهی می دانستند. حسین بن محمد قمی از آن حضرت روایت کرده که فرمودند: «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بِشَطِّ الْفُرَاتِ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ؛ هر کس در کنار رود فرات، قبر امام حسین^(ع) را زیارت کند، مانند کسی است که خداوند را در بالای عرش زیارت کرده است» (الغازی، ۱۴۰۳ق: ۶۸۶).

حضرت ثامن الحجج^(ع) روایت کردند که از امام صادق^(ع) در مورد زیارت امام حسین^(ع) سؤال شد، فرمودند: «پدرم گفت: هر کس قبر سیدالشهدا^(ع) را زیارت کند و عارف به حقش

روش‌های فرهنگی امام رضا^(ع) درخصوص ... ❖ ۲۱

باشد، خداوند او را در زمرهٔ مقربان خواهد نوشت» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۷۹؛ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۵).

برخورداری از شفاعت

اگر اولیای الهی از عده‌ای در روز قیامت شفاعت می‌کنند و در حقیقت واسطهٔ فیض مغفرت و آمرزش الهی می‌شوند، این شفاعت، بی‌حساب و کتاب نیست؛ بلکه ناشی از رابطهٔ معنوی خاصی است که در دنیا میان شفاعت‌کننده و شفاعت‌شونده برقرار شده است، چرا که امام صادق^(ع) می‌فرماید: «هر کس دوست دارد شفاعت شافعان در مورد او سودمند واقع شود باید درصدد جلب رضایت خداوند برآید و بداند هیچ‌کس رضایت خداوند را جلب نخواهد کرد مگر با اطاعت از خدا، پیامبر^(ص) و اولیای الهی از آل محمد^(ع)» (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۷۸: ۲۲۰).

بر این اساس، وقتی کسی در زندگی دنیوی با اولیای الهی هم‌عقیده و همراه است، تحت جذبۀ هدایتگری آنان قرار گرفته و آنان را امام و پیشوای خود قرار داده، درجه‌ای از وحدت، هم‌سنخی و محبت میان آنان ایجاد شده است. به اعتقاد امام رضا^(ع)، یکی از راه‌های ایجاد

این نوع رابطه، زیارت قبور ائمه^(ع) است که باعث شفاعت آنان در روز قیامت می‌شود:

إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ. وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَتَصَدِّقًا فِيمَا رَغَبُوا فِيهِ، كَانَ أَثْمَتُهُمْ شُفَعَاؤُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر امامی بر گردن دوستان و پیروانش عهد و پیمانی دارد و وفای به این عهد، با زیارت قبر آنان ممکن است. کسی که به شوق زیارت آنها و با تصدیق به فضیلت ایشان به سوی قبورشان برود، در قیامت، مورد شفاعت ائمه^(ع) قرار می‌گیرد (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۳۷؛ سحاب، ۱۳۴۴: ۱۵۴).

حج ضعفا

در اسلام، حج از چنان ارزش و اعتباری برخوردار است که پیامبر اعظم^(ص) آنرا عصارهٔ

اسلام و معادل شریعت دانسته‌اند: «...والخامسة الحج و هی الشریعة؛ ... و پنجمین چیز، حج بوده که همان دین و شریعت است» (زمخشری، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۷۰).

حال برای درک اهمیت زیارت امام حسین^(ع) کافی است بدانیم امام رضا^(ع)، این زیارت را معادل به جای آوردن حج دانسته‌اند. ایشان با بیان اینکه بر اساس روایتی از امام صادق^(ع)، ایام زیارت سیدالشهدا^(ع) از عمر زائران محسوب نمی‌شود، فرمودند: «هر کس قبر امام حسین^(ع) را زیارت کند مانند این است که یک حج و یک عمره به جا آورده باشد». پرسیدم: «آیا حج اصلی از او برداشته می‌شود؟» فرمودند: «نه، این حج افراد ضعیف است تا توانمند شوند» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴۹۲).

سفارش‌های مکرر امام رضا^(ع) چه در زمان ولایتعهدی و چه بعد از آن، درباره زیارت قبر امام حسین^(ع)، تأثیر فراوانی بر مردم نهاد، طوری که متوکل عباسی بعدها نسبت به مرقد مطهر آن حضرت، ابراز عداوت کرد، تا آنجا که قبر پاک سرور شهیدان^(ع) را تخریب و دستور داد اطراف آن را کشت و زرع کنند که مبدا کسی به زیارت آنان برود (طبری، ۱۹۷۹م، ج ۷: ۳۶۵).

توصیه‌های علی بن موسی^(ع) در باب بزرگداشت سیدالشهدا^(ع)، عمق و میزان مقام الهی سالار عشق را به وضوح بیان می‌کند. پس هر زائری باید بکوشد تا از این شفاخانه فیض، با استشفای امراض قلبی خود، خواستار آن شود که از طرف آفریدگار جهان، صفای دل و دوستی خاطر، پاکیزگی روح و قداست روان و سلامت تن به وی عطا شود تا هم ظاهر او به جمال و کمال آراسته و هم باطن وی از آلودگی‌ها پاک و مصفا شود.^۱

۱. نکته قابل تأمل این است که ثواب زیارت امام رضا^(ع) و آثاری که این زیارت برای زائران آن حرم شریف دارد، تقریباً مانند زیارت امام حسین^(ع) و آثار آن است. به عنوان نمونه امام رضا^(ع) از پیامبر^(ص) روایت فرمودند: «سَتُدْفَنُ بِضَعَةِ مَنِي بِخِرَاسَانَ مَازَاهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفْسُ اللَّهِ كُرْبَتَهُ وَلَا مُدْنِبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ؛ در آینده پاره‌ای از تن من در خراسان دفن می‌شود، هر گرفتاری وی را زیارت کند خداوند گرفتاری وی را برطرف کرده و هر گناهکاری، او را زیارت کند خداوند متعال گناهانش را می‌آمرزد» (حموی/شافعی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۱۹۰؛ قندوزی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۴۱).

در حدیث دیگری از پیامبر^(ص)، ثواب زیارت امام رضا^(ع) برابر با ثواب به جا آوردن حج، قرار داده شده است (همان).

۱. تقدیس تربت سیدالشهدا^(ع)

امام رضا^(ع) آن‌قدر برای مزار و تربت امام حسین^(ع) کرامت قائل بودند که قرار دادن مقداری از تربت آن حضرت را میان اثاثیه، باعث ایمنی از آسیب می‌دانستند. محمدبن عیسی یقطینی می‌گوید:

بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا^(ع) رِزْمَ ثِيَابٍ وَ... فَلَمَّا أَرَدْتُ أَنْ أَعْبِيَ الثِّيَابَ، رَأَيْتُ فِي أَعْصَافِ الثِّيَابِ طِينًا، فَقُلْتُ لِلرَّسُولِ: مَا هَذَا؟ فَقَالَ: لَيْسَ يُوجِبُهُ بَمَتَاعٍ إِلَّا جَعَلَ فِيهِ طِينًا مِنْ قَبْرِ الْحُسَيْنِ^(ع). ثُمَّ قَالَ الرَّسُولُ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ^(ع): هُوَ أَمَانٌ بِإِذْنِ اللَّهِ؛ إِمَامٌ رَضَا^(ع) بَرَأَيْمُ لِبَاسِهَا وَ... فرستادند. زمانی که خواستم لباس‌ها را روی یکدیگر بگذارم، در میان آنها، مقداری خاک دیدم، از مأمور پرسیدم: این خاک‌ها چیست؟ جواب داد: امام رضا^(ع) هیچگاه اثاث را جایی نمی‌فرستند مگر اینکه مقداری از خاک قبر امام حسین^(ع) در آن قرار دهند، سپس فرستاده آن حضرت گفت: امام رضا^(ع) می‌فرمایند: این خاک، موجب حفظ اثاث است. إِنْ شَاءَ اللَّهُ (مسعودی، بی‌تا، ج ۲: ۴۱۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۰).

در روایتی دیگر، امام رضا^(ع) در فضیلت ذکر گفتن با تسبیح ساخته‌شده از تربت امام حسین^(ع) می‌فرمایند:

مَنْ أَدَارَ الْحَجِيرَ مِنَ التُّرْبَةِ وَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِلَّهِ إِلَهًا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مَعَ كُلِّ حَبَّةٍ مِنْهَا كُتِبَ لَهُ بِهَا سِتَّةُ آلَافٍ حَسَنَةٍ وَمُحِي عَنْهُ سِتَّةُ آلَافٍ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ سِتَّةُ آلَافٍ دَرَجَةٍ وَأُتْبِتَ لَهُ مِنَ الشَّفَاعَةِ مِثْلُهَا؛ هَر كَسِي بِا تَسْبِيحٍ سَاخْتَه شَدَاه اَز تَرْبَتِ اِمَامِ حُسَيْنِ^(ع) بَگويد سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِلَّهِ إِلَهًا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، بَا هَر دانه‌ای از آن، ۶ هزار حسنه برای او نوشته و ۶ هزار گناه او پاک می‌شود (مفید، ۱۴۱۳ق الف: ۱۵۱).

عَنْ أَبِي بَكَّارٍ قَالَ: أَخَذْتُ مِنَ التُّرْبَةِ الَّتِي عِنْدَ رَأْسِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ طِينَةً حُمْرَاءَ فَدَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا فَعَرَضْتُهَا عَلَيْهِ فَأَخَذَهَا فِي كَفِّهِ ثُمَّ شَمَّهَا ثُمَّ بَكَى حَتَّى جَرَتْ دُمُوعُهُ ثُمَّ قَالَ هَذِهِ تُرْبَةُ جَدِّي؛ أَبِي بَكَّارٍ مِي‌گويد: مَقْدَارِي اَز تَرْبَتِ سَرِ مَبَارَكِ اِمَامِ حُسَيْنِ^(ع) رَا بَرگرفتَم. رَنگ اَن سَرخ بُوَد كِه خَدَمَتِ اِمَامِ رَضَا^(ع) رَفْتَم وَ تَقْدِيمِ ايشان داشْتَم، حَضَرَتِ اَن‌را دَر كَفِ دَسْتَشَان نِهَادَنَد، بُوِيَدَنَد وَ سِپَس چنان گريه كَرَدَنَد كِه

اشکشان بر گونه جاری شد و فرمودند: این تربت جلدِ حسین^(ع) است
(ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۴۷۴).

۲. برپایی سوگواری سالار شهیدان^(ع) و بیان نتایج آن

گریه بر حسین^(ع)، گریه محبت ثبت شده در دل‌های عاشقانش است. امام حسین^(ع) فرمودند: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ، لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ؛ مَنْ كَشَتَهُ غَرِيهًا وَ اشْكَهَا هَسْتَمَ. هَيْجَ مُؤْمِنِي مَرَا يَادُ نَمِي كُنْد، مَكْرَ أَنْكَه عَبْرَتِ گَرْفَتَه وَ اشك‌هایش جاری خواهد شد» (صدوق، ۱۳۶۲: ۱۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴۴: ۲۸۴).

دعبل خزایی، شاعر و مداح اهل بیت^(ع)، این گونه نقل کرده است:

ایام محرم بود که به زیارت امام علی بن موسی الرضا^(ع) رفتم. دیدم آن حضرت
با حالت حزن و اندوه نشسته و اصحاب هم دور او جمع شده‌اند. چون مرا دیدند،
فرمودند: ای دعبل! دوست دارم شعری بخوانی، زیرا این روزهای غم و اندوهی
است که بر خاندان ما رفته است. سپس حضرت از جای خویش برخاستند،
پرده‌ای نصب کردند و اهل خانه را پشت آن قرار دادند تا در مصائب جانشان
عزاداری کنند. در این حال، رو به سوی من کردند و فرمودند: برای جلدِ حسین^(ع)
مرثیه‌ای بخوان.

دعبل می‌گوید:

اشعاری خواندم. وقتی به این بیت‌ها رسیدم:

أَفَاطِمُ لَوْ خَلَّتِ الْحُسَيْنَ مُجَدَّلًا وَ قَدْ مَاتَ عَطَشَانًا بِشَطِّ فَرَاتٍ
إِذَا لَطَمْتَ الْخَدَّ فَاطِمُ عَنْدَهُ وَأُ جَرَيْتِ دَمْعَ الْعَيْنِ بِالْوَجَنَاتِ
أَفَاطِمُ قَوْمِي يَا ابْنَةَ الْخَيْرِ وَأَنْدَبِي نُجُومَ سَمَاوَاتِ بَارِضِ فَلَاةٍ

ای فاطمه! اگر حسین را تصور کنی درحالی که با تیغ دشمنان بر خاک کربلا
افتاده و در کنار شط فرات تشنه لب جان داده، هر آینه بر صورت خود، سیلی
خواهی زد و اشک چشم را بر گونه‌ها جاری خواهی کرد. ای فاطمه! ای دختر
بهترین خلق خدا! برخیز و نوحه کن بر فرزندان که ستاره‌های آسمان امامت‌اند و

در بیابان به خاک و خون غلتیده‌اند.

امام رضا^(ع) آه بلندی کشیدند و در حالی که می‌گریستند، فرمودند: یا دَعْبِلُ! هَيِّجَتْ وَاللَّهِ عَلَيَّ أَحْزَانًا كَانَتْ فِي قَوَادِي كَامِنَةً؛ ای دعبل! به خدا سوگند، ناراحتی‌هایی را که در دلم پنهان بود، به جوش آوردی. سپس ناله دیگری زدند و فریاد کشیدند: واحسبناه واقتیلاه واغریباه واوحیداه واحسنه واحسبناه واعظم مصیبتاه فلیت الموت أعدمنی الحیاه نفسی أفدی جلدی أسیر الکربات و... یا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَعْظَمَهَا! وَرَزَئَتْهُ مَا أَكْبَرَهَا! آه! ای حسین شهید! ای غریب! ای تنها! آه ای حسن! ای حسین! آه! به‌خاطر این مصیبت بزرگ. ای کاش! مرگ، مرا از بین می‌برد. ای جلد من! ای اسیر سختی‌ها! و... فدایت شوم. آن، چه مصیبت و بلای بزرگی است! پس از آن، امام^(ع) از هوش رفتند (نک؛ بحرانی، ۱۴۲۹ق: ۱۲۰-۱۰۰).

امام رضا^(ع) فرمودند: «همانا مصیبت شهادت امام حسین^(ع) دیده‌های ما را مجروح گردانید، اشک ما را جاری ساخت و عزیزان ما را ذلیل کرد. ای زمین کربلا! برای ما محنت و غم باقی گذاشتی و تا روز قیامت باید گریه‌کنندگان بر تو بگریند» (فتال‌نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۶۹؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۵۴۴).

به همین دلیل به ریان‌بن شیب چنین توصیه فرمودند:

یا ابْنَ شَیْبٍ! إِنْ كُنْتَ بَاکِیاً لَشِئْءٍ فَأَبْکِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِیٍّ^(ع) فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبِشُ وَقَتْلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِیَّةٌ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَیْءٌ؛ ای پسر شیب! اگر می‌خواهی برای چیزی زاری کنی، بر حسین‌بن علی^(ع) گریه کن، زیرا مانند گوسفند، سر بریده شد و همراهش ۱۸ نفر از خانواده‌اش که در زمین، بی‌نظیر بودند، کشته شدند (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴۴: ۲۸۶).

امام حسین^(ع) نیز همین انتظار را از شیعیانشان دارند: «شِیعَتِی مَا إِنْ شَرِبْتُمْ رِیَّ عَذْبٍ فَادْكُرُونِی أَوْ سَمِعْتُمْ بِغَرِیبٍ أَوْ شَهِدْتُمْ فَانْدُبُونِی؛ ای شیعیان من! هر وقت آب گوارایی نوشیدید، مرا به یاد آورید و هر وقت در مورد انسان غریب یا شهیدی، چیزی شنیدید، برای من نوحه‌سرایی کنید» (کفعمی، ۱۴۰۵ق: ۷۴۱؛ نوری طبرسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۷: ۲۶).

امام رضا^(ع) برای تأکید بر سوگواری سیدالشهدا^(ع)، عزاداری آسمان‌ها و زمین و فرشتگان را مطرح می‌فرماید:

وَلَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ وَلَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ الْمَلَائِكَةُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ لِيَنْصُرُوهُ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْتُ غَيْرَ إِلَيَّ أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ؛
وَشَعَارُهُمْ: يَا نَازِلَاتِ الْحُسَيْنِ^(ع)؛ هفت آسمان و تمامی زمین بر شهادتش گریستند، ۴
هزار فرشته‌ای که از آسمان به یاری‌اش آمده بودند و او را کشته یافتند، در کنار
قبرش، عزادار و غمگین باقی مانده‌اند تا اینکه قائم آل محمد^(عج) ظهور کند و به
یاریش بشتابند. شعار آنان این است: ای خون‌خواهان حسین! (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۱:
۲۹۹؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۵۴۵).

می‌توان گفت برپایی سوگواری و گریه بر سیدالشهدا^(ع)، بزرگ‌ترین وسیله‌ای بود که
امام رضا^(ع) از آن برای زنده نگه‌داشتن یاد و راه امام حسین^(ع)، بهره برده‌اند؛ اما باید دید آن
حضرت با توصیه به سوگواری و گریه برای سالار شهیدان^(ع) چه اهدافی را دنبال می‌کردند؟
مهم‌ترین اهدافی که آن حضرت از برپایی مراسم عزاداری برای شهدای کربلا داشتند،
عبارت‌اند از:

حفظ دستاوردهای نهضت عاشورا

یکی از ارزنده‌ترین آثار و برکت‌های مجالس عزاداری و گریه بر سیدالشهدا^(ع)، حفظ
نهضت مقدس امام حسین^(ع) است. هر انقلابی نیاز به دو چیز دارد: یکی خون و دیگری
پیام. امام حسین^(ع) و یاران باوفایشان، خون را تقدیم کردند، ولی ابلاغ پیام آن، توسط ائمه^(ع)
بود. این اشک‌ها و گریه‌ها در عزای مظلوم کربلا، فریاد مداوم علیه ستمگران و ابلاغ پیام
خون‌مطهر شهدا بود. اگر گریه‌های ائمه^(ع) نبود، حادثه عاشورا از خاطره‌ها محو می‌شد و
شعاع این مشعل فروزان، فروکش می‌کرد.

حضرت رضا^(ع) فرمودند:

كَانَ أَبِي^(ع) إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى ضَاحِكًا وَكَانَتْ الْكَاتِبَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى تَمْضِيَ

روش‌های فرهنگی امام رضا^(ع) درخصوص ... ❖ ۲۷

عَشْرَةَ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَوْمٌ مُصِيبَةٌ وَحُزْنَةٌ وَبُكَاءٌ وَ يَقُولُ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ^(ع)؛ چون ماه محرم فرا می‌رسید کسی پدرم را خندان نمی‌دید و اندوه و حزن، پیوسته بر ایشان تا روز عاشورا غالب می‌شد. آن روز، روز مصیبت، حزن و گریه ایشان بود و می‌فرمودند: امروز روزی است که حسین^(ع) در آن، شهید شده است (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۶۹؛ عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴: ۵۰۵).

علاوه بر این، تشکیل این مجالس، باعث می‌شود تا شیعیان از والاترین تربیت اسلامی برخوردار شده و در جهت حسینی شدن، رشد و پرورش یابند. در این مجالس، مردم، دیانت را همراه سیاست، از مکتب حسین بن علی^(ع) می‌آموزند. در حقیقت، مراسم عزاداری، ضامن بقای اسلام است. به همین دلیل در دوران منحوس سلاطین و پادشاهان جور، از برپایی مجالس عزای اهل بیت^(ع) به‌خصوص سالار شهیدان^(ع) جلوگیری می‌شد، چرا که برپایی این‌گونه مجالس سبب می‌شد تا سخنوران و دانشمندان متعهد و انقلابی، مردم را از ستم حکومت‌ها آگاه و انگیزه‌های قیام آن حضرت را برای مردم بازگو کنند. در این مجالس گفته می‌شد که امام^(ع) برای حفظ شرف و ناموس مردم و بزرگی مقام و مرتبه اسلام، از جان، مال و فرزند گذشتند و زیر بار خفت و خواری نرفتند، پس بیایید، ما هم با الگو گرفتن از مرام ایشان، مرگ با عزت را بر زندگی باذلت ترجیح دهیم.

آگاهی از حقیقت دین

از دیگر برکت‌های مجالس عزای سیدالشهدا^(ع) این است که بر اثر تبلیغات وسیعی که همراه این مراسم انجام می‌گیرد، آگاهی مردم نسبت به حقیقت اسلام، بیشتر شده و ارتباطشان با دین حنیف، محکم‌تر می‌شود. چه اینکه قرآن و عترت، دو وزنه نفیسی هستند که هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند. برای درک این مهم، باید امام زمان را شناخت.

امام حسین^(ع) روزی در جمع یاران به‌پا خاستند و پیرامون هدف آفرینش انسان و نقش امامت فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ... فَقَالَ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ ای مردم! خداوند، بندگان را

نیافرید مگر برای اینکه او را بشناسند.» یکی از یاران پرسید: «ای فرزند رسول خدا^(ص) معنای شناخت خداوند چیست؟» حضرت فرمودند: «شناخت خداوند به این است که مردم هر زمان، رهبر و امام خویش را بشناسند، امامی که اطاعت او بر آنان واجب است» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۹؛ مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۵: ۳۱۴).

امام رضا^(ع)، همین سخن امام حسین^(ع) را مورد تأکید قرار داده و فرمودند:

إِنَّ لَنَا عَلَيْكُمْ حَقًّا بِرَسُولِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَلَيْنَا حَقًّا بِهِ فَإِذَا أَنْتُمْ أَذَيْتُمُ إِلَيْنَا ذَلِكَ وَجَبَ عَلَيْنَا الْحَقُّ لَكُمْ؛ ما به دلیل قرابت با پیغمبر خدا^(ص)، برگردن شما حقی داریم و شما را هم به وسیله آن جناب بر ما حقی است، هرگاه شما حق ما را ادا کردید، در این صورت، ادای حق شما نیز بر ما واجب می شود (مفید، ۱۴۱۳ق ب، ج ۲: ۲۶۲؛ کمپانی، ۱۳۶۵: ۱۱۶؛ امین، ۱۴۰۳ق: ۱۹).

امام حسین^(ع) هنگام خروج از مکه فرمودند: «رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ خداوند با رضایت ما اهل بیت، خشنود می شود» (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴۴: ۳۶۷).

حضرت رضا^(ع) نیز در جمع مردم نیشابور، از پیامبر^(ص) چنین نقل کردند که خداوند می فرماید: «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي؛ کلمه لا اله الا الله دژ محکم من است. هر کس وارد آن شود، از عذاب من ایمن خواهد بود».

وقتی مردم این حدیث را نوشتند، حضرت با کمی تأمل فرمودند: «این مطلب شروطی دارد وَاَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» (صدوق، ۱۳۸۷: ج ۲: ۱۳۳-۱۳۲؛ قندوزی، ۱۳۸۵ق: ۳۶۴).

این جمله به عنوان پذیرش ولایت حضرت معنا شده، چیزی که اساس تفکر شیعی است. از نظر شیعه، پذیرش امامت و گردن نهادن به ولایت امامان^(ع) پس از توحید و نبوت، شرط رهایی و رستگاری است.

امام^(ع) درصدد بودند تا محبت مردم را نسبت به علویان، جهت دار و تشیع ناشی از دوستی اهل بیت^(ع) را به یک تشیع اعتقادی اصیل تبدیل کنند. بر این اساس، سوگواری عمیق امام رضا^(ع) بر امام حسین^(ع)، باعث می شد مردم هر چه بیشتر تحت تأثیر قیام عاشورا

روش‌های فرهنگی امام رضا^(ع) درخصوص ... ❖ ۲۹

و علل بروز این واقعه، قرار گیرند و به تبع آن، با حقیقت دین اسلام آشنا شوند. این کار زمانی بیشتر نمود دارد که امام رضا^(ع) از پیامبر^(ص) درخواست می‌کنند تا شاهد جنایت صورت گرفته بر اهل بیتشان باشند.

آن حضرت این‌گونه با جدّ بزرگوارشان درد دل می‌کنند:

أَيُّنَ النَّبِيِّ يَرَى مَا نَالَ عِزَّتُهُ صَرَعَى جَرَى دُمُومٍ فِي الْأَرْضِ غُدْرَانَا
أَيُّنَ النَّبِيِّ يَرَى جِسْمَ الْحُسَيْنِ عَلَى الرَّمْضَاءِ مُنْعَفِرًا بِالْأُطْفَافِ الْهَفَانَا

کجاست پیامبر^(ص) تا آنچه را که به اهل بیتش^(ع) رسیده، ببیند، در حالی که بر زمین افکنده شده، خونشان در زمین جاری گشته و به صورت آبگیرهایی درآمده است؟ کجاست پیامبر^(ص) تا بدن حسین^(ع) را ببیند در حالی که بر روی شنزار داغ کربلا، خاک آلود شده و آه و افسوس را برمی‌انگیزد؟ (بحرانی، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

پیوند با سیدالشهدا^(ع)

گریه بر حسین^(ع)، گریه شوق بوده، زیرا حماسه کربلا، شوق‌آفرین و شورانگیز است. درواقع، از یک‌طرف، نوعی پیوند با راه و روش آن حضرت تلقی می‌شود که نیروی ایمان و عقیده را از هر جهت، بسیج کرده و ناامیدی و زبونی را از انسان دور می‌کند و زیبایی مبارزه و جهاد در راه خدا را بیشتر جلوه‌گر می‌شود:

تیغ در معرکه می‌افتد و برمی‌خیزد

رقص شمشیر چه زیباست بیا تا برویم^۱

(حسین جانی، نقل از وحیدی، ۱۳۷۷: ۹۱).

از طرف دیگر، پیوند با هدف متعالی و انسان‌ساز اوست و به تعبیر امام خمینی^(ره): «گریه سیاسی است و ما ملتی هستیم که با همین اشک‌ها، سیل جریان می‌دهیم و سدهایی را که

۱. حضرت زینب^(س) در مورد وقایع دردناک روز عاشورا فرمودند: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا؛ به‌جز زیبایی چیزی ندیدم» (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴۵: ۱۱۶).

❖ در مقابل اسلام ایستاده است خرد می‌کنیم» (۱۳۷۸، ج ۱۳: ۱۵۶).

گریه ابراهیم^(ع) بر سیدالشهدا^(ع)، پیوند با ایشان بود که منجی اسماعیل^(ع) از قربانی شدن بودند. امام رضا^(ع) در تفسیر آیه شریفه «وَقَدْ يَنْتَاهُ بِذَنْجٍ عَظِيمٍ» و او را در ازای قربانی بزرگی باز رها کردیم» (صفات / ۱۰۷) فرمودند:

..خداوند هنگام قربانی کردن اسماعیل^(ع) به ابراهیم^(ع) فرمود: ای ابراهیم! ^(ع) طایفه‌ای از امت پیامبر^(ص)، فرزند او، حسین^(ع) را مانند بره‌ای ذبح می‌کنند و با این کار، مستوجب غضب من می‌شوند. پس فریاد و فغان ابراهیم^(ع) بلند شد و شروع به گریه کرد. در این حال، خداوند به وی فرمود: ای ابراهیم! ^(ع) جزع و فغان تو را فدای اسماعیل^(ع) قرار دادم مانند آنکه اسماعیل^(ع) را به دست خودت فدا کرده‌ای، چون بر حسین^(ع) و قتل او گریه کردی و به دلیل همین ناراحتی، برای تو بلندترین درجه کسانی را که ثواب دادم واجب گردانیدم و این، تفسیر قول حق تعالی است که می‌فرماید: وَقَدْ يَنْتَاهُ بِذَنْجٍ عَظِيمٍ (صدوق، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۸۲).

بنابراین اشکی که از چشمان عاشقان سیدالشهدا^(ع) جاری می‌شود، علاوه بر ازدیاد مهر و محبت و مودت نسبت به خاندان رسالت، موجب یی‌زاری از دشمنان آن حضرت نیز می‌شو و نشان‌دهنده تنفر شدید از تکیه ناحق آنان بر مسند حکومت است.

محشور شدن با امام حسین^(ع)

آن حضرت، با برشمردن گریه بر مصائب کربلا، به‌عنوان یکی از راه‌های محشور شدن با سالار شهیدان^(ع)، به ریان بن شیب فرمودند:

اگر از اینکه در درجه‌های عالی بهشت با ما باشی، خوشحال می‌شوی، پس به سبب اندوه ما، اندوهناک شو و در شادی ما، شادمان باش و بر تو باد که ولایت ما را از دست نگذاری! قُلُوا أَنْ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لِحَشْرَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ چرا که اگر مردی، دوستدار سنگی باشد، خداوند متعال در روز قیامت، او را با آن سنگ، محشور می‌کند (همان، ج ۲: ۲۶۹).

روش‌های فرهنگی امام رضا^(ع) درخصوص ... ❖ ۳۱

وقتی دوستی با سنگ، باعث محسور شدن عاشق با آن می‌شود، در این صورت، دوستی و عشق به امام حسین^(ع) که سرور جوانان اهل بهشت هستند چه نتیجه‌ای دارد؟!

آمزش گناهان

گریه بر سیدالشهدا^(ع) از بین‌برنده گناهان و موجب غفران الهی است. ریان‌بن شیب از امام رضا^(ع) روایت کرد که فرمودند:

يَا بْنَ شَيْبٍ! إِنْ بَكَيتَ عَلَى الْحُسَيْنِ^(ع) حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعَكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا؛ قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا؛ إِيْ بِسْرِ شَيْبٍ! إِنْ بَكَيتَ عَلَى الْحُسَيْنِ^(ع) أَنْ قَدَّرَ غَرِيهَ كُنِيْ كَهَ اشْكِهَاتِ بِرَ چهره‌ات جاری شود، خداوند همه گناهانی را که مرتکب شده‌ای می‌آمرزد، کوچک باشد یا بزرگ، کم باشد یا زیاد (همان، ۱۳۶۲: ۱۱۲).

در جایی دیگر فرمودند: «فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ؛ گریه‌کنندگان باید بر کسی همچون حسین^(ع) گریه کنند، زیرا گریستن بر او، گناهان بزرگ را فرو می‌ریزد» (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴۴: ۲۸۳).

رهایی از هول و هراس روز قیامت

امام رضا^(ع) با بیان این مسئله که: «مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا فَبَكَى وَأَبَكَى لَمْ تَبْكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعَيْنُ؛ هر کس از مصائب ما یاد کند، بگرید و بگریاند، چشمش در آن روز که چشم‌ها (از بیم عذاب‌ها، سؤال‌ها و هیبت مجازات‌ها) گریان می‌شود، گریان نشود» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۰۸؛ صدوق، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۱۴)، فرمودند: «مَنْ كَانَ عَاشُورَاءُ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ فَرَجِهِ وَ سُرُورِهِ؛ هر کس عاشورا را روز مصیبت خویش قرار دهد، خداوند تبارک و تعالی، روز قیامت را روز گشایش و خوشحالی او قرار می‌دهد» (همان: ۲۹۸).

آن حضرت، شرکت در مراسم عزاداری ائمه^(ع) را باعث زنده شدن دل‌ها در روز قیامت دانسته و فرمودند: «هر کس در مجلسی بنشیند که امر ما را در آن مجلس، زنده بدارند، در روزی که دل‌ها می‌میرند، قلبش نمیرد» (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۲۵۷).

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، یکی از سیاست‌های ثابت و تغییرناپذیر امامان معصوم^(ع) بعد از شهادت سالار شهیدان^(ع)، احیای این نهضت بود. تأکید آنان بر عزاداری برای سیدالشهدا^(ع)، ذکر فضائل و زیارت آن حضرت، از عاشورا مشعلی جاویدان ساخت و کربلا را به‌صورت بزرگ‌ترین دژ مقاومت اسلامی در برابر کفر، نفاق و بیداد درآورد. امروزه با استفاده از سیره ائمه هدی^(ع)، عاشورای حسینی، سمبل بیداری اسلامی و راه‌رهایی مظلومان جهان از سلطه مستکبران شناخته می‌شود. اگرچه در طول تاریخ، از سوی کوردلان تلاش‌هایی برای فراموشی نام حسین^(ع) و خاموشی این مشعل هدایت صورت گرفته است، اما علی‌رغم این تلاش‌های مذبوحانه که نشان از وحشت آنان از جوشش خون پاک حسینی در رگ‌های نسل جوان دارد، هر زمان، گرایش به‌سوی عاشورا و محرم، افزون‌تر و گسترده‌تر و دل‌های مظلومان جهان، شیدای سیدالشهدا^(ع) می‌شود.

سیره امام رضا^(ع) درخصوص سالار شهیدان^(ع) باعث عمیق‌تر شدن اعتقاد دینی مردم این مرز و بوم نسبت به واقعه کربلا و الهام‌پذیری از این رویداد بزرگ بشری شد، طوری‌که امروزه هر اجتماعی به‌منظور بزرگداشت مصیبت آن بزرگوار، یادآور امام رضا^(ع) است که با وسیله قرار دادن این اجتماع‌ها در اثنای زندگی اجتماعی خود به‌منظور تعلیم قرآن و اهل بیت^(ع) به مردم از طریق نقل وقایع کربلا، چنین سستی را پایه‌گذاری کردند.

نتیجه‌گیری

با وجود آنکه در میان حوادثی که در طول تاریخ به وقوع پیوسته، هیچ حرکتی، نمود، پویایی و برجستگی قیام عاشورا را ندارد، اما آنچه بیش از همه، باعث شده تا خون و پیام این رویداد عظیم تاریخی برای همیشه، پرفروغ و سازنده بماند و بر تارک تاریخ بشریت بدرخشد، سیره فرهنگی ائمه اطهار^(ع) در زنده نگه‌داشتن و احیای فرهنگ آن است. به همین دلیل، علی‌رغم اینکه این نهضت، در سرزمینی محدود، زمانی کوتاه و با فداکاری افراد معدودی رخ داد، ولی توانست الگویی عملی برای آزادمردان جهان، ارائه کند.

روش‌های فرهنگی امام رضا^(ع) درخصوص ... ❖ ۳۳

❖ سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۳

هر چند ائمه^(ع) در محدودیت‌های شدید خلفای اموی و عباسی به سر می‌بردند، اما با موضع‌گیری‌های مناسب، توانستند از فرهنگ عاشورا و دستاوردهای ارزشمند آن به‌صورت شایسته، پاسداری کنند و راه حماسه‌آفرینان کربلا را تداوم بخشند.

این نوشتار نشان داد که حضرت رضا^(ع) برای زنده نگه‌داشتن یاد و راه سیدالشهدا^(ع)، روش‌ها و رویکردهای فرهنگی خاصی داشتند و در این زمینه، اقدام‌های مهمی انجام دادند، ازجمله: تبیین جایگاه والای امام حسین^(ع) در میان سایر ائمه^(ع)، ابراز تنفر از قاتلان آن حضرت، تبیین نتایج بی‌حرمتی و احترام نسبت به عاشورا، ترغیب شاعران به مرثیه‌سرایی بر سالار شهیدان^(ع)، توصیه به روزه‌داری در اول ماه محرم، توصیه به زیارت قبر آن حضرت و تعیین زمان‌ها و دعا‌های مخصوص برای آن و تبیین نتایج این زیارت مانند: رسیدن به قرب الهی، برخورداری از شفاعت، محاسبه شدن به‌عنوان حج، تقدیس سالار شهیدان^(ع)، برپایی سوگواری و بیان نتایج آن همچون: حفظ دستاوردهای نهضت عاشورا، آگاهی از حقیقت دین، پیوند با سیدالشهدا^(ع)، آمرزش گناهان و رهایی از هول و هراس روز قیامت.

بنابراین به تدبیر می‌توان دریافت که امام هشتم^(ع)، همان مبارزه درازمدت اهل بیت^(ع) را که در همه اعصار بعد از عاشورا استمرار داشته با همان جهت‌گیری و همان اهداف ادامه داده‌اند.

منابع و مأخذ

قرآن كريم

- ابطحی، سيد مرتضى، (١٤١٦ق). *الشيعة في أحاديث الفريقين*. الطبعة الأولى، قم: امير.
- ابن شهر آشوب مازندراني، أبو جعفر محمد بن علي، (١٤٠٥ق). *مناقب آل أبي طالب*^(١). بيروت: دار الأضواء.
- ابن طاووس، علي بن موسى، (١٤٠٩ق). *إقبال الأعمال*. چاپ دوم، تهران: الإسلامية.
- ابن قولويه، جعفر بن محمد، (١٣٥٦). *كامل الزيارات*. با تصحيح عبدالحسين امينى، چاپ اول، نجف: دارالمرتضويه.
- اربلى، علي بن عيسى، (بى تا). *كشف الغمة في معرفة الأئمة*. با ترجمه فارسي آن به نام (ترجمة المناقب)، تأليف علي بن حسين زواربي، قم: ادب الحوزة.
- استرآبادي، علي، (١٤٠٩ق). *تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العتره الطاهره*. محقق و مصحح استاد ولي حسين، چاپ اول، قم: الإسلامى.
- اصفهانى، أبو الفرج، (بى تا). *الأغانى*. محقق سمير جابر، الطبعة الثانية، بيروت: دار الفكر.
- الغازي، داود بن سليمان، (١٤٠٣ق). *مسند الإمام الرضا*^(٢). الطبعة الأولى، بيروت: الإعلام الإسلامى، مركز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامى.

روش‌های فرهنگی امام رضا^(ع) درخصوص ... ❖ ۳۵

- امین، سیدمحسن، (۱۴۰۳ق). *أعيان الشيعة*. محقق حسن امین. بیروت: دار المعارف للمطبوعات.
- بحرانی، سید هاشم‌بن سلیمان، (۱۳۸۷). *البرهان فی تفسیر القرآن*. مصحح قسم الدراسات الإسلامية البعثه، چاپ اول، قم: البعثه.
- بحرانی، عبدالرضا بن محمد الأوالی، (۱۴۲۹ق). *إيجاج الأحران فی وفات غریب الخراسان*. مصحح محمدابراهیم مالمیر، الطبعة الأولى، قم: الأنصاری.
- بهار، محمدتقی، (۱۳۶۸). *دیوان اشعار*. چاپ پنجم، تهران: توس.
- حسینی، سید علی، (۱۳۸۵). *کرامات و مقامات عرفانی امام حسین^(ع)*. تهران: نبوغ.
- حموینی شافعی، شیخ الإسلام ابراهیم‌بن محمد، (۱۳۹۸ق). *فرائد السمطين فی فضائل المرتضى والتبوتول و السبطین والأئمة من ذریتهم*. الطبعة الأولى، بیروت: المحمودی.
- خزعلی، انیس، (۱۳۸۱). *امام حسین^(ع) در شعر معاصر عربی*. چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- زمخشری، ابوالقاسم، (۱۳۸۹). *تفسیر کشاف*. مترجم مسعود انصاری، چاپ اول، تهران: ققنوس.
- سحاب، ابوالقاسم، (۱۳۴۴). *زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا^(ع)*. چاپ دوم، تهران: اسلامیة.
- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، (۱۳۶۲). *الأمالی*. تهران: اسلامیة.
- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، (۱۳۸۵). *علل الشرایع*. چاپ اول، قم: داوری.
- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، (۱۳۸۷). *عیون أخبار الرضا^(ع)*. چاپ اول، قم: پیام علمدار.
- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، (۱۴۰۴ق). *من لا یحضره الفقیه*. الطبعة الثانية، قم: منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية.
- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، (۱۴۰۷ق). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. چاپ دوم، قم: دارالشریف الرضی.
- ضیف، شوقی، (۱۴۲۷ق). *تاریخ الأدب العربی*. الطبعة الثانية، بیروت: ذوی القربی.
- طبرسی، علی بن حسن، (۱۳۸۵ق). *مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار*. چاپ دوم، نجف: المرتضویه.
- طبری، محمدبن جریر، (۱۹۷۹م). *تاریخ الرسل و الملوک*. قاهره: دار المعارف.
- طوسی، محمدبن الحسن، (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. مصحح خراسان حسن الموسوی، چاپ چهارم، تهران: اسلامیة.
- عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۳ق). *وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. چاپ ششم، تهران: اسلامیة.

- عسقلانی، ابن حجر، (۱۳۹۰ق). *لسان المیزان*. الطبعة الثانية. بیروت: للمطبوعات.
- عطایی. محمدرضا، (۱۳۸۸). *امام رضا^(ع) در آثار دانشمندان اهل سنت*. چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
- فنا نیشابوری، محمد بن أحمد، (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*. چاپ اول، قم: رضی.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، (۱۳۸۵ق). *ینایع الموده لدوی القری*. الطبعة الثامنة، قم: العراقية.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، (۱۴۰۵ق). *المصباح*. چاپ دوم، قم: دارالرضی.
- کمپانی، فضل الله، (۱۳۶۵). *حضرت رضا^(ع)*. چاپ سوم، مشهد: عرفان.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۸ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. قاهره: دار أحياء.
- مدرسی، محمدتقی، (۱۳۷۸). *امامان شیعه و جنبش های مکتبی*. مترجم حمیدرضا آژیر، چاپ اول، مشهد: مرکز الدراسات الإسلامية آستان القدس الرضوی.
- مسعودی، علی بن الحسین، (بی تا). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق الف). *المزار*. چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق ب). *المقننه*. چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.
- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۸). *صحیفه نور*. چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ره).
- نجف، محمد مهدی، (۱۴۰۶ق). *صحیفه الرضا^(ع)*. چاپ اول، مشهد: کنگره امام رضا^(ع).
- نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، (۱۴۱۱ق). *مستدرک الوسائل*. الطبعة الثانية، بیروت: آل البيت^(ع) لإحياء التراث.
- وحیدی، سیمین دخت، (۱۳۷۷). *هفتمین فصل غزل (مجموعه شعر دفاع مقدس)*. چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس.

اصول علمی و اخلاقی مناظره‌های رضوی

فریبا رضازاده کهنکی* - علیرضا فارسی‌نژاد**

چکیده

مناظره به‌عنوان سنتی با جایگاه ویژه در فرهنگ اسلام، نیازمند اصول^۱ و مبادی خاصی بوده که لازمه موفقیت در آن، فراگیری و رعایت این اصول و موازین است. در یک نگاه، این اصول به دو دسته علمی و اخلاقی تقسیم می‌شوند: اصول علمی، مهارت‌ها و علومی است که مناظره‌کننده باید پیش از ورود به عرصه مناظره، به آنها مجهز باشد. اما صرف مجهز بودن به علوم لازم و رعایت نکات فنی در ارتباط با هر گفتگو کافی نیست، بلکه رعایت اصول اخلاقی نیز برای اثرگذاری در طرف مقابل و احیاناً شنوندگان لازم است. در این راستا و با هدف ارائه الگویی کاربردی، سه اصل علمی استفاده از جدال احسن، بهره‌گیری از استدلال عقلی و پرهیز از مغالطه و سه اصل اخلاقی رعایت ادب، پرهیز از نقاد شخصیت افراد و پرهیز از ستیزه‌جویی و تعصب، به‌عنوان مهم‌ترین اصولی که امام هشتم^(ع) ملتزم به رعایت آنها بودند، تبیین شده است.

واژه‌های کلیدی

مناظره، اصول مناظره، اصول علمی، اصول اخلاقی، امام رضا^(ع)

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۲/۲۹

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

farezazade@yahoo.com

** استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه شیراز

alifarsi@shirazu.ac.ir

۱. منظور از اصل در اینجا، مواردی بوده که در تمام مناظره‌ها رعایت شده است و تنها مربوط به شرایط خاص و برخی مناظره‌ها نیست.

❖ مقدمه

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۲

مناظره و تبادل فکر و نظر در احکام و اعتقاد دینی به عنوان ابزاری کارآمد در تبلیغ و دفاع از دین تلقی می شود. از این روست که خدای متعال، پیامبر^(ص) را بدان فرامی خواند:

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ بِأَحْكَمِ وَانْدِرْزْ نِیْکُو بَه رَاهِ پُروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای (نحل / ۱۲۵).

رسول خدا^(ص) و ائمه معصومین^(ع) نیز به زیبایی از آن بهره می گیرند. در این میان نباید از دوسویه بودن این ابزار غافل شد، یعنی در عین تأثیر عمیقی که در پرتو رعایت اصول لازمه می تواند داشته باشد، عمل نکردن به اصول ضروری آن، نتیجه عکس به دنبال خواهد داشت. لذا پیش شرط موفقیت در بحث و مناظره، پیروی از اصول آن است.

در رابطه با اینکه چه اصولی می تواند کارگشا باشد، بهترین کار، مراجعه به مناظره‌های معصومین^(ع) و استخراج مبناهایی است که ایشان بدان تمسک جسته‌اند. در میان ائمه معصومین، امام رضا^(ع)، مناظره‌های زیبایی با علمای سایر ادیان و مذاهب از خود به یادگار گذاشته‌اند که منبعی بسیار ارزشمند محسوب می شود. نوشتار پیش رو درصدد بررسی و تبیین برخی از اصول علمی و اخلاقی این مناظره‌ها است.

اصول علمی^۱ مناظره‌های امام رضا^(ع)

۱. اصل بهره‌گیری از شیوه برهان

مناظره‌کننده باید نسبت به استدلال‌های منطقی آگاهی داشته باشد (خزائلی، ۱۳۸۲: ۷۶) و خود را ملزم به بهره‌گیری از شیوه‌های منطقی سالم بداند که عبارت‌اند از:

- ارائه دلایل مثبت و مرجح برای اثبات مدعا؛
- اثبات صحت آنچه بیان می شود.

۱. مراد از علم در اینجا، معنای عام آن است که شامل فلسفه نیز می شود، نه معنای خاص آن (ساینس) که مقابل فلسفه است.

در باب «آداب بحث و مناظره» قاعده مشهوری است که بیان می‌دارد: «إن كنت ناقلاً فالصحة، أو مدعياً فالدليل» (چونکه‌المیدانی، ۱۴۱۹ق: ۳۶۵)، زیرا از مهم‌ترین امور موفقیت در مناظره، ارائه دلیل و برهان است. برای مناظره‌گر پسندیده نیست که دلایل ضعیف و حجت‌های واهی به کار گیرد. پس دو دلیل قوی که امکان رد آنها نباشد بهتر است از چند دلیل که امکان داشته باشد آنها را بپذیرند یا رد کنند، زیرا در این صورت چه‌بسا فرد مقابل به غلو دست بزند و کل افکار فرد را ضعیف معرفی کند.

نکته دیگر پس از رعایت این الزام‌ها، توجه به تناسب دلالت سخن بر مطلوب است که در این مرحله باید دلایل بر حسب قوت و صراحت در بیان مطلوب، مرتب شوند (کامل، بی تا: ۲۰).

شیوه امام رضا^(ع) در مناظره‌هایشان نیز به همین صورت است، زیرا هیچگاه اعتقادهای اسلام را برای فرد مقابل حق بالفعل فرض نکردند، در مناظره‌های خود به دنبال برتری‌جویی نبودند و با استفاده از شیوه‌های برهانی به اثبات حقانیت اعتقادهای اسلامی می‌پرداختند، زیرا بدون برهان عقلی نمی‌توان تناقض بین ادیان را رفع کرد. بخش‌هایی از مناظره‌ها که مشتمل بر نوعی برهان است، با توضیح نوع استدلال آن در ادامه بیان می‌شود:

برهان عقلی بر وجود خداوند

امام رضا^(ع) در پاسخ به فردی زندیق که برای وجود خدای متعال دلیل می‌خواهد، این‌گونه برهان می‌آورند:

إِنِّي لَمَّا نَظَرْتُ إِلَى جَسَدِي فَلَمْ يُمَكِّنِي زِيَادَةُ وَلَا تُقْصَانُ فِي الْعَرْضِ وَالطَّوْلِ وَدَفْعُ الْمَكَارِهِ عَنْهُ وَجَرُّ الْمَنْفَعَةِ إِلَيْهِ عَلِمْتُ أَنَّ لِهَذَا الْبَشَرِ بَانِيًا فَأَقَرَرْتُ بِهِ مَعَ مَا أَرَى مِنْ دَوْرَانِ الْفَلَكَ بِقُدْرَتِهِ وَإِنْشَاءِ السَّحَابِ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَمَجْرَى الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنُّجُومِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ الْعَجَائِبِ الْمُتَقَنَّاتِ عَلِمْتُ أَنَّ لِهَذَا مُقَدِّرًا وَمُنْشِئًا؛ وَتَقَى بِهِ جَسَدِي مِمَّنْ نَكْرَمُ وَبِهِ بَيْنِي نَمِي تَوَانِمُ فِي طَوْلٍ وَعَرْضٍ، چيزی از آن کم کنم یا بر

❖ ۴۰ فرهنگ رضوی

آن بیفزاییم، سختی‌ها را از آن دفع کنم و چیزی به سود آن انجام دهم، می‌فهمم که این ساختمان، بناکننده‌ای دارد و به او معتقد می‌شوم، مضافاً به اینکه دَوْران فلک را به امر و قدرتش و ایجاد شدن ابرها، گردش باده‌ها، حرکت ماه و خورشید و ستارگان و سایر آیات عجیب و متقن الهی را می‌بینم، پس می‌فهمم که اینها همه تقدیرکننده و ایجادکننده‌ای دارد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۹۶؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، باب ۱۱، ج ۱: ۱۳۲).

حضرت، با بیان پیچیدگی‌های وجود انسان و سایر اجزای هستی و ناتوانی انسان از ایجاد این پیچیدگی‌ها، حکم به معلول بودن اینها و وجود یک علت می‌کنند که این علت همان خداوند تبارک و تعالی است.

برهان عقلی بر حدوث عالم

فردی از امام^(ع) در مورد حدوث عالم می‌پرسد: «يَا اَبْنَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) مَا الدَّلِيلُ عَلَى حُدُوثِ الْعَالَمِ؟ ای زاده رسول خدا (ص)، چه دلیلی بر حدوث عالم است؟» حضرت می‌فرماید: «أَنْتَ لَمْ تَكُنْ ثُمَّ كُنْتَ وَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّكَ لَمْ تُكُنْ نَفْسَكَ وَلَا كَوْنَكَ مَنْ هُوَ مِثْلَكَ؛ اینکه تو نبودی سپس به وجود آمدی، این را نیک می‌دانی که تو خودت را ایجاد نکردی و نه کسی که مانند خودتوست تو را به وجود آورده است» (همان: ۱۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳: ۳۶).

در این احتجاج، احتمال آفرینش فرد به وسیله خودش و کسی مانند خودش، رد می‌شود، سپس راهی باقی نمی‌ماند جز ایجاد به واسطه موجودی دیگر که خدای متعال است. ارتباط این سخن امام^(ع) با اثبات حدوث عالم به این نحو است که با اثبات حدوث جزئی از عالم و نظر به این قاعده که مرکب تابع احکام اجزاء بوده، حدوث کل عالم نیز قابل اثبات است.

ارائه برهان به شیوه حصر عقلی

حصر عقلی آن است که پاسخ قضیه‌ای به استدلال عقلانی از چند حالت معین خارج

نباشد و مخاطب ملزم به پذیرش یکی از آن حالت‌ها باشد (جرجانی، ۱۴۱۳ق: ۵۳؛ عجم، ۲۰۰۴م، ج ۲: ۱۷۱)، درحالی‌که پذیرش هر یک از آنها به شکست می‌انجامد.

امام رضا^(ع) در مناظره با بزرگان ادیان، چندین بار از این شیوه بهره گرفتند، مانند زمانی که ایشان نام پیامبر اسلام^(ص) و اهل بیت^(ع) را از انجیل قرائت و سپس به جاثلیق فرمودند:

مَا تَقُولُ يَا نَصْرَانِي هَذَا قَوْلُ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ^(ع) فَإِنْ كَذَبْتَ بِمَا يُنْطِقُ بِهِ الْإِنْجِيلُ فَقَدْ كَذَبْتَ مُوسَى وَ عِيسَى^(ع) وَ مَتَى أَنْكَرْتَ هَذَا الذِّكْرَ وَجَبَ عَلَيْكَ الْقَتْلُ لِأَنَّكَ تَكُونُ قَدْ كَفَرْتَ بِرَبِّكَ وَ نَبِيِّكَ وَ كِتَابِكَ؛ حال چه می‌گویی ای نصرانی؟ این عین گفتار حضرت مسیح^(ع) است، اگر مطالب انجیل را تکذیب کنی، موسی و عیسی^(ع) را تکذیب کرده‌ای و اگر این مطلب را منکر شوی، قتل واجب است، زیرا به خدا، پیامبر^(ص) و کتاب کافر شده‌ای (صدوق، ۱۳۷۸ق، باب ۱۲، ج ۱: ۱۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ۳۰۲).

امام^(ع) در این بخش از مناظره، جاثلیق را در دوراهی پذیرش کلام ذکرشده از زبان حضرت عیسی^(ع) یا تکذیب آن قرار می‌دهند. واضح است که پذیرش راه اول منتهی به پذیرش نبوت حضرت محمد^(ص) می‌شود و انتخاب راه دوم مسلماً منتهی به تکذیب پیامبری حضرت موسی و عیسی^(ع) است، زیرا دو بزرگوار، این کلام را در کتاب‌هایشان آورده‌اند و تکذیب آنها هم منجر به حکم کفر جاثلیق خواهد شد و مشاهده می‌کنیم که جاثلیق راه اول را ترجیح می‌دهد و با گفتن: «أَلَا أَنْكِرُ مَا قَدْ بَانَ لِي فِي الْإِنْجِيلِ وَإِنِّي لَمُقِرٌّ بِهِ؛ مطلبی را که از انجیل برایم روشن شود انکار نمی‌کنم، بلکه بدان اذعان دارم» (صدوق، ۱۳۷۸ق، باب ۱۲، ج ۱: ۱۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ۳۰۲)، بر صحت مطالب گفته‌شده از انجیل مبنی بر وجود نام حضرت محمد^(ص) و اهل بیت^(ع) در این کتاب اعتراف می‌کند.

۲. اصل استفاده از شیوه جدال احسن

واژه جدال از ریشه جدل است که دارای معانی متعددی است: به خاک انداختن (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶: ۷۹)، شدت دشمنی و در این معنا، مجادله یعنی دشمنی و دفاع کردن

(طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۳۳۶)، بسیار تاییدن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۹۶)، شیوه‌ای در گفتگو و استدلال (همان: ۱۰۷) و آوردن حجت در برابر حجت (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۳۳۶). علامه طباطبائی^(ره) در مورد معنای لغوی و اصطلاحی این واژه می‌نویسد: «اصل این واژه از «جَدَلْتُ الْحَبْلَ» گرفته شده که به معنای «تاییدن محکم طناب» است و اگر جدال را هم جدال می‌گویند به این اعتبار است که نزاع در آن از ناحیه پیچیدن از مذهبی به مذهب دیگر برخاسته می‌شود» (۱۴۱۷ق، ج ۹: ۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۷۶۸).

راغب اصفهانی نیز در مورد معنای اصطلاحی آن بیان می‌دارد که جدال در اصطلاح به معنای مباحثه مبتنی بر نزاع و برتری‌طلبی است و در آن هر یک از دو طرف مجادله، سعی دارند یکدیگر را از دیدگاه‌های سابق خود منصرف کنند (۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۸۹-۱۹۰). در علم منطق چیزی به اسم جدال احسن وجود ندارد تا به تبیین ویژگی‌های آن از این علم بپردازیم. اگرچه در باب آداب جدل به برخی از ویژگی‌هایی آن اشاره شده است اما این اصطلاح صرفاً در قرآن ذکر شده، پس برای فهم ویژگی‌های آن باید به تفاسیر مراجعه کرد.

گذری بر اقوال مفسران، ذیل آیاتی که به جدال احسن توصیه کرده‌اند، ما را به پنج ویژگی که مجادله‌ای را به جدال احسن تبدیل می‌کند، رهنمون می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. بالاترین و بهترین مناظره آن است که از نظر عقل، فرد مقابل را وادار به پذیرش کند (حبنکه‌المیدانی، ۱۴۱۹ق: ۳۶۳) یا اینکه موافق طبع او باشد تا بپذیرد و ممکن است هر دو معنی مقصود باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۴۴۹).

۲. به اندازه قدرت فهم و تحمل طرف مقابل با وی بحث و گفتگو کرد، نه بیشتر^۱ (همان، ج ۶: ۶۰۵؛ حسن، ۱۴۲۱ق: ۳۵).

۳. روشی که نتیجه‌بخش‌تر و سودمندتر باشد. این ویژگی با موارد استعمال عبارت

۱. امام صادق^(ع) در روایتی، بهره‌گیری خدای متعال از جدال احسن در آیات ۸۱-۷۸ سوره یس را یادآور می‌شوند و سپس می‌فرمایند: «این است معنای مجادله احسن که به شبهه مخالف و اعتراض طرف، طوری که مطابق فهم اوست پاسخ داده شده و بطلان حرف او از راه حق آشکار شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۱۲۶).

«نیکوترین روش» در قرآن کریم تناسب دارد، چنان‌که خدای متعال می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ؛ و به مال یتیم جز به‌نحوی [هر چه نیکوتر] نزدیک مشوید تا به حد رشد خود برسد» (انعام/ ۱۵۲).

بدین معنا که باید به‌گونه‌ای، به مال یتیم نزدیک شوید که برای او سودمندتر باشد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۸: ۶۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۵۹۴).

۴. مجادله‌کننده از نظر فکر به فرد مقابل نزدیک باشد، به این معنا که هر دو علاقه‌مند به روشن شدن حق باشند، در نتیجه هر دو با کمک یکدیگر حق را روشن سازند و تعصب و لجاجت به خرج ندهند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۳۸؛ حبنکه‌المیدانی، ۱۴۱۹ق: ۳۶۱ و ۳۶۳). همان‌گونه که به پیامبر^(ص) یاد داده شد در مناظره با مشرکان این‌گونه بگویند: «وَأِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ و در حقیقت یا ما یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم» (سبأ/ ۲۴)؛ با اینکه بر اساس «إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي؛ من از جانب پروردگارم دلیل آشکاری [همراه] دارم» (انعام/ ۵۷)، به یقین، حق با ایشان بود و دیگری بر باطل، ولی پیامبر^(ص) نسبت به نظرشان تعصب به خرج نداده و این‌گونه سخن گفتند (حبنکه‌المیدانی، ۱۴۱۹ق: ۳۶۴؛ جوادی‌آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۴۷۳).

۵. با درشت‌خویی، طعنه، اهانت یا مسخره کردن و استهزاء همراه نباشد، زیرا این امور باعث ایجاد کینه و دشمنی می‌شود (حسن، ۱۴۱۵ق: ۳۴؛ حسینی‌همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲: ۳۵۶)، بلکه همراه با ادب، تهذیب (حبنکه‌المیدانی، ۱۴۱۹ق: ۳۶۲) و نرمی و سازش (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۳۸ ذیل آیه ۴۶ سوره عنکبوت؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۴۴؛ اندلسی ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۶: ۶۱۳؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴: ۱۳۱) باشد.

در مورد عقلانی بودن مناظره، یعنی به‌نحوی که طرف مقابل از نظر عقلی استدلال را بپذیرد، باید گفت این مشخصه ازجمله ویژگی‌هایی است که به وضوح در مناظره‌های امام رضا^(ع) مشاهده می‌شود، زیرا اعتراف و پذیرش جاثلیق-عالم بزرگ مسیحیان- رأس‌الجالوت-عالم بزرگ یهودیان-عمران صابی و فرد زندیق در جایی که از نظر استدلال

عقلی نمی توانستند پاسخگو باشند، دیده می شود. اگرچه با نگاهی بر مناظره ها، تنها شاهد اسلام آوردن تعداد کمی از این افراد هستیم، اما اسلام نیاوردن دیگران با وجود اینکه از نظر عقلی سخنان و ادله امام^(ع) را پذیرفتند، شاید حاصل عناد آنها یا به خاطر حفظ جایگاهشان بود.

در ادامه، به اعتراف جاثلیق مسیحی اشاره می شود:

در مناظره ای که امام^(ع) با جاثلیق دارند برای رد خدایی حضرت عیسی^(ع) از وی می پرسند: «مَا أَتَّكَّرْتَ أَنَّ عِيسَى^(ع) كَانَ يُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ؛ چرا قبول نداری که عیسی^(ع) با اذن خدا، مرده ها را حیات می بخشید؟» جاثلیق، معجزه های حضرت را دلیل خدا بودن و شایسته پرستش بودن ایشان می داند (صدوق، ۱۳۷۸ق، باب ۱۲، ج ۱: ۱۵۹؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۱۹).

حضرت با فراست تمام این فرصت را مغتنم می شمردند و از معجزه های سایر پیامبران^(ع) سخن گفته و می فرمایند:

فَإِنَّ الْيَسَعَ قَدْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صَنَعَ عِيسَى^(ع) مَشَى عَلَى الْمَاءِ وَأَحْيَا الْمَوْتَى وَأَبْرَأَ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ فَلِمَ لَا تَتَّخِذُهُ أُمَّتَهُ رَبًّا؟ وَلَمْ يَعْبُدْهُ أَحَدٌ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ وَلَقَدْ صَنَعَ حَزَقِيلُ النَّبِيُّ مِثْلَ مَا صَنَعَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ...؛ «یسع»^(ع) نیز اعمالی مانند کارهای عیسی^(ع) انجام می داد، روی آب راه می رفت، مرده را حیات می بخشید و نابینا و بیمار پیری را شفا می داد، ولی امتش او را خدا ندانسته و هیچ کس وی را پرستش نکرد. «حزقیل» پیامبر^(ع) نیز مثل عیسی بن مریم^(ع) مرده زنده کرد و... (همان).

سپس امام^(ع) یک به یک معجزه سایر انبیاء را ذکر و فرمودند:

وَكُلُّ شَيْءٍ ذَكَرْتَهُ لَكَ مِنْ هَذَا لَا تَقْدِرُ عَلَى دَفْعِهِ لِإِنَّ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ قَدْ نَطَقَتْ بِهِ فَإِنْ كَانَ كُلُّ مَنْ أَحْيَا الْمَوْتَى وَأَبْرَأَ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَالْمَجَانِينَ يَتَّخِذُ رَبًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاتَّخِذْ هَؤُلَاءِ كُفْهَمُ أَرْبَابًا مَا تَقُولُ يَا نَصْرَانِي؟؛ هیچ یک از مواردی را که برایت ذکر کردم نمی توانی رد کنی، زیرا همگی مضمون آیاتی از تورات،

❖ ۴۵ اصول علمی و اخلاقی مناظره‌های...

انجیل، زیور و قرآن است، اگر هر کس که مرده زنده می‌کند و ناینیان و مبتلایان به پیسی و دیوانگان را شفا می‌دهد، خدا باشد، پس اینها را هم خدا بدان، چه می‌گویی؟ (صدوق، ۱۳۷۸ق، باب ۱۲، ج ۱: ۱۶۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۱۹).
جاثلیق که در بن بست عقلی ایجاد شده توسط امام^(ع) گرفتار شده بود گفت: «الْقَوْلُ قَوْلُكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، بله، حرف، حرف شماست، معبودی جز الله نیست!» (همان؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، باب ۱۲، ج ۱: ۱۵۹-۱۶۱).

شیوه حضرت در مناظره با افراد از ادیان مختلف با استفاده از مستندهای کتاب‌های آنها، همان مناظره در حد فهم طرف مقابل است و از نظر نتیجه‌بخشی همین بس که ایشان پیروز همه مناظره‌ها بودند و موجب ایمان آوردن برخی از مناظره‌کنندگان شدند.
با مروری بر مناظره‌های ایشان درمی‌یابیم که در هیچ‌یک از آنها حتی کمترین توهین یا درشت‌خویی و طعنه نسبت به طرف مقابل نشده است و با مشاهده عبارت‌هایی چون: «أَفَهَيْتَ يَا عِمْرَانُ» (صدوق، ۱۳۷۸ق، باب ۱۲، ج ۱: ۱۷۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۲۵)، به روح نرم و سازش حاکم بر مناظره‌های ایشان پی می‌بریم.

۳. اصل پرهیز از مغالطه

واژه مغالطه از ریشه «غَلَطَ» به معنای به‌واسطه چیزی، دیگری را از شناخت وجهه صحیح آن ناتوان کردن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۳۶۳) یا به عبارت دیگر وجهه صحیح را اشتباه جلوه دادن (طریحی، ۱۳۷۵ق، ج ۳: ۳۲۳)، گرفته شده است.
در اصطلاح اهل منطق، مغالطه، قیاس فاسدی است که نتیجه صحیح نمی‌دهد و فساد آن یا از جهت مواد اولیه آن یا از جهت صورت استدلال یا هر دو است (طوسی، ۲۵۳۵: ۵۱۵؛ شهرزوری، ۱۳۷۲: ۱۳۹).

مواد این نوع استدلال نیز یا از وهمیات^۱ است یا از مشبهات^۲.

۱. وهمیات، قضایای کاذبی هستند که قوه خیال انسان، شدیداً آنها را تصدیق می‌کند و انسان، ضد یا مقابل آنها سؤال نمی‌کند مگر پس از اقامه برهان، مثل ترس از مرده (ابن سینا، ۱۳۵۳: ۱۱۷؛ مظفر، ۱۳۷۳: ۳۴۸).

استدلال مغالطی، نوعی استدلال مذموم و ناپسند بوده، زیرا کار آن، باطل کردن حق و حق جلوه دادن باطل است (خوانساری، ۱۳۸۶، ج ۱ و ۲: ۳۸۸).
بررسی بی‌طرفانه مناظره‌های امام رضا^(ع) با افراد مختلف، ما را به این نتیجه سوق می‌دهد که ایشان در هیچ‌یک از گفتگوها و مناظره‌هایشان از مغالطه استفاده نکردند، هرچند افراد مقابل در موارد متعددی دچار مغالطه شدند.^۱

اصول اخلاقی مناظره‌های امام رضا^(ع)

۱. اصل رعایت ادب

ادب عبارت است از نیکی رفتار و گفتار در نشست و برخاست، خوش‌خویی و گرد آمدن خوی‌های نیک (گوهرین، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۲۶).
منظور از بزرگداشت ادب در مناظره این است که فقط از آنچه مختص بحث باشد، سخن بگوییم. خود را به چیزی مشغول کنیم که نفعی در آن است، جایگاه فرد مقابل را حفظ کنیم و به‌خاطر اشتباه در شیوه یا دلیل، تحقیر نکنیم (جوینی‌شافعی، ۱۴۲۰ق: ۳۲۵ – ۳۲۴). به سخنان فرد مقابل به‌طور کامل گوش دهیم و سخن نگوئیم، مگر زمانی که سخنان وی تمام شده باشد، زیرا پیشی گرفتن بر طرف مقابل در سؤال و جواب قبل از اینکه سخنش تمام شده باشد، از یک‌طرف موجب خلط مباحث و از طرف دیگر موجب برانگیختن خشم وی می‌شود.

ادب اقتضا می‌کند فرد صدایش را بیش از حد متعارف بالا نبرد، زیرا این عمل بیانگر ضعف و مغلوب شدن اوست. حالت پسندیده، ادای کلام به‌صورت قوی و خالی از هرگونه تردید، آشفتگی و ضعف است. تأثیر سخن با صدای آرام و با طمأنینه بسیار بیشتر

۲۴. مشبهات، قضایایی هستند که کذب محض‌اند، اما در اثر مشابهت آنها با یقینیات یا مشهورات، مورد اعتماد و تصدیق واقع می‌شوند و گمان می‌شود حق یا مشهور یا مسلم هستند (ابن‌سینا، ۱۳۵۳: ۱۲۵) و این مشابهت بیشتر به دلیل استفاده از اشتراک‌های لفظی است (همان: ۲۵۲).

۱. برای مشاهده نمونه‌ای از مغالطه‌های طرف مقابل نک: صدوق، ۱۳۷۸ق، باب ۱۲، ج ۱: ۱۶۷ و باب ۵۶، ج ۲: ۲۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ۳۰۹.

از سخن گفتن با داد و فریاد است (حسن، ۱۴۱۵ق: ۳۵-۳۴؛ عصیری، ۱۳۸۹: ۶۴).

همچنین از به‌کار بردن عبارت‌های ناشایست خودداری کند، زیرا سخن منطقی، نیازی به الفاظ ناشایست ندارد و بهتر است قبل، بعد و حین مناظره، روح محبت، مودت و برادری بر فضا حاکم باشد، زیرا طرفین در مسئله مورد بحث به‌عنوان مشاور و ناصح برای هم هستند و چه‌بسا در مسئله علمی یا عملی بین آنها اختلاف ایجاد شود، در حالی که برادری و دوستی، بین آنها همچنان حاکم است (صالح‌بن عبدالله بن حمید، بی‌تا، باب ۳: ۱۶).

برخورد غیرمحترمانه با دیگران باعث دریافت پاسخ غیرمؤدبانه می‌شود و متقابلاً نوع برخورد محترمانه، موجب خواهد شد تا حتی اگر کسی بهره‌ای از ادب ندارد به خضوع آید و برخوردی همراه با ادب از خود نشان دهد.

بارها در خلال مناظره‌های حضرت دیده می‌شود که طرف‌های مناظره، پس از دریافت پاسخ سؤال، نسبت به حضرت از عبارت «جعلتُ فداک»^۱ استفاده می‌کنند، این موضوع بیانگر نوع برخورد امام^(ع) هنگام پاسخگویی است که موجب شده فرد مقابل این‌گونه ایشان را مورد خطاب قرار دهند.

این موضوع در مناظره با سلیمان مروزی، متکلم خراسان، نیز دیده می‌شود. اگرچه وی به خواست مأمون آمده بود تا حضرت را شکست دهد، اما وقتی امام^(ع) هنگام بحث او با عمران وارد مجلس می‌شوند و مأمون نظر ایشان را در مورد بحث آنها جویا می‌شود، با جمله «وَمَا أَتَكَرَّرْتَ مِنَ الْبَدَاءِ يَا سُلَيْمَانُ...؟ ای سلیمان! چطور «بداء» را قبول نداری؟ و حال آنکه...» (همان، باب ۱۳، ج ۱: ۱۸۰)، با او آغاز به صحبت می‌کنند.

۱. «قَالَ سُلَيْمَانُ زِدْنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۸۱). «قَالَ سُلَيْمَانُ أَلَا نَقَدْ فَهَمْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَرَدْنِي» (همان: ۱۸۱). «قَالَ الرَّضَاءُ(۲) يَا سُلَيْمَانُ أَسْأَلُكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ قَالَ سَلْ جُعِلْتُ فِدَاكَ» (همان: ۱۸۴). «قَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ» (همان). «قَالَ الرَّضَاءُ(۳) فَالَّذِي يَعْلَمُ النَّاسُ أَنَّ الْمُرِيدَ غَيْرُ الْإِرَادَةِ وَأَنَّ الْمُرِيدَ قَبْلُ الْإِرَادَةِ وَأَنَّ الْفَاعِلَ قَبْلُ الْمَفْعُولِ وَهَذَا يُبْطِلُ قَوْلَكُمْ إِنَّ الْإِرَادَةَ وَالْمُرِيدَ شَيْءٌ وَاحِدٌ قَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْهُ عَلَى مَا يَعْرِفُ النَّاسُ وَ لَا عَلَى مَا يَفْقَهُونَ» (همان: ۱۸۹).

امام رضا^(ع) در این جمله، با خطاب سلیمان، با نام کوچک ایجاد صمیمیت می‌کنند تا جلسه سنگین نشود. اگر به نوع جمله توجه شود، غالباً دو انسانی که مدت بسیاری است همدیگر را می‌شناسند و بین آنها صمیمیتی برقرار است بدین گونه با هم سخن می‌گویند و برخورد ما با افراد ناشناس خشک است، اما امام^(ع) در همان برخورد ابتدایی چنین رفتاری از خود نشان می‌دهند و همین امر موجب می‌شود سلیمان در ادامه سخنانش هرگاه حضرت را مورد خطاب قرار می‌دهد از عبارت «جعلتُ فداک» استفاده کند.

در مناظره امام^(ع) با عمران مشاهده می‌شود که در طول مناظره، ایشان عمران را با نام کوچک مورد خطاب قرار می‌دهند^۱ که این خود موجب ایجاد صمیمیت و مانع از به وجود آمدن فضای وحشت و ایجاد رعب در طرف مقابل می‌شود یا می‌بینیم که در پاسخ سؤال عمران صابی، با مهربانی می‌پرسند: «أَفَهَمْتَ يَا عِمْرَانُ؟» و او پاسخ می‌دهد: «نَعَمْ وَاللَّهِ يَا سَيِّدِي» (همان، باب ۱۲، ج ۱: ۱۷۰) و جواب عمران که حضرت را با لفظ «سرورم» می‌خواند، خود قرینه و عامل فهم دریافت احترام از سوی امام^(ع) بوده که او را به چنین پاسخی واداشته است.

۲. اصل پرهیز از نقد شخصیت افراد

پرهیز از نقد شخصیت طرف مقابل از جمله اصول مناظره سالم است، زیرا اگر هدف طرفین، کشف حقیقت باشد، همواره فقط گفته‌های افراد را مورد نقد قرار می‌دهند و حرمت گوینده را نگه می‌دارند. البته باید توجه شود در صورتی که هدف فرد، رسوا کردن و تحقیر طرف مقابل باشد، به جای نقد گفته به نقد گوینده پرداخته می‌شود و این از مقوله جدل و منازعه است (شریعتی سبزواری، ۱۳۸۹: ۷۶).

سخن زیبای «انْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ؛ به محتوا و مطلب بنگرید نه به گوینده آن» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۷۴۴؛ ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۷۴؛ عبد الوهاب، ۱۳۹۰ق: ۱۲)،

۱. «تَعْلِلْ هَذَا يَا عِمْرَانُ» (همان، باب ۱۲: ۱۶۱). «اعْلَمْ يَا عِمْرَانُ» (همان: ۱۶۹).

کلام گهرباری از حضرت امیر^(ع) است که ما را به‌خوبی به رعایت این اصل هدایت می‌کند. امام رضا^(ع) به‌واسطه آراستگی به اخلاقی عالی و ممتاز، زمینه جلب دوستی خاص و عام نسبت به خود را فراهم کردند. همچنین انسانیت حضرت، در حقیقت تجلی روح نبوت و مصداق رسالتی بود که ایشان یکی از نگهبانان، امانت‌داران و وارثان اسرار آن بودند و چنین خصوصیات و شخصیتی هیچگاه، در کنار این عمل رذیله که به نقد شخصیت دیگری در میان حاضران یا غیر آن پردازند، جمع نمی‌شود.

بررسی بی‌طرفانه این اصل در مناظره‌های حضرت، ما را به این نتیجه می‌رساند که ایشان در هیچ جای مناظره، مخاطبان خود را متهم به دروغ‌گویی و مغلطه‌گری نکردند و هیچگاه چیزی که موجب تمسخر و تحقیر دیگری باشد بر زبان نیاوردند، بلکه در همه موارد، نقاط اشتباه و انحراف آنان را تذکر دادند. در حقیقت ایشان از نقد شخصیت افراد خودداری کرده و به نقد مطالب پرداختند.

توجه به این نکته در مناظره‌هایی با ناظران متعدد، بسیار حائز اهمیت است. خروج از راه اعتدال و توسل به سخنان دروغ، تحریف یا مغلطه، آن‌گونه که جاثلیق-بزرگ نصرانیان- از تنها فرصتی که برای نقد شخصیت امام^(ع) پیدا می‌کند سریع استفاده کرده و حضرت را به داشتن ضعف متصف می‌کند، می‌تواند توجه مخاطبان را به‌سوی حق‌مداری مناظره‌کننده مقابل جلب کند و از خارج شدن شکل مناظره از یک مباحثه علمی به دعوای شخصی جلوگیری کند (صادقیان، ۱۳۸۸: ۶۵-۶۶).

اکنون به آن بخش از مناظره می‌پردازیم:

امام^(ع) برای رد خدایی حضرت عیسی^(ع) از روشی هنرمندانه بهره می‌گیرند و خطاب به جاثلیق می‌فرمایند: «يَا نَصْرَانِيُّ وَاللَّهِ إِنَّا لَنُؤْمِنُ بِعِيسَى^(ع) الَّذِي آمَنَ بِمُحَمَّدٍ^(ص) وَمَا نَنْقِمُ عَلَيْكَ عِيسَاكُمُ شَيْئًا إِلَّا ضَعْفُهُ وَقِلَّةُ صِيَامِهِ وَصَلَاتِهِ؛ اِی مسیحی! به خدا سوگند ما به عیسایی^(ع) که به محمد^(ص) ایمان داشت، ایمان داریم و نسبت به عیسای شما ایرادی نداریم به جز ضعف و ناتوانی و کمی نماز و روزه‌اش.» جاثلیق که گمان می‌کند همه چیز به نفع او شده است می‌گوید:

«أَفْسَدْتُ وَاللَّهِ عِلْمَكَ وَضَعَفْتُ أَمْرَكَ وَمَا كُنْتُ ظَنَنْتُ إِلَّا أَنَّكَ أَعْلَمُ أَهْلَ الْإِسْلَامِ؛ به خدا قسم، علم خود را فاسد و خود را تضعیف کردی، گمان می‌کردم تو عالم‌ترین فرد در بین مسلمانان هستی.» او با این سخن قصد دارد به حاضران بگوید آنچه از عالم بودن امام^(ع) تا اینجا بحث ارائه شده زیر سؤال رفته و با بیان عبارت «ضَعَفْتُ أَمْرَكَ» به امام^(ع) و حاضران می‌گوید ایشان با این سخن، خودشان نشان دادند ضعیف هستند تا بدین وسیله جو حاکم بر جلسه که حکم بر علم امام^(ع) و به حق بودن ایشان داده است برگردد و اوضاع به نفع وی عوض شود. امام^(ع) که خود چنین فضایی را ترتیب داده بودند تا وی را زیرسؤال ببرند و رد خدایی حضرت عیسی^(ع) را از زبان خود او اثبات کنند، می‌پرسند: «وَكَيْفَ ذَاكَ؟ مگر چگونه شده است؟» و زمانی که جاثلیق در پاسخ می‌گوید:

مِنْ قَوْلِكَ أَنَّ عِيسَى كَانَ ضَعِيفًا قَلِيلَ الصِّيَامِ قَلِيلَ الصَّلَاةِ وَمَا أَفْطَرَ عِيسَى يَوْمًا قَطُّ
وَلَا نَامَ بِلَيْلٍ قَطُّ وَمَا زَالَ صَائِمَ الدَّهْرِ وَقَائِمَ اللَّيْلِ؛ می‌گویی عیسی^(ع) ضعیف بود، کم روزه می‌گرفت و کم نماز می‌خواند، حال آنکه عیسی^(ع)، حتی یک روز را بدون روزه نگذراند و حتی یک شب نخوابید، همیشه روزه‌ها، روزه بود و شب‌ها شب زنده‌دار!

از او می‌پرسند: «فَلِمَنْ كَانَ يَصُومُ وَيُصَلِّي؛ برای تقرب به چه کسی روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند؟!» جاثلیق که تازه متوجه مسئله شده بود، «فَخَرَسَ وَانْقَطَعَ؛ از کلام افتاد و ساکت شد» (صدوق، ۱۳۷۸ق، باب ۱۲، ج ۱: ۱۵۸-۱۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ۳۰۳).

شاید علت اصلی حمل سخن جاثلیق بر نقد شخصیت امام^(ع) این باشد که بیش از آنکه سخنش، علم امام^(ع) را مورد خطاب قرار دهد، به ضعف ایشان اشاره دارد. چنانچه ما نیز ذهن خود را از اعتقاد به عصمت و علم لدنی ائمه^(ع) خالی کنیم چه بسا اگر با این کلام ظریف و هنرمندانه امام^(ع) در مورد حضرت عیسی^(ع) مواجه شویم ابتدا متوجه این ظرافت نشویم، حکم به عدم علم امام^(ع) دهیم و در این مورد به جاثلیق حق دهیم، اما ادعای ما این است که هدف جاثلیق فقط اشاره به بی‌دانشی امام^(ع) نبود، زیرا در این صورت لزومی

نداشت خطاب به ایشان بگوید: «ضَعُفْتُ أَمْرَكَ؛ خود را تضعیف کردی» (صدوق، ۱۳۷۸ق، باب ۱۲، ج ۱: ۱۵۹؛ طبرسی، ۴۰۳ق، ج ۲: ۴۱۸) زیرا از این جمله چنین برمی‌آید که وی در پی متنبه کردن جمع برای دگرگون شدن فضا علیه امام^(ع) بود.

۳. اصل پرهیز از ستیزه‌جویی و تعصب

هدف و مقصود مناظره‌کننده باید رسیدن به حق و پویا و پدیدار شدن آن باشد ولو آنکه به هر کیفیتی این حق ثابت شود. این مهم زمانی حاصل می‌شود که مناظره، دور از تعصب و دشمنی انجام شود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۳۰) زیرا تنها در چنین حالتی، طرفین سعی بر اجرای اصول مناظره داشته و خود را در مسئله مورد بحث مانند یک جاهل و فرد خالی‌الذهن از هر نظری که پیش از آن داشتند تصور می‌کنند تا به حق برسند، چرا که وجود تعصب نسبت به نظری خاص، پیش از مناظره، موجب خواهد شد، اگرچه در خلال مناظره حق به‌صورت کاملاً واضح و آشکار روشن شود، اما فرد قادر به فهم آن و در نتیجه تسلیم در مقابل آن نشود (حبنکه‌المیدانی، ۱۴۱۹ق: ۳۶۲؛ عبدالباری، ۲۰۰۴م: ۱۳۳).

علی^(ع) می‌فرماید: «شیطان، رهبر متعصب‌هاست» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۰، خ ۱۹۲: ۳۴۲).

درواقع، آفت مناظره‌ای که از این مجرا پیش برود، چیزی جز عدم پذیرش حق نیست، زیرا آشکار شدن حق از زبان طرف مقابل، برای فرد متعصب سخت است و برای صحت رأی خویش به مبارزه با حق از طریق جدال و ستیزه می‌پردازد و برای اظهار فضل و خرده‌گیری از خصم، نسبت به هر سخنی، اعتراض می‌کند، گرچه طرف مقابل بر حق باشد (عصیری، ۱۳۸۹: ۶۷).

این در حالی است که مناظره‌کننده باید در طلب حق مانند کسی باشد که طالب گمشده‌اش است، چنان‌که امام صادق^(ع) می‌فرماید: «الحكمة ضالة المؤمن، فحيثما وجد أحدكم ضالته فليأخذها؛ حکمت، گمشده مؤمن است، پس هر جا آنرا یافت، بگیرد» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۱۶۲)، پس هنگامی که آنرا بیابد شکرگزار است.

راهکار پیشنهادی برای کنترل عصبیت و لجاجت در طرف مقابل، تأکید بر اشتراک‌هاست که از نقش مهمی در فراهم کردن عوامل و مقتضیات روانی تقریب بین دو طرف بحث، برخوردار است زیرا احساس قرابت و صمیمیت زیادی ایجاد می‌شود و عملاً باور می‌کنند به سوی مقصد مشترکی روانند. متقابلاً سخن گفتن از اختلاف‌ها، به شعله‌ور شدن دایره حق و عصبیت می‌انجامد (فخلعی، ۱۳۸۳: ۲۹).

در نگاهی به مناظره‌های امام رضا^(ع) وجود چنین مؤلفه‌ای در رفتار ایشان، به‌خوبی مشاهده می‌شود، اما در گفتگویشان با سلیمان، جاثلیق و رأس‌الجالوت چند مورد لجاجت و تعصب از سوی طرف مقابل مشاهده می‌شود.^۱

نتیجه‌گیری

در این نوشتار سه اصل علمی - بهره‌گیری از شیوه برهان، استفاده از شیوه جدال احسن و پرهیز از مغالطه - و سه اصل اخلاقی - رعایت ادب، پرهیز از نقد شخصیت افراد و پرهیز از ستیزه‌جویی و تعصب - از مناظره‌های امام رضا^(ع) استخراج شده و با تبیین این اصول و تشریح نحوه بهره‌گیری حضرت از آنها، نمودی کاربردی برای طالبان این راه ارائه شد:

اصول علمی مناظره‌های رضوی

۱. اصل بهره‌گیری از شیوه برهان: شیوه امام رضا^(ع) در مناظره‌هایشان به این صورت است که هیچگاه اعتقادهای اسلام را برای طرف مقابل حق بالفعل فرض نکردند، در مناظره‌ها دنبال برتری‌جویی نبودند و با استفاده از شیوه‌های برهانی به اثبات حقانیت اعتقادهای اسلامی پرداختند.

۲. اصل استفاده از شیوه جدال احسن: با نگاهی به مناظره‌های امام رضا^(ع) روشن

۱. برای مشاهده نمونه‌هایی از لجاجت و ستیزه‌جویی طرف مقابل نک: صدوق، ۱۳۷۸ق، باب ۱۲، ج ۱: ۱۶۳ و باب ۱۳، ج ۱: ۱۷۹؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۱۶۷-۱۶۶ و ۴۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ۳۰۹.

می‌شود که ویژگی‌های مجادله‌ای احسن کاملاً رعایت شده است. به‌عنوان مثال، حضرت با افرادی که از ادیان مختلف بودند به‌واسطهٔ مستندهایی از کتاب‌های آنها، مناظره می‌کردند و این همان مناظره در حد فهم طرف مقابل بوده که یکی از ویژگی‌های جدال احسن است. همچنین با مروری بر مناظره‌های ایشان درمی‌یابیم که در هیچ‌یک از آنها حتی کمترین توهین یا درشت‌خویی و طعنه نسبت به طرف مقابل مشاهده نمی‌شود.

۳. **اصل پرهیز از مغالطه:** بررسی بی‌طرفانهٔ مناظره‌های امام رضا^(ع) با افراد مختلف، ما را به این نتیجه سوق داد که ایشان در هیچ‌یک از گفتگوها و مناظره‌هایشان از مغالطه استفاده نکردند و این اصل بر همهٔ مناظره‌های ایشان حاکم بوده است، هرچند افراد مقابل در موارد متعددی دچار مغالطه شدند.

اصول اخلاقی مناظره‌های رضوی

۱. **اصل رعایت ادب:** رعایت این اصل باعث شده که بارها در خلال مناظره‌های حضرت، طرف مناظره پس از دریافت پاسخ، نسبت به ایشان از عبارت «جعلت فداک» استفاده کنند و این خود بیانگر نوع برخورد امام^(ع) هنگام پاسخگویی است که موجب شده طرف مقابل این‌گونه ایشان را مورد خطاب قرار دهند.

۲. **اصل پرهیز از نقد شخصیت افراد:** بررسی بی‌طرفانهٔ این اصل در مناظره‌های حضرت، ما را به این نتیجه رساند که امام^(ع) در هیچ‌جای مناظره، مخاطبان خود را متهم به دروغ‌گویی و مغالطه‌گری نکردند و هیچگاه چیزی که موجب تمسخر و تحقیر دیگری باشد بر زبان نیاوردند، بلکه در همهٔ موارد، نقاط اشتباه و انحراف آنان را تذکر دادند. در حقیقت ایشان از نقد شخصیت افراد خودداری کرده و به نقد مطالب پرداختند.

۳. **اصل پرهیز از ستیزه‌جویی و تعصب:** در نگاهی به مناظره‌های امام رضا^(ع) وجود چنین مؤلفه‌ای در رفتار ایشان به‌خوبی قابل مشاهده است، اما در گفتگویشان با سلیمان، جاثلیق و رأس‌الجالوت چند مورد لجاجت و تعصب از سوی مقابل مشاهده می‌شود.

❖ وجود این اصول بیانگر همراهی مناظره‌های امام^(ع) با یک الگوی قانونمند به‌عنوان نقشهٔ راه برای سایر مناظره‌کنندگان و لزوم آشنایی با آداب و شرایط مناظره از جمله انواع استدلال و مغالطه است. همچنین حاکی از ضرورت حاکمیت روح اخلاق در جریان مناظره و لزوم پایبندی طرفین به این اصول به‌منظور دستیابی به نتیجهٔ بهتر و مؤثرتر است.

منابع و مأخذ

قرآن. (۱۴۱۵ق). مترجم محمد مهدی فولادوند، تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).

نهج البلاغه، (۱۳۹۰). مترجم علی شیروانی، ششم، قم: نسیم حیات.

ابن سینا، ابوعلی، حسین بن عبدالله، (۱۳۵۳). رساله منطق. مصحح محمد معین و محمد مشکوه، چاپ دوم، تهران: دهخدا.

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق). لسان العرب. چاپ سوم، بیروت: دار صادر.

اندلسی ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر. محقق محمد جمیل صدیقی، بیروت: دارالفکر.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی، (۱۳۸۶). فرهنگ شیعه. چاپ دوم، قم: زمزم هدایت.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. محقق و مصحح سید مهدی رجایی، چاپ دوم، قم: دار الکتب الاسلامی.

جرجانی، ابوالحسن علی بن محمد، (۱۴۱۳ق). التعرّیفات. بی جا: دارالشؤون الثقافیه العامه.

- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸). *تسليم*. چاپ اول، قم: اسراء.
- جوینی شافعی، عبدالملک بن عبدالله بن یوسف، (۱۴۲۰ق). *الکافی فی الجدل*. چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حبیکه المیدانی، عبدالرحمن حسن، (۱۴۱۹ق). *ضوابط المعرفة و اصول الاستدلال و المناظره*. چاپ پنجم، دمشق: دارالقلم.
- حسن، عبدالله، (۱۴۱۵ق). *المناظرات فی الإمامة*. چاپ اول، بی جا: أنوار الهدی.
- حسن، عبدالله، (۱۴۲۱ق). *مناظرات فی العقائد والأحكام*. چاپ دوم، بی جا: دلیل.
- حسینی همدانی، محمدحسین، (۱۴۰۴ق). *انوار درخشان*. محقق محمدباقر بهبودی، چاپ اول، تهران: لطفی.
- حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۷۱). *الجواهر النضید*. مصحح محسن بیدارفر، چاپ پنجم، قم: بیدار.
- خزائلی، محمدعلی، (۱۳۸۲). *جدل و استدلال در قرآن کریم*. چاپ اول، قم: گنج عرفان.
- خندان، علی اصغر، (۱۳۹۱). *مغالطات*. چاپ هشتم، قم: بوستان کتاب.
- خوانساری، محمد، (۱۳۸۶). *منطق صوری*. چاپ ۳۳، تهران: آگاه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. محقق صفوان عدنان داودی، چاپ اول، دمشق و بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
- زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*. چاپ سوم، بیروت: دار الکتاب العربی.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م). *الهیات*. چاپ اول، بیروت: الدار الإسلامیه للطباعة والنشر والتوزیع.
- شریعتی سبزواری، محمدباقر، (۱۳۸۹). *مناظره و تبلیغ (فن مناظره، مجادله، مغالطه و خطابه)*. چاپ اول، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^(عج).
- شهرزوری، شمس الدین محمد، (۱۳۷۲). *شرح حکمة الاشراق*. مصحح حسین ضیایی تربتی، چاپ اول، بی جا: مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صادقیان، محمد، (بهار ۱۳۸۸). «نگاهی بر شیوه مناظره امام رضا^(ع) با بزرگان ادیان». مشکوه، شماره ۱۰۲: ۷۶-۶۰.

صالح بن عبدالله بن حمید، (بی تا). *المناظرات و آداب الحوار*. (نرم افزار مکتبه الشامله)، بی جا: بی نا.

اصول علمی و اخلاقی مناظره‌های... ❖ ۵۷

- صدوق، محمد بن علی بن حسین، (۱۳۷۸ق). *عیون اخبار الرضا*^(ع). چاپ اول، تهران: جهان.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ پنجم، قم: اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۸ق). *بدایه الحکمه*. محقق عباسعلی زارعی سبزواری، قم: اسلامی التابعة لجماعة المدرّسین.
- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج علی أهل اللجاج*. چاپ اول، مشهد: مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول، بیروت: دار المعرفه.
- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. محقق سیداحمد حسینی، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
- طوسی، نصیرالدین، (۱۴۰۸ق). *تجريد المنطق*. چاپ اول، بیروت: الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، نصیرالدین، (۲۵۳۵ شاهنشاهی). *اساس الاقتباس*. مصحح مدرّس رضوی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عبدالباری، فرج الله، (۲۰۰۴م). *مناهج البحث و آداب الحوار و المناظره*. چاپ اول، قاهره: دارالافاق العربیه.
- عبدالوهاب، (۱۳۹۰ق). *شرح کلمات أمير المؤمنين علی بن أبی طالب*^(ع). مصصح و تعلیق میرجلال الدین حسینی ارموی، قم: جماعة المدرّسین فی الحوزة العلمیه.
- عجم، رفیق، (۲۰۰۴م). *موسوعه مصطلحات ابن خلدون و الشریف علی محمد الجرجانی*. چاپ اول، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- عصری، سیدمجتبی، (۱۳۸۹). *آداب مناظره با وهابیت*. چاپ اول، قم: رشید.
- غروی، حمیده و محسن غروی، (۱۳۸۷). *فن مناظره*. چاپ اول، قم: دارالعلم.
- غزالی، ابوحامد، (بی تا). *احیاء علوم الدین*. بی جا: دارالکتاب العربی.
- فارابی، ابونصر، (۱۴۰۸ق). *المنطقیات*. محقق محمدتقی دانش پژوه، چاپ اول، قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
- فخلعی، محمدتقی، (۱۳۸۳). *مجموعه گفتمان های مذاهب اسلامی*. چاپ اول، تهران: مشعر.

- فراهیدی، خلیل، (۱۴۰۹ق). **کتاب العین**. محقق مهدی المخزومی، چاپ دوم، بی جا: دار الهجرة.
- فضل الله، محمدحسین، (۱۳۹۹ق). **الحوار فی القرآن قواعد، اسالیبه، معطياته**. چاپ اول، بی جا: الدارالاسلامیه.
- قبادیانی، ناصر خسرو، (۱۳۸۴). **زاد المسافر**. محقق سید اسماعیل عمادی حائری، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب.
- کامل، عمر بن عبدالله، (بی تا). **آداب الحوار و قواعد الاختلاف**. بی جا: وزارة الأوقاف السعودية.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳). **الکافی**. تعلیق و مصحح علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گوهرین، صادق، (۱۳۶۷). **شرح اصطلاحات تصوف**. چاپ اول، بی جا: زوار.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**. چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مظفر، محمد رضا، (۱۳۷۳). **المنطق**. چاپ ششم، قم: اسماعیلیان.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶). **آیات ولایت در قرآن**. چاپ سوم، قم: نسل جوان.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۲). **اللمعات المشرقیه**. مترجم عبدالمحسن مشکوة الدینی، با عنوان **منطق نوین**، تهران: نصر.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۳). **شرح اصول الکافی**. چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

علی بن موسی الرضا^(ع)

و سبک زندگی اسلامی در روابط اجتماعی

سیدحسین قریشی کرین* - حمید فاضل قانع** - آرمان فروهی***

چکیده

سبک زندگی، شامل مجموعه‌ای از رفتارها و الگوهای کنش افراد بوده که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی است و از آنجا که آموزه‌های دینی بر شکل‌گیری و تثبیت باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی اثرگذارند، می‌توان گفت الگوهای رفتاری پذیرفته‌شده در یک گروه اجتماعی، به میزان زیادی متأثر از آموزه‌های دینی و گروه‌های مرجع معرفی‌شده از سوی دین است. نمود آشکار سبک زندگی را می‌توان در حوزه روابط اجتماعی جست که در این زمینه، اسلام بهترین الگوی رفتاری را سیره پیامبرگرامی اسلام^(ص) و خاندان ایشان معرفی کرده است. در این راستا، رفتار و گفتار امام رضا^(ع)، به دلیل شرایط خاص اجتماعی ایشان، مورد توجه نوشتار حاضر قرار گرفت. عصر امام رضا^(ع) به علت قرار گرفتن در کانون زندگی ایرانیان و وجود حرم مبارکشان در ایران، مورد توجه بیشتری است و الگوگیری از سبک زندگانی ایشان به علت ارتباط روحی می‌تواند اثر فراوانی داشته باشد. مقاله پیش‌رو با استفاده از روش کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی-توصیفی به این سؤال می‌پردازد که امام رضا^(ع) در زمینه آراستگی، هم‌یاری، اخلاق‌گرایی و تعامل فرهنگی در ساحت نظری و عملی چگونه عمل کرده‌اند؟

واژه‌های کلیدی

سبک زندگی، امام رضا^(ع)، اسلام، روابط اجتماعی، الگوی رفتار

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۰۸

*. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور قم

** دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

*** کارشناس ارشد تاریخ اسلام دانشگاه خوارزمی

shquorishi@gmail.com

hamidFazel@Gmail.com

arman.Forouhi@yahoo.com

❖ مقدمه

نگاهی گذرا به تاریخ نشان می‌دهد که زندگی بشر در جوامع مختلف، همیشه بر اساس مجموعه‌ای از قواعد و مناسبات معین، نظم و نسق یافته و به‌طبع همواره می‌توان آنرا واجد سبک دانست.

بر اساس چنین رویکردی، بحث از سبک زندگی و الگوهای نظام‌مند رفتاری، بحث تازه‌ای نیست و حتی در محافل و مجامع دانشگاهی نیز این مبحث در قالب موضوع‌های کلی‌تری مانند فرهنگ و تمدن، دارای قدمتی طولانی است. با توصیف بیان‌شده، جای پرسش دارد که چرا اکنون سبک زندگی تا این حد اهمیت یافته و توجه بسیاری را به خود جلب کرده است؟

واقعیت آن است که اقتضای زندگی در جوامع مدرن و متکی بر فرهنگ و تمدن غربی، به‌تدریج الگوهای خاصی را برای زندگی و رفتار ارائه کرده است. به‌زعم دانشمندان علوم اجتماعی، در یک قرن گذشته، شرایط جدید کار، تولید، انباشتگی کالاهای مصرفی و همچنین فراهم آمدن زمان فراغت بیشتر برای بخش زیادی از اقشار جامعه، نشانه‌ای از تحول عمیق اجتماعی و فرهنگی بوده است و شرایط نوین، الگوهای رفتاری تازه‌ای را در زمینه کار و فعالیت، مصرف و شیوه‌های گذران اوقات فراغت می‌طلبد که می‌توان آنها را در قالب عنوان کلی سبک زندگی مورد بررسی قرار داد.

به همین دلیل، امروزه اصطلاح سبک زندگی^۱ در ادبیات علوم اجتماعی، پیوندی تنگاتنگ با مجموعه‌ای از مفاهیم مانند فرهنگ، جامعه، رفتار، اخلاق، عقیده، شخصیت، هویت، طبقه اجتماعی، سلیقه و نیاز دارد. حاصل این رویکرد نیز خواسته یا ناخواسته، تلاشی گسترده برای معرفی، ترویج و تثبیت سبک خاصی از زندگی خواهد بود که خاستگاه آن، فرهنگ بی‌دین غربی و عقبه معرفتی آن است.

روشن است که پذیرش منفعلانه این گونه از الگوهای رفتاری برای جوامع مسلمان که

1. Lifestyle

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۶۱

خود در پرتو آموزه‌های اسلامی، توانایی تعریف و ترسیم سبک زندگی دینی و تبیین الگوهای متناسب با آن را دارند، شایسته نبوده و باید به اقتضای فرهنگ دینی خود، به سبک زندگی اسلامی روی آورند. به‌ویژه آنکه ناکارآمدی تمدن بی‌دین غربی در پاسخگویی به نیازهای چندبعدی انسان آشکار شده و رصد تحولات جاری در جهان نیز نشانه‌های افول و فرود این تمدن را نمایان ساخته است.

تجربه تاریخی بشر نیز نشان داده با پایان تمدنی، زمینه مناسبی برای شکوفایی تمدن‌های دیگر فراهم می‌شود و جامعه بشری که معمولاً در برابر تغییر و تحول عمیق اجتماعی مقاوم است، در چنین وضعیتی با رضایت‌خاطر از دگرگونی و جایگزینی استقبال می‌کند. در پرتو چنین فرصتی می‌توان با تکیه بر غنا و تعالی آموزه‌های اصیل اسلامی، این جایگزین را که همچون گنجینه‌ای ارزشمند و برگرفته از میراث آسمانی اسلام نزد مسلمانان نهفته است، هم خود بهتر بشناسیم و هم به جهانیان معرفی کنیم.

بازخوانی و ژرف‌اندیشی در آموزه‌های اسلام، نشان‌دهنده ظرفیت بالای این دین آسمانی برای فرهنگ‌سازی و ارائه الگوهای رفتاری مناسب است، زیرا انتزاعی‌ترین لایه‌های اعتقادی و معرفتی تا عینی‌ترین سطوح رفتاری که امروزه با عنوان سبک زندگی از آن یاد می‌شود، در چارچوب نظام معنایی اسلام جای گرفته و در مسیر تکامل و سعادت انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در این راستا، قرآن که مهم‌ترین منبع آموزه‌های اسلامی به‌شمار می‌رود، سرشار از الگوهایی است که شیوه زیست مؤمنانه و مورد نظر اسلام را معرفی می‌کند و در پرتو آیات آن، سیره پیامبر گرامی اسلام^(ص) نیز به‌عنوان اسوه و نمونه عالی زندگی به تمام مسلمانان معرفی شده است.

همچنین روایت‌ها و حکایت‌های فراوانی از اهل بیت^(ع) در اختیار مسلمانان قرار دارد که با الهام از تعالیم نورانی قرآن کریم و در شرایط متفاوت اجتماعی، مصادیق متعددی از الگوهای زندگی دینی را تبیین و معرفی کرده‌اند، به‌خصوص بهره‌مندی برخی از دوره‌های

تاریخی از تمایزهای ویژه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی، برای زمان حاضر که جامعه اسلامی بار دیگر در دوره گذار قرار گرفته، می‌تواند دستاوردهای بسیار مهمی را در پی داشته باشد.

این مقاله به بررسی سبک زندگی امام رضا^(ع) در ساحت عملی و نظری در چهار مقوله آراستگی، همیاری، اخلاق‌گرایی و تعامل فرهنگی می‌پردازد تا الگویی برای مسلمانان باشد. دوران زندگانی ایشان با توجه به قبول منصب ولایتعهدی و قرار گرفتن در کانون زندگانی ایرانیان می‌تواند الگوی مناسبی به‌ویژه در زمینه تعامل فرهنگی و اخلاق‌گرایی برای ایرانیان باشد.

تبیین الگوی سبک زندگانی امام رضا^(ع) در زمینه‌های یادشده در مقایسه با الگوهای ارائه‌شده غربی از موضوع‌های بدیعی است که کمتر به آن پرداخته شده است، این مقاله ضمن تبیین مفهوم سبک زندگی و الگوهای ارائه‌شده در این زمینه، به بررسی الگوهای رفتاری امام رضا^(ع) که در دورانی مهم از تاریخ اسلام، نماد و الگوی ویژه سبک زندگی اسلامی به‌شمار می‌رود، پرداخته است.

درباره پیشینه موضوع باید گفت که تاکنون مقاله‌ای با عنوان سبک زندگی اسلامی در حوزه روابط اجتماعی با الگوگیری از زندگانی امام رضا^(ع) به چاپ نرسیده، البته مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی درباره الگوی سبک زندگی به چاپ رسیده است که از جمله می‌توان به کتاب‌های دین و سبک زندگی اثر محمدسعید مهدوی‌کنی، اخلاق تربیتی امام رضا^(ع) تألیف جواد محدثی و مقاله‌هایی چون «سبک زندگی و شخصیت اخلاقی امام رضا^(ع)» اثر یعقوب‌علی عابدینی‌نژاد اشاره کرد.

سبک زندگی دینی

سبک زندگی در حوزه مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش افراد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد، اطلاق می‌شود. طبیعی است که بر اساس چنین رویکردی، سبک زندگی علاوه بر اینکه بر ماهیت و محتوای خاص

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۶۳

تعامل‌ها و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دلالت دارد و مبین اغراض، نیت‌ها، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره است، نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های افراد نیز خواهد بود (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۹).

چنین برداشتی از مفهوم سبک زندگی، علاوه بر اینکه پشتیبانی جدیدترین دیدگاه‌های مطرح در این عرصه را به همراه دارد (بوردیو، ۱۳۹۰: ۲۸۶ و ۳۳۷؛ گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۰)، از قابلیت خوبی برای بومی‌سازی مفهوم سبک زندگی بر اساس اقتضاهای جامعه اسلامی برخوردار است.

تمرکز اندیشمندان بر شاخص‌هایی مانند الگوی مصرف، شیوه گذران اوقات فراغت، الگوهای مربوط به شیوه تمرکز بر علاقه‌مندی‌ها، آداب معاشرت، الگوهای زندگی خانوادگی و بهداشت و سلامت، نشان می‌دهد که مطالعات سبک زندگی حول یک محور عمومی با عنوان کلی «سلیقه»^۱ دور می‌زند (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶: ۲۱۶).

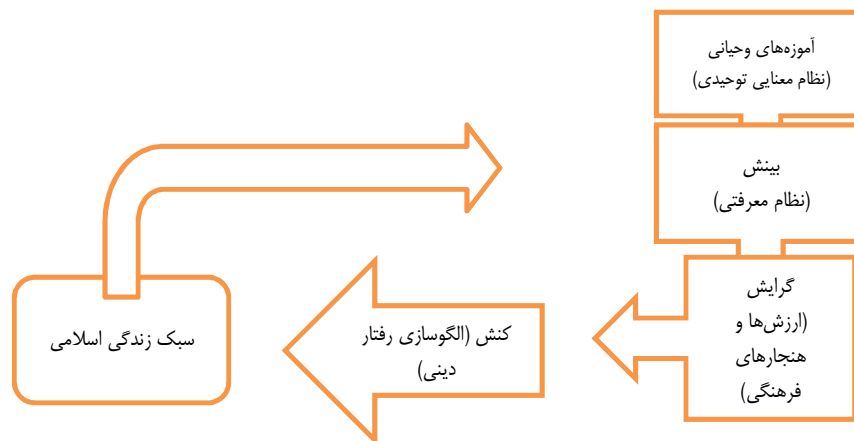
سلیقه، امری ذهنی است که در قالب تمایل‌ها و ترجیح‌های رفتاری انسان جلوه‌گر شده و بدین ترتیب، فرهنگ و اجزای آنکه امری کلی و عمومی به‌شمار می‌آید، در پرتو این تمایل‌ها و ترجیح‌های برآمده از سلیقه، فردیت پیدا کرده و هویت فرد را برای دیگران ترسیم می‌کند (بوردیو، ۱۳۹۰: ۹۳).

بدین ترتیب می‌توان فرهنگ یا خرده‌فرهنگ را خاستگاه سبک زندگی دانست (فاضل قانع، ۱۳۹۱: ۱۸۰)؛ اما روشن است که خود فرهنگ نیز متأثر از عوامل متعددی بوده که یکی از مهم‌ترین این عوامل، دین و آموزه‌های وحیانی است.

آموزه‌های دین به‌عنوان ابزار جامع هدایت و راهبری بشر، در بسیاری از موارد، حاکم بر باورها، ارزش‌ها و هنجارهای لازم برای جهت‌دهی و الگوبخشی به رفتار و کنش انسانی است. درواقع، محدود نکردن دین به فهم زمانی خاص، اعتقاد به تکامل فرهنگی و سهیم بودن اراده انسان‌ها در آن و تبیین درست ارتباط میان فرهنگ متغیر و دین ثابت، ما را به این

1. Taste

دیدگاه رهنمون می‌شود که دین و آموزه‌های وحیانی آن می‌تواند بخش مهمی از خاستگاه فرهنگ بشری را تشکیل دهد. پس در یک رابطه طولی، دین، فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد و فرهنگ نیز به نوبه خود، نظام و ساختار خاصی را برای زندگی فردی و اجتماعی تعریف می‌کند که خود به عنوان سرچشمه و خاستگاه مجموعه در هم تنیده‌ای از الگوهای خاص برای زندگی، یک کل منسجم و متمایز را در قالب سبک زندگی پدید می‌آورد. البته سبک زندگی نیز به توسعه و نفوذ نظام معرفتی مبتنی بر آموزه‌های دینی یاری رسانده و تمایل‌ها و ترجیح‌های برآمده از فرهنگ دینی را بارور می‌سازد.



نمودار پدیداری و گسترش سبک زندگی دینی در جامعه اسلامی

چارچوب نظری

بر خلاف رویکرد کلاسیک جامعه‌شناسان که به توصیف سبک زندگی جاری افراد و گروه‌های اجتماعی بسنده می‌کنند^۱، با الهام از روش‌های برگرفته از آموزه‌های دینی می‌توان گامی فراتر از توصیف نهاد و با تکیه بر اصول ثابتی که به اعتقاد ما در آموزه‌های اسلامی

۱. برای مثال می‌توان به پژوهشی از ماکس وبر (۱۹۲۰ - ۱۸۶۴م) اشاره کرد. او با تأکید بر منش پارسایی‌بخشی از جامعه پروتستان‌ها که موجب پرهیز از مصرف تجملی و در نتیجه، انباشت سرمایه و سازمان‌دهی عقلانی تولید می‌شد، تأثیر یک عامل فرهنگی برآمده از دین را بر نظم اقتصادی و اجتماعی جامعه مدرن توصیف کرده است (رک: وبر، ۱۳۷۴).

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۶۵

وجود دارد، چارچوبی ارائه کرد که در محدوده آن، به تجویز نیز پردازیم، یعنی با دخالت دادن مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها، به ترسیم و شکل‌گیری سبک خاص زندگی کمک کنیم. این رویکرد دقیقاً همان شیوه‌ای است که از سوی پیامبران الهی پیگیری شده است. آنان از ابزار حاکمیت باورها و ارزش‌های دینی برای ایجاد دگرگونی در سلیقه و شیوه انتخاب مردم، بهره می‌گرفتند تا آنها با رضایت‌خاطر به اصلاح الگوهای سبک زندگی خود اقدام کنند.

اما اینکه آموزه‌های اسلامی را به‌عنوان معیار در نظر می‌گیریم و درصدد تجویز مفاهیم و شاخص‌های برگرفته از آن برمی‌آییم، مبتنی بر این پیش‌فرض اساسی است که جامعیت دین اسلام، همه ابعاد و زوایای زندگی انسان را دربر گرفته و او را همواره در انتخاب مسیر درست زندگی یاری می‌کند. همین جامعیت باعث می‌شود تا سبک زندگی دینی را لزوماً منحصر در یک نظام الگویی و رفتاری واحد ندانسته و در محدوده و چارچوب برآمده از اصول اسلامی، سبک‌های متعددی را بپذیریم.

سیره عملی پیامبر اسلام و اهل بیت^(ع) در مواجهه با اصحاب خود نیز نشان می‌دهد که ایشان، اختلاف سبک را می‌پذیرفتند^۱.

پس، ارزش‌ها و نگرش‌های همسان، لزوماً به سبک زندگی یکسان نمی‌انجامد و با توجه به ویژگی انتخابگری که در سبک زندگی وجود دارد، می‌توان هر مجموعه منسجمی از الگوهای رفتاری برآمده از آموزه‌های دینی را که در چارچوب معین‌شده دین قرار داشته باشد، یک سبک زندگی دینی به‌شمار آورد. مهم آن است که در فرایند تعامل تمایل‌ها و منابع^۲، از این چارچوب خارج نشویم که البته در این زمینه، توجه به گروه‌های

۱. تفاوت‌های موجود در سبک زندگی و الگوهای رفتاری سلمان و ابوذر که پیامبر^(ص) میان ایشان عقد برادری بسته و هر دو را بارها مورد ستایش قرار داده بودند، نمونه خوبی است. ما به هیچ‌وجه در سیره پیامبر اسلام^(ص) نمی‌بینیم که به سلمان توصیه کرده باشند مانند ابوذر زندگی کند و از آن طرف روایت شده که اگر ابوذر از قلب سلمان آگاه می‌شد، بی‌شک، او را نفی می‌کرد (کلینی، ۱۳۸۲: ج ۱: ۴۵۵). تفاوت الگوهای رفتاری امامان معصوم شیعه^(ع) در شرایط متفاوت اجتماعی نیز گویای همین مدعا است.

۲. تمایل‌ها و ترجیح‌های فردی و جمعی، جهت‌کش را تعیین می‌کنند و منابع در دسترس که در پیوند با عوامل ساختاری، فرصت‌های زندگی را پدید می‌آورند، بستر بروز کش را فراهم می‌سازند.

❖ مرجع بسیار کارگشاست.^۱

گروه‌های مرجع دارای دو کارکرد اصلی هستند: اول آنکه هنجارها، رویه‌ها، ارزش‌ها و باورهایی را به دیگران القا می‌کنند و دوم آنکه معیارهایی را در اختیار کنشگران قرار می‌دهند تا کنش و نگرش خود را بر اساس آن محک بزنند (صدیق‌سروستانی و هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۵۰).

با توجه به این نقش بی‌بدیل، در فرهنگ اسلامی و به‌ویژه در آموزه‌های قرآنی، به افراد و گروه‌های خاصی به‌عنوان الگوی زندگی اشاره شده که در رأس آنها پیامبر اسلام (ص) به‌عنوان برترین اسوه معرفی شده است:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند» (احزاب / ۲۱).

روابط اجتماعی

روابط اجتماعی انسان که در قالب زندگی جمعی جلوه‌گر می‌شود، علاوه بر آنکه نیازهای انسان را بهتر و کامل‌تر تأمین می‌کند (ابن‌خلدون، ۱۳۸۵، ج ۱: ۷۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۳: ۷۹)، راه رسیدن انسان به سعادت را نیز هموارتر می‌سازد (فارابی، ۱۹۹۱م: ۱۱۷).

پس انسان اجتماعی برای رسیدن به اهداف زندگی جمعی، باید پایه‌ها و ارکان جامعه را تثبیت و تقویت کند تا جامعه‌ای همبسته و متحد شکل بگیرد. به همین دلیل، یکی از اهداف دین اسلام، تحکیم روابط اجتماعی انسان‌ها در تمام سطوح و کاهش تضادها و تنش‌هایی است که نظم اجتماعی را به چالش می‌کشد و تعهد افراد را نسبت به وظایف متقابل اجتماعی متزلزل می‌کند. مسلمانان نیز باید در شیوه رفتار اجتماعی و روابط با هموعان

۱. گروه‌های مرجع در اصطلاح جامعه‌شناسی به مجموعه‌های انسانی برخورداری از ویژگی‌های خاص از حیث پایگاه، هنجار و نقش اطلاق می‌شود که افراد برای داوری یا ارزیابی خود، آنها را به‌عنوان معیار و میزان، مورد توجه قرار داده و بر اساس آن، بینش، گرایش و کنش خود را شکل می‌دهند (کوئن، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۶۷

خود، از الگوهای رفتار دینی تبعیت کنند تا ظهور اجتماعی دین کامل شود و درهای برکت الهی بر جامعه گشوده شود (اعراف/ ۹۶)^۱، البته بهترین راه برای رسیدن به این مقصود، رجوع به سیره کسانی است که قرآن کریم آنان را الگو و اسوه معرفی کرده است. در این راستا، الگوهای رفتاری امام رضا^(ع) که در دورانی مهم از تاریخ اسلام، نماد و الگوی ویژه سبک زندگی اسلامی به شمار می رود، پیوسته مورد توجه تاریخ نگاران بزرگ مسلمان و غیرمسلمان بوده است.

اگرچه اتخاذ سیاست های مبهم و پیچیده از سوی مأمون، خلیفه عباسی، موجب شد تا برخی گزارش های نادرست از وقایع زندگی امام رضا^(ع) ارائه شود^۲، اما واقعیت های مسلم تاریخی، از موفقیت و مقبولیت سبک زندگی و روابط اجتماعی آن حضرت در میان جمع کثیری از مسلمانان آن روزگار حکایت می کند. استقبال پرشور مردم و به ویژه نخبگان و فرهیختگان جامعه از امام^(ع) در نیشابور (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۴۴) و همچنین هیجان و اشتیاق طبقات مختلف اجتماعی در مرو، هنگام استقبال از ایشان برای برگزاری نماز عید (مفید، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۷۳)، نمونه هایی از دل بستگی عمومی جامعه اسلامی به سیره اهل بیت^(ع) است که در آن روزگار در رفتار و گفتار امام علی بن موسی الرضا^(ع) جلوه گر شد.

این رفتار و الگوهای برآمده از آن، دارای ابعاد، مراتب و لوازم متعددی است که در نوشتار پیش رو مجال توضیح تفصیلی آنها نیست. بنابراین می کوشیم برخی از مهم ترین ابعاد و لوازم روابط اجتماعی مبتنی بر آموزه های اسلامی را در رفتار و گفتار آن امام همام^(ع) جستجو کنیم.

۱. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَأَتَقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم.»

۲. برای مثال می توان به گزارش طبری و ابن اثیر از واقعه شهادت امام رضا^(ع) (طبری، ۱۴۱۸ ق، ج ۷: ۴۷۰؛ ابن اثیر، ۲۰۰۳، ج ۶: ۳۵۱) و نیز تحلیل احمد امین درباره پذیرش ولایتعهدی مأمون از سوی ایشان (فضل الله، ۱۴۲۸ ق: ۱۹۲-۱۹۱) اشاره کرد.

❖ ۱. آراستگی

یکی از الگوهای رفتاری برجسته در زندگی امام رضا^(ع) توجه ویژه به آراستگی ظاهر در روابط اجتماعی و هنگام مواجهه با هموعان است. روایت‌ها و حکایت‌ها نشان می‌دهند که هرچند منش آن حضرت در خلوت و هنگام دوری از اجتماع، بی‌توجهی به زخارف دنیا و اكتفا به ساده‌ترین خوراک و پوشاک بود؛ اما در روابط اجتماعی و هنگام حضور در میان مردم، به وضعیت ظاهری و آراستگی خود توجه ویژه‌ای داشتند (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۹۲).

از تلاش و جدیت امام^(ع) در اتخاذ این روش، می‌توان به این نکته رهنمون شد که آراستگی ظاهر افراد، نوعی تکلیف اجتماعی برای احترام به دیگران است، زیرا اگر سیمای ظاهری انسان، آراسته، پاکیزه و موزون باشد چشم و دل مردم از دیدار انسان شادمان می‌شود و اساس زندگی انسان که بر انس و هم‌گرایی اجتماعی نهاده شده، بدین وسیله تقویت می‌شود. شاید توجه به همین بُعد تکلیفی موجب شده که امام رضا^(ع) اهتمام به زیبایی ظاهری را دارای اجر معنوی دانسته^۱ و ژولیدگی و عدم آراستگی را موجب خشم و غضب الهی معرفی کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶: ۳۰۳).

آراستگی، علاوه بر آثاری که در روابط اجتماعی درون‌گروهی مؤمنان دارد، می‌تواند دارای پیامدها و آثاری فراتر از جامعه ایمانی هم باشد، زیرا آراستگی و سیمای خوشایند مؤمنان، شکوه و زیبایی جامعه اسلامی را در برابر دیگران به نمایش می‌گذارد. به همین دلیل، زمانی که از امام رضا^(ع) درباره پوشیدن لباس‌های زیبا می‌پرسند، حضرت می‌فرماید: «ألبس و تجمل؛ بپوش و زیبا بپوش» (حمیری، ۱۴۱۷ق، حدیث ۱۲۹۶: ۲۸۶).

البته روشن است که میزان توجه به آراستگی ظاهر، به‌ویژه در زمینه لباس و پوشش، با

۱. حسن بن جهم می‌گوید: «نزد امام رضا^(ع) رفتم. ایشان موهایشان را رنگ سیاه زده بودند. گفتم: فدایت شوم، با رنگ سیاه، موهایتان را رنگ کردید؟ فرمودند: إِنْ فِي الْخِضَابِ أَجْرٌ. وَ الْخِضَابُ وَ التَّهَيَّاتُ مِمَّا يَزِيدُ اللَّهَ فِي عَفْوِ النَّسَاءِ...» (کلینی، ۱۴۲۶ق: ۱۵۷). در این کلام امام^(ع) به دو موضوع اشاره شده است: اول، اجر معنوی آراستگی؛ دوم، ارزش اجتماعی و تکلیفی آن. به عبارت دیگر، امام هشتم^(ع) با تکیه بر پیامدهای اجتماعی آرایش و آراستگی ظاهر، از جمله تحکیم بنیان خانواده و افزایش پاک‌دامنی همسران، آن‌را مستوجب اجر و پاداش دانسته‌اند.

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۶۹

سطح درآمد و زندگی عموم مردم در جامعه مرتبط است. در گفتار و کردار امام رضا^(ع) نیز این توجه ویژه به اقتضاهای زمانی و مکانی و شرایط خاص اجتماعی را می توان به روشنی مشاهده کرد. از برخی سخنان آن حضرت می توان دریافت که در عصر ایشان، برخی از اقدار جامعه انتظار داشتند ایشان نیز مانند زمان امیرمؤمنان علی^(ع) لباس بپوشند و بسان آن حضرت زندگی کنند؛ اما امام هشتم^(ع) با صراحت در پاسخ آنان به تفاوت دوره ها، زمان ها و اقتضاهای هر زمان اشاره می کنند (طبرسی، ۱۳۷۱: ۹۸).

توجه به همین اقتضاهای اجتماعی موجب شد که امام^(ع) شانه زدن موها و محاسن، خضاب کردن موها، به دست کردن انگشتی و هر چیز دیگری را که بر آراستگی انسان می افزاید (حسینی قزوینی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۹۸-۱۰۷) مورد توجه قرار داده و دیگران را نیز به آن توصیه کنند تا جایی که خود، مرغوب ترین و بهترین عطرها را سفارش می دادند (کلینی، ۱۴۲۶ق: ۱۱۷۸) و خوش بویی و استفاده از عطر را جزء اخلاق انبیای الهی برمی شمردند (همان: ۱۱۷۵).

این الگوی رفتاری علاوه بر بُعد ایجابی و ترویجی، نوعی مبارزه منفی با برخی پندارهای نادرست اجتماعی نیز به شمار می رود. امام رضا^(ع) با اتخاذ این روش نشان دادند که آراستن ظاهر، نافی و ناقض زهد واقعی نیست و تا جایی که آدمی، دل بسته و شیفته دنیا و زخارف آن نشود، می تواند وضع لباس و خوراک خود را متنعمانه اداره کند (فضل الله، ۱۴۲۸ق: ۱۰۲). آنچه در فرهنگ اسلامی به عنوان دنیا نکوهش شده، تمام آن چیزهایی است که انسان را از یاد خدا غافل کند و رنگ و بوی معصیت داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۴۰).

به عبارت دیگر، دنیا زمانی که هدف اصلی انسان قرار بگیرد و سبک زندگی او را به گونه ای شکل دهد که او را از مقصود اصلی آفرینش دور کند مذموم است؛ اما اگر به عنوان مقدمه و پل زندگی اخروی نگریسته شود، دارای ارزش مثبت خواهد بود. پس دلیلی ندارد مؤمن خود را از نعمت های حلال و پاکیزه الهی محروم سازد، زیرا خداوند این نعمت ها را نیافریده که مؤمن از آنها محروم و کافر، بهره مند باشد؛ بلکه مؤمن به استفاده از

۷۰ ❖ فرهنگ رضوی

❖ این نعمت‌ها، اولی و شایسته‌تر است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۹۴ق: ۲۵۶).

نقل شده است که گروهی از صوفیان نزد امام رضا^(ع) آمده و با کنایه گفتند:

مأمون با اندیشه خود دریافت که شما اهل بیت^(ع) از همه مردم برای پیشوایی امت سزاوارترید و از میان اهل بیت^(ع)، تو از همه شایسته‌تری. از این رو بر آن شد که امر خلافت را به تو بازگرداند. اکنون امت به پیشوا و رهبری نیازمند است که جامه‌اش خشن و طعم‌اش ساده باشد. بر الاغ سوار شود و از بیمار عیادت کند. (اربلی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۴۲۳؛ ابن‌صباغ، ۱۳۸۵: ۳۸۹).

اما امام^(ع) که زهد را در این ظواهر نمی‌جستند، فرمودند:

یوسف که منصب پیامبری داشت قبای ابریشمی با دکمه‌های زرد می‌پوشید و در مجلس فرعونیان بر پستی‌های آنان تکیه می‌زد. وای بر شما! جز این است که از امام، قسط و عدل خواسته می‌شود؟ اگر سخن گوید، راست گوید. اگر حکم کند، بر قاعده عدل و داد باشد. اگر وعده کند، انجام دهد؟ همانا خداوند لباس یا طعامی را حرام نغرموده است (همان: ۳۸۹).

امام^(ع) که ذره‌ای دل‌بستگی به دنیا ندارند و سلوک معنوی ایشان با زهد واقعی آمیخته است هنگامی که در خراسان بودند، در روز عرفه، همه مال خود را میان مردم قسمت کردند و در پاسخ کسی که گفت این زیانکاری است، فرمودند: بلکه عین غنیمت است (ابن‌شهر آشوب مازندرانی، بی‌تا، ج ۴: ۳۶۱).

۲. همیاری

اساس نظام اجتماعی بر تعاون و همیاری نهاده شده و بسیاری از اندیشمندان عقیده دارند فلسفه زیست اجتماعی انسان، عدم توانایی در برآورده کردن تمام نیازهایش است. به‌خصوص هنگام بروز برخی از مشکلات و مخاطره‌های طبیعی، او به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از یاری و کمک دیگران بداند (فارابی، ۱۹۹۱م: ۱۱۷؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۵، ج ۱: ۷۷). از این رو، جوامع گوناگون همواره در هنگام بروز خطر و مشکلات خاص، به‌وسیله انواع

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۷۱

و اقسام راهبردها و سیاست‌های گوناگون از اعضای خود حمایت می‌کنند. این سیره تاریخی بشر از سوی اسلام نیز امضا شده است.

یکی از دلایل اهمیت همیاری و تلاش همگانی برای تأمین رفاه عمومی در جامعه، افزایش انگیزه و روحیه لازم و کافی برای حرکت همگان در مسیر رشد، شکوفایی و سعادت بوده و تنها از این راه، تمدنی پایدار پدید می‌آید. به‌خاطر همین اهمیت است که تمام ادیان آسمانی در تعلیم خود، بر این اصل مهم در زندگی اجتماعی تأکید کرده‌اند.

بر اساس این اصل، هر انسان یا گروه توانمندی نسبت به افراد و گروه‌های ناتوان اجتماعی تا مرز رسیدن آنان به توانایی کافی، دارای تکلیف و مسئولیت اجتماعی است. این همیاری تا جایی ادامه دارد که همگان در انجام تکالیف فردی، اجتماعی و دینی خود از امکانات و آمادگی کافی بهره‌مند باشند. یعنی انسان‌هایی نیرومند، سالم، آراسته و استوار شوند و خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، وسایل رفاهی، آموزش و پرورش و رسیدن به دیگر آگاهی‌های لازم برای زندگی را در اختیار داشته باشند.

امام رضا^(ع) در این زمینه می‌فرماید: «خداوند، توانمندان و برخورداران را مکلف کرده است که نسبت به وضعیت درماندگان و گرفتاران به‌پا خیزند» (صدوق، ۱۳۸۳، ج: ۲، ۹۶). روشن است که نوع عبارت‌پردازی این‌گونه از آموزه‌های اسلامی، به تکلیف و مسئولیت بزرگ اجتماعی اشاره می‌کند و نمی‌توان صرفاً آن را دستوری اخلاقی و استجابی تلقی کرد (حکیمی، ۱۳۷۰: ۲۴۲).

در تأیید این دریافت می‌توان به دیدگاه دیگری از امام رضا^(ع) اشاره کرد که در بیان الزام‌های مالی فراتر از زکات، به وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی اشاره می‌کند که از آیه ۲۱ سوره رعد^۱ استنباط می‌شود (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج: ۶، ۴۴۴).

اما اساس تأکید آموزه‌های اسلامی بر همیاری و تعاون اجتماعی، مبتنی بر اشتراک تمام

۱. «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ؛ و آنان که آنچه را خدا به پیوستن فرمان داده می‌پیوندند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حساب بیم دارند.»

۷۲ ❖ فرهنگ رضوی

❖ انسان‌ها در کرامت ذاتی و در مرحله بالاتر، برادری ایمانی و دینی مسلمانان است. روشن است که چنین باوری در زندگی انسان و روابط افراد تأثیری عمیقی دارد. این اثر را در مشی امام رضا^(ع) نیز به روشنی مشاهده می‌کنیم، آنجا که به تأسی از سیره پیامبر گرامی اسلام^(ص)، برترین مسلمان را کسی می‌دانند که بیش از دیگران نسبت به همیاری اجتماعی کوشا بوده و خیرخواه‌ترین افراد نسبت به برادران خود و جامعه اسلامی باشد (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۸۴).

همچنین در اندیشه و حدیث رضوی، یاری‌رسانی به مردم و گره‌گشایی از کار آنان، جبران فعالیت در دستگاه حاکمان جور معرفی شده است. چنان‌که در پاسخ به نامه‌های متعدد یکی از این افراد می‌نویسند:

... از بیمی که در این شغل بر خورداری آگاه شدم. اگر می‌دانی که هرگاه مسئول کاری در حکومت شوی، بر اساس دستورهای پیامبر^(ص) رفتار می‌کنی و دستیاران و کاتبان تو از هم‌کیشان تو خواهند بود و هنگامی که مالی به دستت رسید، بخشی از آن را به بینوایان مؤمن می‌دهی تا بدان اندازه که خود مانند یکی از آنان باشی، کار تو در دربار سلاطین با خدمت به برادران دینی جبران می‌شود و گرنه خدمت در دربارها جایز نیست (کلینی، ۱۴۲۶ق: ۶۴۹).

۳. اخلاق‌گرایی

یکی از عوامل موفقیت هر دین و تثبیت پایه‌های آن در جامعه، نفوذ شاخص‌ها و ارزش‌های آن آئین در باور و اندیشه افراد جامعه و پذیرش عمومی و اجتماعی است. پس زمانی که بیشترین افراد و جوامع یک عصر، آرمان‌های خود را در قالب آموزه‌های یک دین خاص جلوه‌گر بینند و به آن گرایش داشته باشند، بدون تردید آن آیین در نقطه اوج رشد و شکوفایی خود قرار می‌گیرد. بنابراین، نفوذ باور در دل مردم، علاوه بر عقلانیت، می‌تواند بر بُعد اخلاقی و عاطفی آن آموزه‌ها متکی باشد.

در همین راستا، بر اساس گزارش‌های تاریخی، عموم مردم و طبقات گوناگون جوامعی

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۷۳

که به اسلام گرویدند، بیشتر مجذوب فضائل و مکارم اخلاقی این دین شدند، به خصوص سیره، رفتار خاص و اخلاق گرایی پیامبر گرامی اسلام^(ص) که در رفتار پیروان ایشان نیز اثر گذاشت، باعث گرایش افراد به دین اسلام بود.

قرآن کریم نیز به این ویژگی خاص پیامبر رحمت^(ص) اشاره کرده است:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ إِنِّي لَهَيُّ لَّهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرم خو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه. در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد (آل عمران / ۱۵۹).

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ؛ قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید. به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است» (توبه / ۱۲۸).

تأکید آموزه‌های اسلامی بر رعایت اخلاق در روابط اجتماعی، حتی در پیروزی‌های گسترده مسلمانان پس از رحلت پیامبر^(ص) نیز اثرگذار بوده و مسلمانان تنها با تکیه بر نیروی نظامی هیچگاه نمی‌توانستند با این سرعت و گستردگی به قلمرو وسیع آن روز خود دست یابند (لوبون، ۱۳۸۰: ۱۴۱ و ۱۴۶-۱۴۵).

روابط اجتماعی مبتنی بر مکارم اخلاقی به‌روشنی در سیره امامان معصوم^(ع) و به‌ویژه در سبک زندگی امام رضا^(ع) قابل مشاهده است، چنان‌که درباره مشی اخلاقی آن ایشان گفته شده:

هیچگاه با سخنان خود کسی را آزار نمی‌دادند. تا سخن کسی به پایان نمی‌رسید، سخن نمی‌گفتند و گفتار او را قطع نمی‌کردند. حاجت هیچ کسی را در صورت قدرت و توانایی رد نمی‌کردند. در حضور دیگران به چیزی تکیه نمی‌دادند و پای خود را نزد کسی دراز

نمی کردند. با خادمان و کارگزاران به نرمی سخنی می گفتند. هیچگاه از بدنشان بوی بد استشمام نمی شد. صدایشان را به حالت قهقهه بلند نمی کردند بلکه تبسم می کردند (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۹۷).

حضرت، علاوه بر توجه و توصیه ویژه نسبت به روابط درون خانواده و اینکه پاداش تلاش برای برآوردن نیازهای خانواده را برتر از مجاهدت در راه خدا معرفی می کردند (کلینی، ۱۴۲۶ق: ۶۳۶)، در بُعد اجتماعی نیز هیچ کاری را همچون احسان به مردم دوست نداشتند و به هر فقیری در حد توان کمک می کردند (ابن شهر آشوب مازندرانی، بی تا، ج ۴: ۳۶۰).
مهمانان زیادی به خانه امام^(ع) می آمدند و ایشان، خود به آنان خدمت می کردند (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۴: ۳۱۶).

اخلاق مداری، در عین اشراف علمی، شرایطی را فراهم آورده بود که خانه حضرت لبریز از خیل مشتاقان و شیفتگان سبک زندگی و الگوهای رفتاری ایشان بود (ابن شهر آشوب مازندرانی، بی تا، ج ۴: ۳۳۴)؛ اما امام^(ع) به این میزان نیز بسنده نکرده، در تاریکی های شب، خود به سراغ نیازمندان جامعه رفته و به ایشان انفاق می کردند و در این الگوی رفتاری تا حدی کوشا بودند که ایشان را «کثیر المعرفة و الصدقة» معرفی کردند (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۹۸).

اوج فروتنی و مردم داری امام هشتم^(ع) را از این گزارش تاریخی می توان دریافت که مردی در حمام از ایشان خواست تا بدنش را مالش دهند و حضرت با فروتنی پذیرفتند. هنگامی که دیگران آن مرد را متوجه کردند و امام^(ع) را شناخت، با اضطراب و پریشانی پوزش طلبید؛ اما حضرت با ادامه کار، آن مرد را در مقابل شماتت دیگران دل داری دادند (ابن شهر آشوب مازندرانی، بی تا، ج ۴: ۳۶۲).

چنین الگوی رفتاری، بازتاب روشنی از این آموزه دینی است که تمام انسان ها با یکدیگر برابر بوده و برتری، تنها با معیار تقوا به دست می آید. به همین دلیل مشاهده می کنیم که امام رضا^(ع) هیچ تفاوتی میان خود و بردگان و غلامان خویش جز به کردار نمی بیند و غیر از

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۷۵

عمل، همه امتیازها و نابرابری‌های اجتماعی را منتفی می‌دانند. اگر بر سفره غذا، همه غلامان و حتی دربان و میرآخور را در کنار خود می‌نشانند و با آنان به مهربانی سخن گفته و انس می‌گیرند (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۷۰)، برای تبیین و ترویج همین آموزه والای دینی و تلاش برای حفظ کرامت انسان است.

قرآن کریم با صراحت به کرامت ذاتی و تکوینی انسان و برتری او بر بسیاری از موجودات اشاره کرده است:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم، از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم (اسراء/ ۷۰).

بی‌شک مقصود، بیان حال انسان‌هایی بوده که با قطع نظر از کرامت الهی و قرب و فضیلت روحی خاص برای بعضی از افراد بیان شده است (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۳: ۱۶۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۴۱۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۸۵).

دین مبین اسلام بر اساس کرامت ذاتی انسان، تمام افراد را برابر و یکسان معرفی کرده و ملاک و معیار برتری را تنها در کرامت اکتسابی انسان می‌داند که آن هم بر اساس رشد و ارتقای ایمان و تقوای هر فرد تعیین می‌شود:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید خداوند، دانای آگاه است (حجرات/ ۱۳).

بر اساس این آموزه، جنس انسان‌ها و نژاد آنها خلق خداست و نباید موجب تفاخر یا تحقیر باشد. تفاوت انسان‌ها در شکل، قیافه و نژاد، فعل حکیمانه خدا برای تعارف و شناسایی انسان‌ها نسبت به یکدیگر است. با تکیه بر چنین مبنایی است که پیامبر گرامی اسلام (ص)،

❖ به عنوان مصلح اجتماعی تلاش می‌کردند تا ارزش‌های جامعه را جهت‌دهی و اصلاح کنند (کلینی، ۱۴۱۷ق، حدیث ۲۰۳: ۱۵۴؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، حدیث ۲۵۰۵۵: ۶۸).

روشن است که چنین اندیشه‌ای نمی‌تواند صرفاً تصویری ذهنی باشد، بلکه لوازم و آثاری واقعی و ملموس در پی خواهد داشت، چنان‌که یکی از همراهان امام رضا^(ع) در سفر به خراسان نقل می‌کند:

روزی وقتی سفره غذا را برای ایشان گسترند، حضرت تمام خدمتگزاران را جمع کردند. به ایشان گفتم: فدایت شوم، آیا بهتر نیست برای اینان سفره جداگانه‌ای گسترده شود؟ امام^(ع) فرمودند: خدا و مادر و پدر همه ما یکی است و پاداش افراد به عمل آنها بستگی دارد. هر کس عملش بهتر، نزد خداوند مقرب‌تر است، هر چند غلام سیاه باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۰۱).

۴. تعامل فرهنگی سازنده

اسلام با تکیه بر ارزش‌هایی مانند برابری و برادری، همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب، تعلیم و تعلم و ترک تعصب قومی و مذهبی، زمینه شکل‌گیری و رشد تمدنی با درون‌مایه‌های غنی را فراهم ساخت که خدمات و تأثیرهای چشمگیر آن، حتی امروز نیز بر فرهنگ و تمدن بشری پرتو افکننده است (وات، ۱۳۸۹: ۱۶؛ هونکه، ۱۳۸۳: ۴۲۰-۴۱۹).

اما یکی از مهم‌ترین عناصر اثرگذار بر رشد سریع تمدن اسلامی، توجه ویژه مسلمانان به عنصر ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بود. عنصر ارتباط، همواره یکی از اصول مهم در شکل‌گیری، گسترش و نیز انتقال فرهنگ و تمدن‌ها به‌شمار می‌رود. آموزه‌های اسلامی نیز به پدیده تعامل فرهنگی با دیگران به دیده مثبت می‌نگرند.^۱ برخی از پژوهشگران غربی هم که تمدن اسلامی را مورد بررسی قرار دادند، با صراحت اعلام می‌کنند: «پیشرفت یا

۱. شاید بتوان در این زمینه به یک قاعده کلی قرآنی اشاره کرد که در این مسئله نیز می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْآلِیُّونَ» (همان) کسانی که به سخن(ها) گوش فرا می‌دهند و از نیکوترین آن پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا راهنمایی‌شان کرده و فقط آنان خردمندان هستند» (زمر/ ۱۸).

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۷۷

عقب ماندگی اقوام مختلف ... به مناسبات آنان با سایر ملل در طول تاریخ خویش مربوط می شود» (بارتلد، ۱۳۸۳: ۱۳).

همچنین روشن است که در پیش گرفتن سیاست ریاضت فرهنگی و نبود تعامل فرهنگی سازنده با دیگران، موجب خامی، رکود، سکون و عدم تکامل فرهنگ می شود، چنان که اعراب پیش از ظهور اسلام، به سبب سکونت در بادیه و کوچ مداوم به مناطقی که دور از فرهنگ های مجاور بودند، به نوعی از عزلت گرایی فرهنگی دچار شده و بیشتر در بدویت فرو رفته بودند (شکویی، ۱۳۸۹: ۱۵۵)، اما ظهور اسلام، این جامعه را دگرگون و متحول ساخت.

گرایش ذاتی دین اسلام به جهانی شدن^۱، اقتضا می کند که آموزه های اسلامی از حداکثر نفوذ در سایر فرهنگ ها و همچنین از هم پوشانی کافی با شاخص های اساسی فرهنگ در هر جامعه ای برخوردار باشد. این مهم، توسط محکومات و اصول ثابتی که در دین اسلام بر آنها تکیه و تأکید شده است تأمین می شود.

به عبارت دیگر، می توان آموزه های اساسی اسلام را وجه مشترک تمام ادیان توحیدی دانست^۲. اما در قبال سایر اندوخته های مادی و معنوی فرهنگ ها و آیین ها نیز آموزه های اسلامی نه تنها رویکرد امتناعی نداشته، بلکه هرگاه عناصر فرهنگی و تمدنی جوامع بشری بر پایه های عقل و خرد استوار بوده و با نگرش توحیدی سازگاری داشته، از سوی اسلام پذیرفته شده و برخی از موارد نیز با حفظ عناصر مثبت و سازنده آن در چارچوب اسلامی بازسازی شده است.

درواقع، اسلام به دلیل برخورداری از پشتوانه معرفتی غنی، هرگونه تحول فکری مثبت و

۱. این نکته را می توان از آیه ۱۹ سورة انعام دریافت کرد، آنجا که می فرماید: «... وَ اَوْحٰی اِلٰی هٰذَا الْقُرْآنُ لِاَنْذِرْکُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ...»؛ و این قرآن بر من وحی شده تا به وسیله آن شما و هر کس را که (این قرآن به او) می رسد هشدار دهم.

۲. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «شَرَعَ لَکُم مِّنَ الدِّینِ مَا وَصَّی بِهِ نُوحًا وَ الَّذِیْ اَوْحِیْنَا اِلَیْکَ وَ مَا وَصَّیْنَا بِهِ اِبْرٰهیمَ وَ موسٰی وَ عِیْسٰی...»؛ برای شما از دین مقرر کرد آنچه را که نوح را بدان سفارش کرده و آنچه را به سوی تو وحی کردیم و آنچه را که ابراهیم، موسی و عیسی^(ع) را بدان سفارش کردیم. (شوری / ۱۳).

مبتنی بر عقل سلیم را تشویق کرده و هیچگاه به خاطر ترس از تضعیف جایگاه خود در برابر تحولات فرهنگی، به محافظه‌کاری روی نیاورده است (صدر، ۱۳۷۹: ۴۹).

بنابراین، ویژگی خاص تعامل اسلام با سایر فرهنگ‌ها در این است که مسلمانان تلاش می‌کردند با تکیه بر عناصر بنیادین آموزه‌های اسلامی و در چارچوب الگوی توحیدی اسلام، به گزینش عناصر فرهنگی و تمدنی سایر جوامع اقدام کنند. بهره‌مندی آموزه‌های اسلامی از چنین الگوی مترقی و کارآمد موجب شده است تا آیین اسلام همواره و به آسانی با مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی سازگار شده و با اطمینان لازم و کافی، پیروان خود را به تعامل فرهنگی گسترده با سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها دعوت و از این راه، خود را به‌عنوان آیینی فراگیر و جهان‌گستر معرفی و تثبیت کند.

به عبارت دیگر، در آموزه‌های اسلامی و به‌خصوص قرآن کریم، توانمندی خاصی وجود دارد که می‌تواند انسان را تا فرجام تاریخ، هدایت و راهنمایی کرده و دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر را در چارچوب کلان اسلامی، جهت‌دهی کند. شاید بتوان همین نکته را دلیل ختم نبوت پس از ظهور اسلام دانست.

به کارگیری الگویی که ذکر آن گذشت، لوازم مهمی دارد. یکی از آنها، مدارا و تحمل دینی و اجتماعی است. در همین راستا، اسلام، دین سهل و سمح و رحمت و رأفت معرفی شده و در تعالیم و دستورهای خود، اصل را بر آسان‌گیری و سهولت قرار داده است. در قرآن کریم نیز توصیه شده است در مواجهه با دیگران، عفو، صفح و مدارا رعایت شود:

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيُغْفِرُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و سرمایه‌داران و فراخ‌دولتان شما نباید از دادن [مال] به خویشاوندان، تهیدستان و مهاجران راه خدا دریغ ورزنند. باید عفو و گذشت کنند، مگر دوست ندارید خدا بر شما ببخشد و خدا آمرزندهٔ مهربان است (نور / ۲۲).

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۷۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عُدُوَّكُمْ فَأَخَذُوا مِنْكُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حقیقت برخی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شمایند، از آنان بر حذر باشید و اگر ببخشایید، درگذرید و بیامرزید به راستی خدا آمرزندهٔ مهربان است (تغابن / ۱۴).

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأَتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ؛ و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق نیافریده‌ایم و یقیناً قیامت فرا خواهد رسید پس به‌خوبی صرف‌نظر کن» (حجر / ۸۵).

«فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى؛ و با او سخنی نرم گوید شاید که پند پذیرد یا بترسد» (طه / ۴۴).

حال با توجه به توضیح‌های بالا می‌توان نگاه دقیق‌تری به دوران زندگی امام رضا^(ع) و اقتضاهاى آن داشت. آن دوران، با گسترش حداکثری قلمروى حکومت اسلامى مقارن و زمانى بود که متولیان سایر ادیان، تلاش گسترده‌ای را برای صیانت دین و مذهب خود در برابر اسلام و حقانیت آن آغاز کرده بودند. به همین دلیل، سفرای آیینی و هیئت‌های مذهبی گوناگون و متعددی به پایتخت جهان اسلام آمده و با اندیشمندان مسلمان به بحث و مناظره اعتقادی و عقیدتی می‌پرداختند. سیره و الگوی رفتاری امام رضا^(ع) در این حوزه، چارچوب و اساس روابط سازنده و شایسته بین‌المللی را نشان می‌دهد.

احتجاج‌ها و مناظره‌های عقیدتی امام^(ع) با سران مذاهب و نمایندگان مجامع دینی عصر خود، آن‌چنان مستحکم و موفق بوده که اعتراف‌های متعدد مخالفان را در پی داشته است و تسلط ایشان بر مبانی کلامی اسلام و مهارت در مناظره با دشمنان اعتقادی را نشان می‌دهد. ثامن الحجج^(ع) با تلاش گسترده، چارچوب مشی اسلامی در میانه افراط و تفریط گروه‌های گوناگون اعتقادی، علمی و مذهبی را ترسیم کرده و همواره بر بهره‌گیری اصولی از آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی تأکید می‌کردند. حدیث سلسله‌الذهب نیز که در نیشابور و در حضور جمع کثیری از مردم و کاتبان حدیث مطرح شد، دقیقاً در همین راستا قابل ارزیابی است و

۸۰ ❖ فرهنگ رضوی

اهمیت توجه به نظام معنایی توحیدی را در تعامل‌های فرهنگی و دوری از افراط و تفریط اعتقادی نشان می‌دهد. نکته مهم آن است که تکثر فرهنگی (ذهبی، ۱۴۲۲ق: ۲۰) پدیدآمده در جامعه آن روز، نه تنها از سوی امام رضا^(ع) مورد نکوهش قرار نگرفت؛ بلکه تلاش‌ها و اقدام‌های ایشان در راستای تبیین چارچوب فکری روشن و صریح آموزه‌های اسلامی، تعامل سازنده با رهبران و نمایندگان فکری ملل و نحل مختلف و شرکت در مجالس بحث و مناظره که عموماً از سوی مأمون برگزار می‌شد، نشان می‌دهد امام^(ع)، فضای پدیدآمده را به نفع جامعه اسلامی و پیشرفت و ارتقای آن دانسته‌اند.

طبیعی است که آغاز فرایند توسعه علمی و فرهنگی در هر جامعه‌ای می‌تواند آسیب‌هایی را در پی داشته باشد، چنان‌که در جامعه اسلامی آن روز نیز محافل علمی، آکنده از آراء و نظریه‌های صحیح و سقیم شده و اندیشمندان مسلمان در پاره‌ای از مسائل دچار حیرت و سرگردانی شدند. به همین دلیل، امام رضا^(ع) فارغ از انگیزه‌های دستگاه حاکم عباسی، از فضای پدیدآمده استقبال کرده و هم‌زمان با ورود دانشمندان سایر بلاد و عالمان ادیان دیگر به مرکز جهان اسلام، در مناظره‌ها و مباحثه‌های آنان شرکت کردند و با دفاع عقلانی و منطقی خود از مبانی ناب اسلامی، همه طرف‌های گفتگو را به اشتراک در این روش، وادار کردند که نتیجه قهری آن نیز بسته شدن راه مغالطه و سفسطه در مناظره‌ها بود. بدین ترتیب، امام رضا^(ع) به جامعه علمی عصر خود آموختند که در بررسی افکار و اندیشه‌های گوناگون، خردورزی پیشه کنند تا در پرتو آن به روشنی سره را از ناسره بازشناسند و اندیشه‌ها و مذاهب باطل را شناسایی کنند.

البته مواجهه و تعامل با ادیان و فرق مذهبی، نیازمند تسلط کامل بر مبانی فکری و اعتقادی آنان است تا بتوان با اطلاع و اشراف درست نسبت به مبانی آنان، به بحث و مناظره پرداخت. از ویژگی‌های عالم آل محمد^(ص) نیز تسلط کامل بر کتاب‌های سایر آیین‌ها بود که هنگام مناظره کاملاً آشکار می‌شد (صدوق، ۲۰۰۹م، باب ۶۵: ۵۲۹ - ۵۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۰۰) و به شهادت دوست و دشمن، در آن زمان، کسی برتر و دانشمندتر از ایشان

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۸۱

نبود (همان؛ ابن اثیر شیبانی جزری، ۲۰۰۳م، ج ۶: ۳۲۶).

این اطلاع و آگاهی کامل چنان بود که حضرت با استفاده از متون و کتاب های مورد قبول ادیان، بر نبوت پیامبر گرامی اسلام^(ص) استدلال می کردند و در این زمینه هیچ راه فراری برای طرف مقابل مناظره باقی نمی گذاشتند (صدوق، ۲۰۰۹م: ۵۴۳).

بدین ترتیب، مشی مبتنی بر آموزه های اسلامی که از سوی امام رضا^(ع) پیگیری می شد و توجه به واقعیت های اجتماعی، از آن حضرت چنان الگویی برای آحاد مسلمانان ساخته بود که تمام نقشه های مأمون برای کنترل و کاهش توجه جامعه به ایشان را نقش بر آب ساخت (همان).

رویکرد مذکور می تواند برای ما در عصر حاضر گویای این درس باشد که در حوزه تعامل و رابطه با سایر جوامع، مذاهب و گروه های فکری نباید سیاست انقباضی در پیش گرفت و جامعه اسلامی را به جامعه ای گریزان از تعامل با جهان معاصر تبدیل کرد. بلکه باید از تعامل با جهان استقبال کرده و بکوشیم با فعال کردن محافل علمی و فکری جامعه خود در چارچوب نظام معنایی توحیدی، اندیشه و منش اسلامی خود را به جهانیان عرضه کنیم.

نتیجه گیری

مجموعه الگوهای رفتاری که سبک زندگی را پدید می آورند، متأثر از تمایل ها و ترجیح های فردی و گروهی است که به تدریج شخصیت افراد و هویت گروه های اجتماعی را شکل می دهند. اما این سلیقه فردی یا گروهی، نامحدود نبوده و در چارچوب معینی که توسط ارزش ها و هنجارهای فرهنگی ترسیم می شود، گزینه های خاصی را مورد توجه قرار می دهد. از سوی دیگر، خود فرهنگ، ارزش ها و هنجارهای آن در جامعه دینی به میزان بسیار زیادی متأثر از باورهای آیینی و آموزه های آن خواهد بود.

بدین ترتیب، سبک زندگی در جامعه دین مدار، به صورت کاملاً طبیعی ریشه در نظام

معنایی توحیدی و آموزه‌های وحیانی خواهد داشت و الگوهای رفتاری که گروه‌های مرجع مورد تأیید دین ارائه می‌کنند، ساختار سبک زندگی را در آن جامعه می‌سازند.

بر این اساس، در جامعه اسلامی نیز باید آن دسته از الگوهای رفتاری مورد توجه باشند که توسط آموزه‌های اسلامی و به‌ویژه تعالیم قرآنی، توصیه شده‌اند. در این زمینه، الگوها و اسوه‌های معرفی شده از سوی قرآن، به‌ویژه پیامبر گرامی اسلام^(ص) و خاندان مطهر ایشان که از هر پلیدی به دور هستند (احزاب / ۳۳)^۱، بهترین الگوهای رفتاری را برای سبک زندگی، به‌خصوص در حوزه روابط اجتماعی که از ظرافت و پیچیدگی خاصی برخوردار است، به ما ارائه می‌کنند.

هم‌پوشانی حداکثری ویژگی‌ها و شرایط برخی از دوره‌های زندگی اهل بیت^(ع) با شرایط و اقتضاهای معاصر، می‌تواند یکی از دلایل تمرکز و توجه ویژه به الگوهای رفتاری اهل بیت^(ع) در آن زمان خاص باشد. به همین دلیل، قرار گرفتن جامعه اسلامی معاصر در دوره گذار تاریخی و فرهنگی موجب می‌شود تا توجه به سبک زندگی اهل بیت^(ع) در دوره‌ای مانند عصر زندگی امام رضا^(ع) از اهمیت بیشتری برخوردار شود.

در همین راستا، الگوهای رفتاری حضرت در حوزه روابط اجتماعی و در سطوح گوناگون خانوادگی، درون‌گروهی آیینی و مذهبی، رابطه با پیروان سایر ادیان و مذاهب و تعامل فرهنگی با دیگران می‌تواند قالب روابط اجتماعی و سمت و سوی الگوهای رفتاری جامعه اسلامی معاصر را سامان دهد.

آنچه در این نوشتار آمده، تنها بخش اندکی از لوازم، مراتب و ابعاد سبک زندگی برگرفته از الگوهای رفتاری امام رضا^(ع) بوده و کار تفصیلی در این زمینه از توان و تخصص یک فرد یا مجموعه‌ای محدود خارج بوده و نیازمند ایجاد طیف گسترده‌ای است. راهی

۱. وَفَرَّقَ فِي بُيُوتِكُمْ وَلَا تَرْجُحَنَّ الْجَاهِلِيَّةُ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند

روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید، نماز برپا دارید و زکات بدهید، خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۸۳

❖ سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۳

طولانی باید پیموده شود که البته حاصل آن تصویرهایی از جامعه مطلوب اسلامی بر اساس آموزه‌های ناب دینی خواهد بود که اگر به جهانیان عرضه شود، خریداران و مشتاقان بسیاری خواهد داشت که اکنون در خلأ این الگو، راه گم کرده و به سمت و سوهای دیگری روانه شده‌اند.

امام رضا^(ع) به آراستگی روحی و ظاهری سفارش ویژه داشتند که آراستگی اندیشه، گفتار و رفتار از مظاهر آراستگی روحی و مورد توجه امام^(ع) است. شرایط عصر امام رضا^(ع) که حضور اندیشه‌ها و فرق مختلف را می‌طلبید، الگوی‌گیری در زمینه تعامل فرهنگی با ملت‌ها، فرق و گروه‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن اثیر شیبانی جزری، مبارک بن محمد، (۲۰۰۳م). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار و مکتبة الهلال.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۸۵). *مقدمه ابن خلدون*. مترجم محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۹۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول*^(ع). بیروت: للمطبوعات.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، ابوجعفر محمد بن علی، (بی تا). *مناقب آل ابی طالب*^(ع). مصحح سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: علامه.
- ابن صباغ، علی بن محمد، (۱۳۸۵). *الفصول المهمة فی معرفة الاثمة*. قم: المجمع العالمی لأهل البيت^(ع).
- اربلی، علی بن عیسی، (۱۴۲۶ق). *کشف الغمة فی معرفة الاثمة*. قم: مجمع جهانی اهل بیت^(ع).
- بارتلد، واسیلی ولادیمیر، (۱۳۸۳). *فرهنگ و تمدن اسلامی*. مترجم عباس بهنژاد، تهران: امیرکبیر.
- بورديو، پی‌یر، (۱۳۹۰). *تمايز - نقد اجتماعي قضاوت‌های ذوقي*. مترجم حسن چاوشیان، تهران: ثالث.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸). *اسلام و محیط زیست*. محقق و نظم عباس رحیمیان، قم: إسرائ.
- حراغملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: آل البيت لاحیاء التراث.

علی بن موسی الرضا^(ع) و سبک زندگی اسلامی... ❖ ۸۵

حسینی قزوینی، سید محمد، (۱۳۸۷). *موسوعة الامام الرضا^(ع)*. قم: ولی العصر^(ع) للدراسات الاسلامیه.
 حکیمی، محمد، (۱۳۷۰). *معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان
 قدس رضوی.
 حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۷ق). *قرب الإسناد*. قم: الثقافة الاسلامیه لکوشانیور.
 ذهبی، عباس، (۱۴۲۲ق). *الإمام الرضا^(ع) سيرة و تاريخ*. قم: الرسالة.
 سیدرضی، (۱۳۷۰). *نهج البلاغة*. مترجم سیدجعفر شهیدی، تهران: انقلاب اسلامی.
 شکویی، حسین، (۱۳۸۹). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*. تهران: سمت.
 صدر، سید موسی، (۱۳۷۹). *اسلام و فرهنگ قرن بیستم*. مترجم علی حجتی کرمانی. تهران: کتاب آوند
 دانش.

صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، (۱۳۸۳). *عیون اخبار الرضا*. قم: الحیدریه.
 صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، (۲۰۰۹م). *التوحید*. تعلیق و توضیح علامه مجلسی. بیروت: دار
 و مکتبه الهلال.

صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله و سیدضیاء هاشمی، (۱۳۸۱). «گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و
 روان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه‌های مرتن و فستینگر». *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰: ۱۶۷-۱۴۹.
 طباطبائی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۳). *قرآن در اسلام*. تهران: الاسلامیه.
 طباطبائی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: الاسلامیه.
 طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۷۱). *مکارم الاخلاق*. قم: شریف رضی.
 طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفه.
 طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۸ق). *تاریخ الطبری*. بیروت: للمطبوعات.
 عابدینی‌نژاد، یعقوبعلی، (زمستان ۱۳۹۲). «سبک زندگی و شخصیت اخلاقی امام رضا^(ع)». *فقه و تاریخ*
 تمدن، سال ۱۰، شماره ۳۸.

فارابی، ابونصر، (۱۹۹۱م). *آراء اهل المدينة الفاضلة*. بیروت: دار المشرق.
 فاضل‌قانع، حمید، (۱۳۹۱). «نقش و جایگاه سبک زندگی در فرایند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی».
 مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر
 المصطفی^(ص). ۱۹۳-۱۷۳.

- فاضل قانع، حمید، (۱۳۹۲). *سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی*. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- فضل الله، محمدجواد، (۱۴۲۸ق). *الإمام الرضا(ع) تاریخ و دراسة*. قم: الإسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۸۲). *اصول کافی*. تهران: اسوه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۱۷ق). *روضة الکافی*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۲۶ق). *فروع الکافی*. بیروت: للمطبوعات.
- کوئن، بروس، (۱۳۸۰). *مبانی جامعه‌شناسی*. مترجم غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۷). *تجدد و تشخیص*. مترجم ناصر موفقیان، تهران: نی.
- لوبون، گوستاو، (۱۳۸۰). *تاریخ تمدن اسلام و عرب*. مترجم محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۸). *اخلاق در قرآن*. نگارش و محقق محمدحسین اسکندری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ع).
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، (۱۳۸۳). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. مترجم و شرح هاشم رسولی محلاتی. تهران: فرهنگ اسلامی.
- مهدوی کنی، محمدسعید، (۱۳۸۶). «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی». *تحقیقات فرهنگی*، سال اول، شماره ۱: ۲۳۰-۱۹۹.
- وات، مونتگمری، (۱۳۸۹). *تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی*. مترجم و توضیح حسین عبدالمحمیدی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ع).
- وبر، ماکس، (۱۳۷۴). *اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری*. مترجم عبدالمعبود انصاری. تهران: سمت.
- هونکه، زیگرید، (۱۳۸۳). *فرهنگ اسلام در اروپا*. مترجم مرتضی رهبانی. تهران: فرهنگ اسلامی.

طراحی محتوایی و ساختاری پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه

مسلم علی مهدی*، مهدی منتظر قائم**

چکیده

امروزه با فراگیری فناوری‌های نوین ارتباطی از جمله اینترنت، بسیاری از افراد پاسخ برخی از نیازهای خود مانند نیازهای مذهبی را با استفاده از این ابزار رسانه‌ای پی‌جویی می‌کنند. از مواردی که در این بستر ارتباطی توسط کاربران مسلمان و به‌خصوص شیعه دنبال می‌شود، زیارت است. ارائه این خدمات، نیاز به شکل‌گیری فضایی تخصصی در اینترنت دارد. بر این اساس هدف از نوشتار پیش‌رو، مطالعه سایت‌های زیارتی-مذهبی به‌منظور طراحی محتوایی و ساختاری پرتالی تخصصی با موضوع زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه است. برای این منظور ۲۳ سایت زیارتی-مذهبی به‌صورت گزینشی انتخاب و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی مورد مطالعه قرار گرفتند، در نتیجه، ۱۹ مؤلفه محتوایی و ساختاری شناسایی شدند. این مؤلفه‌ها شامل ۲۱ مؤلفه ساختاری و ۶۹ مؤلفه محتوایی هستند که در ۱۲ طبقه کلی ۱. زیارت؛ ۲. تعامل با سایت؛ ۳. خدمت به حرم؛ ۴. آشنایی بیشتر؛ ۵. رسانه‌ها؛ ۶. اطلاع‌رسانی؛ ۷. گروه‌های زیارتی؛ ۸. مدیریت زمان و برنامه‌ها؛ ۹. آموزش و پژوهش؛ ۱۰. نرم‌افزارها؛ ۱۱. تجارت؛ ۱۲. شاخص‌های ساختاری دسته‌بندی شدند. با توجه به مؤلفه‌های شناسایی شده، دو الگوی محتوایی و ساختاری معرفی و پس از مرور مکرر ساختارها و جانمایی خدمات در سایت‌های مورد مطالعه، الگوهای ساختاری سه‌گانه‌ای شامل صفحه پیش‌درآمد، صفحه خانگی و نقشه سایت برای پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی

زیارت، زیارت مجازی، تحلیل محتوای کیفی، پرتال، اماکن متبرکه

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۲۲

m.alimahdi@imamreza.ac.ir

mmontazer@ut.ac.ir

* (نویسنده مسئول)، دانشجوی دکتری مدیریت رسانه‌ای دانشگاه امام رضا^(ع)

** استادیار گروه ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

❖ مقدمه

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۲

زیارت، از دیرباز به عنوان یکی از آیین‌های شناخته شده میان پیروان ادیان و مذاهب گوناگون در چین، هند، سیلان، ژاپن، آمریکا، اروپا و سایر نقاط جهان مطرح بود. در دین اسلام و به خصوص مذهب تشیع، این آیین توسط پیروان آن با علاقه قابل توجهی انجام می شود. اهمیت این آیین در تشیع را می توان از سفارش رهبران دینی این مذهب در مورد زیارت باز شناخت، طوری که برخی از روایت‌ها، انجام زیارت را برای شیعیان، واجب شمرده (ابن قولویه، ۱۳۸۹: ۴۲۹)^۱ و آنرا حداقل یکبار در سال برای فقرا و دو بار در سال برای اغنیا (همان: ۹۵۲)^۲ یا در غیر این صورت به صورت نیابتی یا حتی از راه دور یا زیارت قلبی (خانی، ۱۳۹۲: ۱۵۸-۱۵۷) تأکید می کنند.

گرچه در گذشته دشواری و مشکلات زیادی در راه‌ها و سفرهای زیارتی وجود داشت، اما با شتاب روند توسعه از جمله گسترش راه‌های ارتباطی و حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و هوایی تا اندازه قابل تأملی از شدت این موانع کاسته شد طوری که امروزه شاهد رشد چشمگیر سفرهای زیارتی نسبت به گذشته هستیم.^۳ در ادامه این روند، در سال‌های نزدیک‌تر و با ظهور جلوه‌های فرانوگرایی، به نظر می رسد از جهاتی، امکان کاهش این موانع تا اندازه بیشتری فراهم شده است. بر این اساس انتظار می رود افراد با استفاده از بسترهای نوین ارتباطی مانند اینترنت، محدودیت‌های زمانی و مکانی را پشت سر گذاشته و فارغ از

۱. «قال الصادق^(ع): مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ^(ع) فَإِنَّ إِيَّانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ - يُقَرُّ لِلْحُسَيْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ امام صادق^(ع): به شیعیان ما امر کنید که به زیارت امام حسین^(ع) شرفیاب شوند، زیرا زیارت آن حضرت بر هر فرد باایمانی که به امامت آن بزرگوار اقرار دارد، فرض و لازم است.»
 ۲. «قال الصادق^(ع): حَقٌّ عَلَى الْغَنِيِّ أَنْ يَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ^(ع) فِي السَّنَةِ مَرَّتَيْنِ، وَ حَقٌّ عَلَى الْفَقِيرِ أَنْ يَأْتِيَهُ فِي السَّنَةِ؛ امام صادق^(ع) فرمودند: شایسته است فرد متمکن و توانمند در سال دو مرتبه و شخص تهیدست یک مرتبه به زیارت امام حسین^(ع) مشرف شوند.»

۳. برای مثال براساس نتایج به دست آمده، تعداد زائران ورودی به کلان شهر مشهد در افق ۱۳۹۵ معادل ۲۷ هزار و ۶۵۴ هزار و ۶۸ نفر برآورد شده است (سقایی و جوانبخت قهفرخی، ۱۳۹۲: ۷۱).

طراحی محتوایی و ساختاری پرتال زیارت ... ❖ ۸۹

مخاطره‌های سفر واقعی، با بهره‌گیری از زیارت مجازی^۱ به سطوحی از اهداف زیارت دست یابند.

هرچند زیارت مجازی در مقایسه با زیارت حضوری با مسائلی همچون نبود حس حضور در فضای معنوی حرم، حضور قلب برای ارتباط و توسل به امام^(ع) که موجب شادابی روحی و روانی زائر می‌شود و نیز محرومیت از دیدار مؤمنان و زائران در فضایی آکنده از معنویت مواجه است، اما این نوع زیارت مهم محسوب می‌شود، چراکه می‌تواند زمینه ایجاد علاقه کاربر برای انجام زیارت حضوری را افزایش دهد (رک: جهانگیر، ۱۳۹۱: ۱۶۴)، تلنگری برای ارتباط قلبی با امام معصوم^(ع) باشد یا اطلاعاتی مفید برای افزایش رضایت قبل از انجام زیارت حضوری به کاربران منتقل کند (MacWilliams, 2002: 317). به همین دلیل، مراکز مختلف مذهبی از جمله تولیت حرم‌های مقدس ائمه شیعه^(ع) و نوادگان ایشان اقدام به راه‌اندازی بخش‌هایی در سایت‌های خود کردند و به‌نوعی سعی می‌کنند نیازهای زائران را از طریق فضای مجازی برطرف کنند.^۲

امکان درخواست برای انجام زیارت نیابتی، پخش مستقیم از حرم و روضه‌های منوره و ارائه تصاویر سراسرنما (۳۶۰ درجه) از مکان‌های مختلف حرم، سه الگوی متعارف زیارت

1. Virtual Pilgrimage

۲. آدرس سایت آستان‌های مقدس شیعه را در زیر ملاحظه می‌کنید:

http://www.imamali-a.com	(پایگاه رسمی آستان مقدس علویه)
http://www.imamhussain.org	(سایت رسمی آستان مقدس امام حسین ^(ع))
http://aljawadain.org	(سایت آستان مقدس کاظمین)
http://alkafeel.net/samarra/arabic/arabic.php	(آستان مقدس عسکریه)
http://alkafeel.net/persian	(پایگاه اطلاع رسانی حرم مطهر حضرت ابوالفضل العباس ^(ع))
http://www.aqr.ir/Portal/Home/Default.aspx	(پرتال جامع آستان مقدس رضوی)
http://www.masoumeh.com	(پایگاه اطلاع‌رسانی آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه ^(س))
http://www.abdolazim.com	(آستان مقدس حضرت عبدالعظیم ^(ع))
http://shahecheragh.ir/default.asp	(پایگاه اینترنتی حرم حضرت احمدین موسی ^(ع))
http://www.masjed-alkufa.net	(پایگاه رسمی آستانه مسجد معظم کوفه و مزارهای وابسته به آن)

❖ مجازی بوده که در سایت آستان‌های مقدس شیعه در نظر گرفته شده است. گرچه روش‌های ارائه زیارت مجازی، با تحقق اهداف عالی زیارت، فاصله زیادی دارند که نیازمند مطالعه دیگری است، اما به نظر می‌رسد آنچه قبل از هر چیز کاربران را رنج می‌دهد کاستی در تنوع و جامع نبودن خدمات ارائه شده در این سایت‌ها و به‌طور کلی نبود پرتالی تخصصی برای ارائه زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه است. می‌توان گفت کاربر به‌عنوان زائر مجازی، نیازهای ارتباطی و اطلاعاتی خود را با موضوع زیارت به‌صورت منسجم دریافت نمی‌کند، چراکه این سایت‌ها با هدف زیارت مجازی طراحی نشده و بیشتر، وظایف روابط عمومی آستان‌ها را منعکس کرده و محور اصلی آنها، ارائه اخبار و گزارش‌هاست. به همین دلیل، محققان، از خشک و بی‌روح بودن مناسک مجازی در سایت‌های شیعی خبر داده‌اند (جهانگیر، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

یکی از دلایل آن می‌تواند نقص در پیش‌بینی خدمات مختلف در سایت آستان‌های مقدس برای کاربران زیارت مجازی باشد. تداوم این کاستی‌ها در کنار علاقه رو به رشد کاربران برای استفاده از خدمات زیارت مجازی ائمه شیعه^(۴) باعث عدم استمرار و کاهش علاقه برای مراجعه مکرر با انگیزه‌های زیارتی به سایت‌های آستان‌های قدس شیعی خواهد شد و در نتیجه، فرصت‌هایی که می‌توان از این بستر برای اشاعه فرهنگ اهل بیت^(ع) استفاده کرد، از دست می‌روند. همچنین، ارائه خدمات مختلف در یک پرتال تخصصی برای ارائه زیارت مجازی، می‌تواند سردرگمی کاربران را برای انجام زیارت مجازی تا اندازه زیادی کاهش دهد. در این راستا به نظر می‌رسد بهره‌گیری از الگوها و خدمات مختلف سایر سایت‌های زیارت مجازی در دنیا و جمع‌بندی میان ویژگی‌ها و خدمات گوناگون آنها با سایت‌های اماکن متبرکه شیعه برای طراحی پرتال تخصصی زیارت مجازی، امری ضروری باشد.

۱. برای مثال در سایت آستان قدس حسینی تعداد ۴۹۲ هزار و ۸۴۴ نفر تنها برای زیارت نیابتی ثبت نام کرده‌اند (۱۳۹۳/۷/۱۷). این آمار در مقایسه با سایت نسبتاً موفق لوردر برای زیارت مجازی که تنها عدد ۹۶ هزار و ۹۸۰ (۱۳۹۳/۸/۲۸) را نشان می‌دهد قابل توجه است.

طراحی محتوایی و ساختاری پرتال زیارت ... ❖ ۹۱

بر این اساس، این مقاله سعی می‌کند با مطالعه سایت‌های مختلف مذهبی-زیارتی، به شناسایی محتوا و ساختار این سایت‌ها پرداخته، بر اساس آنها الگوهای محتوایی و ساختاری پرتال زیارت مجازی را معرفی کرده و زمینه ارائه زیارت مجازی با خدماتی جامع در یک پرتال تخصصی زیارت مجازی برای اماکن متبرکه را فراهم آورد.

مبانی نظری

۱. زیارت مجازی

ضروری است قبل از پرداختن به «طراحی پرتال زیارت مجازی»، نسبت به مفهوم «زیارت مجازی» شناختی نسبی پیدا کرد. برای این منظور در این مقاله، زیارت مجازی در سه حوزه اصلی تعریف زیارت مجازی، اهداف این نوع زیارت و کارکردهای اصلی آن به صورت مختصر معرفی و سعی می‌شود دیدگاه اسلام نسبت به زیارت مجازی، هر چند به صورت گذرا، معرفی شود.

تعریف

زیارت مجازی، به‌کارگیری قابلیت‌های فناورانه جدید است تا مکان‌های مقدس، دوباره تصویرسازی شوند. با تأکید بر واژه مجاز می‌توان گفت زیارت مجازی یعنی زیارتی که به واسطه فناوری‌های ارتباطی صورت می‌گیرد و به صورت بالقوه پدید می‌آید اما واقعی^۱، موثق^۲ یا مناسب^۳ نیست (MacWilliams, 2002: 315-317).

زیارت مجازی، واژه جدید^۴ اینترنتی برای یک وب‌سایت است که مردم در آن می‌توانند سفر زیارتی را شبیه‌سازی کنند (Dawson & Cowan, 2004: 223).

ویکتور ترنر^۵ به عنوان انسان‌شناس^۶ و محقق زیارت، زیارت را «سفر به یک مرکز از

-
1. Real
 2. Authentic
 3. Proper
 4. Neogolism
 5. Victor Turner
 6. Anthropologist

خارج آن» تعبیر می‌کند. بنابراین برخی، زیارت را تنها حضور فیزیکی و واقعی در یک مکان مقدس می‌دانند که نوعی عرفان برون‌گرا^۱ است، زائر به‌طور فیزیکی از مسیری عرفانی عبور می‌کند (33: 1978) و از مکانی آشنا^۲ که معمولاً محیطی مادی،^۳ این‌جهانی،^۴ روزمره و معمولی بوده به مکانی دوردست^۵ که مقدس، کمیاب و اغلب معجزه‌گونه است، منتقل می‌شود (Ibid, 1974b: 305).

بر این اساس، انسان‌شناسان، بیشتر بر «رفتن به مکانی دوردست» به‌عنوان آیینی عملی و بر سفری مقدس به مکانی جغرافیایی توجه می‌کنند؛ در حالی که از نظر گروهی دیگر، تفاوت عمیقی میان زیارت تشبیهی/استعاره‌ای^۶ و این‌جهانی^۷ وجود دارد (Morinis, 1992: 4). در نگاه تشبیهی یا استعاره‌ای، زیارت، بیشتر فعالیتی ذهنی است تا فیزیکی. در این نگاه، زیارت، مفهومی معنوی، نیرومند و پرمعنا^۸ برای معتقدان به آن است (Dawson & Cowan, 2004: 224).

این نگاه، بیشتر می‌تواند مفهوم زیارت مجازی را توجیه کند، چراکه زیارت مجازی، غیرحضوری و تا اندازه‌ای ذهنی است.

در هر صورت باید پذیرفت که زیارت از طریق اینترنت مهم است، چراکه با این واسطه می‌توان راه‌های نوین به معنویت رسیدن در جهان فرانوگرا را فهمید. این نوع زیارت، خواه تنها برای اهداف اطلاعاتی باشد یا چیزی بیش از آن، باعث شکل‌گیری نوعی ارتباط نمادین^۹ برای ایجاد توازن بین سایتهای فضای مجازی و زندگی واقعی از نوع مقدس آن می‌شود (Hill-Smith, 2009: 240).

-
1. Extroverted Mysticism
 2. Familiar Place
 3. Secular
 4. Mundance
 5. Far Place
 6. Metaphorical
 7. Terrestrial
 8. Meaningful
 9. Symbolic Relation

اهداف

یکی از مباحث مطرح در مورد زیارت مجازی، تعریف اهداف چنین زیارتی است. برخی پژوهشگران برای زیارت مجازی اهداف آموزشی، معنوی یا اقتصادی را تعریف می‌کنند (MacWilliams, 2002: 315).

زیارت مجازی می‌تواند با آموزش زائران قبل از انجام زیارت واقعی، سطح کیفی را افزایش دهد. برای مثال نتایج مطالعه محمد شفیع عبدالطیف و ستیاوان ویدارتو^۱ پژوهشگران دانشگاه مالزیایی سلانگور، در مورد زیارت مجازی «رَمی جَمَرَات» نشان داد که محیط مجازی ساخته شده می‌تواند از طریق آموزش و ایجاد آمادگی قبل از زیارت، خطرهای محیطی را برای شرکت‌کنندگان از بین ببرد (Widyarto & Abd Latiff, 2007: 271).

رسیدن به سطحی از معنویت یا کسب تجربه معنوی^۲ نیز می‌تواند هدفی دیگر برای ارائه زیارت مجازی باشد. اما باید یادآور شد که چنین تجربه‌ای ناگزیر در بافت اینترنت^۳ اتفاق می‌افتد و با مفاهیم و مضامین مختلف و مهمی همچون ویژگی‌های منحصربه‌فرد فضای مجازی، وب چندرسانه‌ای^۴ و جهت‌یابی‌های فرانوگرای آن، هویت مجازی و غیره مرتبط است و از سوی طرف‌داران فناوری^۵ و مخالفان آن^۶ در مورد آثار مثبت و منفی تجربه مجازی مباحث مختلفی ارائه شده است (Maxwell, 2002: 343).

همچنین زیارت مجازی ممکن است اهدافی اقتصادی را دنبال کند. برای مثال، سایت بلیفنت^۷ در ارائه زیارت مجازی حج ابراهیمی چنین رویکردی را دنبال می‌کند.

به نظر می‌رسد آنچه بیشتر در ارائه زیارت مجازی برای کاربران مسلمان و شیعه به عنوان هدف، قابل تعریف است شامل: ۱. کمک به افزایش میزان زیارت واقعی؛ ۲. ایجاد نوعی

1. Setyawan Widyarto
2. Spiritual Expience
3. Internet Context
4. Multimedia Web
5. Technomystics
6. Technophobes
7. www.belifnet.com

ارتباط میان کاربر و زیارت‌شونده فراتر از باواسطگی رسانه^۱؛^۳ انتقال اطلاعات مفید به کاربر برای انجام بهتر زیارت واقعی باشد. چارچوب کلی این اهداف، بیان‌کننده این موضوع است که زیارت مجازی بیشتر نقش مکمل برای زیارت واقعی دارد، یعنی زیارتی که از فضای مجازی آغاز شده و به فضای واقعی ختم شود،^۲ هر چند خود نیز می‌تواند سطحی (هرچند متفاوت) از نیازهای زیارتی کاربران را پاسخ دهد.

کارکردها

برخی از پژوهشگران، کارکردهای مختلفی برای زیارت تعریف کرده‌اند. خانی، کارکردهای سیاسی، عمرانی، روانی و فردی را برای زیارت برشمرده است (۱۳۹۲: ۱۶۴-۱۵۹).

تربیت نیز کارکرد دیگری می‌تواند باشد که در برخی منابع با عنوان نقش تربیتی زیارت برای توجه و تقرب به خدا، تحول روحی، توبه و گناه‌زدایی عنوان شده است (محدثی، ۱۳۸۶: ۴۷-۶۰).

بدیهی است که زیارت مجازی به دلیل تفاوت‌هایش با زیارت واقعی، کارکردهای متفاوتی داشته باشد، هر چند بعید نیست برخی از کارکردهای فوق را در سطوحی پایین نیز به همراه داشته باشد. علاوه بر این، آنچه از کارکردهای زیارت مجازی به‌طور خاص می‌توان نام برد به دو دسته کلی کارکردهای مثبت و کژکارکردها قابل تقسیم‌اند. کارکردهای مثبت شامل: ایجاد انگیزه برای زیارت واقعی یا دیدن حرم، تلنگر برای ارتباط قلبی با امام معصوم^(ع)، یادآوری خاطره‌های خوش گذشته در مورد زیارت و ایجاد نوعی دلتنگی نسبت به زیارت می‌شود. کژکاردها نیز شامل: استفاده از زیارت مجازی برای سرگرمی یا حرم‌گردی است (علی‌مهدی و منتظر قائم، ۱۳۹۳).

1. Hypermediacy

۲. این تعبیر در مطالعه راودراد و حاجی‌محمدی برای مقایسه گردشگری واقعی با گردشگری مجازی نیز به‌کار رفته است (رک؛ راودراد و حاجی‌محمدی، ۱۳۸۹).

زیارت مجازی و نگاه دینی-اسلامی

برای تدقیق در مفهوم زیارت مجازی ابتدا باید یادآور شد زیارت مجازی در بستر فضای مجازی محقق می‌شود و بی‌شک از ویژگی‌های این فضا متأثر است. شاید بتوان گفت از مهم‌ترین این ویژگی‌ها، فارغ بودن عالم مجاز از محدودیت‌های زمانی و مکانی است، چراکه فضا، مفهومی فرامکانی و فرازمانی است (دوران، ۱۳۸۲: ۲۰).

با توجه به این نکته، برخی معتقدند در فضای مجازی به خصایص دینی نزدیک می‌شویم، زیرا عدم وجود فضا و مکان، بحث حاضر و غایب که غایب می‌تواند حاضر هم باشد، وجه اشتراک دین و فضای مجازی است (عاملی، ۱۳۸۵ به نقل از پارتازیان، ۱۳۸۸: ۱۲).

بنابراین می‌توان گفت زیارت مجازی نیز در بُعد مفهومی به لحاظ فرامکانی و فرازمانی بودن خود اشتراک‌های قابل تأملی با خصایص دینی دارد. این اشتراک‌ها زمانی قوی‌تر می‌شوند که برخی محققان زیارت را در دو بُعد عینی و ذهنی و برخی، از حیث بیرونی و درونی (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۸-۱۸۰) تعریف می‌کنند.

در این تعاریف، مفاهیم ذهنی و درونی بودن زیارت می‌توانند با ابعادی از مفهوم زیارت مجازی، هم‌نشین شوند، چراکه زیارت مجازی، غیرمستقیم و بیشتر ذهنی است و بر جنبه‌های درونی زیارت تأکید دارد.

همچنین در تعریف زیارت^۱ باید به این نکته دقت کرد که معمولاً در ادبیات غربی، زیارت تکیه بر سفر کردن و مسافرت زائر دارد، چراکه بررسی ریشه‌شناختی واژه Pilgrim نشان می‌دهد این لغت به معنای کسی است که به سفر می‌رود و معنی خاص آن یعنی «کسی که برای مقاصد مذهبی به سفر می‌رود»، از سده ۱۳ م، کاملاً تثبیت شد (آیتو، ۱۳۸۶: ۸۸۲).

1. Pilgrimage

بر این اساس به نظر می‌رسد شکل‌گیری مفاهیمی مانند سفر مجازی^۱ در مورد دیدن اماکن مختلف در فضای مجازی از همین جهت بوده است، اما لزوماً این تأکید در نگاه اسلامی پررنگ نیست، چراکه تکیه اصلی زیارت در اسلام بر حضور قلب و موانست و دستیابی به حالتی از نشاط معنوی بوده و این حالت‌ها لزوماً در مراجعه حضوری اتفاق نمی‌افتد. بنابراین در مقایسه دو دیدگاه در ادبیات غربی و اسلامی می‌توان گفت زیارت مجازی در نگاه اسلام، بیشتر مورد فهم قرار می‌گیرد، چراکه زیارت در اسلام تکیه بر سفر ندارد و لزوماً حالت‌های اصیل زیارت در مراجعه حضوری محقق نمی‌شود؛ اگرچه حضور در مکان واقعی و نزدیکی به امام معصوم^(ع) در این خصوص از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

پرتال

اولین پرتال‌هایی که این نام یا عنوان را بر خود گرفتند یاهو^۲ و اگسایت^۳ بودند که هر دو در ابتدا موتورهای کاوش و محیط‌های فهرست شبکه قلمداد می‌شدند (حسنوی و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۷).

پرتال را می‌توان مرکز ارائه خدمات و اطلاعات اینترنتی دانست که بر چهار پایه اصلی استوار است:

۱. انطباق‌پذیری؛^۴

۲. ویژه‌سازی؛^۵

۳. یکپارچگی؛^۶

۴. پشتیبانی انجمن‌های اینترنتی^۷

-
1. Virtual Trip
 2. Yahoo
 3. Excite
 4. Customization
 5. Personalization
 6. Integration
 7. Online Communication

در تعریف مذکور باید به این مطلب توجه کرد که پرتال، مرکز یا مکانی^۱ است که ساده‌ترین کاربران اینترنت با رفتن به آنجا بتوانند به سادگی از خدمات متداول در اینترنت بهره‌مند شوند یا اطلاعات مورد نیاز خود را به‌دست آورند. این تعریف بیانگر نکاتی است: ۱. پرتال، دروازه‌ای به سایت‌های دیگر یا نقطه ورود کاربران به اینترنت است؛ ۲. عموماً استفاده‌کنندگان از پرتال افراد حرفه‌ای نیستند. پرتال این توانایی را به افراد می‌دهد که حتی کم‌تجربه‌ترین آنها بتواند از اطلاعات و خدمات ارائه‌شده استفاده کنند؛ ۳. پرتال‌ها باید توانایی ارائه خدمات عمومی مانند: پست الکترونیک رایگان، انجمن، تالار گفتگو، اخبار، نقشه‌های مرتبط با موضوع پرتال، جستجو در سایت‌های زیرمجموعه و اینترنت، شخصی‌سازی توسط کاربر و شخصی‌سازی توسط پرتال را داشته باشد. یکی دیگر از ویژگی‌های پرتال، دریافت اطلاعات از سایت‌های دیگر است^۲ (ارجمندی و کامیار ارباب، ۱۳۸۹: ۲۰).

از دیدگاه اشتراوس^۳، پرتال واقعی باید از چهار ویژگی اصلی به ترتیب زیر برخوردار باشد:

۱. قابلیت تنظیم^۴: یک پرتال واقعی عبارت است از: صفحه اینترنتی که ظاهر و محتوای اطلاعاتی آن بر اساس اطلاعاتی که درباره کاربر در پایگاه اطلاعات پرتال ذخیره شده، شکل گرفته است. وقتی کاربر برای ورود به پرتال مجاز شمرده می‌شود، اطلاعات تأیید^۵ او تعیین می‌کند که کاربر چه چیزهایی را در پرتال مشاهده خواهد کرد.

۲. قابلیت اختصاصی‌سازی^۶: بر اساس این قابلیت، کاربر می‌تواند مجموعه‌ای از ویژگی‌های ظاهری و محتوایی را برای یک پرتال واقعی مطابق میل خود انتخاب و ذخیره

-
1. Hub
 2. Content Aggregation
 3. Strauss
 4. Customization
 5. Authentication
 6. Personalization

❖ کند. این ویژگی می‌تواند برای هر کاربر متفاوت باشد.

۳. قابلیت انطباق^۱: پرتال از طریق اطلاعاتی که کاربر فراهم می‌کند، برای او آشنا و شناخته می‌شود و از طریق همین اطلاعات، پرتال در ارتباط با کاربرانش برنامه‌ریزی می‌شود. وقتی نقش کاربر در سازمانی تغییر می‌کند، پرتال واقعی این تغییر را تشخیص می‌دهد و بدون مداخله انسانی خود را با آن منطبق می‌سازد.

۴. قابلیت ورود: هدف یک پرتال عبارت است از: کشیدن پوششی بر روی کارکردهای داخلی سامانه‌های اطلاعاتی سازمان و مخفی ساختن آنها از چشم کاربر. اتصال کاربر به پرتال، او را از اتصال‌های مکرر به سامانه‌های اطلاعاتی متعدد موجود در سازمان که محتوای اطلاعاتی درخواستی او را فراهم می‌کنند، بی‌نیاز می‌کند. پرتال نهایی می‌تواند به‌عنوان نقطه آغاز و ورود کاربر نه فقط به سازمان و اینترنت، بلکه به صفحه رومیزی رایانه^۲ خودش تلقی شود (حسنوی و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۸ - ۸۹).

جنبه‌های اطلاعاتی و ارتباطی پرتال

در طراحی پرتال ضرورت دارد به این نکته دقت شود که پرتال چیزی فراتر از یک پیشرفت فنی بوده و الگو و شاخص جدیدی برای تعامل و همکاری فراسازمانی است. درواقع، محیط اطلاعاتی برتر در آینده است (همان: ۸۹).

پرتال‌ها با ویژگی‌هایی که دارند سبب می‌شوند کاربران آنها نوعی تعلق‌خاطر پیدا کنند و هر کاربر مرتباً به پرتال شخصی خود مراجعه کند (حجازی، ۱۳۸۴: ۵۶) و این چیزی غیر از نگاه فنی به پرتال است. در نوشتار پیش‌رو نیز رویکرد اصلی در طراحی پرتال زیارت مجازی، تکیه بر جنبه‌های ارتباطی و اطلاعاتی آن است و به مخاطب به‌عنوان زائر مجازی توجه ویژه دارد. بنابراین در این رویکرد، پرتال، ابزاری برای تبادل اطلاعات و برقراری ارتباط بین زائران و مشتاقان به زیارت و حرم‌های مقدس ائمه شیعه^(ع) و نوادگان ایشان است.

1. Adaptability

2. Desktop

روش

در این بررسی، برای طراحی محتوایی و ساختاری پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه، به شناسایی ابعاد ساختاری و محتوایی سایت‌های زیارتی-مذهبی که هر کدام به طریقی خدمات زیارتی ارائه می‌دهند، پرداخته شده است. بر این اساس سؤال‌ها به صورت زیر تعریف می‌شوند:

ساختار و محتوای پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه باید چگونه باشد؟ ساختار و محتوای ارائه شده در سایت‌های ارائه‌دهنده زیارت مجازی کدام است؟

برای پاسخ به این سؤال‌ها، راهبرد تحقیق کیفی و استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی برای مطالعه سایت‌های مذکور انتخاب شد، چراکه تحلیل محتوای کیفی، فرایند عقلانی طبقه‌بندی داده‌ها در قالب مجموعه‌ها یا مقوله‌های مفهومی مشابه و شیوه‌ای بسیار متداول در تحلیل مجموعه وسیعی از داده‌ها [ی متنی و غیرمتنی] و رسانه‌هایی چون نقاشی، عکس و ویدیوهاست (عاملی، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

بنابراین، این روش کمک می‌کند تا طبقات^۱ ساختاری و محتوایی سایت‌های زیارتی-مذهبی شناسایی شوند.

به این ترتیب جامعه مورد مطالعه شامل سایت‌هایی هستند که هر کدام به روشی، خدمات زیارتی ارائه می‌دهند. روش نمونه‌گیری برای انتخاب سایت‌ها نیز نمونه‌گیری غیرتصادفی و گزینشی است (برای مشاهده سایت‌های انتخاب شده پیوست شماره یک را ملاحظه کنید).

این روش به پژوهشگران کمک می‌کند سایت‌هایی را برای اعضای نمونه انتخاب کنند که ابعاد ساختاری و محتوایی آنها برای طراحی زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه مناسب‌تر باشند. تعداد اعضای نمونه نیز بسته به کفایت موضوعی داده‌ها و حداقل برای بررسی ۲۰ سایت هدف‌گذاری شد. جدول (۱) عناصر روش شناختی را نشان می‌دهد.

1. Categories

جدول ۱. عناصر روش شناختی پژوهش

هدف	جامعه	تعداد نمونه	شیوه نمونه‌گیری	ابزار گردآوری اطلاعات	روش تجزیه و تحلیل داده‌ها
شناسایی ویژگی‌های محتوایی و ساختاری پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه؛ مطالعه سایت‌های زیارت مجازی	سایت‌های ارائه‌دهنده زیارت مجازی	بسته به کفایت نظری حداقل ۲۰ سایت	غیرتصادفی - گزینشی	اینترنت	تحلیل محتوای کیفی

یافته‌ها

یادآوری این نکته ضروری است که تحلیل سایت‌های زیارتی- مذهبی می‌تواند چارچوبی کلی در طراحی ساختاری و محتوایی پرتال زیارت مجازی پیشنهاد دهد، چراکه هدف شکل‌گیری هر یک از این سایت‌ها هر چند در حوزه‌ای کلی با طراحی پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه مشابهت دارد، اما اهداف تخصصی، مخاطبان و بافت فرهنگی هر یک از آنها متفاوت است.

بنابراین در این بررسی، جهت‌گیری تحلیل با توجه به الزام‌ها و نیازهای زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه صورت گرفته و هر آنچه در ادامه به آن اشاره می‌شود با محوریت مقوله کلی زیارت برای پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه است.

بر این اساس، ۲۳ سایت از سایت‌های زیارتی- مذهبی که هرکدام به روشی سعی در ارائه زیارت مجازی داشتند، انتخاب شدند. این سایت‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفتند که در نتیجه، ۵۶۲ کد از ابعاد ساختاری و محتوایی سایت‌ها ثبت شد. این کدها با استفاده از نرم‌افزار مایکروسافت اکسل^۱ در دو مرحله با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی، طبقه‌بندی (پیوست شماره دو نمونه‌ای از جداول تحلیلی را نشان می‌دهد) و در نهایت ۱۲ طبقه همراه ۸۹ زیرطبقه به‌عنوان ویژگی‌های ساختاری و محتوایی سایت‌ها شناسایی شدند. جدول (۲) این ویژگی‌ها را نشان می‌دهد.

1. Microsoft Excel

جدول ۲. ویژگی‌های محتوایی و ساختاری

۱. تماس با ما ۲. اشتراک ۳. درباره ما ۴. پیام سایت ۵. سؤال‌های متداول	تعامل با سایت	۱
۶. آستان‌شناسی ۷. حرم‌شناسی ۸. سایر اماکن زیارتی منطقه ۹. سایر اماکن زیارتی حرم ۱۰. موزه‌ها ۱۱. شهرشناسی ۱۲. شخصیت‌ها ۱۳. مدفونان حرم ۱۴. پروژه‌های عمرانی ۱۵. تولیت حرم	آشنایی بیشتر	۲
۱۶. شبکه‌های اجتماعی مجازی ۱۷. تلویزیون حرم ۱۸. رادیو حرم ۱۹. فیلم ۲۰. تصاویر ۲۱. صوت‌ها	رسانه‌ها	۳
۲۲. معرفی حضرت ۲۳. زندگی‌نامه ۲۴. فضیلت زیارت ۲۵. آداب زیارت	زیارت	۴

۲۶. مقدمه زیارت		
۲۷. اذن دخول ۲۸. زیارت نامه ۲۹. متاسک حرم ۳۰. نائب الزیاره ۳۱. سراسر نما ۳۲. پخش زنده ۳۳. کرامت‌ها ۳۴. دلنوشته ۳۵. خاطره‌نگاری ۳۶. ختم قرآن ۳۷. ادعیه ۳۸. راهنما	زیارت	۴
۳۹. مقاله ۴۰. کتابشناختی ۴۱. انتشارات ۴۲. کتابخانه ۴۳. پرسش و پاسخ ۴۴. تحقیق و پژوهش	آموزش و پژوهش	۵
۴۵. خبر ۴۶. گزارش‌ها ۴۷. افراد گمشده ۴۸. اشیای گمشده ۴۹. خطبه‌ها ۵۰. پیام نماز جمعه	اطلاع‌رسانی	۶
۵۱. خادم افتخاری	خدمت به حرم	۷

طراحی محتوایی و ساختاری پرتال زیارت ... ❖ ۱۰۳

❖ سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴

۵۲. وقف ۵۳. هدیه مالی		
۵۴. زائران ویژه ۵۵. کودکانه ۵۶. جوانان ۵۷. انجمن های زیارتی	گروه ها	۸
۵۸. اوقات شرعی ۵۹. گزارش آب و هوا ۶۰. ساعت، تاریخ ۶۱. برنامه حرم ۶۲. مسابقه ها	مدیریت زمان و برنامه ها	۹
۶۳. نرم افزارها ۶۴. اندروید	نرم افزارها	۱۰
۶۵. تبلیغات ۶۶. خرید ۶۷. گروه بندی محصولات	تجارت	۱۱
۶۸. جستجو ۶۹. خانه ۷۰. خوشامدگویی ۷۱. داشبورد خدمات ۷۲. زبان ۷۳. عضویت ۷۴. گذر جمله ۷۵. لینک های مفید ۷۶. مالکیت معنوی ۷۷. نقشه سایت ۷۸. شمارشگر	شاخص های ساختاری	۱۲

۷۹. آمار سایت		
۸۰. بایگانی		
۸۱. ورود کاربر		
۸۲. لوگو		
۸۳. لوگو - بسم الله		
۸۴. لوگو - تصویر حرم	شاخص‌های	۱۲
۸۵. جمله برگزیده	ساختاری	
۸۶. لوگو - حدیث معروف		
۸۷. لوگو - سلام به حضرت		
۸۸. لوگو - شعار پایگاه		
۸۹. لوگو - عنوان پایگاه		

۱. الگوی محتوایی

بر اساس نتایج تحلیل محتوای کیفی سایت‌های زیارتی- مذهبی و طبقات ۱۲ گانه به دست آمده از این تحلیل، بخش‌های محتوایی برای پرتال زیارت مجازی پیشنهاد می‌شود:

تعامل با سایت: این بخش به کاربر اجازه می‌دهد در صورت تمایل، اطلاعات لازم در مورد سایت را کسب کند، مسیرهای برقراری ارتباط با سایت را بداند، مشترک سایت شود تا از اخبار زیارت، اطلاع‌رسانی‌ها و غیره از طریق ارسال به پست الکترونیک آگاه شده و پاسخ سؤال‌های خود را دریابد.

آشنایی بیشتر: معمولاً زائران و کاربران، در کنار هدف اصلی خود یعنی زیارت/ زیارت مجازی، به دنبال کسب اطلاعاتی دیگر در مورد حوزه جغرافیایی مزارهای مورد نظر خود هستند. آشنایی بیشتر، ضمن تأمین این بخش از نیاز کاربران، سطح اطلاعات آنها را در مورد آن حوزه جغرافیایی افزایش می‌دهد. آشنایی با آستان مقدس، حرم مطهر (نقشه حرم، عمارت حرم و تاریخ حرم)، سایر اماکن زیارتی حرم^۱، دفن شدگان معروف در حرم (علما

۱. برای مثال در حرم مطهر حضرت رضا(ع) می‌توان به مزارهایی چون شیخ بهایی، شیخ طبرسی، پیرپالان دوز و حرعاملی اشاره کرد.

طراحی محتوایی و ساختاری پرتال زیارت ... ❖ ۱۰۵

و شهدا)، موزه‌ها، سایر اماکن زیارتی که در آن شهر یا حوزه جغرافیایی وجود دارد^۱، اطلاعات در مورد شهر زیارتی (نقشه شهر، تاریخ شهر) و شخصیت‌های برجسته آن می‌تواند شناخت مناسبی به کاربر بدهد. حجم اطلاعات و شیوه ارائه آنها در این بخش نباید به گونه‌ای باشد که هدف اصلی سایت یعنی زیارت مجازی را تحت تأثیر قرار دهد؛ این بخش برای تأمین بخشی از نیازهای فرعی کاربران در مورد زیارت طراحی شده است.

رسانه‌ها: کاربران نیاز دارند بخشی از اطلاعات مورد علاقه خود را از طریق ابزارهای رسانه‌ای مانند عکس، فیلم و صوت دریافت کنند. همچنین ارائه رادیویی و تلویزیونی حرم از طریق اینترنت می‌تواند برای کاربران جذاب باشد. همچنین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، در شکل‌گیری گروه‌ها و انجمن‌های زیارتی تأثیر زیادی دارد.

در همین راستا، مطالعه فری^۲ (۱۹۹۸) در مورد زائران سانتیاگو^۳ نشان داد ایجاد جامعه مجازی از زائرانی که از طریق وب به یکدیگر مرتبط می‌شوند، یکی از الگوهای جدید ایجادشده در زیارت است. پس از مطالعه وی، علاقه اینترنتی و رسانه‌ای در سانتیاگو رشد کرد و هم‌اکنون سایت‌های زیادی منحصرأ متعلق به زیارت و دوستداران زیارت است (Reader, 2007: 214).

زیارت: زیارت، مهم‌ترین بخش در پرتال زیارت مجازی محسوب می‌شود. به‌طور کلی این بخش را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول، شامل محتوایی است که به‌نوعی زمینه زیارت محسوب می‌شود. معرفی و زندگی‌نامه حضرت، فضیلت زیارت، کرامت‌های حضرت، اذن دخول و آداب زیارت از این دسته محسوب می‌شوند؛ دسته دوم، زیارت مجازی است که شیوه ارائه آن می‌تواند ترکیبی از تصاویر سراسرنما و پخش زنده باشد،^۴

۱. برای مثال در مشهد مقدس، مزارهایی چون خواجه اباصلت، خواجه مراد، امامزادگان یاسر و ناصر، خواجه ربیع و غیره (برای اطلاعات بیشتر رک؛ زنگنه، ابراهیم، ۱۳۹۰. **مزارات مشهد بزرگ**، مشهد: طنین قلم).

2 . Nancy Frey

3 . Santiago

۴. برای آگاهی بیشتر از چگونگی ارائه مطلوب زیارت مجازی به مقاله «طراحی الگوی مفهومی زیارت مجازی اماکن متبرکه؛ مورد مطالعه زیارت امام علی بن موسی الرضا^(ع)»، در نشریه دین و ارتباطات، شماره ۴۵، علی‌مهدی و منتظر قائم، ۱۳۹۳ مراجعه کنید.

چراکه ۱. عکس‌ها در کنار یکدیگر می‌توانند مسیری برای زیارت برای کاربر ترتیب دهند. طی این مسیر، آمادگی کاربر برای زیارت امام^(ع) را افزایش داده و نوعی مقدمه برای زیارت بهتر است؛ ۲. تعاملی بودن این نوع تصاویر به حس حضور زائر کمک بیشتری می‌کند. بنابراین برای بهره بردن از ویژگی پخش زنده بهتر است در موقعیت‌های خاصی از مسیر زیارت، کاربر از پخش زنده بهره ببرد. به نظر می‌رسد بهترین موقعیت برای استفاده از پخش زنده زمانی باشد که کاربر بعد از طی مسیر زیارت به مضجع شریف می‌رسد و آنگاه با دیدن ضریح امام^(ع) به صورت زنده، زیارت خود را تکمیل می‌کند؛ دسته سوم، شیوه‌هایی است که کاربر با استفاده از آنها سعی می‌کند به طور فعال با امام خویش ارتباط برقرار کرده یا دیگران را در این ارتباط سهیم کند. درخواست برای انجام زیارت نیابتی، شرکت در ختم قرآن برای حضرت، دلنوشته و خاطره‌نگاری، از مهم‌ترین این موارد محسوب می‌شوند. ارائه محتوایی از ادعیه مرتبط با زیارت^۱ و زیارت‌نامه مخصوص حضرت نیز می‌تواند از خدمات مفید این بخش باشد.

آموزش و پژوهش: برای برخی از کاربران که بیشتر به دنبال اطلاعات علمی در مورد زیارت هستند، ارائه این بخش می‌تواند مفید باشد. در این زمینه ارائه کتاب‌شناختی حضرت، کتابخانه الکترونیک، معرفی انتشارات وابسته به آستان آن حضرت و آشنایی با پژوهش‌های انجام‌شده یا فراخوان‌های پژوهشی، مقدمات انتقال اطلاعات مفیدی را به این دست از کاربران مهیا می‌کند. همچنین پیش‌بینی بخش پرسش و پاسخ فعال در پرتال، دوسویگی ارتباط میان پرتال و کاربران و کاربران با یکدیگر را تقویت کرده و به مشارکت فعال کاربر در استفاده از پرتال کمک می‌کند.

اطلاع‌رسانی: ارائه برخی اخبار مربوط به زیارت و گزارش اقدامی‌ها انجام‌شده در حرم‌های مطهر می‌تواند برای کاربران مفید باشد. از آنجایی که خطبه‌های نماز جمعه بسیاری از شهرهای مذهبی در حرم‌های مطهر برگزار می‌شود زائران می‌توانند از برنامه نماز جمعه و

۱. زیارت امین‌الله، زیارت جامعه کبیره، زیارت وارث و غیره.

طراحی محتوایی و ساختاری پرتال زیارت ... ❖ ۱۰۷

گزارش مختصری از آن اطلاع یابند. همچنین یکی از نیازهای زائران که در سایت‌های زیارتی منعکس شده است، اطلاع‌رسانی در مورد گمشده‌هاست. به نظر می‌رسد از طریق اطلاع‌رسانی برای افراد یا اشیای گمشده یا پیدا شده در پرتال زیارت مجازی، می‌توان شرایط رفع این مشکل را بهبود بخشید.

خدمت به حرم: بسیاری از زائران، مشتاق خدمت به حرم‌های مطهر ائمه^(ع) هستند. این مطلوب ممکن است به وسیله کمک‌های مالی، وقف یا خدمات حضوری در محل اماکن متبرکه صورت پذیرد. ثبت‌نام از علاقه‌مندان در گروه‌های خدمتی مختلف و ارائه اطلاعات در این زمینه می‌تواند به کاربران برای انجام چنین خدماتی کمک کند.

گروه‌های زیارتی: زائران و کاربران زیارت را می‌توان در قالب گروه‌های مختلفی تعریف کرد. توجه به این گروه‌ها و پیش‌بینی خدماتی برای آنان در پرتال زیارت مجازی می‌تواند شکل‌گیری گروه‌های زیارتی را به همراه داشته باشد. همچنین از آنجا که نیازها و اهداف زیارتی این گروه‌ها تا اندازه زیادی مشترک است، تجربه زیارت و جستجو برای کسب اطلاعات مشترک و تعامل دوسویه میان آنها در پرتال زیارت مجازی، بهتر و جذاب‌تر خواهد بود.

به علاوه بر پایه این گروه‌ها تشکیل انجمن‌های زیارتی مختلف امکان‌پذیر خواهد بود. یکی از امواج اصلی ارتباطات دینی موج اجتماع‌محوری است که به خلق یک اجتماع مجازی اختصاص دارد که ارتباط دو سویه با افراد را در اولویت اهمیت قرار می‌دهد. موج اجتماعی در صدد است که در روح افراد، تعلق خاطری ایجاد کند تا رجوع به سایت خاص در فضای مجازی به عنوان نیاز روزانه آنان تلقی شود (آشنا، ۱۳۸۵ به نقل از پارتازیان، ۱۳۸۸: ۲۲).

برای تحقق چنین اجتماعی معمولاً محوریت با یک امر مشترک بین اجتماع‌کنندگان است که در اینجا می‌تواند امر زیارت باشد.

مدیریت زمان و برنامه‌ریزی: امروزه با افزایش سرعت در زندگی افراد و کوتاه بودن عمر سفرهای زیارتی در اکثر موارد، نیاز به برنامه‌ریزی و مدیریت زمان در انجام این سفرها افزایش پیدا کرده است. از طرف دیگر، ارائه برنامه‌های متنوع در شبانه‌روز و مناسبت‌های مختلف در طول سال از سوی آستان‌های مقدس، ضرورت چنین امری را افزایش داده است. اطلاع از اوقات شرعی و پیش‌بینی و گزارش آب و هوای مشاهد شریفه، ساعت و تاریخ برنامه‌های مختلف حرم از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در برنامه‌ریزی و مدیریت زمان برای زائران است.

نرم‌افزارها: امکان دریافت نرم‌افزارهای مختلف به‌خصوص نرم‌افزارهای کاربردی برای استفاده در تلفن همراه با موضوع‌های مذهبی و زیارتی برای کاربران جذاب خواهد بود.

تجارت: هرچند برخی سایت‌های زیارتی امکان خرید و فروش محصولات مذهبی و تبلیغ آنها را در خدمات خود پیش‌بینی کرده‌اند، اما این بخش برای پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه پیشنهاد نمی‌شود، چراکه ۱. سایت‌های مستقلی برای این امور وجود دارد؛ ۲. ممکن است موضوع اصلی پرتال یعنی زیارت، تحت الشعاع این نوع خدمات قرار گیرد. به همین دلیل است که برخی سایت‌های زیارتی مانند سایت زیارتی لوردز^۱ اطلاعاتی که جنبه توریستی دارند، مانند: هتل‌ها، مکان‌های گردشگری، امکان پیش‌خرید و غیره را در سایتی متفاوت ارائه می‌کنند.^۲

۲. الگوی ساختاری

از آنجا که در این نوشتار، تحلیل سایت‌های زیارتی- مذهبی با هدف طراحی ساختار پرتال زیارت مجازی نیز انجام شد، پژوهشگران همگام با استخراج مؤلفه‌های ساختاری، جانمایی هر کدام از این مؤلفه‌ها را نیز در فرایند تحلیل با دو شاخص ردیف/ ستون

1. www.en.lourdes-france.org

2. www.lourdes-infotourisme.com

طراحی محتوایی و ساختاری پرتال زیارت ... ❖ ۱۰۹

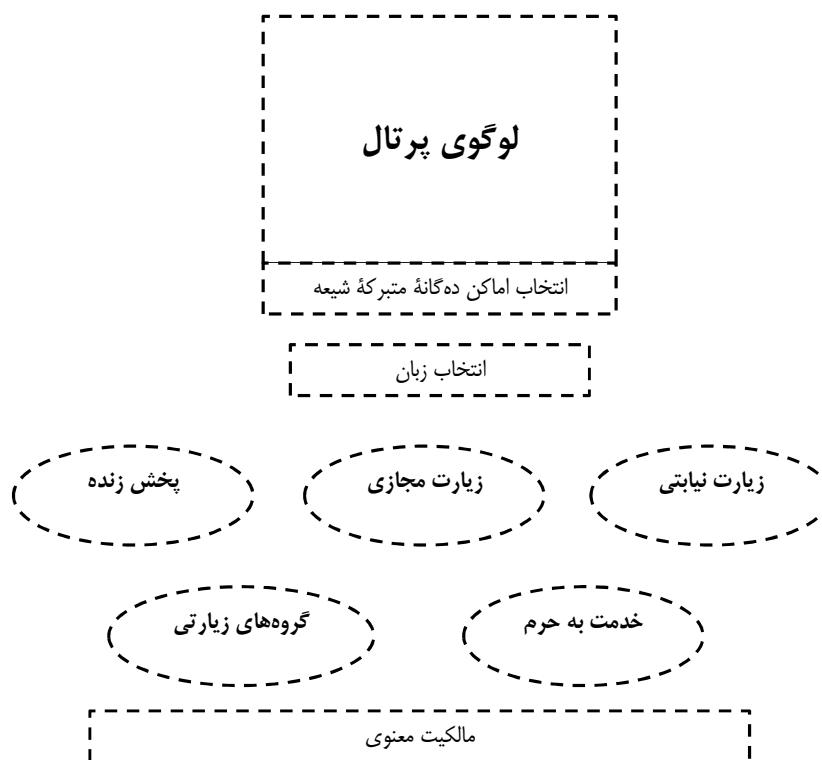
محتوایی و موقعیت آن در ردیف/ ستون ثبت کردند. بر این اساس، الگوی ساختاری پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه در سه بخش صفحه پیش درآمد، صفحه خانگی و نقشه سایت به صورت زیر پیشنهاد می شود:

صفحه پیش درآمد

مطالعه سایت های مذهبی - زیارتی این نکته کلی را بازگو می کند که ارائه مهم ترین خدمات سایت در اولین صفحه به عنوان صفحه پیش درآمد، احتمالاً از سردرگمی کاربر در استفاده از کاربردی ترین و مهم ترین خدمات سایت می کاهد. از این جهت در طراحی پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه نیز پیشنهاد می شود چنین صفحه ای پیش بینی و طراحی شود. پژوهشگران بر اساس موضوع اصلی سایت، یعنی زیارت مجازی، مؤلفه های محتوایی زیارت مجازی، زیارت نیابتی، بخش مستقیم، خدمت به حرم و گروه های زیارتی و مؤلفه های ساختاری انتخاب زبان، جستجو در پرتال، ارتباط با شبکه های اجتماعی مجازی، عضویت و ورود کاربر در پرتال، نقشه پرتال، لوگو و مالکیت معنوی را پیشنهاد می کنند. همچنین انتخاب یکی از اماکن ده گانه متبرکه شیعه (مسجد معظم کوفه، حرم های مطهر امام علی، امام حسین، حضرت عباس، امامین کاظمین، امامین عسکریین، امام رضا، حضرت معصومه، حضرت عبدالعظیم حسنی و حضرت احمد بن موسی^(ع)) که قابلیت ارائه خدمات زیارت مجازی را دارند پیش بینی شده است. بر این اساس و پس از مرور مکرر و مقایسه کلی جانمایی هر یک از این خدمات در سایت های زیارتی- مذهبی، ساختار صفحه مذکور به صورتی که در ادامه می آید، معرفی می شود:

ارتباط با شبکه‌های اجتماعی مجازی
نقشه پرتال

عضویت / ورود کاربر به پرتال
جستجو در پرتال

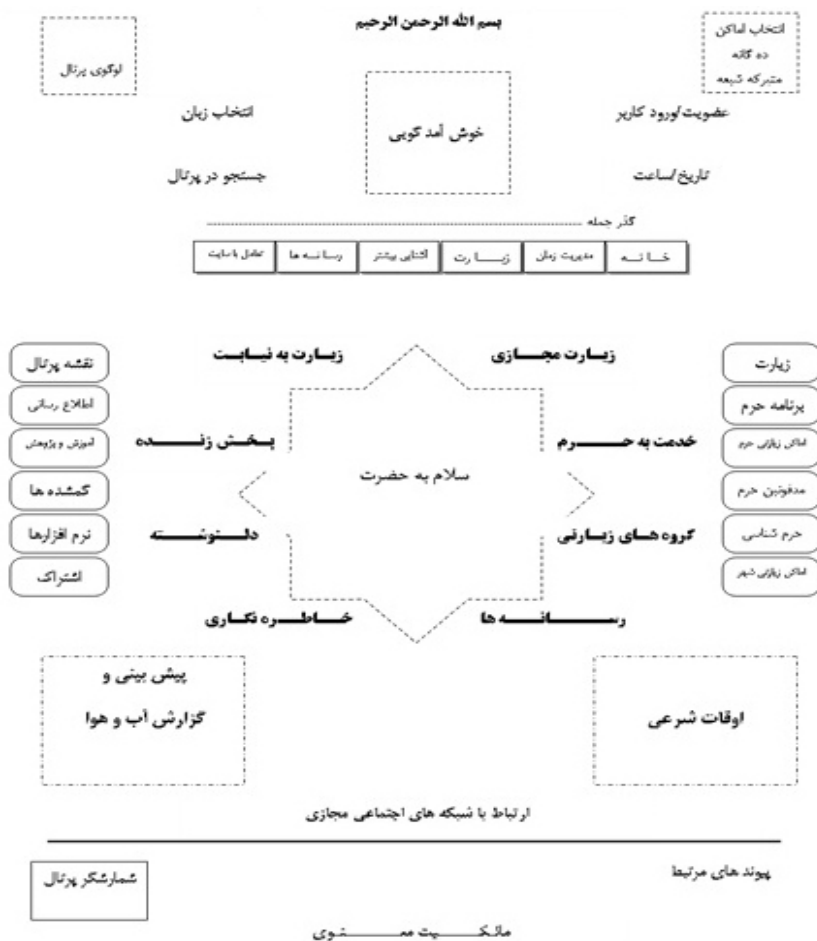


نمودار ۱. الگوی ساختاری و پیشنهادی برای صفحه پیش‌درآمد پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه؛ منبع: یافته‌های پژوهش

صفحه خانگی

با مرور مکرر طبقات محتوایی و ساختاری سایت‌های مذهبی-زیارتی و مقایسهٔ جانمایی خدمات هر کدام در صفحهٔ خانگی آنها، الگوی ساختاری که در ادامه قابل مشاهده است، برای صفحهٔ خانگی پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه پیشنهاد می‌شود:

طراحی محتوایی و ساختاری پرتال زیارت ... ❖ ۱۱۱



نمودار ۲. الگوی ساختاری پیشنهادی

برای صفحه خانگی پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعہ؛ منبع: یافته های پژوهش
نقشه سایت

الگوی ساختاری نقشه پرتال، ضمن انعکاس خدمات مختلف در یک صفحه به کاربر، به ما اجازه می دهد لایه های مختلف صفحه های پرتال را قبل از طراحی شناسایی کنیم. برای این منظور، الگویی که در ادامه می بینید، پیشنهاد می شود:

● تعامل با سایت ○ تماس با ما ○ اشتراک ○ درباره ما ○ پیام سایت ○ سؤال‌های متداول ● آشنایی بیشتر ○ حرم‌شناسی ■ نقشه حرم ■ عمارت حرم ■ تاریخ حرم ■ اماکن زیارتی حرم ■ موزه‌ها ■ مدفونان حرم ■ پروژه‌های عمرانی ○ آستان قدس ■ تاریخ آستان ■ تولیت حرم ■ معاونت‌ها و مراکز وابسته ○ شهرشناسی ■ نقشه شهر ■ اماکن زیارتی شهر ■ شخصیت‌ها ● رسانه‌ها ○ شبکه‌های اجتماعی مجازی ○ تلویزیون حرم ○ رادیو حرم ○ فیلم ■ بیشترین بازدید ■ بیشترین دانلودها ■ جدیدترین‌ها ■ فیلم‌های منتخب ■ بایگانی	○ تصاویر ■ بیشترین بازدیدها ■ بیشترین دانلودها ■ جدیدترین‌ها ■ تصاویر منتخب ■ بایگانی ○ صوت‌ها ■ بیشترین بازدیدها ■ بیشترین دانلودها ■ جدیدترین‌ها ■ صوت‌های منتخب ■ بایگانی ● زیارت ○ مقدمات زیارت ■ معرفی حضرت ■ زندگی‌نامه ■ فضیلت زیارت ■ کرامت‌های حضرت ■ آداب زیارت ○ زیارت مجازی ■ راهنمای زیارت ■ زیارت مجازی ○ پخش زنده ○ زیارت به نیابت ○ دلنوشته ○ خاطره‌نگاری ○ ختم قرآن ○ مناسک حرم ○ زیارت‌نامه و ادعیه ● آموزش و پژوهش ○ مقاله‌ها ○ کتابخانه ■ کتاب‌شناختی ■ کتابخانه الکترونیک	○ انتشارات ○ پرسش و پاسخ ○ تحقیق و پژوهش ● اطلاع‌رسانی ○ گمشده‌ها ■ افراد گمشده ■ اشیای گمشده ○ اخبار زیارت ○ گزارش‌ها ○ نماز جمعه ○ بایگانی ● خدمت به حرم ○ خادم اختاری ○ درخواست برای وقف ○ هدیه مالی ● گروه‌های زیارتی ○ زائران ویژه ○ کودکان ○ جوانان ○ انجمن‌های زیارتی ● مدیریت زمان و برنامه‌ها ○ اوقات شرعی ○ برنامه‌های حرم ○ مسابقه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی ○ پیش‌بینی و گزارش آب و هوا ● نرم‌افزارها ○ معرفی نرم‌افزارهای مذهبی ○ نرم‌افزارهای کاربردی و اندروید ● نقشه پرتال ● پیوندهای مرتبط ○ پیوند به آستان‌های مقدس ○ پیوند به مراکز مرتبط و وابسته
---	---	---

نمودار ۳. الگوی ساختاری پیشنهادی

برای نقشه پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه؛ منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به‌طور کلی دستاورد تحلیل محتوای کیفی سایت‌های اماکن متبرکه شیعه نشان می‌دهد هرچند این سایت‌ها بخشی از خدمات خود را به بحث زیارت اختصاص داده‌اند اما اهمیت محتوای ارائه‌شده در این سایت‌ها بیشتر مرتبط با موضوع «اطلاع‌رسانی» است. به همین جهت در صفحه نخست این سایت‌ها بخش «اخبار» اغلب در مهم‌ترین قسمت سایت به‌لحاظ ساختاری (یعنی ستون وسط) پیش‌بینی شده است. سایر خدمات این سایت‌ها نیز مانند گزارش‌ها و حتی بخشی از تصاویر ارائه‌شده نیز جنبه اطلاع‌رسانی دارند. به همین دلیل است که برخی از کاربران حتی در جستجوی خدمات زیارتی در این سایت‌ها دچار مشکل می‌شوند. بنابراین بهتر است یک پرتال تخصصی با موضوع زیارت به پاسخ نیازهای زیارتی کاربران بپردازد. پژوهشگران با استفاده از تحلیل محتوای کیفی سایت‌های زیارتی - مذهبی، الگوهایی را در دو بخش محتوایی و ساختاری برای طراحی چنین پرتالی شناسایی کردند. بر این اساس، الگوهای محتوایی، ارائه‌دهنده محتوای اصلی خدمات قابل ارائه در پرتال تخصصی زیارت مجازی بوده و الگوهای ساختاری، ساختار پیشنهادی برای طراحی صفحه‌های چنین پرتالی را ارائه می‌دهند.

بر پایه نتایج تحلیل محتوای کیفی سایت‌های مذهبی-زیارتی، پژوهشگران از میان محتواهای شناسایی‌شده (جدول ۲) ۱. پخش زنده از حرم؛ ۲. درخواست برای زیارت نیابتی؛ ۳. زیارت مجازی مطلوب؛ ۴. دلنوشته؛ ۵. خاطره‌نگاری را به‌عنوان خدمات اصلی برای پوشش نیازهای زیارتی کاربران در پرتال تخصصی زیارت مجازی پیش‌بینی کردند، چراکه این خدمات، هر کدام به روشی، بیشتر باعث برقراری نوعی ارتباط قلبی کاربر با امام معصوم^(ع) و به‌طور کلی تحقق بخشی از اهداف زیارت می‌شوند. همچنین بر اساس الگوهای موجود در برخی سایت‌های مذهبی پیش‌بینی می‌شود ایجاد بستری مناسب برای تشکیل گروه‌های زیارتی و نیز امکان خدمت به حرم امامان معصوم^(ع) از طریق پرتال زیارت مجازی، بتواند به‌طور مؤثری به رشد کمی و کیفی زیارت حضوری کمک کند.

به علاوه، نتایج تحلیل این بررسی، الگوهای ساختاری را در سه بخش صفحه پیش درآمد، صفحه خانگی و نقشه سایت شناسایی کرده است.

صفحه پیش درآمد، مهم ترین خدمات سایت را ارائه می دهد، درحالی که صفحه خانگی، دسترسی به خدمات مختلف سایت را امکان پذیر می کند. نقشه سایت نیز بخش های مختلف سایت را در یک نگاه با تقسیم بندی های مربوطه نشان می دهد.

با توجه به ویژگی های سایت های بررسی شده و برخی نقاط ضعف و قوت آنها، پیشنهاد های کاربردی زیر برای طراحی پرتال زیارت مجازی اماکن متبرکه شیعه ارائه می شود:

۱. تأکید بر بُعد زیارتی در پخش زنده به جای پخش زنده تلویزیونی از حرم های مطهر

بررسی سایت های زیارتی حرم های مطهر حضرات معصومین^(ع) نشان می دهد که این سایت ها پخش زنده حرم را تنها به شیوه پخش تلویزیونی و بی توجه یا کم توجه به بُعد زیارتی آن انجام می دهند. از این رو انتخاب و ارائه زیارت نامه های کوتاه به صورت صوت، متن و با ترجمه مناسب هم زمان با پخش زنده از حرم های مطهر پیشنهاد می شود، چراکه ارائه زیارت نامه به خصوص همراه با صوت، جنبه زیارتی پخش زنده را برای کاربران تقویت می کند. نتایج پژوهش دیگر نیز نشان داد پخش صدا هم زمان با انجام زیارت مجازی بیشترین درخواستی بوده که توسط کاربران مطرح شده است (علی مهدی و منتظر قائم، ۱۳۹۳).

۲. امکان جستجو و ارائه گزارش به کاربر برای درخواست زیارت نیابتی

کاربران در استفاده از زیارت نیابتی علاقه دارند به راحتی در میان انبوهی از درخواست های ثبت شده، وضعیت درخواست خود را بدانند و در صورت انجام، به سرعت از آن مطلع شوند. امکان جستجو در فهرست ثبت درخواست ها برای زیارت نیابتی و ارسال گزارش به پست الکترونیک کاربر با جزئیاتی همچون تاریخ، ساعت و نام فرد زیارت کننده، انگیزه

بیشتری برای کاربران در استفاده از این بخش ایجاد می‌کند.^۱

۳. ایجاد امکان مدیریت شده برای شکل‌گیری ارتباطات افقی میان کاربران پرتال

خدمات پیش‌بینی شده در پرتال زیارت مجازی می‌توانند بهانه‌ای برای شکل‌گیری ارتباط میان کاربران باشند. این ارتباط به شکل‌گیری اجتماع‌های مذهبی و زیارتی کمک کرده و ظرفیت مهمی برای افزایش کمی و کیفی زیارت اماکن متبرکه محسوب می‌شود. از طرفی، این نوع ارتباط در پرتال ممکن است آسیب‌هایی همچون آسیب‌های شناخته شده در استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی را همراه داشته باشد و به این دلیل که پرتال زیارت مجازی، موضوعی مذهبی و مقدس دارد، ممکن است شکل‌گیری نادرست این ارتباطات و انعکاس آن در پرتال، مناسب نباشد. به همین جهت باید این نوع ارتباط میان کاربران را در موضوع‌های قابل مدیریت و کنترل پیش‌بینی کرد. پیشنهادهای زیر در این راستا ارائه شده است:

۱. ایجاد امکان انجام زیارت نیابتی توسط کاربرانی که به زیارت حضوری مشرف

شده‌اند:

هر کاربر در صورت تمایل می‌تواند تعدادی از درخواست‌های ثبت شده زیارت نیابتی را انتخاب و در تشریف حضوری خود به اماکن زیارتی، آنها را انجام و گزارش مربوط به آنرا (مانند تصاویر گرفته شده و غیره) در پرتال منعکس کند. انعکاس اطلاعات زیارت‌کننده، امکان شکل‌گیری ارتباط میان کاربران با موضوع زیارت را افزایش می‌دهد.

۲. اولویت‌بندی و سازمان‌دهی گروه‌های زیارتی

سازمان‌دهی گروه‌های زیارتی و ایجاد گروه‌های جدید می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری

۱. هرچند برخی از سایت‌ها زیارتی مانند پایگاه اطلاع‌رسانی حرم مطهر حضرت ابوالفضل العباس (ع) (www.alkafeel.net) این پیشنهاد را به‌طور کامل اجرا می‌کنند اما متأسفانه همگی آنها، مانند سایت آستان مقدس امام حسین (ع) (www.imamhussain.org) در رعایت این نکات یکسان نیستند و این پیشنهاد برای تأکید بر این موضوع و انعکاس اهمیت آن بازگو شده است.

❖ زیارت‌های گروهی و اجتماع‌های مذهبی داشته باشد. برای این منظور، پیشنهاد می‌شود آستان‌های مقدس بر اساس اهداف و سیاست‌های کلی خود، گروه‌های زائران را برای برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی از طریق پرتال زیارت مجازی، اولویت‌بندی کنند. برای مثال در یک نظرخواهی از مدیران آستان قدس رضوی، توجه به گروه‌های زیارتی بر اساس جدول زیر و با اولویت‌های تعیین‌شده، گزارش شده است:

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴

جدول ۳. طبقات و اولویت‌های مخاطبان زیارت مجازی از نظر آستان قدس رضوی

ردیف	لایه	اولویت				
		۱	۲	۳	۴	۵
۱	دین	اسلام	غیراسلام			
۲	مذهب	شیعه	سنی	سایر مذاهب		
۳	ملیت	ایرانی	کشورهای عربی	کشورهای آسیایی	سایر کشورها	
۴	گروه‌های سنی	میان‌سال	کهن‌سال	جوان	نوجوان	کودک
۵	سلامت جسمی	بیماران لاعلاج	معلولان	سالم		
۶	گروه‌ها و نهادهای اجتماعی	کاروان‌ها و هیئت‌های مذهبی و مؤسسه‌های خیریه	مدارس	توریست‌های ایرانی	توریست‌های خارجی	

۳. امکان مدیریت زمان توسط کاربر برای سفر زیارتی با ارائه هم‌زمان اوقات شرعی، مناسبت‌های مذهبی، برنامه‌های حرم و پیش‌بینی وضعیت آب و هوا انتخاب و مدیریت زمان سفر زیارتی توسط کاربران از اهمیت زیادی برخوردار بوده و با مؤلفه‌های مختلفی در ارتباط است. از آنجا که به‌نظر می‌رسد موارد مذکور، مهم‌ترین

عوامل مؤثر بر برنامه‌ریزی زیارت باشند، بهتر است این مؤلفه‌ها در یک امکان ترکیب‌شده به کاربر ارائه شوند. به‌عنوان مثال، کاربر پس از انتخاب یک روز یا بازه زمانی، از اوقات شرعی، مناسبت‌های مذهبی، برنامه‌های حرم و پیش‌بینی وضعیت آب و هوا در آن زمان آگاهی پیدا کند.

۴. توجه به محدودیت‌های خدمات قابل ارائه در بخش خادم افتخاری

خدمت در حرم، مشتاقان زیادی دارد، اما به‌دلیل متقاضیان زیاد و دشواری مدیریت و برنامه‌ریزی برای خدمات مختلف، پذیرفتن خادم افتخاری از سوی آستان‌های مقدس با محدودیت‌هایی همچون لزوم اسکان متقاضی در شهر زیارتی همراه است. از طرفی، برای اینکه چنین امکانی برای بیشتر علاقه‌مندان قابل استفاده باشد و از طرفی دیگر، اختلالی در نظام خدمت‌رسانی حرم، در صورت عدم حضور متقاضی، ایجاد نکند، می‌توان به پیش‌بینی و ثبت‌نام برای خدماتی همچون خدمات پزشکی، کمک به خادمان بخش انتقال زائران جانباز، معلول و ناتوان به‌وسیله صندوق‌های چرخ‌دار، کمک برای مفروش کردن صحن‌ها، راهنمایی زائران در خارج و اطراف حرم، استقبال و خوشامدگویی به زائران (ویژه طلاب) و غیره اشاره کرد.

۵. طبقه‌بندی موضوعی و امکان جستجو میان تصاویر و فیلم‌ها

معمولاً سایت‌های مذهبی حجم زیادی از تصاویر و فیلم‌ها را به کاربران ارائه می‌دهند که در برخی موارد پیدا کردن تصویر یا فیلم مورد نظر برای کاربر آسان نیست. به این دلیل پیشنهاد می‌شود تصاویر و فیلم‌ها به‌صورت موضوعی طبقه‌بندی شده و امکان جستجو میان آنها توسط کاربر وجود داشته باشد.

۶. ارائه نقشه‌های تعاملی و پویا از اماکن متبرکه

بررسی سایت‌های زیارتی شیعه نشان می‌دهد به‌طور معمول، اگر این سایت‌ها نقشه

حرم را ارائه دهند، تصویری از همان نقشه ارائه شده در بروشورهای اطلاع رسانی و راهنمایی زائران است. در صورتی که با توجه به قابلیت های فناوری های ارتباطی، بهتر است این نقشه به صورت تعاملی و پویا باشد. به عنوان مثال، کاربر با نگاه داشتن موش واره روی اماکن مختلف در نقشه، از اطلاعات مرتبط با آن آگاه شود.

در پایان یادآور می شود اگرچه مطالعه سایت های زیارتی- مذهبی می تواند بخشی از خدمات زیارتی به کاربران را در طراحی پرتال زیارت مجازی پیش بینی کند، اما مطمئناً همه آنها نیست. به همین دلیل به پژوهشگران پیشنهاد می شود برای ارائه خدمات زیارتی در پرتال زیارت مجازی، نیازهای زیارتی زائران و کاربران را که در این نوع پرتال قابل ارائه باشد، مورد مطالعه و پژوهش قرار دهند، چراکه اگر قرار باشد پرتالی طراحی شود، باید به مطالعه و تعریف کاربردها و نیازهای کاربرانش پرداخت (حسنوی و همکاران، ۱۳۸۴: ۹۲-۹۱).

پیوست ها

پیوست ۱. سایت های انتخاب شده برای اعضای نمونه بررسی

ردیف	مخاطبان اصلی	نام سایت	آدرس سایت	شیوه ارائه - معرفی مختصر
۱	شیعیان - مسلمان	پایگاه رسمی آستان مقدس علویه	www.imamali-a.com	زیارت نیابتی و پخش زنده از حرم
۲	شیعیان - مسلمان	سایت آستان مقدس امام حسین ^(ع)	www.imamhussain.org	زیارت نیابتی و پخش زنده از حرم
۳	شیعیان - مسلمان	سایت آستان قدس کاظمین	www.aljawadain.org	تصاویر سراسرنما - زیارت نیابتی و پخش زنده از حرم
۴	شیعیان - مسلمان	پرتال جامع آستان قدس رضوی	www.aqr.ir	تصاویر سراسرنما - زیارت نیابتی و پخش زنده از حرم
۵	شیعیان - مسلمان	پایگاه آستان مقدس عسکریه	www.alkafeel.net/samarra/arabic/arabic.php	زیارت نیابتی و پخش زنده از حرم
۶	شیعیان - مسلمان	پایگاه اطلاع رسانی حرم مطهر حضرت ابوالفضل العباس ^(ع)	www.alkafeel.net	پخش زنده از حرم و زیارت نیابتی

ادامه پیوست ۱. سایت‌های انتخاب‌شده برای اعضای نمونه بررسی

ردیف	مخاطبان اصلی	نام سایت	آدرس سایت	شیوه ارائه - معرفی مختصر
۷	شیعیان - مسلمان	پایگاه اطلاع‌رسانی آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س)	www.masoumeh.com	پخش زنده از حرم
۸	شیعیان - مسلمان	پایگاه رسمی آستانه مسجد معظم کوفه و مزارهای وابسته به آن	www.masjed-alkufa.net	پخش زنده از حرم
۹	شیعیان - مسلمان	پایگاه اطلاع‌رسانی آستان مقدس احمدی و محمدی (ع)	www.shahecheragh.ir/default.asp	تصاویر سراسرنما
۱۰	شیعیان - مسلمان	پایگاه اطلاع‌رسانی آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع)	www.abdolazim.com/persiannet/	پخش زنده از حرم
۱۱	مسلمان	سایت ترکی پانوراما	www.360tr.com	ارائه تصاویر سراسرنما بیشتر برای اماکن مذهبی ترکیه
۱۲	مسلمان	سایت ریاست عمومی برای امور مسجد الحرام و مسجد نبوی	www.gph.gov.sa	ارائه تصاویر سراسرنما از موزه مکه مکرمه و مکان ساخت پرده کعبه
۱۳	مسلمان	پایگاه حرمین شریفین	www.alharamain.gov.sa	سراسرنما از مسجد نبوی و مکه و پخش مستقیم از حرم
۱۴	مسلمان	سفر زیارتی - جولة افتراضية	www.3dmekanlar.com/ar.html	ارائه تصاویر سراسرنما و سه بُعدی از مکان‌های مذهبی جهان اسلام
۱۵	غیرمسلمان	سایت آموزشی تاریخ اروپایی	www.europeanhistoryboisestate.edu/vpilgrirr	با رویکردی تاریخی به نقل حوادث تاریخی در زیارت برخی اماکن مقدسه می‌پردازند.
۱۶	غیرمسلمان	سایت زیارت مجازی و یا دولوروسا - برای زیارت بیت المقدس (اورشلیم)	www.jerusalemviacrucis.org/via%20dolorosa.ht	تصاویر پی در پی از اماکن ۱۴ گانه مقدس تا رسیدن با جایگاه زیارت - پخش موسیقی نیایشی - ارائه متن نیایش
۱۷	غیرمسلمان	سرزمین مقدس	www.holylandnetwork.com	بیشتر با رویکرد تجاری در حوزه زیارت اماکن مقدس فعالیت می‌کند.
۱۸	غیرمسلمان	زیارت مجازی سرزمین مقدس	www.wordbytes.org/holyland/pilgrim001.html	ارائه عکس‌هایی از اماکن تاریخی، مذهبی فلسطین اشغالی همراه توضیحاتی به عنوان زیارت مجازی
۱۹	غیرمسلمان	لوردز فرانسه	www.lourdes-france.com	معرفی لوردز و مراکز وابسته
۲۰	غیرمسلمان	لوردز فرانسه	http://en.lourdes-france.org	ارائه مراسم کلیسایی لوردز بیشتر برای زائران کلیسایی در غرب اروپا

ادامه پیوست ۱. سایت‌های انتخاب‌شده برای اعضای نمونه تحقیق

ردیف	مخاطبین اصلی	نام سایت	آدرس سایت	شیوه ارائه - معرفی مختصر
۲۱	غیرمسلمان	توقفگاه سایبری فرانسیسکن	http://198.62.75.1/www1/ofm/melita.html	مرور خاطره‌ها با آرشیو گسترده از عکس‌های سفر
۲۲	غیرمسلمان	سایت کوه‌های مقدس پاتریک	http://www.croagh-patrick.com	ارائه زیارت کوه‌های مقدس پاتریک در ایرلند
۲۳	غیرمسلمان	توریست مجازی	http://www.virtualtourist.com	ارائه خدمات و اطلاعات گردشگری

طراحی، محتوایی و ساختاری پرتال زیارت ... ❖ ۱۲۱

۲. نمونه جداول تحلیل پژوهش؛ تحلیل سایت آستان قدس حسینی

[illegible]

منابع و مأخذ

- آیتو، جان، (۱۳۸۶). *فرهنگ ریشه‌شناسی انگلیسی*. مترجم حمید کاشانیان، تهران: فرهنگ نشر نو، معین.
- ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، (۱۳۸۹). *کامل الزیارات*. مترجم سیدعلی حسینی، قم: دارالفکر.
- ارجمندی، دانیال، محمد کامیار ارباب، (۱۳۸۹). *آموزش ساخت وب سایت و پرتال با مایکروسافت شیرپوینت*. تهران: نص.
- پارتازیان، کامبیز، (۱۳۸۸). *نگاهی به تأثیرات اینترنت و فضای مجازی بر روند دین‌داری*. قم: دایرةالمعارف.
- جهانگیر، عیسی، (۱۳۹۱). *شیعه در فضای سایبر؛ رویکردی اجتماعی*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- حجازی، سید علیرضا، (۱۳۸۴). «پرتال‌های سازمانی، رویکردی نوین در مدیریت شبکه محور». *توسعه مدیریت*، سال سیزدهم، شماره ۶۹: ۵۶-۷۶.
- حسنوی، رضا، میترا دیلمقانی، علیرضا حجازی، (۱۳۸۴). «طراحی و ایجاد پرتال». *مدیریت فردا*، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰: ۸۷-۹۵.

طراحی محتوایی و ساختاری پرتال زیارت ... ❖ ۱۲۳

خانی، حامد (۱۳۹۲). «مفهوم زیارت و جایگاه آن در فرهنگ اسلامی». در جستاری در ادعیه رضویه با تکیه بر *الصحیفه الرضویه الجامعه*، جمعی از نویسندگان، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع): ۱۷۰-۱۲۵.
 دوران، بهزاد (۱۳۸۲). «هویت ملی و تعامل در فضای سایبرنتیک». *نامه پژوهش فرهنگی*، سال ششم: ۵۳-۱۰۸.

راودراد، اعظم، علی حاجی محمدی، (۱۳۸۹). «تفاوت شناخت حاصل از گردشگری واقعی و گردشگری مجازی بر پایه نظریه روایت». *تحقیقات فرهنگی*، دوره سوم، شماره ۲: ۶۱-۸۱.
 سقایی، مهدی، زهره جوانبخت قهفرخی، (۱۳۹۲). «تحلیلی بر آمار گردشگران و زائران داخلی ورودی به کلان‌شهر مشهد با استفاده از مدل‌های سری زمانی». *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال سیزدهم، شماره ۲۸: ۷۱-۹۴.
 عاملی، سعیدرضا، (۱۳۹۲). *روش‌های تحقیق در مطالعات فرهنگی و رسانه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

علی‌مهدی، مسلم، مهدی منتظر قائم، (۱۳۹۳). «طراحی الگوی مفهومی زیارت مجازی اماکن متبرکه؛ مورد مطالعه، زیارت امام علی بن موسی الرضا (ع)». *دین و ارتباطات*، سال بیست و یکم، شماره ۴۵: ۱۵۷-۱۱۹.

محدثی، جواد، (۱۳۸۶). *فرهنگ زیارت: اهداف، آثار، تاریخچه، مشروعیت، سازندگی و آداب زیارت*. تهران: مشعر.

یوسفی، علی، غلامرضا صدیق اورعی، علیرضا کهن‌سال، فهیمه مکرری‌زاده، (۱۳۹۱). «پدیدارشناسی تجربی زیارت امام رضا (ع)». *مطالعات اجتماعی ایران*، سال ششم، شماره ۳ و ۴: ۱۹۸-۱۸۰.

Dawson, L.L. Cowan, D.E (2004). *Religion online, Finding Faith on the Internet*. New york & London: Routledge.

Frey, N., (1998). *Pilgrim stories on and off the Road to Santiago: Journeys Along an Ancient Way in Modern Spain*. University of California Press: Berkeley.

Hill-Smith, Connie, (2009). "Cyberpilgrimage: A Study of Authenticity, Presence and Meaning in Online Pilgrimage Experiences". *Journal of Religion and Popular Culture*, Vol. 21, No. 2: Available online: [http://www.usask.ca/relst/jrpc/art21\(2\)-Cyberpilgrimage.html](http://www.usask.ca/relst/jrpc/art21(2)-Cyberpilgrimage.html).

MacWilliams, Mark W, (2002). "Virtual Pilgrimages on the Internet", *Religion*, Vol.32, Issue4: 315-335.

Maxwell p, (2002). "Virtual Religion in Context". *Religion*, Vol. 32, Issue 4: 343-354.

- ❖ Morinis, A., ed, (1992). *Sacred Journeys: The Anthropology of Pilgrimage*. New York: Greenwood Press.
- Reader Ian,(2007). "**Pilgrimage Growth in the Modern World: Meanings and Implications**". *Religion*, Vol.37, Issue 3: 210-229.
- Turner, V., and E. Turner, (1974). "**Pilgrimage and Communitas**". *Studia Missionalia*. Vol 23: 305–327.
- Turner, V., and E. Turner, (1978). *Image and Pilgrimage in Christian Culture: Anthropological Perspectives*. New York: Columbia University Press.
- Widyarto, Setyawan, Muhammad Shafie Abd. Latiff, (2007). "**The Use of Virtual Tours for Cognitive Preparation of Visitors: a Case Study for VHE**", *Facilities*, Vol. 25, Issue 7/8: 271 – 285.

محسنات لفظی در کلام امام رضا و امام سجاده^(ع)

مصطفی اسفندیاری (فقیه)، * حسن عبداللہی، ** علیرضا نادریان لایین ***

چکیده

کلام امامان معصوم^(ع) در کنار معانی والای انسانی که نشان از روحیه متعالی و اندیشه اسلامی ایشان دارد، مملو از واژگان و ترکیب‌های زیبا و تأمل‌برانگیزند که روح آدمی را جلا می‌دهند. بیان ظرافت‌های بلاغی در کلام این بزرگان، امری ضروری است. از این روی شرح و بسط این موضوع از تکالیف مهم دانسته شده و در نوشتار حاضر به موازنه محسنات لفظی در کلام امام رضا و امام سجاده^(ع) همت گماشته شده است تا توانایی این بزرگواران برای مخاطب آشکار شود. آن بزرگواران سخنان و نصایح گهربار خویش و مبادی اسلام و ارزش‌های اخلاقی را در قالب سخنانی مملو از تصاویر بدیعی بیان کرده و صنعت‌های لفظی مختلفی چون جناس، سجع و... را به کار گرفته‌اند تا بر عمق معنی و تأثیرگذاری کلام خویش بیافزایند و تأثیر و زیبایی آن‌را دوچندان کنند، بی‌آنکه از عمق معانی دینی ذره‌ای بکاهند.

در این مقاله که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نگارش یافته، سعی بر آن است به موازنه نمونه‌هایی از محسنات لفظی سخنان این دو امام^(ع) که در کنار معانی والا و ترکیب‌های بی‌نظیر در پوشش صنایع بدیعی جای گرفته‌اند و از طبع دلکش ایشان برآمده است، پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی

امام رضا، امام سجاده^(ع)، سجع، جناس، فنون بلاغی، محسنات لفظی

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۲۳

rahigh504@gmail.com

*. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

hsnabdollahi@yahoo.com

**. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد

***. مدرس گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور (دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد)

alirezabelajavatk@yahoo.com

❖ مقدمه

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۲

کلام امامان معصوم^(ع) از عمق مباحث قرآنی و دینی و مطالب اخلاقی ناب اسلامی نشئت می‌گیرد، بدین لحاظ، تأثیر والایی بر خواننده دارد. همین امر باعث شده است از دیرباز، به نسخه شفابخش برای امور معنوی و اخلاقی جامعه اسلامی تبدیل شوند و راهنمایی‌هایشان سکان‌دار کشتی اخلاق بشریت در هجمه‌های مکرر فرهنگ‌های بیگانه شود. صحت این سخن زمانی آشکارتر می‌شود که به پژوهش در سخنان این بزرگان پرداخته شود. از دیگر سو، بیان این نکته نیز شایان اهمیت است که کتاب‌هایی چون *نهج‌البلاغه* و *صحیفه سجادیه* در کنار اینکه نمونه ممتازی در زمینه هدایت بشر به سوی رویه صحیح زندگی به‌شمار می‌روند، از نظر ادبی نیز در جایگاه والایی قرار دارند. از نظر بلاغت و قوت بیانی، تمجیدهای فراوانی از سخنان امامان معصوم^(ع) شده است، تا آنجا که بزرگان ادب، درباره کلام حضرت علی^(ع) گفته‌اند: «بالاخر از سخن بنده و پایین‌تر از سخن خداست» (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۵۸).

تمام این گفته‌ها در پی اثبات یک نتیجه‌اند و آن اینکه اهمیت سخن بزرگان تنها از نظر صبغه دینی، نصیحت‌گونه و از جنس هدایت بشری نبوده، بلکه از نظر ادبی و بلاغی نیز در درجه بالایی قرار دارند، درحالی‌که جزو نوادر بی‌بدیل ادبیات عربی و دینی به‌شمار می‌روند. همین نکته، نگارندگان را ترغیب کرد تا از رهگذر این مقاله به پژوهش درباره سخنان امامان معصوم^(ع) بپردازند.

پژوهش پیرامون فنون بلاغی، در ابتدا منحصر به قرآن و زیبایی‌های ادبی آن بود. ابوزکریا یحیی بن زیاد کوفی، مشهور به فراء در کتابش *معانی القرآن* به بررسی آرایه‌های ادبی قرآن پرداخت. این جریان ادامه داشت تا اینکه نوبت به افرادی چون جاحظ در کتاب *البیان و التبیین* و ابن‌المعتمر در کتاب *معروفش البدیع* می‌رسد. بدون شک پژوهش پیرامون علم بدیع و محسنات لفظی در بلاغت عربی ادامه داشته و خواهد داشت.

کتاب ترجمه و شرح اشعار منسوب به فاطمه زهرا^(س) و امامان معصوم^(ع) که توسط

عالم گرانقدر، حسن عبداللهی، جمع‌آوری شده، دربردارنده بخشی از اشعار و خطبه‌های امام سجاده^(ع) بوده که در درجه بالایی از مناجات است و نشان از ارتباط عمیق میان بنده و پروردگار دارد. کتاب *صحیفه‌الرضا*^(ع) نیز توسط استاد جواد قیومی‌اصفهانی گردآوری شده و مجموعه کاملی از دعاها و زیارت‌های امام^(ع) است. مطالب این دو کتاب ارزشمند، جدا از بلاغت، در درجه بالایی از مناجات قرار دارند. علاوه بر آن، دربرگیرنده ارتباط عمیق میان بنده و پروردگار بوده و دارای مشخصه‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی است.

با توجه به غنای این دو مجموعه، از نظر مضامین، کمال تجربه و ساخت بی‌نقص، بیان ارزش ادبی و فنی این دو در گرو زیبایی است که در بندهای این دو کتاب وجود دارد.

نگارندگان مقاله حاضر تلاش می‌کنند به‌واسطه شناسایی و موازنه آرایه‌های ادبی این دو منبع، به بررسی زیبایی‌های آنها بر اساس شواهد و به‌صورت موردی بپردازند. بنابراین در مسیر پژوهشی خود به شیوه تحلیلی گام نهاده‌اند و پیرامون محسنات لفظی و اثر آن بر جان شنوندگان سخن می‌گویند.

این بررسی به بیان مهم‌ترین راه‌هایی که در ایجاد موسیقی نثر مؤثرند مانند: سجع، موازنه و... می‌پردازد. ویژگی این مقاله، در روش بررسی و هدفی است که دنبال می‌کند. روش کار، کتابخانه‌ای و بررسی توصیفی-تحلیلی موضوع با بهره‌گیری از مثال‌های ممتازی است که حاوی محسنات لفظی هستند، آنگاه در حد امکان به شرح مثال‌ها پرداخته می‌شود. در مقاله پیش‌رو سعی بر این است تا از منابع مختلف و صحیح‌ترین نظریه‌ها، برای بیان زیبایی فنی مثال‌ها بهره گرفته شود و محسنات بدیعی با شواهد بلیغی از سخنان امام سجاده و امام رضا^(ع) آراسته شود، ولی به جهت کوتاهی مجال، به شرح مختصری پیرامون آنها اکتفا می‌شود و بیشتر محسنات لفظی به‌صورت آماری بیان می‌شود. امیدواریم نوشتار حاضر راهی به‌سوی فهم کلام امامان معصوم^(ع) باشد و با توجه به اینکه پژوهش مستقلی در این زمینه انجام نشده است، پیش از بیان شواهد مثالی و کاربرست صنایع بدیعی لفظی در آن، به

معرفی مختصری از علم بدیع پرداخته می‌شود تا مخاطب با اشراف کامل، ادامه مطالب را مورد مطالعه قرار دهد.

پیشینه

درباره امام سجاد و امام رضا^(ع) تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است که قابل شمارش نیست و مجالی برای بیان تک تک آنها وجود ندارد، اما در زمینه بررسی اصول بلاغی و به‌خصوص موازنه محسنات لفظی در سخنان این دو بزرگوار، تاکنون هیچ تحقیق و پژوهش مستقلی صورت نگرفته که همین امر منجر شده است تا یکی از نوآوری‌های اصلی مقاله حاضر، موازنه و بررسی محسنات لفظی در کلام این دو بزرگوار باشد. شایان ذکر است موازنه حاضر تنها یک بیان صرف شواهدمثالی بدون تحلیل نیست، بلکه در این مقاله، از گذر بیان شواهدمثالی گوناگون در کلام هر دو امام معصوم^(ع)، بیان و تحلیل توان این دو بزرگوار در زمینه بلاغت عربی و چگونگی به‌کارگیری محسنات لفظی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است تا از این رهگذر اثبات شود که این بزرگواران در کنار قیادت دینی، در زمینه بلاغت و بیان عربی نیز یکه‌سوارانی بی‌بدیل بودند.

علم بدیع

دانشی است که به کمک آن، روش‌های زیبایی‌بخش کلام که سخن را زیبا و مقبول می‌سازند، شناخته می‌شوند، البته پس از رعایت مطابقت سخن با مقتضای حال و روشنی دلالت آن بر مراد، این روش‌ها در دو مجموعه دسته‌بندی می‌شوند: یک مجموعه به لفظ و آرایش آن و دیگری به معنا و زیباسازی آن بازمی‌گردد. اولی را آرایه‌های لفظی و دومی را آرایه‌های معنوی می‌نامند (قزوینی، ۱۴۳۰ق: ۲۸۷).

محسنات لفظی مربوط به زیباسازی لفظ بوده و نشانه آن، این است که اگر لفظ به مرادف خود تغییر یابد، زیبایی آن از بین می‌رود، ازجمله آرایه‌های لفظی: جناس، سجع و... هستند، این محسنات در کتاب‌های بدیعی، کمتر از محسنات معنوی‌اند (میدانی، ۱۴۱۶ق: ۳۱۷).

محسنات لفظی در کلام امام رضا و ... ❖ ۱۲۹

نمونه‌های محسنات لفظی در کلام دو بزرگوار عبارت‌اند از:

اقتباس

به‌کارگیری قرآن کریم یا حدیث شریف در شعر و نثر را گویند. در متن به اینکه سخن از آن اوست، تصریح ندارد و مانعی نیست که لفظ اقتباس شده را به زیاده یا نقصان یا تقدیم و تأخیر تغییر دهد، چراکه قصد از این کار، نشان دادن مهارت و محکم کردن رابطه میان سخن گوینده و کلام اقتباس شده است^۱ (تونانی، بی‌تا: ۲۱۷).

نمونه‌های اقتباس در *صحیفه‌الرضا*^(ع) عبارت‌اند از:

– سیدی وإن عرفت من عملی شیئاً وأُشْرَکَنی فی الرَّحْمَةِ معهما و ارحمهما کما رییانی صغیراً (قیومی‌اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۶).

– یا مُحیی العظام وهی رَمیمٌ وَمُنْشِئُهَا بعد الموت (همان: ۴۸).

– اللَّهُمَّ وَال من والاه وعَاد من عاداه والبسه درعک الحصینه (همان: ۵۴).

امام^(ع) در این نمونه‌ها، از آیه ۲۴ *سوره اسراء*^۲ و آیه ۷۸ *سوره یس*^۳ و در مورد پایانی، از حدیث رسول اکرم^(ص) در روز غدیر اقتباس کرده‌اند.

نمونه‌های اقتباس در کلام امام سجاده^(ع) عبارت‌اند از:

– ما هذا التقصیر وقد وخطک التقتیر، ووافاک النذیر، وإلی الله المصیر (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۲۱).

– ستقل من القصور إلی ضیق القبور، ومن دارالفناء إلی دارالجبور، کل نفس ذائقة الموت (همان: ۲۲۲).

– یا من یجیب دعا المضطر فی الظلم یا کاشف الضرّ والبلوی مع السقم (همان: ۲۳۶).

۱. و به سه دسته تقسیم می‌شود: مقبول، مباح و مردود، اولی در خطبه‌ها و موعظه‌هاست، دومی در نامه‌ها و قصه‌ها و سومی در هزل و غزل که خداوند آن‌را به خود نسبت می‌دهد و بنده نیز در جایگاهی، آن‌را به خود نسبت می‌دهد.

۲. «وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو: پروردگارا، آن دو را رحمت کن چنان که مرا در خردی پروردند.»

۳. «وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ؛ و برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد گفت: چه کسی این استخوان‌ها را که چنین پوسیده است، زندگی می‌بخشد»

۱۳۰ ❖ فرهنگ رضوی

– فَأَنْتَ مَنِّي يَا عَلِيَّ مَوْالِفَا كَهَارُونَ من موسیٰ اخ لی وصاحب (همان: ۱۷۶).^۱
امام^(ع) در این نمونه‌ها، از آیات ۲۸ و ۱۸۵ سوره آل عمران^۲ و آیه ۶۲ سوره نمل^۳ و حدیث رسول اکرم^(ص) درباره حضرت علی^(ع) اقتباس کرده‌اند (ابن ابی‌الحدید المدائنی، ۱۹۹۸م: ۳۷۵۷).

در این صنعت بدیع به‌خاطر همگونی که بین کلام مدنظر گوینده و مطلب اقتباس شده پدید می‌آید، در شنونده، تلذذخاطر ایجاد می‌شود و کلام، بهتر در ذهن مخاطب جای می‌گیرد. چون معمولاً مطلب مورد اقتباس، ازجمله مطالب مشهور و مقبول طبع مخاطبان است و همین عامه‌پسند بودن باعث تأثیر هرچه بیشتر کلام و زیباتر شدن سخن گوینده می‌شود. اقتباس باعث تأثیر هر چه بیشتر کلام بر شنونده می‌شود. شواهدمثالی مربوط به امام سجاد و امام رضا^(ع) از زیبایی بالایی برخوردار بوده و البته ظرافت‌های کلامی هر دو امام همام^(ع) قابل تأمل است.

در شواهد بالا، تسلط هر دو امام^(ع) بر آیات قرآنی و توان بیانی، کاملاً آشکار بوده و این مهم از رهگذر شواهد بیان‌شده آشکار است.

۱. اشترک: مرا شریک گردان؛ ربّیانی: مرا تربیت نمودند؛ محبی العظام: زنده‌کننده استخوان‌ها؛ منشئها: ایجادکننده؛ درعک الحصینه: سپر محکم؛ وخطک القتیر: نشانه‌های پیری بر تو آشکار شد؛ وافاک النظیر: زمان مرگت فرا رسید؛ المضطر: پریشان‌حال؛ کاشف الضر: برطرف‌کننده مصیبت و بدبختی؛ موالفا کهارون: مانوس و همدم همانند هارون.
۲. ... وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ * كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ؛ مؤمنان نباید کافران را به‌جای مؤمنان به دوستی بگیرند و هر که چنین کند در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست؛ مگر اینکه از آنان به‌نوعی تقیه کند و خداوند شما را از [عقوبت] خود می‌ترساند و بازگشت [همه] به‌سوی خداست * هر جاننداری چشنده [طعم] مرگ است.
۳. «أَمِنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْثِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ؛ یا [کیست] آن کس که درمانده چون وی را بخواند اجابت می‌کند، گرفتاری را برطرف می‌گرداند و شما را جانشینان این زمین قرار می‌دهد. آیا معبودی با خداست چه کم پند می‌پذیرید.»

محسنات لفظی در کلام امام رضا و ... ❖ ۱۳۱

سخنان امام رضا^(ع) بیشتر حالت نصیحت گونه و با لطافت بیانی خاصی بوده؛ در حالی که سخن امام سجاد^(ع) تا حد زیادی رسمی و تنبیه گونه است و به نوعی به طور مستقیم، عقلانیت فرد را هدف قرار داده اند. همین خطاب عقل گرایانه منجر به ایجاد نوعی خشونت در کلام ایشان شده، چراکه کلام، عاطفه کمتری دارد.

ترصیع

تقسیم سخن به قسمت های گوناگون و آوردن هر لفظ با موافق آن در وزن و روی و به سخنی دیگر، به کارگیری سجع های متوازی در کلام است (عبد الحمید، ۲۰۰۱م: ۱۰۶).

نمونه های آن در *صحیفه الرضا*^(ع) عبارت اند از:

– اللَّهُمَّ أَشْعِبْ بِهِ الصَّدْعَ وَارْتَقِ بِهِ الْفَتْقَ وَأَمِتْ بِهِ الْجُورَ وَأُظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۵۴).

– اللَّهُمَّ اعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرِّبُهُ عَيْنُهُ وَتُسَرِّبُهُ نَفْسُهُ (همان: ۷۰).

– إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ وَلَا يَعْزُّ مَنْ عَادَيْتَ يَا مَنْ تَفَرَّدَ بِالْمَلِكِ فَلَا نِدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ وَتَوَحَّدَ بِالْكِبْرِيَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبَرُوتِ شَأْنِهِ (همان: ۸۶).

نمونه های آن در کلام امام سجاد^(ع) عبارت اند از:

– مَاذَا الرَّأْيَ الْعَازِبَ، وَالرُّشْدَ الْغَائِبَ، وَالْأَمَلَ الْكَاذِبَ، سَتُتَقَلُّ مِنَ الْقُصُورِ وَرَبَّاتِ الْخُدُورِ وَالْجَذَلِ

وَالسُّرُورِ، إِلَى ضَيْقِ الْقُبُورِ، وَمِنْ دَارِ الْفَنَاءِ إِلَى دَارِ الْحُبُورِ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۲۲).

– فَيَا قَلِيلَ التَّحْصِيلِ وَ يَا كَثِيرَ التَّعْطِيلِ، وَيَا ذَا الْأَمَلِ الطَّوِيلِ، بِنَاوِكَ لِلْخَرَابِ وَأَجْلُكَ إِلَى اقْتِرَابِ

(همان: ۲۲۳).

– أَفْ لَدُنْيَا، لَا يَرْقِي سَلِيمَهَا وَلَا يَصْحُ سَقِيمَهَا وَلَا يَنْدَمِلُ كَلُومَهَا، وَعُودَهَا كَاذِبَةٌ وَسَهَامُهَا صَائِبَةٌ وَأَمَالُهَا

خَائِبَةٌ (همان: ۲۲۶).^۱

۱. اشعب به الصدع وارتق به الفتق: شکاف ها را با او پر و گسستگی ها را با او پیوسته نما؛ تقر به عینه: مایه چشم روشنی؛ لا یذل: خوار نمی گردد؛ لا ند له: هیچ شریکی ندارد؛ بالکبریا: عظمت؛ الراي العازب والرشد الغائب: دارای اندیشه دور و دراز و رشد ناپیدا؛ دارالفناء إلى دار الحبور: از سرای فنا و شادمانی به خانه قبر منتقل خواهی شد؛ قليل التحصيل وكثير التعطيل: ❖

ترصیع، درواقع کاربرد متقارن سجع‌های متوازی است. پس در مجموعه سجع متوازی وارد می‌شود و این اشتراک الفاظ در وزن و قافیه بر غنای موسیقی کلام اثرگذار است. به‌خاطر تکلف بالا، کاربرد ترصیع در شعر و نثر کم است، با این وجود، این آرایه در صحیفه امام رضا^(ع) و کلام امام سجاده^(ع) بدون تکلف و به فراوانی وجود دارد و شاهد تأثیر موسیقایی و زیبایی آن در کلام هستیم.

در موازنه بین کلام این دو امام همام^(ع) این نکته قابل ذکر است که واژه‌های امام رضا^(ع) از نرمی و همگونی بیشتری برخوردارند و این مهم، متأثر از شرایط محیطی و اجتماعی عصر عباسی بوده، البته این بدین معنا نیست که واژه‌های امام سجاده^(ع) دشوار یا دارای غرابت استعمال‌اند، تنها نوع چینش واژگانی امام رضا^(ع) روان‌تر بوده که این امر در کاربرد اسلوب‌ها، کلمه‌ها و لغت‌های حضرت آشکار است.

تشابه الاطراف

نوعی مراعات‌نظیر بوده، گویی سخن با آنچه با آغازش متناسب است، ختم شود (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۳۹).

نمونه‌های آن در صحیفه‌الرضا^(ع) عبارت‌اند از:

– واجِلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلٰی عِدُوْكَ وَعِدُوْهُ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا (قیومی‌اصفهانی، ۱۳۷۸: ۵۴)

– يَعْلَمُ مَا يَسْرُوْنَ وَمَا يَعلنُوْنَ فَسَيَكْفِيْكَهُمْ اللهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيْرُ (همان: ۱۵۶).

نمونه‌هایی از آن در کلام امام سجاده^(ع) عبارت‌اند از:

– اعْتَمٰدَكَ عَلٰی الصَّحَّةِ وَالسَّلَامَةِ خُرْقٌ، وَسَكُوْنَكَ اِلٰی الْمَالِ وَالْوَلَدِ حَقٌّ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۲۹)

– فَعَقِبِيْ حِلَاوَاتِ الزَّمَانِ مَرِيْرَةٌ وَإِنْ عَذُبْتَ حِيْنَاً فَحِيْنَاً خَرَابِقُ (همان: ۲۲۹).^۱

❧ کسی که کمتر به دنبال انجام اعمال اخروی بوده و بیشتر سرگرم ملامی است؛ لا یرقی سلیمها: مارگزیده‌اش را افسونی نیست؛ و سهامها صائیبة و آمالها خائبة: تیرهایش درست به هدف می‌خورند (کسی را از مرگ گریزی نیست) و آرزوهایش گمراه‌کننده‌اند.

۱. سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا: یاری‌گردان؛ ما یسرون و ما یعلنون: آنچه پنهان و آنچه آشکار می‌کنند؛ فسیکفیکهم: خداوند کفایت‌شان خواهد کرد؛ خرق: نادانی؛ حلاوات الزمان: شیرینی‌های دنیا؛ مریره: تلخی؛ خرابق: فاسد بودن.

محسنات لفظی در کلام امام رضا و ... ❖ ۱۳۳

شواهد مثال در موارد بالا نمایانند و نیازی به بیان ندارند، اما این نکته قابل ذکر است که در این صنعت بدیع، نوعی تشابه معنوی میان بندهای سخن وجود دارد و میان آغاز و پایان جمله ارتباط ایجاد می‌شود که با اندک دقتی در کلمه‌های آغازین و پایانی آشکار است. همین مسئله باعث زیبایی دوجندان کلام می‌شود. موضوع شایع در این آرایه، کاربرد آن در بازی با الفاظ است، به گونه‌ای که زیبایی آن متأثر از تداعی و ارتباط خاصی است که میان کلمه‌ها وجود دارد. در این مقطع، کلام امام سجاده^(ع) صائب‌تر بوده، چراکه به نوعی، از صنعت بدیعی مذهب کلامی که نوعی صنعت بدیعی معنوی است، نیز بهره برده‌اند، هر چند کلام امام رضا^(ع) نیز بار معنایی کاملی را افاده می‌کند، اما کلام امام سجاده^(ع) صلابت بیشتری داشته و عقلانی‌تر است. همین عقلانی بودن یکی از امتیازهای این صنعت بلاغی بوده که باعث جذابیت بیشتر کلام امام سجاده^(ع) شده است.

تلمیح

اشاره به قصه یا شعری است بدون آنکه یادی از آن شود (تفتازانی، ۱۴۲۲ق: ۹۲). مقصود از این اشاره آن است که هر چه در ذهن دارد، نزد مخاطب تثبیت کند. نمونه‌های آن در *صحیفه‌الرضا*^(ع) عبارت‌اند از:

– و بَوْصِيهِ الْمُخْتَارِ الْمُسَمَّى عِنْدَكَ بِقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۲).

– و أَيْدِ بَرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَاسْلُكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا (همان: ۴۴).

عبارت اول، اشاره به ولایت امام علی^(ع) و عبارت دوم اشاره به لیلۃ‌المیت و داستان معروف آن دارد. این آرایه و فراوانی در کلام حضرت مشاهده می‌شود.

نمونه‌های آن در کلام امام سجاده^(ع) عبارت‌اند از:

– وَجَدِي رَسُولُ اللَّهِ فِي كُلِّ مَشْهَدٍ وَشَيْخِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَزِيرُهُ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۰۷).

– وَآلِكَ أَمْسُوا كَالْإِمَاءِ بِذِلَّةٍ تَشَاغُ لَهُمُ بَيْنَ الْأَنْثَامِ فَجَاعُ (همان: ۲۰۹).^۱

۱. قسیم الجنة والنار: تقسیم‌کننده بهشت و دوزخ (لقب حضرت علی^(ع)); اسلکه: هدایتش کن; اَمْسُوا کَالْأَمَاءِ: مانند بردگان به حرکت واداشته شدند; تشاغ: رایج شد; فجاع: مصیبت و سختی‌ها.

در مثال‌های بالا عبارت اول، اشاره به وصیت‌های امام علی^(ع) و عبارت دوم، اشاره به داستان اسرای کربلا و حرکت ایشان به سوی شام دارد. این صنعت بدیعی به‌خاطر تناسبی که میان موضوع اصلی و قصه مورد استفاده و تداعی آن در ذهن مخاطب دارد، داستان را در ذهن شنونده زنده می‌کند، به‌خاطر تشبیه و بهره‌گیری از داستان، مخاطب را جذب می‌کند و سخن نزد وی تصویر می‌شود. البته نوعی ایجاز نیز دربر دارد، از دیگر سو، با توجه به ابهامی که در برخی از تلمیحات نهفته است، مخاطب به فکر و دقت نظر نیاز دارد تا به مقصود برسد. این امر بر زیبایی کلام اثر می‌گذارد، برای فهم زیبایی سخن باید شنونده به داستان آگاه باشد، از این‌روی تأثیر این آرایه را در کلام ایشان مشاهده می‌کنیم. در مقام موازنه کلام، هر دو امام همام^(ع) بار معنایی کاملی دارند، فقط امام سجاده^(ع) بیشتر به یاد حوادث کربلا سخن می‌گویند و به همین علت اکثر تلمیحات ایشان به واقعه مذکور ارتباط پیدا می‌کند، حال آنکه امام رضا^(ع) بیشتر در مقام اغنای مخاطب خویش هستند و بیشتر به مطالب کلی نظر دارند.

حسن انتها

اینکه متکلم، سخن خود را با چیزی ختم کند که احساسات را به حرکت وادارد و خیال را برانگیزد، از آن جهت که ختم سخن، آخرین چیزی است که گوش آنرا می‌شنود، پس اگر نیکو باشد دل‌ها بدان می‌گرایند و گوش‌ها از آن لذت می‌برند. زیباترین سخن آن است که انتهای کلام را بنمایاند و بارزترین افکار را با انسجام در خود جای دهد که آنرا «براعة المقطع و حسن الخاتمة» نیز گویند (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۷۱).

شواهد این آرایه در صحیفه الرضا^(ع) عبارت‌اند از:

– یاسامع کل صوت، ویسابق کل فوت، یامحیی العظام وهی رمیم، ومُنشئها بعد الموت صلّ علی محمد وآل محمد واجعل لی من کل هم فرجا ومخرجاً وجميع المومنین، إنک علی کل شیء قدیر (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۸).

محسنات لفظی در کلام امام رضا و ... ❖ ۱۳۵

نکته قابل توجه اینکه در اینجا جمعی از آرایه‌های بدیعی گرد هم آمده‌اند، مثلاً اسلوب جمع و تلمیح نیز در این کلام وجود دارد.

حَسْبِي مَنْ هُوَ حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ كَانَ مُنْذُ قَطُّ كُنْتُ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِي اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (همان: ۹۶).

شواهد این صنعت بدیعی در کلام امام سجاده^(ع) عبارت‌اند از:

أَفَاقِمْتَ الْأَيَّامَ وَطَوَّلَ الْأَسْقَامَ، وَنَزَوِلَ الْحِمَامَ، وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۲۰).

التَّوْبَةُ وَاغْسَلَ الْحَوْبَةَ، وَحَسَنَ الْعَمَلَ قَبْلَ حُلُولِ الْأَجْلِ وَانْقِطَاعِ الْأَمَلِ، فَكُلْ غَائِبٌ قَادِمٌ وَكُلْ غَرِيبٌ غَارِمٌ، وَكُلْ مَفْرُطٌ نَادِمٌ، فَاعْمَلْ لِلْخُلَاصِ قَبْلَ الْقِصَاصِ، وَالْاِخْذِ بِالنَّوَاصِ (همان: ۲۳۳).

وَالْخُلُودَ إِلَى دَارِ الْاِحْزَانِ، وَالسَّكُونَ إِلَى دَارِ الْهَوَانِ وَقَدْ نَطَقَ الْقُرْآنُ بِالْبَيَانِ الْوَاضِحِ فِي سُورَةِ الرَّحْمَانِ «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶) وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (همان: ۲۱۳).^۱

همان‌گونه که از نام این صنعت بدیعی برمی‌آید، حسن ختام، خلاصه افکار نثرنویس است، به همین دلیل در خاتمه کلام می‌آید و باید از نظر تأثیرگذاری در حدی باشد که جان‌ها و طبایع را به حرکت درآورد و دل‌ها را مجذوب کند. این زیبایی، برگرفته از فیض روحی برخاسته از اعماق قلب است، پس خاتمه، جدا از متن نیست، بلکه به منزله اعضای جسم است و باید در شروع و پایان زیبا باشد، چون که شروع و پایان سخن، معنا و مقصود را بیان می‌دارند (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۷۶).

در شواهد مثال کاملاً واضح است که امام سجاده^(ع) از کلام خود به عنوان حربه‌ایی برای بیدارسازی مخاطب و جامعه بهره می‌برند، درحالی‌که امام رضا^(ع) بیشتر در مقام بیان و خطابه هستند، بدین جهت سخنان ایشان روان‌تر و ساده‌تر است.

۱. سامع: شنونده؛ سابق کل فوت: پیشی‌گیرنده بر هر زوال‌یابنده؛ اللهم: غم و اندوه؛ قدیر: توانا؛ حسبی: مراکفایت می‌کند؛ الاسقام: سقم دردها و مریضی؛ الحمام: مرگ‌ها؛ دار السلام: کنایه از قیامت؛ الحوبه: گناه؛ کل غریب غارم: هر که از انجام کار خویش خودداری کند دچار خسران خواهد شد؛ الاخذ بالنواص: گرفتن موی پیشانی (کنایه از قیامت و سنجش اعمال)؛ دار الهوان: کنایه از دنیا. در این شاهد مثال، آرایه اقتباس نیز وجود دارد.

❖ جناس

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴

به آن تجنیس و مجانسه نیز گویند، عبارت است از توافق دو لفظ در نطق با وجود اختلافشان در معنا (لادقی، ۱۹۶۳م: ۲۰۷). سبب این نام‌گذاری آن است که ترکیب حروف الفاظ آن از یک جنس هستند. جناس دو گونه است: تام و ناقص (ابوالعدوس، ۱۴۲۷ق: ۲۷۶).

انواع آن عبارت‌اند از:

۱. جناس مضارع

جناسی است که در آن دو حرف مختلف و هم‌مخرج وجود دارد. مقصود از تقارب آنچه در نزد علمای تجوید است، نیست، بلکه شامل حروف هم‌مخرج می‌شود (تونانی، بی تا: ۱۳۰).

این صنعت، برخی اوقات در مباحث علم تجوید نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نمونه‌های آن در *صحیفه الرضا*^(ع) عبارت‌اند از:

– و إن رَدَدْتَ مع ذلک سُؤالی وخابت إلیک امالی (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۴).

– و بیکَ أَعُوذُ و بیکَ أَلُوذُ (همان: ۱۱۸).

– حینَ تَطَوَّلْتَ عَلَی بِالرُّضَا وَ تَفَضَّلْتَ بِالْعَفْوِ عَمَّا مَضَى (همان: ۴۴).

– و افْتَحَ لَهُ فَتْحاً یَسیراً وَ اجْعَلَ لَهُ مِنْ لَدُنْکَ عَلَی عَدُوِّکَ وَ عَدُوِّهِ سُلْطَاناً نَصیراً (همان: ۵۴).

شاهد در «سوالی و امالی»، «أعوذ و ألوذ»، «تَطَوَّلْتَ وَ تَفَضَّلْتَ»، «یسیر و نصیر» است که حروفش متقارب‌المخرج‌اند، در موارد مثالی بالا، امام رضا^(ع) با ظرافت بسیار بالایی این صنعت را به کار برده‌اند.

نمونه‌های آن در کلام امام^(ع) عبارت‌اند از:

– أَمَا عَبَّرْتَ بَمَنْ مَضَى مِنْ أَسْلَافِکَ وَ مَنْ وَارَتْهُ الْأَرْضُ مِنْ آلَافِکَ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

– تَمَكَّنْ مِنْ دُنْیَاهُ، وَ نَالَ مِنْهَا مُنَاهُ (همان: ۱۸۷).

محسنات لفظی در کلام امام رضا و ... ❖ ۱۳۷

– وکثرة تعبیه فی طلاها، و تکادحه فی إکسایها و تکابده من أسقامها وأوصایها (همان: ۱۹۲).^۱
شاهد در «أسلافک و آلفک»، «دنیاه و مناه» و «تکادحه و تکابده» است که حروفش متقارب المخرج اند. این تقارب تلفظی و مخرجی باعث زیباتر شدن کلام حضرت شده است و شنونده متأثر از شباهتی که میان حروف دو لفظ متفاوت احساس می کند، سرخوش می شود. به کارگیری این صنعت باعث می شود تا القای کلام به وسیله مخاطب نیز روان تر و سهل تر شود، چرا که جناس مضارع به خاطر زیبایی که دارد موجب آمادگی بیشتر مخاطب برای شنیدن و برداشت مفهوم ذهنی گوینده شده و این امر از ویژگی های اختصاصی این صنعت است.

زیبایی کلام ائمه^(ع) در این گونه شواهد مثالی فنی آشکارتر می شود. هر دو امام همام^(ع) به خوبی از این صنعت استفاده کرده اند. کلام امام سجاده^(ع) عقلانی تر و رسمی تر و به نوعی مانند اسلوب علمی بوده، در حالی که کلام امام رضا^(ع) از سلاست خاصی برخوردار است و واژه های راحت تر و همگون تری را به کار برده اند.

۲. جناس اشتقاق و شبه اشتقاق

دو نوع دیگر نیز به جناس، ملحق می شوند، یکی، اشتقاق که دو لفظ را با هم جمع کند، دوم، مشابهت دو لفظ را جمع کند که شبه اشتقاق نامیده می شود (عبدالحمید، ۲۰۰۱: ۱۰۰).

جناس اشتقاق

به کارگیری اشتقاق ها از یک ماده لغوی را گویند، دیور جراند و دریس لر آن را «تکرار جزئی» می نامند. اتحاد ریشه معجمی از دو طرف را گویند. آنچه اشتقاق را از دیگر نمونه های تکرار جدا می سازد، احتمال گوناگون بودن شاهد مثال های آن است، چون امکان دارد از یک

۱. سؤال: خواسته؛ آمالی: آرزوهایم؛ ألوذ: پناه بردن؛ تفضلت بالعفو: با بخشش به من لطف کردی؛ عما مضی: آنچه گذشته؛ یسیر: آسان؛ أسلافک: گذشتگان؛ آلفک: کنایه از تعداد زیاد؛ تکادح: تلاش و جدیت؛ تکابد: رنج و عذاب؛ اوصایها: درد و درماندگی از شدت غم و مصیبت ها.

❖ ماده بیش از یک اشتقاق باشد، در این زمینه زبان عربی از دیگر زبان‌ها متمایز می‌شود (همان).

پیرامون این آرایه، نمونه‌های فراوانی در صحیفه امام رضا^(ع) وجود دارد، از جمله:
 - إلهی بَدَتْ قُدْرُتُكَ وَلَمْ تَبْدُ هَيْئَةً لَكَ (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۶).
 - فَجَهْلُوكَ وَقَدَّرُوكَ وَالتَّقْدِيرُ عَلَى غَيْرِ مَا بِهِ شَبَّهُوكَ، فَإِنَّا بِرِيءٍ يَا إلهی مِنَ الَّذِينَ بِالتَّشْبِيهِ طَلَبُوكَ (همان: ۵۴).

- اللَّهُمَّ وَأَمْنُهُ بِأَمَانِكَ الْوَبَقِ وَأَنْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ.... وَ قُوَّةً بِقُوَّتِكَ.. اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَالَاهِ وَعَادِ مِنْ عَادَاهِ (همان: ۵).
 - حَتَّى تَحْلَيْنَا مَحَلَّهُ (همان: ۵۴).

در «بدت و تبد»، «قدروک و التقدير»، «انصر و قوّة»، «ال و عاد» و «حلّ و تحلّ» این نوع جناس وجود دارد. در این مورد برتری و ظرافت امام^(ع) در کاربرد این آرایه در سخن نمایان است. شواهد آن در کلام امام سجاده^(ع) عبارت‌اند از:

- بلی آوردته بعد عزّ ومنعۀ مَوَارِدِ سَوْءٍ مَا لَهِنَّ مَصَادِرَ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۹۳).

- وَاللهُ يَعْلَمُ أَنَّا لَا نُحِبُّكُمْ وَلَا نَلُومُكُمْ أَنْ لَا تُحِبُّونَا (همان: ۲۴۷).

- مِنْ عَرَفَ الرَّبَّ فَلَمْ تُغْنِهِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ فَذَاكَ الشَّقَى (همان: ۲۴۸).^۱

در «أورد و موارد»، «نحبکم و تحبوننا» و «عرف و معرفة» این نوع جناس وجود دارد. برتری و ظرافت امام^(ع) در کاربرد این آرایه در سخن نمایان است. کاربرد همگون ریشه‌ها منجر شده است کلام نوعی آهنگ و ریتم به خود بگیرد و تلفظ آن روان‌تر و سلیس‌تر شود. از رهگذر این موضوع، کلام گوینده در سیاق بهتری قرار گرفته، مطلوب طبع واقع شده است و تأثیر کامل‌تری بر مخاطب می‌گذارد.

۱. بدت: آشکار شد؛ قدروک: تو را به‌شمار آوردند؛ شبّهوک: تو را تشبیه کردند؛ آمنه بامانک: او را به امان خودت امان بده؛ وال من والاه وعاد من عاداه: هر که او را دوست دارد، دوست بدار و دشمنش را دشمن بدار؛ آوردته: وارد ساختند؛ العز والمنعة: بزرگی و عزیز بودن؛ الشقی: گمراه.

محسنات لفظی در کلام امام رضا و ... ❖ ۱۳۹

هر دو امام^(ع) نصیحت گونه عمل می کنند و صبغه ارشاد بر کلامشان، غلبه تامی دارد، البته کلام امام رضا^(ع) نوعی استیناس دربر دارد، البته امام سجاده^(ع) نیز از این مهم بی بهره نبودند بیشتر از اسلوب حکیم و مذهب کلامی و سایر صنایع بلاغی عقلانی و اثباتی مانند کیفیت شناخت خدا در مثال سوم استفاده کرده اند.

جناس شبه اشتقاق

آنگاه که دو لفظ جناس از یک ریشه مشتق نشوند ولی میان حروف مشابهت فراوانی باشد، به گونه ای که مخاطب تصور کند که آن دو از یک ریشه مشتق شده اند، در اینجا جناس شبه اشتقاق وجود دارد که آن را جناس «مشابهت یا جناس مطلق» نیز می نامند. نمونه های آن در صحیفه/الرضا^(ع) عبارت اند از:

- حتی لا یستخفی بشیء من الحق مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۵۶).

- و بالله أَسْتَجِجُ وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولُ اللَّهِ وَآلِ مُحَمَّدٍ ... وَعَلَيْهِمْ أَتُوجِّه (همان: ۸۲).

در کلمه های «الحق و الخلق» و «أَسْتَجِجُ و أَتُوجِّه» این آرایه وجود دارد چراکه شنونده گمان می کند از یک ریشه اند حال آنکه این گونه نیست.

نمونه های آن در کلام امام سجاده^(ع) عبارت اند از:

- وَكُنْ فِي ثَوْبَيْنِ وَاجْتَمَعَتْ لَهُ مُشَبَّعَةٌ إِخْوَانُهُ وَالْعَشَائِرُ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۹۶).

- أَكْبَرُ أَوْلَادِهِ يَهْجُو إِكْثَاءَهُمْ إِذَا مَا تَنَاسَاهُ الْبَنُونَ الْأَصَاغِرُ (همان: ۱۹۷).

- لَنَحْنُ عَلَى الْحَوْضِ رُؤَادُهُ نَذُودُ وَنَسْقَى وَرَادَهُ (همان: ۲۰۲).^۱

در کلمه های «مُشَبَّعَةٌ و العشائر»، «أكبر و إكثاءهم» و «رُواد و وِراد» این آرایه وجود دارد چراکه شنونده گمان می کند از یک ریشه اند حال آنکه این گونه نیست. پی بردن به همین خطای ذهنی باعث تلذذ مخاطب و توجه بیشتر به کلام شده است تا از خطای احتمالی

۱. مخافة: به خاطر ترس؛ استجج: طلب خوشبختی و موفقیت می کنم؛ مشبَّعه: تشیع کنندگانش؛ الاكثاب: اندوه و سرخوردگی؛ الاصاغر: یاران؛ رواد: ساقی؛ وِراد: وارد شوندگان.

مجدد در امان باشد، از دیگر سو، همین تشابه که در واقع عدم تشابه بوده، باعث جای‌گیری بهتر کلام در ذهن مخاطب شده است و پس از فهم تفاوت بین دو کلمه، مطلب برایش لذت‌بخش‌تر می‌شود.

این صنعت به‌خاطر فنی بودن، بیشتر در کلام بزرگان ادب و بلاغت عربی و موارد گوناگونی از آن در کلام هر دو امام^(ع) وجود دارد، همین امر مهر تأییدی بر توان ادبی امامان همام^(ع) است. این شاهد مثال واضح نیاز چندانی به توضیح ندارد و در زیبایی آن همین بس که به‌مثابه ترازویی برای نمایاندن توان ادبی و بلاغی فرد است.

۳. جناس مُصَحَّف

یعنی دو لفظ در تعداد حروف و ترتیب، مشابه و در نقطه‌ها، مختلف باشند، به‌گونه‌ای که اگر یکی از نقطه‌ها زدوده شود، از کلمه دیگر متمایز نمی‌شود (تونانی، بی‌تا: ۱۲۸).

شاهد آن در *صحیفه‌الرضا*^(ع) عبارت است از:

– والله مُحِيطٌ بِي وَبِحِجْزِكَ عَنِّي وَبِحَوْلٍ يَبْتَنِي بِحَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ (قیومی‌اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۶۲).

شاهد در «یحول و بِحَوْلٍ» است که «الباء و الیاء» در آن اختلاف دارند. این آرایه بر زیبایی کلام حضرت افزوده است.

شاهد آن در کلام امام^(ع) عبارت است از:

– عُدْ إِلَى ذِكْرِ الْمُنْقُولِ إِلَى التَّرِيِّ، وَالْمَدْفُوعِ إِلَى هَوْلٍ مَا تَرِي (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۹۹).^۱

شاهد در «تری و تری» است که «ث و ت» در تعداد نقطه‌ها اختلاف دارند. اگر نقطه‌های این دو لفظ برداشته شود، خواننده دچار تشویش می‌شود. از دیگر سو، همین اختلاف ساده گاهی منجر به قرار گرفتن مخاطب در ورطه‌ی حالتی معماگونه در خواندن کلام و درک مفهوم مدنظر باشد. وجود این آرایه بر زیبایی کلام امامان همام^(ع) افزوده است.

۱. محیط بی: مرا در احاطه خویش دارد؛ یحول: مانع می‌شود؛ المنقول الی التری: به خاک بازگشته؛ هول: ترس.

۴. جناس لاحق

یعنی اختلاف در نوع حروف باشد، حال آنکه وزن یکی است و تقابری میان دو کلمه نیست. این اختلاف یا در ابتدا یا در وسط یا در پایان قرار می‌گیرد (جرجانی، ۲۰۰۳م: ۲۳۱).

شواهد آن در *صحیفه‌الرضا*^(۴) عبارت‌اند از:

– أن ترحم والدي الغريبين في بطون الجنادل، البعيدین من الأهل والمنازل (قیومی‌اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۴).

– یا سامع کل صوت ویا سابق کل فوت (همان: ۴۸)، در این مورد جناس مضارع نیز به کار رفته است.

– التي يرجع إليها الغالی ويلحق بنا التالی (همان: ۴۳).

– اللهم أمتننا أكتافهم وملکنا أكتافهم (همان: ۸۶).

«الغريبين و البعیدین»، «سامع و سابق»، «الغالی و التالی» و «أمتننا و ملکنا» نمونه‌هایی از جناس لاحق‌اند که بر زیبایی کلام حضرت رضا^(ع) افزوده است.

شواهد آن در کلام امام سجاده^(ع) عبارت‌اند از:

– بذلک جرى القلم على صفحة اللوح في القدم فما هذا التلّيف والتّدم (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۱۴).

– أفراسها غائرة وسطواتها قاهرة (همان: ۲۱۶).

– فقرب الزاد لیوم المعاد، ولا تتوطّ على غیر مهاد (همان: ۲۱۶).

– ومن ساءنا ساء میلاده فیوم القيامة میعاده (همان: ۲۰۲).^۱

«قلم و قدم»، «غائرة و قاهرة»، «المعاد و مهاد» و «میلاده و میعاده» نمونه‌هایی از جناس لاحق‌اند که بر زیبایی کلام امام سجاده^(ع) افزوده است، در اکثر موارد کلام امامان همام^(ع) دربردارنده موارد متنوعی از مثال‌ها است.

۱. بطون الجنادل: دل خاک‌ها کنایه از قبر؛ سابق کل فوت: پیشی‌گیرنده بر هر زوال‌یابنده؛ أمتننا أكتافهم وملکنا أكتافهم: پروردگارا آنان را به اسارت ما و سرزمین‌هایشان را به تصرف ما دریاور؛ التلّيف والتّدم: افسوس و پشیمانی؛ افراسها غائرة: کنایه از نزدیک شدن اجل فرد با گذر زمان؛ وسطواتها قاهرة: هجوم‌هایش درهم شکننده است؛ علی غیر مهاد: زمین ناهموار.

۵. جناس غیر تام «مکتف الوسط»

قیدی از قیدهای مذکور که در جناس تام مختلف باشد و دو گونه است: یکی اینکه به زیاده، یک حرف در اول یا وسط یا آخر مختلف باشند، دوم اینکه به زیاده، بیش از یک حرف مختلف باشند (قزوینی، ۱۴۳۰ق: ۳۷۷). شواهد آن در *صحیفه‌الرضا*^(۴) عبارت‌اند از:

- فَإِنَّ اسْتِدْلَالَكَ بِنَا غَيْرِنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْنَا عَسِيرٌ (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۷۲).

- وَ الْفَضْلُ وَ الْفَضِيلَةُ (همان: ۸۲).

- وَلَا يَمِثْلُ بِنَظِيرٍ وَلَا يَغْلِبُ بِظَهِيرٍ (همان: ۸۸).

- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نَوْرِكَ وَ سَرَاجِكَ وَ وَلِيِّ وَلِيكَ وَ وَصِيِّ وَصِيكَ (همان: ۲۳۸).

در «یسیر و عسیر»، «الفضل و الفضيلة»، «نظیر و ظهیر» و «ولی ولیک و وصی وصیک» این آرایه ادبی ملاحظه می‌شود.

شاهد آن در کلام امام سجاده^(۵) عبارت است از:

- كَيْفَ أَمِنْتَ هَذِهِ الْحَالَةَ وَأَنْتَ صَائِرٌ إِلَيْهَا لَا مُحَالَهَ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۰۰).^۱

در «الحالة و المحالة» این آرایه ادبی ملاحظه می‌شود. در این شاهد مثال، تفاوت بین دو مورد تنها در یک حرف است که با کاهش یا افزایش آن، معنی کلمه و در فضای کلی‌تر معنای جمله تغییر می‌یابد.

اینجاست که مفهوم آرایه‌های لفظی و تأثیر آن بر زیبایی ظاهری کلام آشکار می‌شود. این آرایه در کلام امام رضا^(۶) به وفور وجود دارد، چون حضرت در دایره بیانی وسیع‌تری سخن می‌گفتند، توان بیشتری برای بازی با الفاظ نیز داشتند، درحالی‌که امام سجاده^(۷) معمولاً از دعا و کلام خویش، هدف اصلاح فرد و اجتماع را داشتند، بدین جهت توان کمتری در بازی با الفاظ مهیا بود.

۶. جناس مکرر

به آن، جناس مزدوج یا مردد نیز می‌گویند، یعنی دو رکن مجاور از جناس‌ها در نهایت

۱. یسیر: آسان؛ عسیر: سخت؛ ظهیر: پشتیبان؛ سراجک: چراغ رهنمایت برای بندگان؛ الحالة: شرایط؛ لا محالة: بدون شک.

محسنات لفظی در کلام امام رضا و ... ❖ ۱۴۳

سجع، در نثر یا نظم بیاید (قزوینی، ۱۴۳۰ق: ۳۸۱).

شواهد آن در *صحیفه‌الرضا*^(ع) عبارت‌اند از:

– اللهم فادعني يوم حشري ونشري (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۶۰).

– راموا اقامة الإمام بعقول حائرة باثرة (همان: ۲۵۸).

شاهد مثال در «حشری و نشری» و «حائرة و باثرة» است و به‌خاطر سلیس بودن، باعث راحتی تلفظ و زیباسازی جمله شده‌اند.

شواهد آن در کلام امام سجاده^(ع) عبارت‌اند از:

– أين السلف الماضون، والأهلون والأقربون؟ والاولون والآخرون (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۱۷).

– أنفرح بنعيم زائل، وسرور حائل ورفیق خاذل (همان: ۲۲۱).^۱

مثال‌های بالا به‌خاطر سلیس بودن، باعث راحتی تلفظ و زیباسازی جمله شده‌اند. مثال‌هایی که می‌آوریم علاوه بر دارا بودن شاهد مثال‌های مطرح، موارد بلاغی دیگری نیز دربر دارند، مثلاً شاهد مثال اول امام سجاده^(ع) علاوه بر جناس مکرر دارای صنایع طباق و مراعات نظیر نیز است.

رد العجز علی الصدر

اینکه یکی از دو لفظ مکرر «متفق در لفظ و معنی» یا مجانس «متفق در لفظ و نه در معنی» یا ملحق به آن دو، یکی در اول و دیگری در آخر بند بیاید، این مورد دلالت بر توان شاعر، آشنایی وی با ظرافت‌های سخن و اطاعت الفاظ از او دارد، آنگاه که جمله‌ای می‌خوانیم احساس می‌کنیم الفاظ آن با هم در ارتباط‌اند، گویا معنی فاصله‌ها یکسان است (عبدالحمید، ۲۰۰۱م: ۹۸).

شاهد آن در *صحیفه‌الرضا*^(ع) عبارت است از:

۱. يوم حشري ونشري: کنایه از قیامت؛ عقول حائرة باثرة: کنایه از پریشان بودن و متأثر از شدت حادثه؛ السلف الماضون: گذشتگان؛ النعيم الزائل: نعمت‌های گذرا؛ سرور حائل و رفیق خاذل: شادی گذرا و دوست خائن و خوارکننده.

– ولا كان قبلك إله ندعوه ونعوذ به ونتضرع إليه ونَدْعُكَ (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۸۰).

شواهد آن در کلام امام سجاده^(ع) عبارت‌اند از:

– جزائی تُعَذِّبُنِي وَلَكِنْ أَعُوذُ بِحُسْنِ عَفْوِكَ عَنْ جَزَائِي

رجائی کان مُنْقَطِعاً بِذَنْبِي رَجَائِي مِنْكَ حَقَّقَ رَجَائِي (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۷۱).

– وَیَنْسُجُ أَمَالاً طَوَّالاً بَعِيدَةً وَيَعْلَمُ أَنَّ الدَّهْرَ لِلنَّسِجِ خَارِقٌ (همان: ۲۲۱).^۱

این موارد شواهد فراوانی در کلام حضرت دارد و دلالت بر توان و آشنایی ایشان با ظرافت‌های سخن و اطاعت الفاظ از امامان همام^(ع) دارد. از دیگر سو، آنگاه که این‌گونه اشعار را می‌خوانیم، احساس می‌کنیم الفاظ آن به‌نوعی با هم در ارتباط‌اند، گویا معنی فاصله‌ها یکسان است. به همین دلیل، مخاطب به محض شنیدن سرآغاز کلام می‌تواند جمله‌های پایانی را حدس بزند، همین امر باعث زیاتر شدن جمله و دلچسب‌تر شدن مطلوب و مقصود گوینده بر مخاطب می‌شود. وجود این صنعت بدیعی در سخن فرد نشان از قدرت بیانی و تسلط وی بر شیوه‌های بدیعی دارد، البته این نکته درباره امامان معصوم^(ع) نیز مصداق دارد.

سجع

اصل کلمه سجع از «سجعت الناقه» گرفته‌شده و آن زمانی است که شتر ماده صدایش را در حالتی مشخص بکشد، سجع در صورتی صحیح است که دارای یکسری شروط باشد، از جمله: داشتن الفاظ زیبا و خوش مدل بودن، طوری که شنونده از شنیدن آنها لذت ببرد، الفاظ در خدمت معانی باشند، معانی به‌دست آمده از این الفاظ زشت نباشند و هر یک از سجع‌ها بر معنی متفاوت با سجع قبلی دلالت داشته باشند تا سجع مورد نظر، به‌نوعی تکرار بی‌فایده تبدیل نشود (تونانی، بی تا: ۱۳۴).

۱. ندعوه: او را بخوانیم؛ تعوذ به: به او پناه ببریم؛ نتضرع الیه: برایش خضوع کنیم؛ تعذّبی: عذابم می‌دهد؛ منقطع: قطع شده؛ والدهر للنسج خارق: کنایه از اینکه آرزوها را به هیچ و پوچ مبدل می‌کند.

محسنات لفظی در کلام امام رضا و ... ❖ ۱۴۵

سجع بر کلمه آخر بند اطلاق می‌شود البته بنا بر توافقش با کلمه آخر بند قبلی، گاهی اوقات نیز فقط بر خود این توافق بدون توجه به بندها اطلاق می‌شود (کرمی، ۱۳۷۵ق: ۱۷۵).
بنابراین سجع یعنی همگونی حرف آخر کلمه‌ها در تمام موارد، به جز وزن؛ بهترین نوع سجع آن است که فقره‌هایش با هم مساوی باشند. سجع چهار گونه است: متوازی، مطرف، مرصع و مشطور (ابوالعدوس، ۱۴۲۷ق: ۲۸۹).
بهترین سجع آن است که طبیعی، خودجوش و بدون تکلف باشد (لادقی، ۱۹۶۳م: ۲۱۱).
بنابراین سجع در نثر مانند وزن در شعر است.
انواع سجع‌ها عبارت‌اند از:

۱. سجع متوازی

همراهی لفظ آخر از ابتدای بند اول با کلمه آخر از بند دوم در لفظ و وزن و روی است (ابوالعدوس، ۱۴۲۷ق: ۲۸۹).

مثال‌های آن در *صحیفة الرضا*^(۱) عبارت‌اند از:

- من مَسَارِقِ الْأَرْضِ و مَغَارِبِهَا و بِرِّهَا و بَحْرِهَا و سَهْلِهَا و جَبَلِهَا (قیومی‌اصفهان‌ی، ۱۳۷۸: ۵۶).

- اللَّهُمَّ يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَكَاشِفَ الْغَمِّ (همان: ۱۳۲).

- يَا مَاجِدُ يَا كَرِيمَ ، يَا وَاحِدُ يَا كَرِيمَ (همان: ۱۳۴).

در مثال‌های بالا «فَارِجَ و الْغَمِّ» تأثیر بارزی بر زیبایی کلام گذاشته‌اند.

شاهد مثال‌های آن در کلام امام سجاده^(۲) عبارت‌اند از:

- أَتَاهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يُرَدُّهُ وَنَزَلَ بِهِ مِنْ قَضَائِهِ مَا لَا يُصَدُّهُ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۸۸).

- فَلَمْ تُعْشِهْ مِنْ صَرَعْتِهِ وَلَمْ تُقْلِهْ مِنْ عَثْرَتِهِ (همان: ۱۹۳).

- حَيْثُ لَا يَنْفَعُهُ الْاِسْتِعْبَارُ وَلَا يَنْجِيهِ الْاِعْتِذَارُ مِنْ هَوْلِ الْمَنِيَةِ وَنَزُولِ الْبَلِيَةِ (همان: ۱۹۴).^۱

۱. البرّ والبحر: خشکی و دریا؛ السهل و الجبل: دشت و کوه؛ فارح الهمّ وکاشف الغمّ: برطرف‌کننده غم‌ها و رنج‌ها؛ یا ماجد: ای بخشنده؛ ما لایردّه: آنچه که نمی‌توان بازگرداند؛ ما لایصدّه: آنچه که نمی‌توان با آن مقابله کرد؛ صرعت: او را بر زمین زد؛ عثرت: لغزش‌هایش؛ الاستعبار: سرازیر شدن اشک؛ نزول البلیّة: فرود آمدن بدبختی.

در مثال‌های بالا، شواهد این نوع از جناس تأثیر بارزی بر زیبایی کلام گذاشته‌اند، همین جاست که تأثیر بارز سجع بر زیباسازی کلام مشخص‌تر می‌شود، چرا که همین جمله‌های زیبا و بااحساس و آهنگین اگر خالی از سجع بود چیزی جز مجرد یکسری لفظ نبود، حتی اگر معنی را نیز افاده می‌کردند، البته این بدین معنا نیست که در آوردن این‌گونه صنعت‌ها افراط صورت گیرد، بلکه بایستی میانه‌روی رعایت شود. مبحث سجع به‌خاطر هماهنگی که متأثر از همگونی بین الفاظ ایجاد می‌کند، بسیار مقبول خواننده و شنونده می‌شود، به همین جهت ادباء، توجه و اهتمام خاصی به این صنعت بدیعی داشتند. بهترین نوع سجع، آن است که آسان، غیرعمدی و بدون تکلف و تصنع باشد.

این صنعت بدیعی، در کلام امام رضا^(ع) بیشتر خودنمایی می‌کند. این مهم نشان از برتری ایشان یا ضعف امام سجاده^(ع) در کلام ندارد، بلکه همان‌گونه که بیان شد امام سجاده^(ع) متأثر از شرایط مخاطب، به‌خاطر رعایت مقام و برای القای بهتر کلام، ناچار بودند اسلوبی عقلانی‌تر و رسمی‌تر در پیش گیرند.

۲. سجع مطرف

اگر دو لفظ در وزن، متفاوت و در قافیه، همگون باشند، سجع مطرف نامیده می‌شود (قزوینی، ۱۴۳۰ق: ۳۸۴).

شواهد مثال‌های آن در صحیفه عبارت‌اند از:

– اللَّهُمَّ اهدنا فيمن اهديت وعافنا فيمن عافيت (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۹۸).

– يا الله يا ربَّ الأرباب ويا سيد السادات (همان: ۱۷۸).

شاهد در «اهدیت و عافیت» و «الارباب والسادات» است. آنچه در جناس مطرف مهم بوده، خیال خواننده بر تکرار لفظ اول است و آنگاه که یک حرف دیگر بر آن وارد شود، از ذهنیت قبلی بازگردد (عبدالحمید، ۲۰۰۱م: ۱۰۶).

شاهد مثال‌های آن در کلام امام سجاده^(ع) عبارت‌اند از:

محسنات لفظی در کلام امام رضا و ... ❖ ۱۴۷

- فلورأیت الاصغر من اولاده، وقد غلب الحزن على فؤاده (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۹۷).
- والتبس عليه أمره من الاولاد ومفارقة الآباء والاجداد والإمتعاض بشماتة الحساد (همان: ۲۱۲).^۱
- شاهد در «اولاد و فؤاد» و «الاجداد و الحساد» است (عبدالحمید، ۲۰۰۱م: ۱۰۶).
- همین امر منجر به زیباسازی کلام از یکسو و جاگیری بهتر مطلب در ذهن مخاطب از دیگر سو می‌شود. در این مجال هر دو امام^(ع) به زیبایی این صنعت را به کار گرفته‌اند.

۳. سجع مرصع

- آن است که الفاظ در هر دو بند از نظر وزن و قافیه همگون باشند.
- مثال‌های این صنعت در صحیفه عبارت‌اند از:
- اللهم وطهر منهم بلاك وأشف منهم عبادك وأعزّ به المومنين وأحی به سنن المرسلين (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۵۶).
- أسألك كفاية الأذى، والعافية والشفاء، والنصر على الأعداء، والتوفيق لما تُحب وترضى (همان: ۱۳۸).
- شاهد در «طهر منهم بلاك وأشف منهم عبادك» و «و أعزّ به المومنين وأحی به سنن المرسلين» است.
- از مثال‌های آن در کلام امام سجاده^(ع) عبارت‌اند از:
- أفرح بنعيم زائل وسُرورٍ حائلٍ ورفیقٍ خاذلٍ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۲۱).
- إلى كم تكدر ولا تنفع، وتجمع ولا تشبع، ماذا رأى العازب والرشد الغائب والأمل الكاذب (همان: ۲۲۲).
- فيا قليل التحصيل وبكثير التعطيل ويا ذا الأمل الطويل (همان: ۲۲۳).^۲

۱. یا ربّ الأرباب و یا سید السادات: کنایه از ذات باری تعالی؛ الفؤاد: قلب؛ التبس امره: کارش دچار پریشانی شد، سرگردان شد؛ الامتعاض بشماتة الحساد: از سرزنش سرزنشگران ناراحت شد.

۲. وطهر منهم بلاك وأشف منهم عبادك: پروردگارا شهرهایت را از ایشان پاک و بندگان را از ایشان شفا ده؛ کفاية الاذى: کفایت کردن آزار و اذیت؛ سرور حائل و رفیق خاذل: شادی گذرا و دوست خائن و خوارکننده؛ تکدر: تلاش می‌کنی؛ الرای العازب: اندیشه دور و دراز (کنایه از طمع زیاد)؛ کثیر التعطیل: بسیار بی‌توجه به امر قیامت.

در سجع، بیان قرینه مهم است. اگر در این زمینه اختلالی پیش آید زیبایی را از بین می‌برد، چون همین زیباگویی باعث متمایز و دلچسب شدن جمله می‌شود. هرچه کلمه‌ها از نظر وزن و قافیه همگون‌تر باشند، زیباتر است، بدین صورت که اگر این موارد حذف شوند، جمله، خشک و بی‌روح می‌شود. بهترین سجع آن است که در تعداد و نوع کلمه‌ها همگون باشد. زیبایی جمله نیز از همین همنشینی متأثر می‌شود، مفردات جمله باید زیبا، پرکاربرد و غیرتکراری بوده و فاصله‌ها نیز سکون داشته باشند (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۷۷).

سجع مرصع به تأثیرگذاری کلام کمک شایانی می‌کند و به‌خاطر آهنگ همگونی که به سخن می‌دهد، در جان شنونده تأثیر می‌گذارد، از همین روی کاربرد این صنعت در کلام امام سجاد^(ع) بیشتر دیده می‌شود که البته با توجه به مقصود حضرت کاربست این صنعت مقبول‌تر بوده است تا بتواند بر خواننده تأثیرگذارتر باشد.

لزوم ما لایلزم

به این صنعت «التزام، تضمین، تشدید و إعنات» نیز گفته می‌شود، یعنی ادیب قبل از حرف روی- یا همان قافیه- در شعر یا آنچه در معنی حرف روی است در نثر- یعنی قبل از حرف پایانی جمله- حرفی بیاورد که لزومی ندارد و بدون آن نیز سجع یا قافیه کامل باشد (تفتازانی، ۱۴۲۲ق: ۲۳۹).

شاعر یا ناثر قبل از حرف آخر در بیت‌ها یا سجع‌های خویش ملتزم به چیزی شود که نیازی بدان نیست، بدین صورت که به دو یا سه حرف آخر در وزن و... که در نظام قافیه‌بندی نیازی به همگونی آنها نیست، ملتزم شود (ابوالعدوس، ۱۴۲۷ق: ۲۹۵).

نمونه‌های آن در صحیفه عبارت‌اند از:

— أُنْ تَرْحَمَ وَالِدِيَّ الْغَرِيبِينَ فِي بَطُونِ الْجَنَادِلِ، الْبَعِيدِينَ مِنَ الْأَهْلِ وَالْمَنَازِلِ (قیومی اصفهانی،

۱۳۷۸: ۴۴).

— وَ إِنْ رَدَدْتَ مَعَ ذَلِكَ سُؤَالِي وَخَابَتْ إِلَيْكَ أَمَالِي (همان: ۴۴).

محسنات لفظی در کلام امام رضا و ... ❖ ۱۴۹

– أحيانَ تطوَّلتَ على بالرضا وتفضَّلتَ بالعفو عمَّا مضى أم حينَ زدت العفو والعُفْراً، باستيناف الكرم والإحسان (همان: ۴۴).

نمونه‌های آن در کلام امام^(ع) عبارت‌اند از:

– ألا أيها المأمول في كُلِّ حاجتي شَكَوتُ إليك الضُّرَّ فاسمع شكائتي
ألا يا رجائي أنت كاشفُ كُربتي فهُبْ لي ذُنوبي كُلَّها واقضِ حاجتي (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۸۱).

– ليت شعري هل عاقلٌ في الدیاجی بات من فجعة الزَّمانِ یناجی (همان: ۱۸۲).

– فحسِّنِ الأعمالَ وجَمِّلِ الأفعالَ وقصِّرِ الآمالَ الطَّوالَ (همان: ۲۱۳).^۱

در این صنعت و همه محسنات لفظی، مهم، غیر عمدی بودن آن است. در این صنعت نباید اثری از تکلف و صنعت‌پردازی وجود داشته باشد، چرا که همین مسائل غیر لازم منجر به سنگین‌تر شدن مطلب و دیر فهم‌تر شدن مقصود می‌شود. کاربرد این صنعت لفظی شاهد مثالی است بر توان بیانی و بلاغی گوینده که البته امامان همام^(ع) در این زمینه از یک‌تازان ادب عربی بودند و دعاها و گفته‌هایشان بر تارک ادبیات عربی می‌درخشد.

نتیجه‌گیری

از نتایج مهم به‌دست‌آمده از مقاله پیش‌رو این است که:

هر دو امام^(ع) توجه بالایی به ساخت و بافت کلام داشته و سعی کرده‌اند معانی خویش را در قالب بهترین الفاظ بیان کنند، بدون اینکه از ارزش معنایی آن کاسته شود. طبیعی است که امام سجاده^(ع) متأثر از عرب بودن جامعه عصر خویش الفاظ سنگین‌تری به‌کار گیرند و امام رضا^(ع) متأثر از شرایط محیطی و اجتماعی عصر خویش، زبانی ساده‌تر به‌کار بندند. از دیگر سو، امام سجاده^(ع) در کلام خویش بیشتر عقلانی و رسمی سخن گفته‌اند، به همین

۱. السؤال: خواسته؛ آمال: آرزو؛ تفضَّلت: لطف کردی؛ حاجت: درخواست، نیاز؛ الضُّر: سختی و تنگدستی؛ یا کاشف کربتی: ای برطرف‌کننده اندوه من؛ اقض حاجتی: درخواستم را اجابت کن؛ الدیاجی: تاریکی‌ها؛ فجعة الزمان: مصیبت‌های روزگار؛ یناجی: در امان.

❖ دلیل، سخن ایشان صلابت بیشتری دارد، البته چون ایشان در مقام اصلاح جامعه بودند، این کاربرد طبیعی به نظر می‌رسد.

بارزترین جزئیات بنای متن ادبی مانند: سجع، جناس و سایر محسنات لفظی در کلام هر دو امام^(ع) وجود دارد. هدف تمام این محسنات، بیان مفاهیم ذهنی گوینده به بلیغ‌ترین شکل است.

نوع گفتار این دو بزرگوار از این مهم پرده برمی‌دارد که ایشان در سخنان و دعا‌های خویش، زبانی آسان به کار می‌گرفتند که دارای ویژگی‌های زیبای بیانی، سلیس بودن عبارت‌ها و آهنگین بودن است. به علاوه سخنانشان، خالی از الفاظ غریب و ترکیب‌های پیچیده بود و بیشتر گرایش به تجدد و ابتکار داشتند، تمام این موارد منجر شده تا کلام، تأثیر فنی و جمالی خاصی بر متن ادبی داشته باشد، اهمیت معنی و ارزش آن در کلام آشکارتر می‌شود و توجه بالای امامان^(ع) به الفاظ و موسیقی ترکیب‌ها و تمرکز ایشان بر ریختن این موارد در قالب اسلوب جذاب را می‌رساند. البته ایشان تلاش بالایی برای خلق معانی و نوآوری انجام دادند.

در موازنه حاضر، از گذر بیان شواهد مثالی گوناگون در کلام هر دو امام معصوم^(ع)، بیان و توان تحلیل این دو بزرگوار در زمینه بلاغت عربی و چگونگی به کارگیری محسنات لفظی، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت تا از این رهگذر اثبات شود این بزرگواران در کنار قیادت دینی، در زمینه بلاغت و بیان عربی نیز یکه‌سوارانی بی‌بدیل بودند.

درخصوص صنایع بدیعی، اینکه بگوئیم نقش کدام‌یک از این محسنات بارزتر است قدری مشکل می‌نماید، ولی آنچه از رهگذر بررسی روشن شد اینکه نقش سجع و جناس به‌خاطر تأثیرگذاری بیشتری که بر مخاطب دارد، بیشتر از سایر محسنات لفظی است و به‌خاطر تأثیرگذاری بیشتری که بر موسیقی کلام و ماهیت صوتی کلمه‌ها دارد، بزرگان به آن اهتمام بیشتری داشتند.

نتیجه آخر که در تمام مقاله نیز کاملاً آشکارا دیده می‌شود، ادغام و همراهی محسنات لفظی مختلف با یکدیگر در جمله‌هاست که هدفی جز القای تمام‌عیار مقصود گوینده ندارند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

ابن ابی الحديد المدائنی أبو حامد (١٤١٨ق / ١٩٩٨م). **شرح نهج البلاغة**. طبع الاول، بيروت: دار الكتب العلمية.

ابن المعتز، ابوالعباس عبدالله، (١٤٢٢ ق). **البدیع**. طبع الاول، بيروت: الكتب الثقافية.

ابوالعدوس، يوسف، (١٤٢٧ق). **التشبيه والاستعارة**. طبع الاول، عمان: دارلمیسرة.

تفتازانی، سعدالدين مسعودبن عمر، (١٤٢٢ ق). **المطول**. بيروت: دارالكتب العلمية.

تونانی، زکریاء، (بی تا). **التسهيل لعلوم البلاغة**. طبع الاول، بيروت: کتاب ناشرون.

جرجانی، رکن الدین محمدبن علی، (٢٠٠٣ م). **الاشارات والتنبيهات فی علم البلاغة**. طبع الاول، بيروت: دارالكتب العلمية.

ذوالفقاری، حسن، (١٣٨٨). **فرهنگ بزرگ ضرب المثل های فارسی**. تهران: معین.

سبزواری، حاج ملاهادی، (١٣٨١). **الراح القراج**. چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

سبکی، شیخ بهاءالدين، (١٤٢٣ ق). **عروس الافراح فی تلخیص المفتاح**. بيروت: العصرية.

- عبدالحمید، جمال، (۲۰۰۱م). *البديع بين البلاغة العربية واللسانيات النصية*. طبع الاول، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- عبداللهی، حسن، (۱۳۸۳). *ترجمه و شرح اشعار منسوب به فاطمه زهرا و امامان معصوم^(ع)*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- عتیق، عبدالعزیز، (بی تا). *فی البلاغة العربية*. بیروت: دارالنهضة العربية.
- عسکری، أبوهلال، (۲۰۰۸م). *کتابالصناعتین*. طبع الاول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- عقیل، محسن، (۱۴۲۴ق). *من أروع ما قاله الإمام الرضا^(ع)*. طبع الاول، بیروت: دارالمحجة البيضاء.
- قزوینی، خطیب، (۱۴۳۰ق). *فی علوم البلاغة*. بیروت: العصرية.
- قیومی اصفهانی، جواد، (۱۳۷۸). *صحیفة الرضا^(ع)*. قم: الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
- کرمی، محمد، (۱۳۷۵ق). *الوشاح على الشرح المختصر لتلخيص المفتاح*. قم: العلمیة.
- لادقی، محمدطاهر، (۱۹۶۳م). *المبسطة فی علوم البلاغة*. بیروت: المكتب التجارى للطباعة و النشر.
- مجمع البحوث الإسلامية، (۱۴۳۰ق). *فی رحاب الإمام الرئوف علی بن موسی الرضا^(ع)*. چاپ اول، مشهد: به نشر.
- محمدجواد، فضل الله، (۱۴۲۸ق). *الإمام الرضا^(ع)*. چاپ اول، قم: دارالكتاب الاسلامی، ستار.
- محمود یاسین، مأمون، (۱۴۱۸ق). *من روائع البديع*. طبع الاول، دبی: کلیة الدراسات الاسلامیة و العریة.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲). *سیری در نهج البلاغة*. چاپ نهم، تهران: صدرا.
- میدانی، عبدالرحمن حسن، (۱۴۱۶ق). *البلاغة العربية*. طبع الاول، دمشق: دارالقلم.
- نصیری، محمدجواد، (۱۳۷۲). *معیار البلاغة*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هاشمی، سیداحمد، (۱۳۸۹). *جواهر البلاغة فی ادبیات وانشاء لغة العرب*. چاپ اول، تهران: خورسندی.

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و انبیای الهی

معصومه رودی*، مرتضی حسینی شاهرودی**

چکیده

در این مقاله، میزان تطبیق اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) با انبیای^(ع) پیگیری می‌شود. مبارزه‌های پیامبران^(ع) علیه چهار عامل اصلی طاغوت، جهل، خرافه و بی‌عدالتی و ستم بود. این مطالعه نشان می‌دهد که جهت‌گیری‌های امام رضا^(ع) نیز دقیقاً در راستای مبارزه با این عوامل است. نشر معارف دین و مبارزه در سکوت، افشاگری علیه حکومت و پیشنهاد راهکار خلاصی برای شیعیان زندانی، از شیوه‌های مبارزه ایشان علیه حکومت هارون و مأمون بود. امام هشتم^(ع) همچنین با پرهیز از پذیرش خلافت و برخورد قاطع و صبورانه در تدوین شرایط پذیرش ولا‌تعه‌دی و شرکت در مناظره‌ها، نماز عید فطر و طلب باران، ضمن دخالت نکردن در کشورداری، با حکومت مأمون جنگیدند. همچنین افشاگری نسبت به ظلم‌های هارون و مأمون و تلاش در آزادسازی شیعیانی که بی‌گناه اسیر بودند و تدوین شرایطی خاص برای پذیرش ولا‌تعه‌دی نمایانگر مبارزه‌های ایشان با بی‌عدالتی است. حضور در مناظره‌های علمی، راه‌اندازی کلاس‌های معارف، تربیت شاگردان و نشر تعالیم اسلامی، از تلاش‌های امام رضا^(ع) در مبارزه با جهل بود. ارائه استدلال‌های عقلی محکم علیه الوهیت عیسی^(ع) و مبارزه با غالیانی که اهل بیت^(ع) را همتای خدا می‌دانستند، نمونه‌هایی از مبارزه ایشان با خرافه و موهوم است.

واژه‌های کلیدی

مبارزه، جهل، خرافه، طاغوت، عدالت

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۲۰

rudiml@mums.ac.ir

m_shahrudi@yahoo.com

*. کارشناس ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد

** استاد فلسفه و حکمت اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

❖ مقدمه

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۲

مبارزه، امری کلی و به معنای قیام یا مقاومت در برابر دشمن و تلاش برای دستیابی به هدفی مادی یا معنوی یا برای حاکمیت یک تفکر است. مبارزه، به خودی خود اصالت ندارد و انسان با نوع جهت‌گیری خود معنای حق یا باطل بودن آن را مشخص می‌کند (بندرریگی، ۱۳۷۴: ۲۳) و تنها وقتی که در مسیر حق باشد، ممدوح است. مبارزه، گستره‌ای از جهاد اصغر تا اکبر (مبارزه با نفس) دارد.

انبیای الهی در دعوت مردم به خداپرستی، ناگزیر از ایجاد انقلاب در نگرش آنها بودند. اما همیشه عده‌ای در برابر انقلاب‌های فکری آنان مقاومت کرده و به انکار و مبارزه می‌پرداختند.

بنابراین پیامبران^(ع) نیز در صحنه‌های مختلف جهاد اکبر و اصغر نقش‌آفرینی کرده‌اند. از این رو مبارزه ابراهیم^(ع) با نمرود و ستاره‌پرستان و کسب مقام خُلّت، تفوق موسی^(ع) بر فرعون و میقات ایشان با خداوند، تلاش‌های رسول اکرم^(ص) در غلبه بر تمام عادات‌ها و عقاید جاهلیت و مقام «قاب قوسین او ادنی»، همه نتیجه مبارزه بودند. از مطالعه مبارزه‌های مختلف پیامبران^(ع) می‌توان دریافت که با وجود تفاوت در زمان برانگیخته شدن، مخاطب و ردائلی که با آنها روبرو بودند، اهداف مبارزه‌ای مشترکی داشتند. پیامبران^(ع) در برابر طاغوت و استبداد، جهل و غفلت، ستم و بی‌عدالتی، خرافه‌ها و موهوم‌ها ایستادند.

ائمه اطهار^(ع) نیز دنباله‌رو انبیاء^(ع) بودند و عمر خویش را به مبارزه در راه حق سپری کردند. ائمه^(ع) بر مبنای متن صریح زیارت امین‌الله که از زیارت‌های مستند است، حق جهاد در راه خدا را احقاق کردند (أَشْهَدُ أَنْ جَاهَدْتُ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ). با وجود بحران‌های خاص فکری و اعتقادی جهان امروز، مبارزه علمی این رهبران دینی راهگشاست.

امام باقر و امام صادق^(ع) در دوره‌ای که اسلام آماج شبهه‌های تمدن‌های مختلف قرار گرفت، با راه‌اندازی نهضت مناظره و دفع شبهه‌ها، دین را بیمه کردند. مطالعه زندگی اجتماعی حضرت رضا^(ع) نیز نشان می‌دهد با وجودی که در لوای تکریم ظاهری دشمن

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۵۵

تحت کنترل بودند اما با ارائه اسلام‌شناسی صحیح، مسیر هدایت مردم را هموار و با بازگویی حقیقت معارف دین، شرکت در مناظره‌ها و تکفیر بعضی اعتقادهای شرک‌آلود، علیه جهل و خرافه قیام کردند.

به همین منظور در این نوشتار با گذری بر شیوه مبارزه انبیا^(ع)، در پی تطبیق مبارزه‌های امام رضا^(ع) با انبیای کرام^(ع) برآمدیم.

مبارزه با طاغوت

در همه ادیان الهی، طاغوت‌ها و مستبدان جامعه، از اولین گروه‌های معارض با انبیا^(ع) بودند که به دلیل فرعونیت و منافع یک‌طرفه، تبعیت از انبیا^(ع) را نمی‌پسندیدند. از این‌رو همه کتاب‌های آسمانی، اطاعت الهی را در نفی ولایت طاغوت معنا کردند:

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است. پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست چنگ زده است و خداوند، شنوای داناست (بقره/۲۵۶).

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا؛ آیا ندیده‌ای کسانی را که می‌پندارند به آنچه به‌سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل شده ایمان آورده‌اند [با این همه] می‌خواهند داورى میان خود را به‌سوی طاغوت ببرند با آنکه قطعاً فرمان یافته‌اند که بدان کفر ورزند و [لى] شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دورى دراندازد (نساء/۶۰).

نفی ولایت طاغوت به حدی اهمیت دارد که از اهداف بعثت انبیا^(ع) بیان شده و مبارزه با مظاهر طغیان از اساسی‌ترین وظایف پیامبران بوده است.

کلمه طاغوت در هفت جای قرآن ذکر شده است و به کسی اطلاق می‌شود که از مقام

❖ خود تجاوز کند و به مقام دیگری که حق او نیست، تعرض کند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۸۸).

بنابراین به جادوگر، کافر، کاهن و جن سرکش و بازدارنده از حق هم طاغوت گفته می‌شود. قرآن، کفر و عدم اقرار به وجود خداوند را زمینه‌ساز پذیرش ولایت طاغوت و در نتیجه انحراف فرد و جامعه از حقیقت و سیر به‌سوی گمراهی و شقاوت می‌داند:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛
خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند آنان را از تاریکی‌ها به‌سوی روشنائی به در می‌برد و [لی] کسانی که کفر ورزیده‌اند سرورانشان [همان عصیانگران] طاغوتند که آنان را از روشنائی به‌سوی تاریکی‌ها به در می‌برند آنان اهل آتشدنند که خود در آن جاودانند (بقره/۲۵۷).

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِن قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَكَّمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَن يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا*
الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أُولَٰئِكَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا؛ آیا ندیده‌ای کسانی را که می‌پندارند به آنچه به‌سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل شده ایمان آورده‌اند [با این همه] می‌خواهند داوری میان خود را به‌سوی طاغوت ببرند با آنکه قطعاً فرمان یافته‌اند که بدان کفر ورزند و [لی] شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری دراندازد*
کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا کارزار می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت می‌جنگند. پس با یاران شیطان بجنگید که نیزنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است (نساء/۶۰ و ۷۶).

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ
وَأَنْ أَكْثَرُكُمْ فَاسِقُونَ* قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِّنْ ذَلِكَ مُتَوَبِّعَةً عِنْدَ اللَّهِ مِّنْ لَّعْنَةِ اللَّهِ وَغَضَبِ
عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْفِرْدَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدُ الطَّاغُوتِ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۵۷

السَّيِّلُ؛ بگو ای اهل کتاب آیا جز این بر ما عیب می‌گیرید که ما به خدا و به آنچه به‌سوی ما نازل شده و به آنچه پیش از این فرود آمده است ایمان آورده‌ایم و اینکه بیشتر شما فاسقید* بگو آیا شما را به بدتر از [صاحبان] این کیفر در پیشگاه خدا خیر دهم همانان که خدا لعنتشان کرده و بر آنان خشم گرفته و از آنان بوزیگان و خوکان پدید آورده و آنان که طاغوت را پرستش کرده‌اند اینانند که از نظر منزلت بدتر و از راه راست گمراه‌ترند (مائده/۵۹-۶۰).

پذیرش فرهنگ و حکومت طاغوت علاوه بر آنکه انسان را از مقام والای خود بازمی‌دارد، باعث ایجاد رذائل اخلاقی و انجام اعمال شنیع می‌شود و در نتیجه ایجاد هرج و مرج و نابودی نسل و خلق را به بار می‌آورد. امام رضا^(ع) در حدیثی اقرار نکردن به وجود خداوند را زمینه‌ساز ایجاد بسیاری از معضلات جامعه انسانی و حتی نابودی کشت و زرع معرفی فرموده‌اند:

کسی که به خداوند اقرار نکند، از گناهان و محرمات الهی دوری نمی‌گزیند و از ارتکاب گناهان بزرگ، اجتناب نمی‌ورزد و در خواسته‌های شهوانی، لذت‌های حیوانی، فسادبرانگیز و ستمگرانه، کسی را مراقب خود نمی‌داند. اگر مردمان، این اعمال شنیع را انجام دهند و هر انسانی هر آنچه می‌خواهد و به میل اوست انجام دهد، بی‌آنکه کسی را مراقب احوال خود ببیند، قطعاً همه خلق تباه می‌شوند و هرج و مرج پدید می‌آید و هر کس به جان دیگری می‌افتد که نتیجه‌اش غصب اموال و ناموس‌ها، اباحه‌گری در خون‌ها و زنان و قتل بی‌گناهان و کشتار بی‌جرم و تقصیر و به ناحق است. پیامد این کار، خراب شدن دنیا، نابودی خلق و تباهی نسل و کشت و زرع است... مردم گاهی مرتکب گناهانی می‌شوند که از خلق پنهان است. اگر اقرار به پروردگار و ترس از جهان غیب او نباشد، هیچ‌کس هنگام خلوت با شهوت‌ها، هوای نفس و اراده گناه، مراقب احدی نیست تا او را از گناه بازدارد و از انجام حرمت و ارتکاب گناه منع کند؛ ... فرایند این کار، تباهی و نابودی همه مردم است. از این‌رو، استواری، برپایی و مصلحت مردم، جز در اقرار به خدای آگاه و بسیار دانا نیست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶: ۵۹).

قرآن کریم علاوه بر تصریح مبارزه طبقه مستبد با پیامبران^(ع) به طور عام (نحل/۳۶)^۱ نمونه‌هایی از آنها را نیز خاطرنشان ساخته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۷۴ و ۲۳۸). قوم شعیب، عاد و ثمود (فجر/۱۰-۶)^۲ از اقوامی بودند که به انحای مختلف مردم را از پیامبر خود گریزان کرده و راه ایمان و یکتاپرستی را سد کردند. نمرود و فرعون نیز از جمله طاغوت‌های سیاسی معرفی شدند که علاوه بر طغیان، ادعای الوهیت و «أَنَارُكُمْ الْأَعْلَى» داشتند (همان، ج ۲: ۷۴ و ۵۳۵-۵۳۴).

در مذهبیت دعوی ربوبیت و برتری طلبی همین بس که مطابق فرموده امام صادق^(ع)، اولین معصیتی است که از سوی ابلیس در مقابل خداوند انجام پذیرفت (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱: ۱۴۱).

قرآن، از محاجات ابراهیم^(ع) علیه نمرود که تا سرد شدن آتش بر ایشان ادامه یافت، مبارزه‌های موسی^(ع) در برابر فرعون که به غرق شدن فرعون در نیل ختم شد، مبارزه‌های ایشان در برابر قارون، طاغوت اقتصادی آن دوران یاد کرده و مردم را از پیروی طاغوت برحذر داشته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۴ و ۲۳۰).

از برجسته‌ترین فرازهای زندگی عیسی^(ع) نیز تصدیق مبارزه موسی^(ع) با فرعون و طاغوت‌زدایی ایشان است. علاوه بر اینکه آن بزرگوار به‌طور آشکار با طاغوت و تابعان آن مخالفت می‌کردند، حواریون را امر به نصرت دین خدا می‌فرمودند:

۱. وَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ حَقَّتْ

عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ؛ و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم/تا بگویند/ خدا را بپرستید و از طاغوت [فریبگر] بپرهیزید پس از ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است. بنابراین در زمین بگردید و ببینید فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.

۲. أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ إِرَمَ ذَاتَ الْعِمَادِ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ وَتُمُودَ الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ مگر ندانسته‌ای که پروردگارت با عاد چه کرد* با عمارات ستون‌دار ارم* که ماندنش در شهرها ساخته نشده بود* و با تمود همانان که در دره، تخته‌سنگ‌ها را می‌پریدند* و با فرعون صاحب خرگاه‌ها/و بناهای بلند/.

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۵۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّا طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید یاران خدا باشید همان‌گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: یاران من در راه خدا چه کسانی‌اند؟ حواریون گفتند: ما یاران خدا ایم. پس طایفه‌ای کفر ورزیدند و کسانی را که گرویده بودند بر دشمنانشان یاری کردیم تا چیره شدند (صف / ۱۴).

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ؛ چون عیسی از آنان احساس کفر کرد گفت: یاران من در راه خدا چه کسانی‌اند. حواریون گفتند: ما یاران [دین] خدا ایم، به خدا ایمان آورده ایم و گواه باش که ما تسلیم [او] هستیم (آل عمران / ۵۲).

سایر انبیاء^(ع) نیز هر یک علیه سران عصر خود قیام کردند. در جای جای قرآن به رسول گرامی اسلام^(ص) و مؤمنان نیز تأکید شده است که فساد و طغیان را نپذیرند. آیات مختلفی که مؤمنان را به جنگ با مشرکان و دشمنان خداوند فرامی خواند، از آن جمله‌اند. قرآن حتی با حکومت استبدادی انبیاء^(ع) نیز مخالف بوده و ضمن تأکید بر اینکه عیسی^(ع) و پیامبر بزرگ اسلام^(ص)، بنده خداوند هستند، انسان‌ها را از پرستش و غلو در مقام آنان بازداشتی است. در جایی نیز پیامبر^(ص) را به شور با مسلمین فراخوانده تا مردم را در امور حکومتی دخیل نکنند. این شیوه رفتاری، نفی حکومت‌های دیکتاتوری را بیان می‌کند:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَبِثَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرم‌خو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه. در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد (آل عمران / ۱۵۹).

مقابله با طاغوت به روش‌های مختلف آگاهی‌بخشی، امر به معروف و نهی از منکر و

❖ جهاد، امکان‌پذیر است. خداوند، پیامبران^(ع) را به سلاح «کتاب» مجهز کرد تا آنها هدایت جامعه را به کمک آگاهی‌بخشی امکان‌پذیر کنند:

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ* وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ؛ و کیست بیدادگرتر از آن کس که به آیات پروردگارش پند داده شود [و] آنگاه از آن روی بگرداند، قطعاً ما از مجرمان انتقام‌کشنده/ایم* و به راستی [ما] به موسی کتاب دادیم پس در لقای او [با خدا] تردید مکن و آن [کتاب] را برای فرزندان اسرائیل [مایه] هدایت قرار دادیم (سجده/۲۳-۲۲).

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ* قَالُوا أَوْذَيْنَا مِنْ قَبْلُ أَنْ تَأْتِنَا مِن بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ؛ موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و پایداری ورزید که زمین از آن خداست، آن‌را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌دهد و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است* [قوم موسی] گفتند: پیش از آنکه تو نزد ما بیایی و [حتی] بعد از آنکه به‌سوی ما آمدی مورد آزار قرار گرفتیم. گفت: امید است که پروردگارتان، دشمن شما را هلاک کند و شما را روی زمین جانشین [آنان] سازد، آنگاه بنگرد تا چگونه عمل می‌کنید (اعراف/۱۲۸-۱۲۹).

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدْعِيُونَ أَتْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ؛ و [به خاطر بیاور] هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: نعمت خدا را بر خود به یاد آورید آنگاه که شما را از فرعونیان رهانید [همانان] که بر شما عذاب سخت روا می‌داشتند، پسرانتان را سر می‌بریدند، زنانتان را زنده می‌گذاشتند و در این [امر] برای شما از جانب پروردگارتان آزمایشی بزرگ بود (ابراهیم/۶).

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۶۱

مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿۲۱﴾ يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ
اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ؛ و [یاد کن] زمانی را که موسی به
قوم خود گفت: ای قوم من نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که در میان شما
پیامبرانی قرار داد و شما را پادشاهانی ساخت و آنچه را که به هیچ کس از جهانیان
نداده بود به شما داد؛ ای قوم من به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر
داشته است درآیید و به عقب بازنگردید که زیانکار خواهید شد (مائده/ ۲۱-۲۰).

امر به معروف و نهی از منکر نیز از راههایی است که قرآن برای مبارزه با طاغوت
توصیه کرده است: «اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿۴۳﴾ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ؛ به سوی
فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته و با او سخنی نرم گوئید شاید که پند پذیرد یا
بترسد» (طه/ ۴۴-۴۳).

حضرت علی^(ع) می فرمایند: «امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید که اشرارتان بر
شما حاکم خواهند شد و آنگاه دعا کنید و از شما پذیرفته نشود» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق،
ج ۳: ۱۹۱).

اگر آگاهی بخشی و امر به معروف و نهی از منکر ثمربخش نبود و حکومت طاغوت به
طغیان خویش ادامه داد، فریضه جهاد بر مؤمنان واجب می شود:

«اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ؛ به سوی فرعون برو که او به سرکشی برخاسته است» (طه/ ۲۴).
«فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَتُفَصَّلُ الْآيَاتُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ؛ پس اگر
توبه کنند، نماز برپا دارند و زکات دهند، در این صورت برادران دینی شما هستند و ما آیات
[خود] را برای گروهی که می دانند به تفصیل بیان می کنیم» (توبه/ ۱۱).

در نهایت، در مواردی که زمینه برای جهاد نیز فراهم نباشد، سکوت و رضا بر حکومت
طاغوت توصیه نمی شود. بلکه در این موقعیت، هجرت به عنوان راهی برای رد حکومت
طاغوت، پیشنهاد شده است:

إِنَّ الدِّينَ تَوْفَاقُهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِی

الْأَرْضَ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا؛ کسانی که بر خویشتن ستمکار بوده‌اند [وقتی] فرشتگان، جانشان را می‌گیرند، می‌گویند: در چه [حال] بودید. پاسخ می‌دهند: ما در زمین از مستضعفان بودیم. می‌گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید. پس آنان جایگاهشان دوزخ است و [دوزخ] بد سرانجامی است (نساء / ۹۷).

در قرآن کریم، هجرت همراه با جهاد و قیام ذکر شده و فضیلت و جایگاه هجرت مانند جایگاه جهاد مقدس است:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ * وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ * وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ * وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ کسانی که ایمان آورده، هجرت کرده‌اند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد نموده‌اند و کسانی که [مهاجران را] پناه داده‌اند و یاری کرده‌اند، آنان یاران یکدیگرند و کسانی که ایمان آورده‌اند، ولی مهاجرت نکرده‌اند هیچ‌گونه خویشاوندی [دینی] با شما ندارند مگر آنکه [در راه خدا] هجرت کنند و اگر در [کار] دین از شما یاری جویند، یاری آنان بر شما [واجب] است مگر بر علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست * و کسانی که کفر ورزیدند، یاران یکدیگرند، اگر این [دستور] را به‌کار نیندازید در زمین فتنه و فساد بزرگ پدید خواهد آمد * و کسانی که ایمان آورده، هجرت کرده و در راه خدا به جهاد پرداخته و کسانی که [مهاجران را] پناه داده و یاری کرده‌اند، آنان همان مؤمنان واقعی‌اند، برای آنان بخشایش و روزی شایسته‌ای خواهد بود * و کسانی که بعداً ایمان آورده، هجرت نموده و همراه شما جهاد کرده‌اند، اینان از زمره شمایند و خویشاوندان

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۶۳

نسبت به یکدیگر [از دیگران] در کتاب خدا سزاوارترند. آری خدا به هر چیزی داناست (انفال / ۷۵-۷۲).

حضرت موسی^(ع) در جوانی برای خلاصی از حکومت فرعون به مدین مهاجرت کردند: «وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ يَتَشْتَلُونَكَ فَأَخْرِجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ؛ و از دورافتاده‌ترین [نقطه] شهر مردی دوان‌دوان آمد [و] گفت: ای موسی، سران قوم درباره تو مشورت می‌کنند تا تو را بکشند، پس [از شهر] خارج شو، من جدا از خیرخواهان توأم» (قصص / ۲۰).

هجرت رسول اکرم^(ص) به مدینه نیز نپذیرفتن حکومت طاغوت را در میان داشت. تشابه و یگانگی خاصی در نحوه برخورد امام رضا^(ع) نسبت به طاغوت‌های معاصر، با پیامبران^(ع) دیده می‌شود. ایشان، هم‌عصر هارون و مأمون عباسی بودند. جرجی زیدان درباره عباسیان می‌نویسد: «آنان از اینکه خاندان علی^(ع) نتوانستند با پرهیزکاری بر معاویه فائق آیند، نتیجه گرفته بودند که هیچ دولتی با دین و تقوا پایدار نمی‌ماند. ازاین‌رو از کلیه اصول اخلاقی صرف‌نظر کرده و به تمام معنا سیاستمدار شدند» (۱۳۷۲، ج ۱: ۷۵۵).

از دعبل خزاعی نقل است: «۵۰ سال از عمرم را می‌گذرانم، آن‌چنان‌که گویی چوبه دار خود را بر دوش گذاشته‌ام و در سیر و گردش تا روزی که آن‌را برافرازند و مرا بدان بیاویزند» (قائمی، ۱۳۷۸: ۶۱).

هارون که در سال اول حکومت خود، علویان را از بغداد اخراج و به مدینه تبعید کرد، از هیچ تلاشی برای نابودی تشیع فروگذار نکرد. از بزرگ‌ترین ظلم‌های او به تشیع، حبس امام کاظم^(ع) بود که پس از سال‌ها با قتل آن حضرت پایان یافت. پس از شهادت امام موسی^(ع)، هارون برخورد آشکار با علی‌بن موسی^(ع) را مصلحت نمی‌دید؛ اما به عمالش دستور داد تا ایشان را همواره تحت نظر و مورد مزاحمت قرار دهند. بنابراین ۱۰ سال اول امامت امام رضا^(ع) با محدودسازی و مبارزه با کشتار فردی و گروهی شیعیان سپری شد. عباسیان با محدودسازی ائمه^(ع)، دسترسی مردم را به آنها کم می‌کردند تا از شورش احتمالی

ممانعت کنند؛ اما این امر باعث می‌شد تا مردم در فراگیری اعتقادهای صحیح نیز با مشکل مواجه شوند. همین امر باعث شد پس از شهادت امام کاظم^(ع)، عده‌ای از شیعیان به امامت امام رضا^(ع) گردن نهند و گروه‌های واقفیه و مملطوره را تشکیل دهند (رک: شهرستانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۹۸؛ فخررازی، ۱۴۰۲ق: ۵۳؛ عقیقی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۳۵).

خلفای هارونی گهگاه امام رضا^(ع) را احضار می‌کردند تا هم قدرت خود را گوشزد کنند و هم ایشان را تحت کنترل خود نگاه دارند. اما امام^(ع) ضمن انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر، هر بار بدون تقیه اعلام می‌فرمودند که خلافت، حقی در خور ائمه^(ع) است و بس. حضرت در این دوران، با اتخاذ شیوه مبارزه در سکوت، به آموزش و نشر معارف دین، تربیت شاگردان و پیشنهاد راهکارهای مختلف به شیعیان برای خلاصی از جور هارون پرداختند و در انتشار معارف چنان همت گماشتند که برخی، نشر معارف اسلامی و قرآنی ایشان را عمده‌تاً مربوط به همین دوران می‌دانند (پیشوایی، ۱۳۷۵: ۱۲۹).

این اقدام‌ها، هارون را به تنگنا کشید و باعث افزایش سخت‌گیری وی شد. حتی با توصیه اطرافیان تا توطئه قتل امام^(ع) نیز پیش رفت؛ اما در انجام آن موفق نشد. روشنگری‌های حضرت رضا^(ع) باعث شد تا در سال‌های آخر زمامداری هارون، شورش‌های متعددی در نقاط مختلف ممالک اسلامی سرگیرد. این قیام‌ها که عموماً توسط یکی از علویان رهبری می‌شد، در عصر مأمون از کوفه تا یمن را فراگرفت.

پس از هارون، کشمکش سه ساله میان امین و مأمون، آنها را به هم مشغول کرد و به امام^(ع) فرصت داد تا به گسترش معارف اسلامی و تحکیم پایگاه‌های مردمی ادامه دهند. ایشان به‌حدی در این مسیر موفق بودند که روزی به مأمون که دم از گذشت خود در اعطای ولایتعهدی می‌زد، فرمودند: «این امر هرگز نعمتی برایم نیفزوده است. در مدینه که بودم دست‌خطم در شرق و غرب اجرا می‌شد. در آن موقع، استر خود را سوار می‌شدم، آرام کوچه‌های مدینه را می‌پیمودم و این از همه چیز برایم مطلوب‌تر بود» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۴۹: ۱۵۵).

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۶۵

شیعیان نیز در این زمان فرصت یافتند تا با امام^(ع) خود در تماس باشند و از راهنمایی‌های ایشان بهره جویند. پس از کشته شدن امین، پنج سال از امامت حضرت رضا^(ع) هم‌زمان با مأمون عباسی بود. مأمون، زیرک‌ترین خلیفه عباسی، چنان سیاستی از خدعه در کشورداری اعمال کرد که یادآور خلافتی همچون خلافت معاویه بود. وی پس از عهده‌داری خلافت، به فضل‌بن سهل دستور داد تا مطالبی درباره تقوا و دیانت خلیفه نشر دهد (رک؛ حسینی‌عاملی، ۱۳۶۲: ۱۵۱).

دورویی و نفاق مأمون وقتی روشن می‌شود که از نکوهش همه صحابه حتی معاویه خودداری می‌کرد (رک؛ فرید رفاعی، ۱۳۴۳ق، ج ۱: ۳۷۱)، اما بسیاری از علویان و در رأس آنان امام رضا^(ع) را به قتل می‌رساند و به کارگزار خود در مصر می‌نوشت منبرهایی را که حضرت رضا^(ع) بر آنها دعوت شده است، شستشو دهد (رک؛ حسینی‌عاملی، ۱۳۶۲: ۱۹۷). بزرگ‌ترین نیرنگ مأمون، پیشنهاد خلافت به امام^(ع) بود که در پی اندیشه و مشورت با سیاست‌مداران برای خروج از بحران سیاسی، نابسامانی‌های فرهنگی و قومی و ساکت کردن شورش‌های مکتبی شیعه و سنی شکل گرفت. او، این تصمیم را چنان ماهرانه عملی کرد که در بحث از هدفش، تمایل‌های شیعی و حق‌گرایی‌اش را مطرح می‌کنند و معتقدند وی برای احقاق حق ناحق‌شده اولیاءالله این پیشنهاد را به امام^(ع) کرد. او خود نیز مدعی بود که نذر کرده است در صورت تفوق بر برادر، خلافت را به اهل‌اش واگذار کند (رک؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۱۷).

طبری و شیخ صدوق مهم‌ترین انگیزه‌های سیاسی مأمون را جلب رضایت ایرانیان که اکثراً به تشیع رو آورده بودند، فرو نشانیدن قیام‌های علویان، خالی کردن صحنه از وجود امام رضا^(ع)، بهره‌برداری از نفوذ کلمه ایشان و مشروعیت بخشیدن به حکومت خود دانسته‌اند (رک؛ همان: ۱۷۴؛ طبری، بی‌تا: ۵۶۵).

مأمون در سخنی به این انگیزه اشاره کرده است: «ما او را ولیعهد خود کردیم تا دعایش برای ما باشد و به حکومت و خلافت ما اعتراف کند... و بداند که امر خلافت از آن ماست

❖ نه او» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۸۱).

به اعتقاد اکثر تاریخ‌نویسان، مأمون قصد داشت پس از کسب مشروعیت، امام^(ع) را از بین ببرد.

امام هشتم^(ع) با وجود نقل مکان اجباری از مدینه به مرو، ماه‌ها از پذیرش پیشنهاد مأمون برای خلافت و ولایتعهدی خودداری کردند و تا تهدید ایشان از سوی مأمون به طول انجامید. حال، حضرت یا باید اقدام به حرکت مسلحانه می‌کردند که منجر به نابودی جنبش می‌شد یا با پذیرش ولایتعهدی و حضور در صحنه سیاسی (رک؛ کلینی، بی‌تا، ج ۲: ۶۵؛ پیشوایی، ۱۳۷۵: ۱۴۱-۱۳۶) و استفاده از مناظره‌ها برای رفع شبهه‌های دینی (رک؛ همان: ۱۴۱) و حفظ مکتب از نابودی، آن‌را به‌عنوان جنبشی مخالف به مأمون می‌قبولاندند. این اقدام شبیه درخواست یوسف^(ع) از عزیز مصر برای تحویل خزانه بود تا نظام را به صلاح‌دید خود اصلاح کنند یا به‌گونه حضور علی^(ع) در شورای شش نفره خلیفه دوم. گرچه امام^(ع) ولایتعهدی را پذیرفتند، اما عملکرد ایشان قابل تأمل است.

نخست آنکه علت نپذیرفتن را بی‌توجهی به دنیا معرفی فرمودند: «می‌خواهم کاری کنم که مردم نگویند علی بن موسی^(ع) به دنیا چسبیده؛ بلکه این دنیاست که از پی او روان شده است» (حسینی عاملی، ۱۳۸۷: ۲۵۴).

امام^(ع) پس از پذیرش ولایتعهدی نیز در موقعیت‌های مختلف برتری خود را برای خلافت نشان می‌دادند. شیوه بیعت‌گیری یکی از این روشنگری‌ها بود. وقتی مردم برای بیعت آمدند، ایشان دست خود را به‌گونه‌ای نگاه‌داشتند که پشت دست در برابر صورت و روی دست رو به مردم قرار گرفت. مأمون به ایشان گفت: «چرا دستت را برای بیعت پیش نمی‌آوری؟» امام^(ع) فرمودند: «تو نمی‌دانی که رسول خدا^(ص) به همین شیوه از مردم بیعت می‌گرفتند؟» (همان).

در مجلس بیعت نیز امام^(ع) از مأمون سپاسگزاری فرمودند تا همگان بدانند که این تصمیم نه به میل ایشان و نه از روی خیرخواهی بوده است. سخنرانی آن بزرگوار در این

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۶۷

مجلس نیز به این خلاصه شد که رهبری مردم حقی وابسته به پذیرش آنهاست: «ما به خاطر رسول خدا^(ص) بر شما حقی داریم و شما نیز به خاطر ایشان بر ما حقی. هرگاه شما حق ما را در نظر بگیرید، بر ما نیز واجب است که حق شما را منظور بداریم» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵ق: ۳۷۶).

امام^(ع) در نگارش سند ولایتعهدی نیز نکاتی را برملا ساختند: «او (مأمون) ولایتعهدی خود را به من واگذار کرد، البته اگر پس از وی زنده باشم» (حسینی عاملی، ۱۳۸۷: ۲۵۷). این جمله، هم ناظر به توجه ایشان به تفاوت سنی خود و مأمون و هم ناظر به ظن امام^(ع) به مأمون برای اقدام به قتل است.

در ادامه نیز نوشتند: «هرکس ریسمانی که خدا استواریش را پسندیده، قطع کند، به حریم خداوند تجاوز کرده است. چه او با این عمل، امام^(ع) را تحقیر نموده و حرمت اسلام را دریده است» (همان).

می توان اذعان کرد که حضرت در اینجا به حق رهبری ائمه^(ع) اشاره داشتند که توسط مأمون و پدرانش غصب شده بود.

با پذیرش ولایتعهدی، سیاست جدید مأمون که همانا سعی در دخیل کردن امام^(ع) در امور مملکت داری بود، رخ نشان داد. ایشان آگاهانه این درخواست ها را رد کردند. بنابراین مأمون، امام رضا^(ع) را به مبارزه علمی کشاند. آن بزرگوار اما از این فرصت برای گسترش فرهنگ وحی سود جستند و جلسه ها با جایگاه ویژه علما، به مرجع حل اختلاف های مذهبی تبدیل شد. اهمیت این مناظره ها وقتی روشن تر می شود که بدانیم علما با پذیرش عقاید امام^(ع)، به عنوان مبلغ آن عقاید عمل می کردند و در نقطه مقابل، رفع نکردن شبهه های آنان، با ایجاد شک در میان مقلدان، خطر بزرگی برای عالم اسلام محسوب می شد. مأمون همه تلاش خود را کرد تا زنده ترین علما را برای شکست امام^(ع) بسیج کند.

در مقابل، حضرت با پاسخ به تمامی سؤال ها و به سکوت وادار کردن تمامی متخاصمان، مأمون را به هتک حرمت و برهم زدن مجالس کشاندند. مناظره با یحیی بن ضحاک، یکی از

این مجالس است. پاسخ‌های امام^(ع) چنان مأمون را به خشم آورد که با فریاد خود همه حاضران را از مجلس متفرق کرد.

در جایی دیگر، وقتی مأمون از موفقیت امام^(ع) در مجالس کلامی اطلاع یافت، به محمدبن عمرو طوسی دستور داد تا مردم را از حضور حضرت طرد کند و با احضار امام^(ع)، ایشان را مورد اهانت قرار داد. علی بن موسی الرضا^(ع) از این برخورد خشمگین شده و مجلس را ترک کردند. او حتی از هم‌سفر ایشان خواست تا درباره صفات نیکوی امام رئوف^(ع) که در سفر دیده بود با کسی صحبت نکند (حسینی عاملی، ۱۳۶۲: ۳۷۲).

در جریان اقامه نماز عید فطر نیز شیوه‌ای خاص از مبارزه آن امام همام^(ع) با طاغوت نمایش داده شده است. ایشان ابتدا با درخواست مأمون مبنی بر اقامه نماز مخالفت و بر شرط خود برای دخالت نکردن در مملکت‌داری مأمون تأکید کردند. مأمون، این درخواست را عبادی و به‌دور از صحنه سیاست معرفی کرد. امام هشتم^(ع) شرط کردند که نماز را به شیوه پیامبر^(ص) برگزار کنند. در روز عید، با ظاهری ساده، پای برهنه و تکبیرگویان راهی مصلی شدند. این فعل، چنان انقلابی در نمازگزاران ایجاد کرد که مأمون، حضرت را از ادامه مراسم بازداشت (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۳۵، ج ۳: ۴۷۹-۴۸۰).

نماز باران نیز نوعی مبارزه با طاغوت بود. مأمون، به قول منجمان اطمینان داشت که در آن زمان باران نمی‌بارد و سپس برای تخریب شخصیت امام^(ع) خواست تا نماز باران برگزار کند. نزول باران پس از نماز حضرت رضا^(ع) روحانیت بی‌بدیل ایشان را بر مردم آشکار کرد. بدین ترتیب مأمون بر نادرستی تصمیم خود برای انتقال امام^(ع) به مرو اذعان کرد و به فکر حذف ایشان افتاد. ابتدا پیشنهاد اقامت در عراق را داد؛ اما امام^(ع) فرمودند با علم لدنی می‌دانند که ایشان تا شهادت در مرو می‌مانند (همان).

شبهه لحظه‌ای سازش وقتی به تمامی از بین رفت که مأمون با وجود همه ترفندهای ناموفق (ترور امام^(ع)، زندانی کردن ایشان در سرخس و توطئه قتل در حمام) کمر بر قتل امام^(ع) بست و ایشان را مجبور به خوردن زهر در حضور خود کرد.

مبارزه با جهل و غفلت

نقش علم در تربیت انسان و اهمیت آن در پیشگاه خداوند بر کسی پوشیده نیست. علم، انسان را از سایر موجودات متمایز کرده و تعیین می‌کند که خلیفه خداوند و مستحق سجده ملائک باشد. این تعبیر زیبا که مقام خلافت الهی تنها با تمسک به اسم «علیم» خداوند امکان‌پذیر است و سایر اسماء نقش اعدادی دارند (رک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۹۳-۱۹۲) نشانگر اهمیت علم در سرنوشت موجودات است. پس برای هدایت انسان باید شناخت او را تقویت کرد. نقش شناخت در هدایت بشر آن‌چنان مهم است که امام صادق^(ع) در تفسیر آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند»^۱، منظور از «لِيَعْبُدُونِ» را «لِيَعْرِفُونِ» معرفی فرمودند (رک؛ رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۸: ۱۱۵؛ مراغی، بی تا، ج ۲۷: ۱۴؛ شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۴: ۳۸۶).

علاوه بر این، تنها، آگاهی انسان است که او را قادر می‌سازد تا رذائل را کنار گذارده و فضائل را تقویت کند. از این رو در قرآن کریم، رهایی از ظلمت جهل، از اهداف نبوت پیامبران^(ع) بوده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۷۵). امام رضا^(ع) در ادامه حدیث بالا، آگاهی بخشی را از علل بعثت پیامبران^(ع) معرفی فرمودند:

حق تعالی برتر از آن است که با چشم ظاهری دیده شود. از طرفی ضعف و ناتوانی مردم از درک خداوند، بسی روشن است. پس، چاره‌ای جز وساطت پیامبری معصوم به عنوان واسطه بین خدا و مردم نیست تا امر و نهی و آداب و دستورهای خداوند را به مردم برساند و به آنچه در سود و زیان آنان نقش دارد آگاه کند، زیرا در آفرینش ابتدایی مردم، دانشی قرار داده نشده است که به وسیله آن، منافع و ضررهای خویش را بشناسند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶: ۵۹).

پس، وجود انبیا^(ع) برای جهل‌زدایی در حوزه‌های مختلف خداشناسی، معارف دینی، اخلاق و علم ابدان ضروری است. قرآن، حکمت و موعظه را راه هدایت مردم معرفی کرده است:

۱. آیه ۵۶ سوره ذاریات.

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ
أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت
دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نما. در حقیقت
پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به [حال]
راه‌یافتگان [نیز] داناتر است (نحل / ۱۲۵).

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ؛ و کیست بیدادگرت‌تر از
آن کس که به آیات پروردگارش پند داده شود [و] آنگاه از آن روی بگرداند، قطعاً ما از
مجرمان انتقام‌کشنده‌ایم» (سجده / ۲۲).

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ
الْعَذَابِ وَيَدْعُوكُمْ أَنْبَاءُكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكَ لَكُمْ عَذَابٌ؛ و [به‌خاطر]
بیابور] هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: نعمت خدا را بر خود به یاد آورید،
آنگاه که شما را از فرعونیان رهانید [همانان] که بر شما عذاب سخت روا
می‌داشتند، پسران‌تان را سر می‌بریدند و زنان‌تان را زنده می‌گذاشتند. در این [امر]
برای شما از جانب پروردگارتان آزمایشی بزرگ بود (ابراهیم / ۶).

همچنین قرآن تأکید می‌کند که پیامبران^(ع)، جهل علمی را با آموختن کتاب و حکمت و
جهل عملی را با تهذیب‌نفس رفع می‌کردند:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا
مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ اوست آن کس که در میان بی‌سوادان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت
تا آیات او را بر آنان بخواند، پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد. [آنان] قطعاً
پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (جمعه/۲).

بت‌پرستی و تقلید از رسوم گذشتگان به‌عنوان بزرگ‌ترین مظهر جهل، از سوی همه
پیامبران^(ع) طرد شده است:

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا آتَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ
شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ؛ و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید،

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۷۱

می‌گویند: نه بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند [باز هم در خور پیروی هستند] (بقره / ۱۷۰).

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ؛ و چون به آنان گفته شود به‌سوی آنچه خدا نازل کرده و به‌سوی پیامبر [ش] بیایید، می‌گویند: آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانسته و هدایت نیافته بودند (مائده / ۱۰۴).

«وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ و چون کار زشتی کنند، می‌گویند: پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است. بگو قطعاً خدا به کار زشت فرمان نمی‌دهد. آیا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید» (اعراف / ۲۸).

مثلاً قوم نوح^(ع) به‌حدی به بت‌پرستی گرایش داشتند که ایشان مدت‌ها از مدفن حضرت آدم^(ع) محافظت می‌کردند تا مردم به گرد آن طواف نکنند. ابراهیم^(ع) نیز برای هدایت پدر، او را از تبعیت شیطانی که بر خداوند عصیان کرد، بر حذر داشتند:

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا * يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا؛ ای پدر به راستی مرا از دانش [وحی حقایقی به‌دست] آمده که تو را نیامده است. پس، از من پیروی کن تا تو را به راهی راست هدایت نمایم * پدر جان شیطان را مپرست که شیطان [خدای] رحمان را عصیانگر است (مریم / ۴۳-۴۴).

در مقاطع مختلف نیز به احتجاج و اثبات حقانیت توحید پرداختند (طبرسی، بی‌تا، ج ۶: ۳۴۴).

یوسف^(ع) نیز در مقابل پیشنهاد زلیخا، او را متوجه کرد که باید از خداوند واحد و قهار حیا کند (همان: ۳۴۴). در زندان نیز در گفتگو با فردی در اثبات وجود خداوند فرمودند:

۱۷۲ ❖ فرهنگ رضوی

يَا صَاحِبِي السَّجْنَ أَرَبَابٌ مُتَّفِقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ❖ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاءُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ ای دو رفیق زندانیم آیا خدایان پراکنده بهترند یا خدای یگانه مقتدر ❖ شما به جای او جز نام‌هایی [چند] را نمی‌پرستید که شما و پدران‌تان آنها را نام‌گذاری کرده‌اید و خدا دلیلی بر [حقانیت] آنها نازل نکرده است. فرمان جز برای خدا نیست. دستور داده که جز او را نپرستید، این است دین درست، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند (یوسف / ۳۹-۴۰).

روشنگری حضرت عیسی^(ع) از لحظه تولد شروع شد که برای اثبات موارد زیر به ایراد سخن پرداختند:

عنایت خداوند

قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ❖ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ؛ [مریم] گفت: پروردگارا چگونه مرا فرزندی خواهد بود با آنکه بشری به من دست نزده است. گفت: چنین است [کار] پروردگار، خدا هر چه بخواهد می‌آفریند، چون به کاری فرمان دهد فقط به آن می‌گوید باش پس می‌باشد ❖ و به او کتاب، حکمت، تورات و انجیل می‌آموزد (آل عمران / ۴۷-۴۸).

پیامبری از سوی خدا

«وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ؛ و در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است» (آل عمران / ۴۶).

ابطال خیال‌های قوم یهود دربارهٔ مریم^(س)

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ❖ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ❖ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ❖ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا؛ [کودک] گفت: منم بنده، خدا به من کتاب داده و

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۷۳

مرا پیامبر قرار داده است* و هر جا که باشیم مرا با برکت ساخته و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است* و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است* و درود بر من روزی که زاده شدم، روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم (مریم/ ۳۳-۳۰).

ایشان در همان بدو تولد، خود را عبدالله نامیدند و این، مهر ابطالی بر عقیده مسیحیانی بود که او را خدا خواندند. قرآن تصریح می‌کند که در مقاطع بعدی زندگی نیز عیسی^(ع) از این اعتقاد تبری جسته و خود را بنده خداوند معرفی کرده است:

«وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» و در حقیقت خداست که پروردگار من و پروردگار شماست. پس او را پرستید این است راه راست» (مریم/ ۳۶).

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ* مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أُمَرْتُ بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ؛ و [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: ای عیسی، پسر مریم آیا تو به مردم گفתי من و مادرم را همچون دو خدا به جای خداوند پرستید. گفت: منزهی تو، مرا نزدیک که [درباره خویشتن] چیزی را که حق من نیست بگویم، اگر آن را گفته بودم قطعاً آن را می‌دانستی. آنچه در نفس من است تو می‌دانی و آنچه در ذات توست من نمی‌دانم، چرا که تو خود دانای رازهای نهانی* جز آنچه مرا بدان فرمان دادی [چیزی] به آنان نگفتم [گفته‌ام] که خدا، پروردگار من و پروردگار خود را عبادت کنید و تا وقتی در میانشان بودم بر آنان گواه بودم. پس چون روح مرا گرفتی تو خود بر آنان نگهبان بودی و تو بر هر چیز گواهی (مائده/ ۱۱۷-۱۱۶).

شیوه عملی رسول گرامی اسلام^(ص) نیز جهل‌زدایی بود. ایشان با تجهیز به سلاح انشراح صدر، اعراب مشهور به جاهلیت را به افرادی آگاه، فداکار و حقیقت‌جو مبدل کردند.

ابوذرها و مقدادها، بلال‌ها و ابن‌مسعودها در سایهٔ مکتب ضد جهل ایشان به کمال دست یافتند. پیامبر^(ص) برای کسب علم چنان اهمیتی قائل بودند که در جنگ بدر، فدیة اسیران را علم‌آموزی به ۱۰ نفر از اطفال تعیین فرمودند. در مسجد از دو حلقهٔ جمعیت که در یکی، مردم مشغول عبادت بودند و در دیگری، مشغول تعلیم و تعلم، به حلقهٔ دوم پیوستند و فرمودند: «هر دو گروه به خیر هستند ولی من برای تعلیم فرستاده شده‌ام» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۰۶).

مطالعهٔ شیوهٔ رفتاری امام رضا^(ع) نیز نشان می‌دهد که ایشان جهل را به‌عنوان مهم‌ترین دشمن هدایت بشر دانسته‌اند. دوران ایشان که عصر هجوم فرهنگ‌های مختلف، ترجمهٔ کتاب‌های فلسفی یونان، دستیابی به خلاصهٔ علوم کشورهای جهان و رسوخ نظریه‌های افلاطون و ارسطو در مباحث اسلام (رک؛ موحدی‌ساوجی، ۱۳۵۰: ۳۸) و برگزاری مناظره‌های علمی بود، بینشی عمیق می‌طلبید تا اسلام را حفظ کند. وسعت سلطنت اسلامی که به گفتهٔ گوستاولوبون در زمان هارون و مأمون به اوج خود رسیده بود، اهمیت این مسئله را روشن‌تر می‌کند (رک؛ زیدان، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۱۱).

یکی از بزرگ‌ترین خدمات امام رضا^(ع) به اسلام، شرکت در مناظره‌ها و معرفی اسلام ناب محمدی بود. موضوع این مناظره‌ها، سخت‌ترین معضل‌های علمی علمای مسلمان و غیرمسلمان انتخاب شد. گرچه پوشش ظاهری این جلسه‌ها، رفع اشکال و اثبات مقام علمی امام^(ع) به نظر می‌رسد؛ اما قصد اصلی مأمون، نمایش عجز ایشان و در نتیجه، انهدام اعتقادهای شیعه بود (رک؛ شریف‌قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۷۱-۱۷۰).

شاهد این مدعا در گفتار مأمون پیداست که در حین پیشنهاد به سلیمان مروزی برای مناظره با امام رضا^(ع)، هدف از مناظره را چنین بیان کرد: «هدف من چیزی جز این نیست که راه را بر او ببندی، چرا که می‌دانم تو در علم و مناظره توانا هستی» (مجلسی، ۱۹۸۳م: ۱۷۷). فراخوان مأمون مانند اقدام فرعون برای شکست موسی^(ع) بود که زبده‌ترین ساحران زمان را فراخواند.

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۷۵

امام^(ع) حقایق بی‌شماری از آفرینش عالم، آسمان‌ها و زمین، حرکت آنها، پیدایش ماه، سال و فصل و حساب آن، آفرینش جماد، نبات، حیوان و عناصر، خواص مفردات و ترکیب‌ها، وجود واجب‌الوجود و صفات جلال، جمال و خلّاقیت او، همه را به اهل علم ارائه کردند. اندلسی مالکی یکی از علمای تسنن می‌نویسد: «در یکی از مجالس، مأمون ۴۰ سؤال بر امام رضا^(ع) مطرح کردند، حضرت همه را بدون تأمل پاسخ دادند. آنان از این همه شکوه و عظمت علمی و دانش سرشار شگفت‌زده شده، به اعلمیت و برتری آن گرامی اقرار کرده و در مقابل عظمت علمی حضرت سر تعظیم فرود آوردند» (۱۳۳۱ق، ج ۳: ۴۲).

از این نوع اعتراف‌ها موارد متعددی ذکر شده است. این تعلیم علتی شد برای اینکه امام رضا^(ع) را ثامن‌الحجج و عالم آل محمد لقب نهادند. حتی مأمون در توضیح علت انتخاب امام^(ع) برای ولایتعهدی، به عباسیان نوشت:

من هرگز با علی بن موسی^(ع) بیعت نکردم مگر با داشتن علم کامل به اینکه کسی در زمین باقی نمانده که به لحاظ فضیلت و پاک‌دامنی از او وضع روشن‌تری داشته یا به لحاظ پارسایی، زهد در دنیا و آزادگی بر او فزونی گرفته باشد. کسی از او بهتر جلب خشنودی خاص و عام را نمی‌کند و کسی استوارتر از وی در برابر خدا یافت نمی‌شود (مجلسی، ۱۹۸۳م: ۲۱۴-۲۰۸).

این سخنان از زبان دشمن امام رضا^(ع) گواه روشنی بر علم والای ایشان است.

مبارزه با خرافه

از دیگر ویژگی‌های دعوت رسولان^(ع)، مبارزه با خرافه و رسوم غلط قومی است. خرافه، مانع تعالی بشر و مایه انحطاط اندیشه انسان است که مخفیانه بر عقیده و رفتار انسان تأثیر می‌گذارد و جایگزین روش‌های منطقی، عقلی و غیبی مستند مانند دعا می‌شود. از طرفی خرافه، رابطه بسیار نزدیکی با باورهای مذهبی دارد و گاهی جزئی از مناسک مذهبی می‌شود. بزرگ‌نمایی و هاله‌سازی و داستان‌های محیرالعقول درباره شخصیت‌های دینی نوعی از خرافه بوده که به غلو مشهور است.

چون خاستگاه بسیاری از خرافه‌ها، جهل است، علامه طباطبایی دایره آن‌را به چیزی که اعتقاد انسان به آن از روی نادانی و جهل باشد، توسعه داده است (۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۲۱). اما این مسائل به‌حدی در عقاید مردم ریشه دارد که به اعتقاد علم روان‌شناسی تمایل به خرافه را نمی‌توان از بین برد. بنابراین مبارزه با آن، از معضله‌های مصلحان اجتماعی بوده و تنها در مکاتب توحیدی آن هم با اتکا به عالمیت خداوند، از وظایف انبیاء بوده است. مبارزه با خرافه و غلو، جامعه را از افراط و تفریط نجات داده، زمینه آزاداندیشی و خلاصی

از بندهای غیرمنطقی را فراهم می‌آورد و راه رسیدن به حق را هموار می‌سازد:

اَلَّذِيْنَ يَتَّبِعُوْنَ الرَّسُوْلَ النَّبِيَّ الَّذِيْ اَتَتْهُ الْوَحْيُ يَجِدُوْنَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوْفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِيْ كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِيْنَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوْهُ وَنَصَرُوْهُ وَاتَّبَعُوا النُّوْرَ الَّذِيْ اُنْزِلَ مَعَهُ اُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ؛ همانان که از این فرستاده، پیامبر درس‌نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند، پیروی می‌کنند. [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند. از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند، بزرگش داشتند، یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند (اعراف / ۱۵۷).

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبَيَّنَ لَكَ مَرْضَاتُ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ؛ ای پیامبر چرا برای خشنودی همسرانت آنچه را خدا برای تو حلال گردانیده حرام می‌کنی خدا [ست که] آمرزندهٔ مهربان است» (تحریم / ۱).

مهم‌ترین بخش مبارزه با خرافهٔ دینی، مبارزه در حیطهٔ معرفت‌شناسی نظام هستی، پیدایش جهان و آفریدگار و شیوهٔ صحیح عبادت است. در مقابل، یکی از شگردهای حاکمان استثمارگر برای ایجاد غفلت، ساخت خدایان دروغین و آموخته‌ها، انجام مراسم مذهبی بی‌محتوا و دامن زدن به خرافه‌ها بود. فرمان فرعون مبنی بر ساخت برجی بلند برای

رؤیت خداوندی که موسی^(ع) به آن معتقد بود، یکی از این موارد است:

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أُطْعَمُ إِلَهِي إِلَهَ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ؛ و فرعون گفت: ای بزرگان قوم من جز خویشتن برای شما خدایی نمی شناسم، پس ای هامان برایم برگل آتش بیفروز و برجی [بلند] برای من بساز شاید به [حال] خدای موسی اطلاع یابم و من جداً او را از دروغ گویان می پندارم (قصص / ۳۸).

نمرود نیز با ایجاد وحشت، مردم را از بت‌ها ترسانده و چنین وانمود می کرد که اگر بت‌ها را نپرستند، بت‌ها آنان را نابود می کنند. او همچنین خود را در احتجاج با ابراهیم^(ع)، خدایی معرفی کرد که قادر است، انسان‌ها را زنده نگه دارد یا بمیراند. ابراهیم^(ع) برای شکستن بت خودپرستی نمرود، از او خواست، خورشید را از مغرب به مشرق سیر دهد:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ آیا از (حال) آن کس که چون خدا به او پادشاهی داده بود (و بدان می نازید و) درباره پروردگار خود با ابراهیم محاج (می کرد، خبر نیافتی؟ آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگار من همان کسی است که زنده می کند و می میراند. گفت: من (هم) زنده می کنم و (هم) می میرانم. ابراهیم گفت: خدا (ی من) خورشید را از خاور برمی آورد، تو آن را از باختر برآور. پس آن کس که کفر ورزیده بود مبهورت ماند. خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی کند. (بقره / ۲۵۸).

سخنان غلوآمیز عده‌ای از مسیحیان و یهودیان که عیسی^(ع)، عزیز، ملائک، جنیان و دانشمندان خود را تا مقام ربوبیت بالا بردند نیز نمونه‌های دیگری از خرافه‌های اُمم قبلی است:

«وَكَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ؛ و قوم تو آن [=قرآن] را دروغ شمردند در حالی که آن بر حق است. بگو: من بر شما نگهبان نیستم» (انعام / ۶۶).

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۷۹

است قطعاً کافر شده‌اند و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست و اگر از آنچه می‌گویند باز نایستند به کافران ایشان عذابی دردناک خواهد رسید (مائده/ ۷۲-۷۳).

اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ اینان دانشمندان و راهبان خود و مسیح پسر مریم را به جای خدا به الوهیت گرفتند. با آنکه مأمور نبودند جز اینکه خدایی یگانه را پرستند که هیچ معبودی جز او نیست، منزّه است او از آنچه [با وی] شریک می‌گردانند. (توبه/ ۳۱).

همه پیامبران^(ع) با حق هر گونه وکالت، ربوبیت و قیمومت برای خود، ملائک و سایر موجودات مخالف بودند:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ* وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَن تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكَفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنتُمْ مُسْلِمُونَ؛ بگو: ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد. پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند بگویند شاهد باشید که ما مسلمانییم [نه شما]* و [نیز] شما را فرمان نخواهد داد که فرشتگان و پیامبران را به خدایی بگیریید. آیا پس از آنکه سر به فرمان [خدا] نهاده‌اید [باز] شما را به کفر وامی‌دارد (آل عمران/ ۶۴ و ۸۰).

«وَكَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُل لِّسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ؛ و قوم تو آن [=قرآن] را دروغ شمردند در حالی که آن بر حق است بگو من بر شما نگهبان نیستم» (انعام/ ۶۶).

در ادامه اشاره خواهد شد که حضرت عیسی^(ع) در مقاطع مختلف بر انسان بودن و عدم ربوبیت خویش تأکید فرموده‌اند. در قرآن نیز بارها بر این تأکید شده است. یکی از رموز شهادت به عبد بودن رسول اکرم^(ص) در نماز همین مسئله است. در همین راستا، مسیحیان و

یهودیان پس از تحریف تورات و انجیل، خود را قوم برتر و فرزندان خدا نامیدند:

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ؛ و یهودان و ترسایان گفتند: ما پسران خدا و دوستان او هستیم. بگو: پس چرا شما را به [کیفر] گناهانتان عذاب می‌کند. [نه] بلکه شما [هم] بشرید، از جمله کسانی که آفریده است، هر که را بخواهد می‌آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند. فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن خداست و بازگشت [همه] به سوی اوست (مائده / ۱۸).

همچنین مصونیت خود را از عذاب الهی قطعی دانستند:

وَقَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِندَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَن يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ و گفتند: جز روزهای چند، هرگز آتش به ما نخواهد رسید. بگو: مگر پیمانی از خدا گرفته‌اید که خدا پیمان خود را هرگز خلاف نخواهد کرد یا آنچه را نمی‌دانید به دروغ به خدا نسبت می‌دهید. (بقره / ۸۰).

در جای دیگر، رسالت حضرت رسول^(ص) را شامل حال خود ندانستند. قرآن اشاره می‌کند که اگر کتاب آسمانی خود را دقیقاً خوانده و عمل می‌کردید این سخن را نمی‌گفتید:

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بُشِّرْ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ مثل کسانی که [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف گردیدند] آنگاه آن را به کار نبستند، همچون مَثَل خری است که کتاب‌هایی را بر پشت می‌کشد [و] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید (جمعه / ۵).

قرآن، خرافه‌های متعددی از اهل کتاب را باطل می‌داند. نسبت بدشگونی به پیامبران^(ص) قبلی از این نوع خرافه‌ها بود.

صالح^(ع)

«قَالُوا أَطِيعُوا بَكْ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ؛ گفتند: ما به تو و به هر

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۸۱

کس که همراه توست شگون بد زدیم. گفت: سرنوشت خوب و بدتان پیش خداست بلکه شما مردمی هستید که مورد آزمایش قرار گرفته‌اید» (نمل / ۴۷).

پیامبران اصحاب قریه

«قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ پاسخ دادند ما [حضور] شما را به شگون بد گرفته‌ایم، اگر دست برندارید سنگسارتان می‌کنیم و قطعاً عذاب دردناکی از ما به شما خواهد رسید» (یس / ۱۸).

موسی^(ع)

فَإِذَا جَاءَهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛ پس هنگامی که نیکی [و نعمت] به آنان روی می‌آورد، می‌گفتند: این برای [شایستگی] خود ماست و چون گزندى به آنان می‌رسید به موسی و همراهانش شگون بد می‌زدند. آگاه باشید که [سرچشمه] بدشگونی آنان تنها نزد خداست [که آنان را به بدی اعمالشان کیفر می‌دهد] لیکن بیشترشان نمی‌دانستند (اعراف / ۱۳۱).

نمونه‌های یادشده، از کسانی هستند که مردم به آنها نسبت بدشگونی دادند. گروهی خداوند را دارای فرزندان ذکور و عده‌ای او را دارای فرزندان اناث می‌دانستند: «وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ۚ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا؛ و گفتند: [خدای] رحمان فرزندی اختیار کرده است ۞ واقعاً چیز زشتی را [بر زبان] آوردید» (مریم / ۸۸-۸۹).

«أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا؛ آیا [پنداشتید که] پروردگارتان شما را به [داشتن] پسران اختصاص داده و خود از فرشتگان، دخترانی برگرفته است حقا که شما سخنی بس بزرگ می‌گویید» (اسراء / ۴۰).

اعتقاد یهود در مورد روزهای هفته نیز از سوی قرآن باطل اعلام شده است. عده‌ای یهودی معتقد بودند خدا، آسمان و زمین را در شش روز آفرید و سپس روز شنبه به استراحت

پرداخت. قرآن هرگونه خستگی را از خداوند به دور می‌داند (طبرسی، بی‌تا، ج ۹: ۲۴۹):
 «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ» و در حقیقت
 آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش هنگام آفریدیم و احساس ماندگی
 نکردیم» (ق/ ۳۸).

استفاده از سحر نیز که از عقاید خرافی است، در قرآن مورد نکوهش قرار گرفته است.

در داستان هاروت و ماروت، استفاده از سحر باعث ایجاد جدایی یک زوج شد:

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ
 النَّاسَ السَّحَرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا
 نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ
 إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ
 وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ و آنچه را که شیطان [صفت]‌ها در سلطنت
 سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید، لیکن
 آن شیطان [صفت]‌ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند و [نیز از] آنچه
 بر آن دو فرشته هاروت و ماروت در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند]. با
 اینکه آن دو [فرشته] هیچ‌کس را تعلیم [سحر] نمی‌کردند مگر آنکه [قبلاً به او]
 می‌گفتند ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم، پس زنهار کافر نشوی و [لی] آنها
 از آن دو [فرشته] چیزهایی می‌آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی
 بیفکنند. هر چند بدون فرمان خدا نمی‌توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند
 و [خلاصه] چیزی می‌آموختند که برایشان زیان داشت، سودی بدیشان نمی‌رساند
 و قطعاً [یهودیان] دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد در آخرت
 بهره‌ای ندارد. و ه که چه بد بود آنچه به جان خریدند اگر می‌دانستند (بقره/ ۱۰۲).

پیامبران^(ع) با بیان آثار منفی خرافه، به تقلید نکردن کورکورانه و پیروی از عقل و علم و

برهان توصیه می‌کردند.

رسول اکرم^(ص) نیز در مقاطع مختلف با خرافه برخورد داشتند. در عصر ایشان، درمان

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۸۳

بعضی از بیماری‌ها با آویزه جادویی، قلاده سنگ و استخوان انجام می‌شد. پیامبر فرمودند: «بر هر فرد بیمار لازم است سراغ دارو رود» (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۶: ۲۴).

در آن زمان رسم بود قسمتی از شتران را برای احترام به بت‌ها اختصاص می‌دادند و زنان از خوردن گوشت آنها محروم بودند. قسمتی از محصول کشت را نیز به بت‌ها هدیه می‌کردند (رک؛ طبری، ۱۴۱۲: ۳۵-۳۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳: ۲۷۰).

حضرت با روشن کردن حقایق با همه این رسوم مبارزه کردند. زینب، دختر عمه پیامبر^(ص)، در دو ازدواج خود باعث شکسته شدن دو سنت قدیمی غلط شد. از سنن جاهلی این بود که دختران اشراف نباید به ازدواج طبقه فقیر درآیند. پیامبر اسلام^(ص) ابتدا زینب را که از طبقه اشراف جامعه بود به عقد زیدبن حارثه که غلام آزادشده‌ای بود، درآوردند. سپس به دستور خداوند، او را پس از جدایی از زید به عقد خویش درآوردند تا با سنت غلط تحریم همسر فرزندخوانده بر فرد مبارزه کنند:

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا؛
و آنگاه که به کسی که خدا بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی می‌گفتی همسرت را پیش خود نگاه‌دار، از خدا پروا بدار و آنچه را که خدا آشکارکننده آن بود، در دل خود نهان می‌کردی و از مردم می‌ترسیدی با آنکه خدا سزاوارتر بود که از او بترسی، پس چون زید از آن [زن] کام برگرفت [و او را ترک گفت] وی را به نکاح تو درآوردیم تا [در آینده] در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخواندگان‌شان چون آنان را طلاق گفتند گناهی نباشد و فرمان خدا صورت اجرا پذیرد (احزاب / ۳۷).

ماجرای هم‌زمانی کسوف و مرگ ابراهیم، فرزند پیامبر^(ص)، نیز از سوی عده‌ای حزن خورشید تعبیر شد که پیامبر^(ص) اذعان کردند ماه و خورشید به‌خاطر مرگ کسی نمی‌گیرند.

در عصر امام رضا^(ع) با ورود فلسفه‌های زرتشت، صابئی، نسطوری، روم و برهمن، راه خرافه به ایده‌های صحیح دینی باز شد. دکتر طه حسین همین عامل را علت راهیابی عقاید و افکار خرافی و غیراسلامی به محیط اسلام دانسته است (رک؛ ۱۳۳۹: ۲۶۶).

امام^(ع) علاوه بر بیان علوم بر مبنای توحید، حکمت بخشی از پدیده‌های هستی و باورهای دینی را بیان فرمودند. اعتقاد به تناسخ، از این دسته خرافه‌ها بود که در آن زمان عده‌ای را دچار خود کرد. حضرت این اعتقاد را همپای کفر دانستند و فرمودند: «هرکس به تناسخ قائل شود، به خداوند بزرگ کفر ورزیده و بهشت و دوزخ را تکذیب کرده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴: ۳۲۰).

امام رضا^(ع) در متن سند بیعت با مأمون نوشتند: «اگر چیزی از پیش خود آوردم یا در حکم خدا تغییر و دگرگونی کردم، شایسته این مقام نبوده و خود را مستحق کیفر کرده‌ام» (حسینی عاملی، ۱۳۸۷: ۲۵۸).

طرح جمله بیان‌شده، مبارزه با این عقیده بود که خلیفه یا هر حکمرانی، مصون از هرگونه کیفر و بازخواستی است.

مناظره‌های آن امام همام^(ع) نیز شاهد مبارزه ایشان با خرافه است. در مناظره با جاثلیق، به شیوه‌های مختلف باورهای غلوآمیز درباره عیسی^(ع) و ربوبیت ایشان را مردود دانستند. ابتدا ایشان به اقوال متی، مرقابوس و لوقا در مورد ابناء حضرت عیسی^(ع) اشاره فرمودند (رک؛ طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲: ۲۰۸). این سخنان نشان‌دهنده انسان بودن و عدم استقلال عیسی^(ع) و وابستگی به ابناء به‌عنوان علل مُعدّ، بوده و غنا و وجوب ایشان را باطل می‌سازد. سپس امام^(ع) سخنانی از قول عیسی^(ع) مبنی بر معرفی خود به‌عنوان یک انسان را شاهد عدم الوهیت ایشان دانستند (همان). عیسی^(ع) فرمودند: «کسی به آسمان صعود نمی‌کند مگر کسی که از آسمان نازل شده باشد، مگر راکب بعیر خاتم‌الانبیاء^(ص)» (همان).

عیسی^(ع) در این سخن، علاوه بر اعلام شباهت خود به سایر انسان‌ها، عدم توانایی خود را برای صعود به آسمان مطرح می‌سازند. امام رضا^(ع) عدم قدرت عیسی^(ع) را با قدرت

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۸۵

لا يزال و بی حد الهی در ربوبیت آسمانها و زمین در تضاد دانستند. سپس با اشاره به یکی از مسلمات مسیحیت یعنی عبادت‌های مسیح^(ع)، به‌ویژه روزه‌های مداوم و شب زنده‌داری‌های طولانی‌اش، الوهیت ایشان را نفی کردند (رک؛ متی، ۴۶: ۱۷؛ مرقس، ۱۵: ۳۴).

عبادت از وظایف بنده فقیر در مقابل رب غنی است که به‌دلیل همان فقر، عبادت بر او واجب می‌شود. پس، جمع عبودیت و الوهیت، جمع فقیر و غنی و اجتماع نقیضین است که به بداهت عقل، محال است. در انتها وقتی جاثلیق به معجزه‌هایی از عیسی^(ع) چون زنده کردن مردگان به‌عنوان فعلی مختص خداوند اشاره کرد، امام^(ع) با گواه گرفتن معجزه‌های انبیایی غیر از عیسی^(ع)، اثبات ربوبیت ایشان را از طریق انجام معجزه‌ها و کارهای خارق‌العاده عظیم دانستند. سخنان امام^(ع) روشن ساخت که معجزه نیز چون سایر اعمال انسان، زیرمجموعه‌ای از قدرت خداوند بوده و انسان موجود فقیری است که تنها با اذن آن رب غنی، اجازه انجام آن را دارد.

امام رضا^(ع) در مناظره با عمران صابی، وی را از انسان‌هایی که معتقد بودند خداوند در دنیا وجود ندارد؛ بلکه فقط در آخرت است، برحذر داشتند و فرمودند: «از آن گروه نباش. همانا اگر در وجود خداوند نقصی امکان داشت، هرگز در آخرت هم پدیدار نمی‌شد» (صدوق، ۱۴۱۶ق: ۴۴۰-۴۳۰).

اعتقاد به عدم وجود خداوند در دنیا از عقایدی است که انسان را در سیر قهقرایی قرار می‌دهد. از مهم‌ترین علل بعثت انبیاء^(ع)، بی‌اعتقادی به وجود خداوند و اولین مسئله تبلیغاتی آنان اقرار به وجود خداوند بوده است. امام^(ع) در این سخنان با دلایل عقلی به تصحیح این اعتقاد پرداختند و وجود او را همچنان‌که برای آخرت ضروری معرفی کردند، در دنیا نیز واجب دانستند.

در مناظره با سلیمان مروزی نیز با خرافه مشهور ضرار مخالفت فرمودند. ضرار و یارانش معتقد بودند که اشیا همان اراده خداوند است. یعنی اراده خداوند زنده می‌شود، می‌میرد، راه می‌رود و... سلیمان در مرحله‌ای از مناظره، این اعتقاد را صحیح دانست و

❖ امام^(ع) به طور صریح او را از این اعتقاد بر حذر داشتند (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲: ۱۸۳). از دیگر خرافه‌هایی که امام رضا^(ع) با آن مبارزه کردند، غلو در مقام ائمه^(ع) بود. از شیوه‌های مبارزه عباسیان این بود که شایع کردند علویان آن‌چنان حقی برای خود قائلند که سایر مردم را «عبید» و برده خود می‌دانند. امام^(ع) پس از شنیدن این سخنان فرمودند:

خبر رسیده که مردم می‌گویند ما آنها را بردگان خود می‌پنداریم، قسم به قرابتی که با رسول خدا^(ص) دارم، نه من خود چنین چیزی گفته‌ام و نه از یکی از اجدادم شنیده‌ام که چنین بگوید و نه از یکی از پدرانم به من چنین روایتی رسیده، ولی من می‌گویم مردم در اینکه اطاعت ما بر آنها واجب است، فرمان‌بردار ما و از نظر دینی، موالیان و دوستان ما هستند. این مطلب را حاضران به غایبان برسانند (کلینی، بی‌تا، ج ۲: ۱۸۷؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۲۲؛ مفید، بی‌تا: ۲۵۳؛ عطاردی‌قوچانی، بی‌تا، ج ۱: ۹۶).

در روایت دیگری از ابوصلت آمده است:

به امام^(ع) عرض کردم: می‌گویند شما ادعا دارید مردم بردگان شما هستند. امام^(ع) فرمودند: ای پروردگاری که آسمان‌ها و زمین را گستردی و دانای پنهان و آشکاری، تو شاهی که من چنین نگفته‌ام، از پدران خود نیز هرگز نشنیده‌ام چنین بگویند، تو آگاهی از ستم‌هایی که از این مردم به ما روا داشته می‌شود که این هم یکی از آنهاست. پس از آن به من رو کردند و فرمودند: اگر چنان‌که از ما حکایت می‌کنند ما همه مردم را بردگان خود می‌دانیم، پس به چه کسی آنها را می‌فروشیم؟ (همان: ۹۶؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۸۳؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۲۲).

همچنین در مذمت غالیان فرمودند:

خداوند غلات را از رحمتش دور گرداند، کاش یهودی بودند، کاش مجوس بودند، کاش نصرانی بودند، کاش قدری‌مذهب بودند، کاش از مرجئه بودند، کاش حروری بودند، با غلات همنشینی، رفاقت و دوستی نکنید و از آنان بیزاری جوید؛ خداوند از آنان بیزاری جسته است (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۱۹).

امام رضا^(ع) با احادیث جعلی نسبت به اهل بیت^(ع) برخورد فرمودند. جعل حدیث و

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۸۷

نسبت دادن آن به ائمه اهل بیت^(ع) به منظور تخریب شخصیت آنها، نوعی از تبلیغات بود که عباسیان همچون بنی امیه، در آن نقش فعالی داشتند. امام هشتم^(ع) در روایتی فرمودند:

مخالفتان ما احادیثی درباره فضائل ما از پیش خود ساخته و به ما نسبت می دهند که از این کار نظر خاصی دارند. اینها سه دسته اند: روایت های غلوآمیز که ما را بالاتر از آنچه هستیم نشان می دهند. روایت های تقصیر که ما را پایین تر از آنچه هستیم نشان می دهند و روایت هایی که به عیوب دشمنان ما تصریح شده است. مردم وقتی روایت های غلوآمیز را می بینند، شیعیان ما را تکفیر کرده و عقیده به ربوبیت ما را بدان ها نسبت می دهند. وقتی روایت های دسته دوم را می بینند، به ما در حد همان ها اعتقاد پیدا می کنند و وقتی عیوب دشمنان ما را می شنوند، به ما همان نسبت ها را می دهند. (مجلسی، ۱۹۸۳م: ۲۳۹).

مبارزه با بی عدالتی

ایجاد عدل و قسط نیز از دلایل بعثت پیامبران^(ع) شمرده شده است. بعضی آیات قرآن کریم، هدف اصلی از دعوت پیامبران^(ع) را برپایی و اجرای عدالت دانسته اند:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ. به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوریم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می کند. آری خدا نیرومند شکست ناپذیر است (حدید/ ۲۵).

علت اهمیت برقراری عدل این است که تنها در پناه عدل، انسان به غایت کمال و عبودیت نائل می شود. امام حسین^(ع) در اهمیت قیام علیه ظلم از قول رسول خدا^(ص) فرمودند:

هر کس از شما مردم، سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال می شمارد، پیمان خدا را می شکند، با سنت رسول خدا مخالفت می ورزد، در میان بندگان خدا

با گناهکاری و دشمنی رفتار می‌کند و بر او اعتراض نکند یا با گفتار و رفتار، او را از این امور باز ندارد، شایسته است که خداوند او را به همان جایگاهی وارد کند که ستمگر وارد است (حسینی تهرانی، بی تا: ۵۴ و ۱۱۵).

عدل به معنای دادن حق هر صاحب حقی است و عدالت، قرار گرفتن هرکس و هر چیز در جایگاه خود است (امام علی^(ع)، ۱۳۷۷: ۱۰۱۷؛ افلاطون، ۱۳۶۰: ۷۸).
 بعضی از اندیشمندان اسلامی، عدالت را مساوات (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۴) و برخی آن را رفتار مطابق با قوانین اجتماعی خوانده‌اند (جعفری، ۱۳۵۸: ۲۵۵).

با توجه به اینکه طاغوت، جهل و خرافه نیز مردم را از اعتدال خارج می‌سازند (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۸) ارتباط آنها با ظلم نمایان می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۴۶۱) و مبارزه با این امور نیز مبارزه برای عدالت خواهد بود. خداوند پس از آنکه به حضرت داوود^(ع) حکومت داد حکم کردن به حق را وظیفه ایشان قرار داد:

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ
 عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ؛ ای
 داوود ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم پس میان مردم به حق داوری
 کن و زنهار از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به در کند. در حقیقت کسانی که
 از راه خدا به در می‌روند به [سزای] آنکه روز حساب را فراموش کرده‌اند عذابی
 سخت خواهند داشت (ص/ ۲۶).

در تاریخ انبیاء^(ع) موارد بی‌شماری از مبارزه علیه بی‌عدالتی مطرح شده است. اولین برنامه ذوالقرنین، مبارزه با ظلم بود که فرمودند: «قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا؛ گفت اما هر که ستم ورزد، عذابش خواهیم کرد سپس به‌سوی پروردگارش بازگردانیده می‌شود، آنگاه او را عذابی سخت خواهد کرد» (کهف/ ۸۷).

ادریس^(ع) نیز در مقابل پادشاهی که برای تصاحب مزرعه فردی، با اتهام خروج از دین، او را به قتل رساند، ایستادگی کردند و فرمودند: «اگر توبه نکنی، به‌زودی عذاب الهی تو را فرا خواهد گرفت» (almawood.alhakeem.com؛ lib.eshia.ir).

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۸۹

شعیب^(ع) به حدی قوم مدین را که گرفتار کم فروشی و ظلم در اموال و خیانت بودند، به سوی توحید، کیل، توزیع عادلانه، ترک فساد در زمین و تبشیر و انذار دعوت کردند که رسول خدا^(ص) فرمودند: «شعیب^(ع) خطیب انبیا^(ع) بود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۵۴۰)

قرآن، منشأ همه رذائلی که از اسرائیلیان سر زد، مثل گرایش به سامری و گوساله‌اش (بقره/ ۵۴)^۱ و عدم رعایت حرمت شنبه را ظلم فاحش و ستم فاجع می‌داند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۵۴۵).

قرآن، علاوه بر فرعون، آل فرعون را نیز ظالم می‌داند. کارگزاران، فرعون را در ذبح و استحياء بنی اسرائیل یاری می‌رساندند و همین امر باعث شمول آنان در جرگه ظالمان شد:

وَإِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ؛ و [به یاد آرید] آنگاه که شما را از [جنگ] فرعونیان رهانیدیم [آنان] شما را سخت شکنجه می‌کردند، پسران شما را سر می‌بریدند، زن‌هایتان را زنده می‌گذاشتند و در آن [امر بلا و] آزمایش بزرگی از جانب پروردگارتان بود (بقره/ ۴۹).

غرق شدن فرعون و آل فرعون هشداری برای مردم این عصر است که اگر در جرگه ظالمان باشید، خداوند قادر است در طرقة‌العینی بلایی همانند قوم فرعون بر شما نازل کند و اگر در جرگه مظلومان باشید نیز خداوند قادر است در طرقة‌العینی شر دشمنان شما را کم کند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۳۸۰)

امام رضا^(ع) در عصر هارون به‌طور دائم برای نجات شیعیان از زندان تلاش و راهکارهای مختلف به آنها پیشنهاد فرمودند. امام^(ع) در این مسیر چنان قاطعانه و همه‌جانبه عمل کردند

۱. وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ و چون موسی به قوم خود گفت: ای قوم من شما با [به پرستش] گرفتن گوساله برخود ستم کردید، پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید و [خطاکاران] خودتان را به قتل برسانید که این [کار] نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است. پس [خدا] توبه شما را پذیرفت که او توبه‌پذیر مهربان است.

❖ که وقتی مأمون به عامل خود در مدینه دستور داد تا مردم را برای خلافت ایشان تهییج سازد، او، ثامن الحجج^(ع) را عدلی معرفی کرد که مردم منتظرش بودند (اندلسی مالکی، ۴۰۴ق، ج ۵: ۳۵۹).

در عصر مأمون نیز افشاگری‌های ایشان نمونه‌های روشنی از مبارزه با بی‌عدالتی را رقم زد. بی‌عدالتی‌های دستگاه مأمون، یکی از عللی است که امام^(ع) خلافت مأمون را نپذیرفتند و سپس ولایتعهدی را به شرط دخالت نکردن در شئون حکومتی پذیرفتند. ایشان در این پیمان، خود را از جنگ، صلح و عزل و نصب و تدبیر امور معاف داشتند تا علاوه بر شرکت نکردن در بی‌عدالتی‌های مأمون، راه انتقاد و مبارزه با ظلم باز باشد. این در حالی است که سیاست مأمون همان سیاست خشن شیعه‌کشی سایر خلفای عباسی بود که دستور داد یک‌شبه ۶۰ تن از سادات را سر ببرند (رک؛ قائمی، ۱۳۷۸: ۶۲) و امام رضا^(ع) رهبر جنبش ضد ستم مأمون بودند که به شیوه‌های مختلف سکوت، افشا و مقابله، پرده از ظلم‌های مأمون کنار می‌زدند تا به درد سادات و علویان رسیدگی فرمایند و آنها را از ریشه‌کن شدن حفظ کنند.

امام هشتم^(ع) در کلام و عمل علیه بی‌عدالتی ایستادگی کردند. در کلامی فرمودند: «به‌کارگیری عدل و احسان، عامل پایداری نعمت‌هاست» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۴). در جایی دیگر قصد، سنت، روش و مرکب خاندان خود را اعتدال معرفی فرمودند. در جواب صوفیان خراسان که به زندگی ایشان در دستگاه مأمون اعتراض داشتند، فرمودند: «آنچه از امام انتظار می‌رود قسط و عدل است و اینکه وقتی سخن می‌گویند راست بگویند. وقتی حکم می‌کند به عدالت رفتار کند و وقتی وعده می‌دهد عمل کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ۳۵۱).

ایشان در متن بیعت برای ولایتعهدی خویش نوشتند:

خدا را بر خویشتن گواه می‌گیرم که اگر رهبری مسلمانان را به دستم دهد، با همه به‌ویژه بنی‌عباس به مقتضای اطاعت از خدا و سنت پیامبرش عمل کنم. هرگز

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۹۱

خونی را به ناحق نریزم و ناموس و ثروتی را از چنگ دارنده/ش به در نیاورم، مگر در آنجا که حدود الهی مرا دستور داده است. اینها همه کنایه و تعرض به جنایت‌های بنی عباس است (حسینی عاملی، ۱۳۸۷: ۲۵۸).

نتیجه‌گیری

این مطالعه نشان داد:

۱. امام رضا^(ع) با اتخاذ روش‌هایی مانند نشر معارف دین و تربیت شاگردان و در عین حال پیشنهاد راهکارهای مختلف برای حفظ و آزادسازی شیعیان زندانی، علیه حکومت طاغوتی هارون به مبارزه برخاستند. در زمان مأمون نیز پذیرش خلافت را با برخوردهایی قاطعانه متفی کردند و در پذیرش ولایتعهدی تحمیلی، با لحاظ شرط دخالت نکردن در امور کشورداری و عزل و نصب، مأمون را در انجام قصدش ناکام گذاردند. همچنین در برابر فرامینی چون اجرای نماز طلب باران و نماز عید، با مبارزه در سکوت صبر کردند تا رسوایی مأمون از سوی خود او رقم زده شود.
۲. مبارزه با جهل نیز در رفتارهای امام رضا^(ع) واضح است. شرکت در مناظره‌های علمی، راه‌اندازی کلاس‌های معارف، تربیت شاگردان بسیار و تلاش در نشر تعالیم اسلامی در انتظار و اجتماع مردمی، از جمله تلاش‌های ایشان برای مبارزه با جهل بود.
۳. امام رضا^(ع) با خرافه نیز برخورد کردند. در مناظره با جاثلیق، استدلال‌های عقلی محکمی علیه الوهیت عیسی^(ع) ارائه فرمودند. در مناظره با سلیمان مروزی اعتقاد ضرار مبنی بر برابری اشیا و اراده خداوند را نفی و در مناظره با عمران صابی یکی از موهوم‌ها یعنی اعتقاد به عدم وجود خدا در دنیا و وجود او فقط در آخرت را نفی فرمودند. همچنین ایشان اعتقاد غالیان را که اهل بیت^(ع) را همتای خدا می‌دانستند، نادرست شمردند و خدا را بر نادرستی این اعتقاد گواه گرفتند.
۴. بی‌عدالتی‌های هارون و مأمون، امام^(ع) را به افشاگری واداشت و این مبارزه نیز در

❖ راستای مبارزه انبیا^(ع) بود. تلاش در آزادسازی شیعیانی که بی‌گناه اسیر شده بودند، پیشنهاد راه چاره به آنان که در معرض دستگیری بودند و شرایطی که برای پذیرش ولایتعهدی مطرح فرمودند، نمایانگر عدم پذیرش حکومت مأمون به‌عنوان حکومتی عادل، نمونه‌هایی از مبارزه ایشان با بی‌عدالتی است.

پس اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) دقیقاً منطبق بر اهداف مبارزاتی انبیا^(ع) است. این حقیقت، وارث بودن امام^(ع) برای همه انبیای کرام^(ع) را پررنگ‌تر و وجوب اطاعت از ایشان را متقن‌تر می‌کند.

منابع و مأخذ

قرآن مجید..

- ابن ابی جمهور، (۱۳۶۲/۱۴۰۳ق). *عوالی الثالی*. قم: سیدالشهدا^(ع). آخرین بازدید در کتابخانه مدرسه فقاہت: <http://lib.eshia.ir/11013/1/1>
- ابن شهر آشوب مازندرانی، ابوجعفر محمد بن علی، (۱۳۳۵)، *مناقب*. نجف: مطبعة الحیدریة. آخرین بازدید در کتابخانه مدرسه فقاہت: <http://lib.eshia.ir/16066/3/480>
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، (۱۳۸۵ق). *مقاتل الطالبین*. قم: دارالکتاب.
- افلاطون، (۱۳۶۰). *جمهور*. مترجم فؤاد روحانی، تهران: کتاب.
- امام علی^(ع)، (۱۳۷۷). *نهج البلاغه*. مترجم عبدالمحمد آیتی، تهران: فرهنگ اسلامی.
- انجیل متی*، ۱۷:۴۶.
- انجیل مرقس*، ۳۴:۱۵.
- اندلسی مالکی، احمد بن عبدالله، (۱۴۰۴ق). *عقد الفرید*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- بندریگی، محمد، (۱۳۷۴). *فرهنگ عربی - فارسی*. مترجم منجد الطلاب. قم: فروردین.
- بهشتی، محمد، (۱۳۷۳/۴/۴). «عدالت در جامعه اسلامی». روزنامه *جمهوری اسلامی*.

- پیشوایی، مهدی، (۱۳۷۵). *سیمای پیشوایان در آیین تاریخی*. قم: توحید.
- جاهودا، گوستاو، (۱۳۶۳). *روان‌شناسی خرافات*. مترجم محمدتقی براهنی، تهران: نو.
- جعفری، محمدتقی، (۱۳۵۸). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*. تهران: فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷). *تفسیر تسنیم*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹). *تفسیر موضوعی قرآن*. قم: اسراء.
- حسین، طه، (۱۳۳۹). *آیین اسلام*. مترجم محمدابراهیم آیتی، تهران: بی‌نا.
- حسین اصفهانی، عمادالدین، (۱۳۶۱). *زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا^(ع)*. تهران: گنجینه محمد.
- حسینی تهرانی، محمد حسین، (بی‌تا). *لمعات الحسین^(ع)*. مشهد مقدس: علامه طباطبائی.
- حسینی عاملی، جعفر مرتضی، (۱۳۸۷). *زندگی سیاسی هشتمین امام^(ع)*. مترجم خلیل خلیلیان، قم: نشر الکترونیکی موسسه فرهنگی تبیان.
- رازی، ابوالفتح، (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴). *مفردات الفاظ قرآن*. مترجم غلامرضا خسروی، چاپ دوم، تهران: مرتضوی.
- زیدان، جرجی، (۱۳۷۲). *تاریخ تمدن اسلام*. مترجم علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
- زیدان، جرجی، گوستاو لوبون و غیره، (۱۳۵۸). *تاریخ تمدن اسلام و عرب*. مترجم حسینی، تهران: اسلامیه.
- سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۸۶). *فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام^(ص)*. تهران: مشعر.
- شریف‌قرشی، محمداقرا، (۱۳۸۲). *پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا^(ع)*. مترجم محمد صالحی، تهران: الاسلامیه.
- شهرستانی، عبدالکریم، (۱۴۰۴ق). *الملل والنحل*. بیروت: دار المعرفه.
- شیرازی، صدرالدین محمد، (۱۳۶۶). *تفسیر القرآن الکریم*. قم: دار الهجرة.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، (۱۴۰۴ق). *عیون اخبار الرضا^(ع)*. بیروت: للمطبوعات.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، (۱۴۱۶ق). *التوحید*. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق). *المیزان*. قم: اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- http://lib.eshia.ir/50081/18/54/%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D9%84%D8%AA_%D9%85%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D8%AA

مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا^(ع) و ... ❖ ۱۹۵

- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.
- طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۸۶ق). *الاحتجاج*. تعلیق سید محمدباقر خراسان، نجف: دارالنعمان.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق). *تاریخ طبری*. بی جا: بی نا.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق). *الامالی*. محقق مؤسسه البعثة، چاپ اول، قم: دار الثقافة.
- عطاردی قوچانی، عزیزالله، (بی تا). *مسند الامام الرضا*. بیروت: دارالصفوة.
- عفیفی، عبدالرزاق، (۱۴۲۰ق). *مذکرة التوحید*. السعودية: وزارة الشؤون الاسلامية و الاوقاف و الدعوة و الارشاد.
- فخررازی، محمد بن عمر، (۱۴۰۲ق). *اعتقاد المسلمین و المشرکین*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- فرید رفاعی، احمد، (۱۳۴۳ق). *عصر المأمون*. قاهره: دار الكتاب المصریه.
- قائمی، علی، (۱۳۷۸). *در مکتب عالم آل محمد حضرت علی بن موسی الرضا^(ع)*. تهران: امیری.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳). *تفسیر قمی*.
<http://www.noorlib.ir/View/fa/Book/BookView/Image/11288>
- کلینی، محمد بن یعقوب، (بی تا). *اصول کافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، (۴۰۳ق / ۱۹۸۳م). *بحار الانوار*. بیروت: الوفاء.
- مراغی، احمد مصطفی، (بی تا). *تفسیر المراغی*. بیروت: دار الفکر.
- مطهری، مرتضی، *وحی و نبوت*. آخرین بازدید در کتابخانه مدرسه
<http://lib.eshia.ir/50038/1/23> فقاها:
- مغنیه، محمدجواد، (۱۴۱۲ق). *تفسیر الکشاف*. قم: بوستان کتاب.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق). *الامالی*. محقق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.
- موحدی ساوجی، علی، (۱۳۵۰). *ولایت مهدی حضرت رضا^(ع) بحثی تاریخی، فقهی، حقوقی و اقتصادی*. قم: حکمت.

ساختار حمایت‌های مالی از زنان در نظام حقوقی اسلام (با تمرکز بر روایت‌های امام رضا^(ع))

منصوره فصیح رامندی*

چکیده

اسلام با تبیین سیمای حقیقی زن و زدودن غبار اوهام و خرافه، حقوق مالی فراوانی را برای وی ثابت کرد و ترسیم مالکیت مالی زن در سه فرض مالکیت اصلی، تبعی و حمایتی مهم‌ترین دلیل بر توجه این نظام حقوقی بر حفظ حقوق زنان است. براساس این ساختار حمایتی مالی، تمام دارایی‌های قانونی متعلق به زن (ارث، مهر، نفقه، درآمد حاصل از کسب و ...)، ملک مطلق اوست و در انجام هرگونه تصرفی در آن مختار است؛ برخلاف حقوق مالی متعلق به شوهر که فرزندان، همسر و پدر و مادر، به‌عنوان افراد تحت تکفل، در مصرف آن شریک هستند و حتی با ضمانت اجرای کیفری، حق مطالبه از درآمدهای مالی وی را دارند. این نوشتار درصدد است تا با مذاقه در حقوقی چون ارث، دیه، مهریه، نفقه و تقسیم این حقوق در قالب سه ساختار مالکیتی، نظام حمایتی مالی از زنان در نظام حقوقی اسلام را براساس مستندات آیات و روایت‌های معصومان^(ع) با تمرکز بر روایت‌های حضرت رضا^(ع) مورد بررسی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی

حقوق، حقوق زن، حقوق مالی، حقوق اسلام، مالکیت

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۲۵

*. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی
fasih_fasih@yahoo.com

❖ مقدمه

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۲

سخن گفتن از حقوق انسان در قالب جدید و مدون را می‌توان شاخص‌ترین ویژگی دوران معاصر نام نهاد. دانشوران حقوق و سیاست، صاحبان قدرت و معلمان اخلاق و فضیلت همگی با مبانی و انگیزه‌های متفاوت، در باب چرایی و چگونگی حقوق انسان‌ها سخن می‌گویند. در میان انبوه گفت و شنودهایی که از این محافل به گوش می‌رسد، برخی گفتمان‌ها، پر رونق‌تر و حیاتی‌تر می‌نمایند که از آن جمله می‌توان به بحث از حقوق مدنی زن به دلیل گستره عام و فراگیر آن اشاره کرد، به نوعی که رفع تبعیض‌های حقوقی ناشی از جنسیت، در ابعاد مختلف زندگی حقوقی بشر، با تأکید بر حقوق زن، محور اصلی همه معاهده‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق زنان را تشکیل می‌دهد. در اسلام به دلیل اهمیت نقش خانواده در تحقق اهداف و مصالح فردی و اجتماعی و جایگاه محوری زن در خانواده، حمایت از حقوق زنان به شکلی است که تمام زندگی ایشان را در سه بُعد طبیعی، انسانی و حتی معنوی شامل شده و در تمام اصول حاکم بر نظام خانواده و نظام جمعی لحاظ می‌شود تا در سایه برخورداری از کرامتی خاص در خانواده و جامعه بتوانند در سیر تأمین اهداف سیاسی و کلان شریعت یعنی حفظ دین، نفس و نسل توأمان حرکت کنند. از آن جمله می‌توان به ساختار حمایتی مالی در نظر گرفته شده برای زنان اشاره داشت. در چنین نظام حمایتی، حقوق مالی زنان چه در زمان زوجیت و چه در زمان انحلال نکاح دارای گستره وسیعی بوده که ثمره آن وجود نوعی مصونیت قانونی برای زنان در مسائل مالی و اقتصادی است. نظام حمایت مالی از حقوق زن در حقوق اسلام در سه ضلع مالکیت اصلی و بالذات، تبعی و حمایتی قابل ترسیم است.

مقصود از مالکیت‌های اصلی و بالذات، مالکیتی است که زنان مانند مردان به تبع اشتغال و کار مفید اقتصادی از آن برخوردار می‌شوند و تحت عنوان حق اکتساب به صراحت از آن یاد شده است. اما مالکیت‌های تبعی به واسطه نسب و سبب به زنان تعلق دارد و اموری

❖ ۱۹۹ ساختار حمایت‌های مالی از زنان در ...

مانند ارث و دیه (در بحث نقص عضو و جراحت) را دربر می‌گیرد. از این حیث در خصوص مالکیت تفاوتی بین زن و مرد نیست و تنها تفاوت‌هایی در سهم هر یک دیده می‌شود. اما مالکیت‌های حمایتی فرض شده از سوی شارع برای زنان در قالب حقوقی چون نفقه، مهریه، اجرت‌المثل، حق سکنی (در قالب شروط ضمن عقد یا در فرضی که مسکن توسط مرد تهیه نشود) و از بارزترین وجوه تمایز نظام حقوقی اسلام و سایر نظام‌های حقوقی در خصوص توجه به حقوق زنان است.

اسلام بدون افراط و تفریط و با تکیه بر دو اصل واقع‌نگری و هدفمندی، نظام حقوقی خاصی را برای ثبات خانواده و حفظ حقوق زن وضع کرده است. در نظام حقوقی اسلام با توجه به اشتراک‌ها و تفاوت‌های زن و مرد، تلاش شده است تا حد ممکن برای حفظ نهاد خانواده، از حقوق زنان دفاع شود و در این راه سعی شده تا بین اصولی چون ثبات خانواده، وابستگی دو زوج (زن و شوهر) به یکدیگر، اصل استقلال و حفظ شخصیت و حقوق زن ارتباط برقرار شود. در این مقاله پس از معرفی و بررسی حقوق مالی زن در نظام حمایتی و حقوقی اسلام با تکیه بر مستندهای قرآنی، روایی و قانونی، آراء و روایت‌هایی از امام رضا^(ع) در خصوص حقوقی چون، ارث، دیه، مهریه و نفقه مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

مالکیت‌های اصلی و بالذات

اصل استقلال مالی زوجین و حق اداره و تصرف آنان بر اموالشان از اصول مسلم اسلامی است و هیچ تردید و اختلافی در آن وجود ندارد. اصل مسلم فقهی «النَّاسُ مُسْلَطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ»^۱ و آیه «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ؛ مردان را از آنچه کسب می‌کنند و به‌دست می‌آورند، بهره‌ای است و زنان را نیز از آنچه کسب می‌کنند و به‌دست می‌آورند، بهره‌ای است» (نساء/ ۳۲) دلالت روشنی بر مدعا دارد. اکتساب یعنی

۱. یکی از اصول مسلم فقهی که فقها از آن به قاعده فقهی تعبیر کرده‌اند، قاعده تسلط، تسلط یا سلطنت است. مفاد این قاعده بر این امر دلالت می‌کند که هر مالکی نسبت به مال خود تسلط کامل دارد (رک: قواعد فقهیه اثر آیت‌الله سیدمحمد موسوی بجنوردی).

❖ به دست آوردن؛ اما تفاوتی که مرحوم راغب اصفهانی بین معنای کسب و اکتساب متذکر می شود، بسیار قابل توجه است. ایشان می گوید:

کلمه اکتساب برای به دست آوردن فایده ای استعمال می شود که انسان خودش می خواهد از آن استفاده و بهره برداری اختصاصی کند. از این جهت معنای کلمه کسب از معنای اکتساب عام تر است، زیرا کسب، هم آنچه را که خود می خواهد استفاده کند، شامل می شود و هم آن چیزی را که برای دیگران به دست می آورد (۱۴۰۴ ق: ۲۳۱).

مطابق این معنا، زن و مرد در چیزی که به دست می آورند، به طور مستقل حق تصرف و بهره برداری دارند.

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه بالا می گوید:

اگر مرد یا زن از راه عمل، چیزی به دست می آورد خاص خود اوست... از اینجا روشن می شود که مراد از اکتساب در آیه، نوعی حیات و اختصاص دادن به خویش است، اعم از اینکه این اختصاص دادن، به وسیله عمل اختیاری باشد نظیر اکتساب از راه صنعت یا حرفه یا به غیر عمل اختیاری، اما سرانجام به صفتی منتهی می شود که داشتن آن صفت باعث این اختصاص شده باشد... و معلوم است که هر کس، هر چیزی را کسب کند از آن بهره ای خواهد داشت و هر کسی هر بهره ای دارد، به خاطر اکتسابی بوده که کرده است (۱۳۷۲، ج ۴: ۵۳۴).

ایشان در تفسیر آیه «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/ ۲۳۴) می نویسد:

همچنین قیمومت (ریاست) مرد بر زنش به این نیست که از اراده زن و تصرف هایش در آنچه مالک آن است، سلب آزادی بکند و معنای قیمومت مرد این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او در دفاع از منافعش سلب کند. پس زن همچنان استقلال و آزادی خود را دارد، هم می تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ، هم می تواند از آن دفاع کند و هم می تواند

❖ ۲۰۱ ساختار حمایت‌های مالی از زنان در ...

برای رسیدن به این هدف‌هایش به مقدماتی که او را به هدف‌هایش می‌رساند متوسل شود (همان: ۵۴۴).

بنابراین در استقلال زن از مرد در مالکیت، اداره، تصرف و بهره‌برداری از اموال، مطابق منابع فقهی شیعه، بلکه بسیاری از منابع اهل سنت جای هیچ تردیدی نیست. در حقوق مدنی ایران نیز به پیروی از فقه امامیه، استقلال مالی زن از مرد، تنها رژیم مالی پذیرفته‌شده در ترتیب اموال دو زوج (زن و شوهر) است. زن می‌تواند در اموال خود، چه جهیزیه یا غیر آن، آزادانه تصرف کند و نسبت به آن هر گونه عمل مادی و حقوقی را انجام دهد، از این جهت در حقوق از اهلیت کامل برخوردار است. این مطلب به‌طور صریح در ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی آمده است: «زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد، انجام دهد.»

مالکیت‌های تبعی**۱. ارث و چرایی تفاوت آن میان زن و مرد**

ارث به‌عنوان یکی از تأسیسات اجتماعی است که قواعد و اصول حقوقی، کمتر در آن به‌کار رفته است. در ادوار تاریخ، ارث در ملل گوناگون بر اساس عادت‌های متداول اجتماعی بنا شده و در هر دوره تا آنجا که نظم جامعه را مختل نمی‌کرده، اعتدال در آن رعایت شده، اما همین احکام متداول آن‌چنان‌که باید، موافق با مصلحت، عقل و فطرت نبودند. این در حالی است که ارث به‌عنوان یکی از عوامل ملکیت‌آور در نظام حقوقی اسلام و سایر نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است. بستگان و نزدیکان متوفی، به ترتیب و شرایطی که در هر نظام حقوقی مقرر شده است، مالک اموال و حقوق مالی او خواهند شد. در نظام حقوقی اسلام نیز حق وراثت به‌عنوان حقی اعتباری برای بازماندگان متوفی ذیل حقوق مربوط به شخصیت در نظر گرفته شده است، چنانچه با استناد به کتاب آسمانی قرآن

❖ ۲۰۲ فرهنگ رضوی

❖ (نساء/ ۳۳)^۱ و احادیث معصومان^(ع) (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶: ۶۳) یکی از زمینه‌ها و شرایطی که اگر جمع شود، ترکه و دارایی از مورث به بازماندگان او منتقل می‌شود، داشتن رابطه سببیت (به معنای خاص) است. یکی از روابط سببیت، پیوند زناشویی، آن هم به وسیله عقد منعقدشده بین زن و مرد و داشتن روابط مادی و معنوی بین آنهاست که از طرفی، قرابت سببی بین آنها به وجود می‌آید و از سوی دیگر، زوجین در هر طبقه و درجه‌ای که با خویشاوندان نسبی قرار گیرند، ارث می‌برند. بین فقها هیچ اختلافی در ارث‌بری زن و شوهر وجود ندارد و در کتاب‌های حقوقی هم به پیروی از فقه، شاهد این مبنا هستیم (محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ج ۴: ۹؛ طوسی، ۱۳۴۳، ج ۲: ۶۵۸).

قانون مدنی ایران در مباحث مربوط به ارث به‌طور کامل منطبق با فقه عمل کرده و آثار حقوق غرب به‌طور مطلق در آن دیده نمی‌شود.

مهم‌ترین سند در این مسئله، آیه ۱۲ سوره نساء است:

... وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ...؛ یک‌چهارم از میراث شما مردان برای آنان (همسران) است، اگر شما فرزندی نداشته باشید و اگر فرزندی داشته باشید، یک‌هشتم از میراث شما برای ایشان خواهد بود، البته پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اید یا دینی که باید پرداخت شود.

به هر حال در بحث از ارث و طبقات آن، تمام بستگان در یک درجه و طبقه قرار ندارند و بعضی بر بعضی دیگر مقدم هستند. علاوه بر این مسئله، تمام وراثتی که در یک طبقه یا یک درجه قرار گرفته‌اند سهم مساوی ندارند. غالباً سهم مردان بیشتر از زنان بوده و در قرآن کریم به‌صراحت تصریح شده است.

۱. «وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَّ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلَّذِينَ عَقَدْتَ أَيْمَانُكُمْ فَأَتَوْهُمْ نَصِيْبُهُمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا؛ و از آنچه پدر، مادر، خویشاوندان و کسانی که شما [با آنان] پیمان بسته‌اید بر جای گذاشته‌اند برای هر یک [از مردان و زنان] وراثتی قرار داده‌ایم پس نصیبشان را به ایشان بدهید زیرا خدا همواره بر هر چیزی گواه است.»

به‌عنوان مثال در آیه ۱۱ سوره مبارکه نساء، بر دو برابر بودن سهم ارث پسر نسبت به

دختر:

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمُ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِلْمُتَّكِفِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِلْمُتَّكِفِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنْ الْإِلَهِ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ خداوند به شما دربارهٔ فرزندانان سفارش می‌کند. سهم پسر چون سهم دو دختر است و اگر [همهٔ ورثه] دختر [و] از دو تن بیشتر باشند سهم آنان دوسوم ماترک است و اگر [دختری که ارث می‌برد] یکی باشد نیمی از میراث از آن اوست و برای هر یک از پدر و مادر وی [= متوفی] یک‌ششم از ماترک [مقرر شده] است. این در صورتی است که [متوفی] فرزندی داشته باشد ولی اگر فرزندی نداشته باشد و [تنها] پدر و مادرش از او ارث برند برای مادرش یک‌سوم است [و بقیه را پدر می‌برد] و اگر او برادرانی داشته باشد مادرش یک‌ششم می‌برد [البته همهٔ اینها] پس از انجام وصیتی است که او بدان سفارش کرده یا دینی [که باید استننا شود] شما نمی‌دانید پدران و فرزندانان کدام‌یک برای شما سودمندترند. [این] فرضی است از جانب خدا، زیرا خداوند دانای حکیم است.

در آیه ۱۲ این سوره بر دو برابر بودن سهم ارث زوج نسبت به زوجه:

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورِثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ؛ و نیمی از میراث همسرانان از آن شما [شوهران] است اگر آنان فرزندی

❖ ۲۰۴ فرهنگ رضوی

نداشته باشند و اگر فرزندی داشته باشند یک‌چهارم ماترک آنان از آن شماسست، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اند یا دینی [که باید استثنا شود] و یک‌چهارم از میراث شما برای آنان است اگر شما فرزندی نداشته باشید و اگر فرزندی داشته باشید یک‌هشتم برای میراث شما از ایشان خواهد بود [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اید یا دینی [که باید استثنا شود] و اگر مرد یا زنی که از او ارث می‌برند کلاله [= بی‌فرزند و بی‌پدر و مادر] باشد و برای او برادر یا خواهری باشد، پس برای هر یک از آن دو یک‌ششم [ماترک] است و اگر آنان بیش از این باشند در یک‌سوم [ماترک] مشارکت دارند [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش شده یا دینی که [باید استثنا شود به شرط آنکه از این طریق] زیانی [به ورثه] نرساند. این است سفارش خدا و خداست که دانای بردبار است.

و در آیه ۱۷۶ همان سوره به دو برابر بودن سهم ارث برادر بر خواهر تصریح شده

است:

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنِ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِن كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِن كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَن تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ از تو [در باره کلاله] فتوا می‌طلبند بگو: خدا درباره کلاله فتوا می‌دهد اگر مردی بمیرد و فرزندی نداشته باشد و خواهری داشته باشد نصف میراث از آن اوست و آن [مرد نیز] از او ارث می‌برد. اگر برای او [= خواهر] فرزندی نباشد پس اگر [ورثه فقط] دو خواهر باشند، دوسوم میراث برای آن دو است و اگر [چند] خواهر و برادرند، پس نصیب مرد مانند نصیب دو زن است. خدا برای شما توضیح می‌دهد تا مبادا گمراه شوید و خداوند به هر چیزی داناست.

در نتیجه، یکی از شبهه‌هایی که در رابطه با حقوق زن مطرح می‌شود این است که چرا در نظام حقوقی اسلام، سهم ارث آنان از مردان کمتر است؟ آنچه در توجیه این تفاوت می‌توان گفت، تفاوت تعهدهای مالی مرد نسبت به زن است، زیرا در اغلب موارد تعهدهای

❖ ۲۰۵ ساختار حمایت‌های مالی از زنان در ...

مالی مرد نسبت به زن و فرزندان به مراتب بیشتر است. همان‌گونه که در احادیث، معصومان^(ع) تفاوت ارث زن و مرد را معلول احکام دیگری در شریعت می‌دانند که مربوط به زن و مرد است. این روایت‌ها در متون مختلف روایی ذکر شده است و در اینجا به چند نمونه اشاره می‌شود:

روی ابن ابی عمیر عن هشام ان ابن ابی العوجاء قال لمحمد بن النعمان الاحول: ما بال الميراث الضعيفة لها سهم واحد وللرجل القوي المورس سهمان؟ فقال: فذكرت ذالك لابي عبدالله^(ع) فقال: ان الميراث ليس لها عاقله ولا عليها نفقه ولا جهاد - و عدد اشيا غير هذا - وهذا على الرجل فلذا لك جعل له سهمان وله سهم (طوسی، ۱۳۴۳، ج ۲: ۲۷۱).

در این روایت، جریان مباحثه ابن ابی‌العوجاء با محمد بن نعمان از قول هشام - که یکی از شاگردان امام صادق^(ع) است - نقل شده و شبهه مربوط به تشریع حکم ارث زن و مرد را مطرح کرده مبنی بر اینکه چرا باید سهم زن ضعیف نسبت به مرد قوی و توانمند، کمتر باشد و نصف او ارث ببرد؟ هشام می‌گوید: جریان را به محضر امام صادق^(ع) عرض کردم و حضرت در پاسخ به این شبهه به حقوق مالی و دفاعی مختلف اشاره فرمودند که بر عهده مرد است ولی زن نسبت به آنها تعهدی ندارد، از آن جمله دیه خاصی که بستگان شخص قاتل در قتل خطایی با شرایط خاص متحمل می‌شوند و دادن این دیه به عهده زنان نیست و فقط بر عهده مردان است. همین‌طور پرداخت نفقه بر عهده زنان نیست. همچنین حکم جهاد از زن‌ها برداشته شده و به نقل از هشام، امام صادق^(ع) امور دیگری را برشمردند و فرمودند: همه این امور بر عهده مردان است، بنابراین سهم آنان در ارث دو برابر قرار داده شده است. «فی رواية حمدان بن الحسن بن الوليد عن ابن بكير عن عبدالله بن سنان قال قلت لابي عبدالله^(ع) لای علة صار الميراث للذكر مثل حظ الأنثیین؟ قال: لما جعل الله لها من الصدق (همان: ۲۷۱).

در این حدیث نیز مانند حدیث قبلی، علت بیشتر بودن سهم ارث مرد نسبت به زن، مسئله مهریه برای بانوان بیان شده است.

«كتب الرضا^(ع) الى محمد بن سنان فيما كتب من جواب مسائله: علّة اعطاء النساء نصف ما يعطى الرجال من الميراث لأن المرأة اذا تزوّجت اخذت و الرجل يعطى فلذلك وفرّ على الرجال» (صدوق، ۱۳۶۹: ۲۷۰).

امام هشتم^(ع) در پاسخ به محمد بن سنان راجع به تفاوت ارث زن و مرد، یکی از علل را تعهد و التزام مردان به پرداخت مهریه ذکر فرمودند که مرد از این راه، ثروتی را از دست می‌دهد و زن با استحقاق مهر، ثروتی را به دست می‌آورد، پس برای تعادل ثروت در دست زن و مرد، سهم ارث زن کمتر از مرد است. البته علت دیگری نیز برای تفاوت ارث زن و مرد ذکر شده که تعهد پرداخت نفقه و هزینه‌های زندگی از سوی مردان است، در حالی که این هزینه‌ها بر عهده زنان نیست، لذا مرد سهم بیشتری از ارث دارد.

برخی ضمن استناد به این حدیث معتقدند که از نظر اسلام مهر و نفقه «علت» است و وضع ارثی زن «معلول». این نکته مطلبی نیست که تازه ابراز شده باشد، در عین اینکه در نظام حقوقی اسلام در اغلب موارد برای زن ارث کمتری به نسبت مرد در نظر گرفته شده است؛ اما این مسئله اصل کلی و عام نیست، بلکه مواردی نیز مفروض است که سهم زن و مرد از ارث مساوی یا برای زن سهم بیشتری در نظر گرفته شده است، به عنوان مثال زن در دو مورد مطابق با سهم مرد از ارث برخوردار می‌شود:

الف. پدر و مادر میت: در صورتی که میت فرزند داشته باشد سهم ارث پدر و مادر میت مساوی است و سهم پدر در این خصوص از سهم مادر بیشتر نیست.

ب. کلاله مادری: یعنی برادر و خواهر مادری میت به اندازه مساوی ارث می‌برند نه متفاوت، به طوری که خواهر مادری میت معادل سهم برادر مادری میت ارث می‌برد نه کمتر از آن.

❖ ۲۰۷ ساختار حمایت‌های مالی از زنان در ...

همچنین در فروض زیر سهم بیشتری از ارث برای زن به نسبت مرد در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال موردی که میت نیز غیر از پدر و دختر، وارث دیگر نداشته باشد که در اینجا پدر یک‌ششم ارث می‌برد و دختر بیش از آن یعنی یک‌دوم و نیز موردی که میت دارای نوه باشد و فرزندان او در زمان حیات وی مرده باشند، در اینجا نوه پسر سهم ارث پسر را می‌برد و نوه دختری سهم ارث دختر را «نصيب من يتقرب بالمیت» یعنی اگر نوه پسر دختری باشد و نوه دختری پسر باشد، در این حال آن دختر دو برابر این پسر ارث می‌برد، گرچه منشأ این تفاوت همان تفاوت ارث دختر و پسر است....

از جمله راه‌های دیگری که برای بهره‌مند شدن زن از ترکه به صورت مساوی یا بیشتر می‌توان در نظر گرفت، وصیت و شروط ضمن عقد نکاح است، به این معنا که پدر و شوهر می‌توانند از راه وصیت تا مرز ثلث ترکه خود را به سود دختر یا همسر خود وصیت کنند یا زن هنگام عقد ازدواج، به عنوان شرایط ضمن عقد، برخی امتیازهای مالی را برای خود شرط کند.

۲. دیه نقص عضو و رعایت مصلحت اقتصادی زن

دیه در اصطلاح به مالی گفته می‌شود که در اثر ارتکاب جنایت بر جان یا کمتر از آن^۱ واجب می‌شود، اعم از اینکه مقدار آن در شرع معین باشد یا نباشد. هر چند بعضاً بر جنایت بر نفس و جان، دیه اطلاق می‌شود و بر جنایت بر کمتر از جان، ارش و حکومت اطلاق می‌شود (نجفی، بی‌تا، ج ۴۳: ۲).

در مبانی تکملة المنهاج آمده: «دیه، مالی است که در صورت وقوع جنایت بر نفس یا اعضای بدن یا ایراد جرح باید ادا شود» (خویی، بی‌تا، ج ۲: ۱۸۶).

به هر حال نباید از نظر دور داشت که از منظر حقوقی در مورد ماهیت دیه مبنی بر اینکه آیا می‌توان بر آن اطلاق خسارت یا مجازات کرد، نظرهای متفاوتی از سوی فقها و

۱. جراحت‌های وارد بر اعضای بدن.

حقوق دانان^۱ مطرح شده است و در این بین، برخی معتقد به ماهیت تلفیقی دیه هستند، یعنی دیه به طور کامل، مطابق جزای مالی است و نه خسارت مدنی، لذا دیه جنبه های مجازات و خسارت به خود می گیرد تا هم، مانع از ارتکاب قتل و جرح و اتلاف مال و جان دیگران شود و هم، ضررهای زیانی که به شاکی وارد شده است نیز جبران شود. درواقع دیدگاه تلفیقی نسبت به دو دیدگاه دیگر از قوت بیشتری برخوردار است.^۲

هر دو چهره جزایی و مدنی در ماهیت دیه به نوعی مشاهده است؛ اما در خصوص میزان دیه بیشتر فقهای امامیه و اهل سنت معتقدند دیه زن نصف دیه مرد است. به عنوان مثال صاحب جوهر در این زمینه می نویسد: از دیدگاه روایات، شکی در این باب که دیه زن نصف دیه مرد است، وجود ندارد و تفاوتی میان قتل عمد و شبه عمد یا خطای محض نیست، بلکه اجماع منقول و محصل بر این امر ثابت است (نجفی، بی تا، ج ۴۳: ۳۲). ماده ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی نیز به پیروی از فقه امامیه اعلام داشته است: «دیه قتل زن مسلمان، خواه عمدی خواه غیرعمدی، نصف دیه مرد مسلمان است» و در ماده ۳۰۱ همان قانون نیز تصریح شده: «دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد. در آن صورت، دیه زن نصف دیه مرد است.»

در روایتی از حضرت رضا(ع) در خصوص میزان دیه چنین بیان شده است:

والدية في النفس دينار عشرة آلاف درهم، أو مائة من الأبل، على حسب أهله ديه. إن كانوا من أهل العين ألف ديناراً وإن كانوا من أهل الورق فعشرة آلاف درهم وإن كانوا من أهل الإبل فمائة من الإبل؛ دية نفس هزار دينار یا ۱۰ هزار درهم یا ۱۰۰ شتر است که هرکس باید بر حسب آنچه که دارا است، بپردازد. اگر با طلا سروکار دارند هزار دينار، اگر اهل نقره هستند ۱۰ هزار درهم و چنانچه با شتر سروکار دارند ۱۰۰ شتر (نوری، ۱۴۰۸/ق ۱۹۸۸م: ۲۹۶).

۱. رک: قانون مجازات اسلامی در آیین آراء دیوان عالی کشور.

۲. رأی وحدت رویه شماره ۵۶۳- ۷۰/۳/۲۸ مندرج در مجموعه قوانین سال ۱۳۷۰: ۲۶۳.

نباید از نظر دور داشت، با توجه به اینکه محور و بنای اصلی این مقاله بر بیان حمایت‌های مالی اسلام از زنان ترسیم شده، مسلماً دیه در معنای عامی را که در مقدمه بحث مطرح شد نمی‌توان به‌عنوان یکی از مصادیق حمایت‌های مالی از زنان دانست، با توجه به این نکته که جانی در بحث قتل خطایی یا شبه‌عمد مکلف به پرداخت دیه در قبال خانواده مقتول خواهد بود و نمی‌توان در آن منفعتی را برای مقتول در نظر گرفت، بنابراین ضروری است کمی این دایره محصورتر شده و تنها به بحث از دیه نقص عضو و جراحت وارده بر مجنی‌علیه بسنده کرد. همچنان‌که در مقدمه بحث مطرح شد، به اجماع فقهای شیعه و سنت، دیه زن نصف دیه مرد است؛^۱ اما دیه زن و مرد در کمتر از یک‌سوم (ثلث) با یکدیگر برابر است،^۲ یعنی اگر جراحت یا صدمه‌ای که بر مرد یا زن وارد شده است، کمتر از یک‌سوم دیه کامل باشد، دیه مرد و زن تفاوتی ندارد. مثلاً اگر کسی یک انگشت مرد یا زن را قطع کند، دیه آنها برابر خواهد بود، قطع دو و سه انگشت نیز چنین است. هر جراحت دیگری هم که دیه آن کمتر از یک‌سوم دیه کامل باشد، همین‌طور است. قول مشهور فقهای امامیه نیز بر این اصل استوار است که تا زمانی که دیه عضو یا جراحت به یک‌سوم کامل مرد نرسیده باشد، زن و مرد به‌طور مساوی در برابر یکدیگر قصاص می‌شوند.

امام خمینی^(ره) در این باره می‌فرماید:

زن و مرد در دیه اعضا و جراحت‌ها با هم مساویند، البته تا زمانی که جراحت زن به یک‌سوم نرسیده است. زیرا زمانی که جراحت به این حد رسید، زن در دیه و قصاص نصف مرد است.... و در اعضا و جراحت‌ها مرد به نفع زن و زن به نفع مرد قصاص می‌شود، بدون آنکه لازم باشد چیزی برگردانده شود تا زمانی که به یک‌سوم نرسد (۱۳۶۸، ج ۲: ۵۰۲).

۱. ماده ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی.

۲. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی.

نمونه دیگر از توجه به حفظ مصلحت اقتصادی زن در بحث از پرداخت دیه نقص عضو، در تفاوت دیه موی سر مرد و زن مشهود است.

کسی که از روی قصد یا به خاطر سهل انگاری و هر دلیل دیگری، کاری کند که موی سر مردی کنده شود یا بریزد، چنان که دیگر نروید، به نظر مشهور فقها باید دیه کامل بپردازد و اگر دوباره بروید، باید جریمه بپردازد (نجفی، بی تا، ج ۴۳: ۱۶۹-۱۷۲).

به نظر برخی از فقها اگر موی سر زنی به همان دلایل کنده شود یا بریزد، اگر پس از مدتی بروید، دیه آن به اندازه مهریه زنان همتای اوست و اگر هرگز نروید دیه آن کامل است یعنی هزار مثقال طلا (همان: ۱۷۴).

چنان که ملاحظه می شود، چون اهمیت موی سر زنان بیشتر است، دیه آن نیز در مورد زنان بیشتر است، از این رو اگر موی ریخته شده نروید، به نظر مشهور، دیه زن و مرد برابر است، ولی به نظر برخی از فقهای بزرگ، دیه مرد در این مورد ۱۰۰ دینار طلا است، در حالی که دیه زن هزار دینار طلاست. در هر صورت یا دیه آنها برابر است یا دیه زن ۱۰ برابر دیه مرد است و اگر موی ریخته شده بروید، دیه مرد جریمه (ارش) است، ولی دیه زن، یک مهریه کامل (چندین برابر دیه مرد) است. به علاوه بر اساس حقی که اسلام برای اولیای دم قرار داده، دختر در خانه پدر یا همسر در خانه شوهر می توانند بر اساس سهم ارث خود از دیه مطالبه کنند (همان).

مالکیت های حمایتی

۱. مهریه، عاملی در تعدیل روابط زوجین

مهریه یا صداق، یکی دیگر از امتیازهای در نظر گرفته شده برای زنان در نظام حقوقی اسلام است. در واقع فلسفه تعیین مهر از نگاه اسلام، تنها جنبه مادی و اقتصادی نبوده، بلکه بیان ابعاد معنوی و تربیتی لطیفی بر مبنای محبت و عشق در راستای تحکیم نظام خانواده است. رابطه مهر با تمکین زن را نمی توان با رابطه عوض و معوض، در قراردادهای مالی

قیاس کرد. درواقع تعیین مهریه برای زن، معامله و دادوستدی نیست که زن، فروشنده و مرد، خریدار باشد و هر کدام ملزم به رد و بدل در عوض و معوض باشند. زن در برابر دریافت مهریه، خود را نمی‌فروشد، بلکه با مرد پیمانی می‌بندد که اثر قهری آن، التزام مرد به پرداخت مهر و تکلیف زن به تمکین اوست. به همین جهت است که با فسخ و بطلان مهر، عقد نکاح از بین نمی‌رود و زن از انجام وظایفی که بر عهده اوست بری نخواهد شد. درواقع تعیین مهریه در امر نکاح، تدبیری ماهرانه است که در متن خلقت و آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها با یکدیگر به کار رفته است (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۸۳).

در نظر فقهای امامیه، مهر آن چیزی است که به ملکیت درمی‌آید، اگرچه کم باشد. البته آن چیز باید مالیت داشته باشد، خواه عین باشد یا منفعت (شهیدثانی، بی تا: ۸۶). با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت فقها اتفاق نظر دارند که عین یا منفعت، می‌تواند موضوع مهر قرار داده شود، اما در خصوص اینکه آیا می‌توان حقوق قابل انتقال و دارای ارزش مالی را نیز به عنوان مهریه تعیین کرد، اختلاف نظر دارند.

برخی بر این عقیده‌اند که روایت «مَا تَرَاضَى عَلَيْهِ النَّاسُ» به عنوان یکی از مستندها در خصوص اثبات مهریه،^۱ عام است، بنابراین، شامل حقوق نیز می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵ق: ۲۵۵). برخی دیگر بر این نظر اشکال گرفته و معتقدند «مَا تَرَاضَى عَلَيْهِ النَّاسُ» از نظر قلت و کثرت مورد نظر است، نه از این جهت که هر چه را بخواهند می‌توانند به عنوان مهریه قرار دهند (نجفی، بی تا: ۵۴۵).

درواقع روایت بر این دلالت دارد: «مَا تَرَاضَى عَلَيْهِ النَّاسُ مِنْ كَثِيرٍ أَوْ قَلِيلٍ». لذا با وجود قرینه کثیر و قلیل، فهمیده می‌شود که مراد از آن مال است نه حق. بنابراین، مهر باید مال باشد. اما آن مال، از نظر قلت و کثرت به رضایت و توافق طرفین برمی‌گردد (انصاری، ۱۴۱۵ق: ۲۵۵؛ موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۶۵).

۱. «الْصِّدَاقُ مَا تَرَاضِيَا عَلَيْهِ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ فَهُوَ الصِّدَاقُ؛ مهریه آن است که بر آن تراضی کنند چه کم چه زیاد، پس آن مهر است» (کلینی، ۱۳۷۵).

اما قانون مدنی ایران تعریفی از مهریه ارائه نداده است. ولی در کتاب‌های حقوقی، مهریه، توافق مالی زن و مرد، در نکاح دائم و موقت تعریف شده که ایجاد حق برای زوجه و تکلیف برای زوج در تأدیه و پرداخت آن می‌کند، با توجه به این نکته که مهریه عندالمطالبه است (زمانی درمزاری، ۱۳۸۷: ۷۹).

به هر حال به تجویز ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی، هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک باشد می‌توان به عنوان مهریه قرار داد. البته لازم است مهریه برای طرفین معلوم و معین باشد. تعیین آن به تراضی طرفین بوده و ممکن است اختیار تعیین مهریه به شخص سوم، شوهر یا زن داده شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

در ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی آمده است: «مهریه عبارت است از مالی که به مناسبت عقد نکاح، مرد ملزم به دادن آن به زن است.»

الزام مربوط به تملیک مهر، ناشی از حکم قانون است و ریشه قراردادی ندارد. به همین جهت، سکوت دو طرف در عقد و حتی توافق بر اینکه زن مستحق مهر نباشد، نمی‌تواند تکلیف مرد را در این زمینه از بین ببرد. درست است که انعقاد نکاح به تراضی طرفین است ولی آثار آن را زن و شوهر به وجود نمی‌آورند. همین که زن و مرد، با پیوند زناشویی موافقت کردند، در وضع ویژه‌ای قرار می‌گیرند که به ناچار آثار و نتایج آن را متحمل می‌شوند. بنابراین مهریه نوعی الزام قانونی است که بر مرد تحمیل می‌شود و فقط زوجین می‌توانند هنگام بستن عقد یا پس از آن، مقدار مهریه را به تراضی معین سازند.

در قانون مدنی به تأسی از فقه شیعه از چهار نوع مهر نام برده شده است:

۱. مهرالمسمی؛ میزان این مهریه هنگام عقد نکاح معین بوده و از آن نام برده شده یا اینکه تعیین آن به عهده شخص سومی نهاده شده است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۶: ۷۰۲).
۲. مهرالسنه؛ در لعمه در خصوص مهرالسنه آمده است: اگر مرد، زن را به کتاب خدا و سنت پیامبر^(ص) تزویج کند، مهریه او ۵۰۰ درهم بوده که قیمت آن متناسب با ۵۰ دینار تعیین شده است (شهید اول، ۱۳۶۹: ۲۷۷).

ساختار حمایت‌های مالی از زنان در ... ❖ ۲۱۳

همچنین از حضرت رضا^(ع) روایتی وارد شده که هنگام ازدواج تلاش کنید مهریه از مهرالسنه تجاوز نکند و آن ۵۰۰ درهم است. پس رسول خدا^(ص) به همین مهریه دیگران را به نکاح درمی‌آوردند و خود نیز با همین مهریه با زنانشان ازدواج کردند (محدث‌نوری، ۱۴۲۰ق: ۶۲).

۳. مهرالمتعه؛ در ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی آمده است: هر گاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی، زن خود را طلاق دهد، او مستحق مهرالمتعه است و اگر بعد از آن طلاق دهد، مستحق مهرالمثل خواهد بود.

۴. مهرالمثل: مقصود مهری است که به موجب قرارداد تعیین نشده، بلکه بر حسب عرف عادی و با توجه به وضع زن از لحاظ سن، زیبایی، تحصیلات، موقعیت خانوادگی و اجتماعی و با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان معین می‌شود. ماده ۱۰۹۱ قانون مدنی در این خصوص مقرر داشته است: «برای تعیین مهرالمثل باید حال زن، حیثیت، شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال، اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و... در نظر گرفته شود.»

به هر حال مهریه نیز همچون سایر مباحث حقوقی در نهاد حقوقی اسلام، مستند به آیاتی از قرآن کریم و روایت‌های اهل بیت^(ع) است که این مسئله به عنوان راهنمای قانون‌گذار در امر تقنین موجب ثبات و ضابطه‌مند بودن این ساختار حقوقی است.

ازجمله مستندهای قرآنی در خصوص مهریه می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَتُعْوَظُهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ؛ اگر زنان را مادامی‌که با آنان نزدیکی نکرده و بر ایشان مهری [نیز] معین نکرده‌اید طلاق گویید، بر شما گناهی نیست و آنان را به‌طور پسندیده به‌نوعی بهره‌مند کنید، توانگر به اندازه [توان] خود و تنگدست به اندازه [وسع] خود [این کاری است] شایسته نیکوکاران (بقره/ ۲۳۶).

«وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا؛ و مهر زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند آن را حلال و گوارا بخورید» (نسا/ ۴).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُبُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِيَنْدُحِبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان به در] برید مگر آنکه مرتکب زشت کاری آشکاری شوند و با آنها به شایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوشتان نیامد پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد (نسا/ ۱۹).

درواقع در قرآن کریم به صراحت به لفظ مهریه اشاره نشده است، اما مترادف واژه مهریه در آیات مذکور بیان شده که می‌توان این آیات را مهم‌ترین مبنای اثبات مهر در نکاح دانست. به عنوان مثال در تفسیر آیه چهارم سوره نساء بر این نکته تأکید شده که مهرهای زنان را به عنوان عطیه‌ای از جانب خداوند به آنان پردازید، چرا که خداوند متعال استمتاع را بین زن و مرد مشترک قرار داد و پس از آن برای زن در مقابل استمتاعی که از وی می‌شود مهری را به عهده زوج نهاده است، بنابراین، مهر، عطیه‌ای از جانب خداوند برای زنان محسوب می‌شود (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ۲۶۲).

درواقع آیات قرآنی تصریح شده در خصوص مهریه، تأکیدی بر این است که مهریه، حق مالی زن بوده و مردان را از اعمال رفتار خشونت‌آمیز نسبت به زنان که منجر به بخشیدن مهر از سوی آنان شود نهی کرده است.

علاوه بر آیات مذکور، روایت‌های زیادی نیز در بیان وجوب، میزان و نوع مهریه و زمان پرداخت آن بیان شده است، به نوعی که تأثیر این روایت‌ها در منابع قانونی چون قانون مدنی کاملاً مشهود است، به عنوان مثال در ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی، تعیین مهر منوط به تراضی

❖ ۲۱۵ ساختار حمایت‌های مالی از زنان در ... ❖

طرفین بیان شده و این مطلب در روایتی از امام محمدباقر^(ع) نیز مشهود است: «صداق، همان مقدار کم یا زیادی است که دو طرف بر آن سازش کنند» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۶). در روایت دیگری از امام صادق^(ع) درباره مردی سؤال شد که صداق همسرش را کمتر از زنان دیگر تعیین کرده است، ایشان فرمودند: «صداق او همانند مهر زنان همسانش خواهد بود» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ح ۱۱: ۳۵۶).

با دقت در این روایت پی می‌بریم که مقصود حضرت از عبارت «مهر زنان همسانش»، مهرالمثل بوده است.

همچنین روایت‌هایی از امام رضا^(ع) در زمینه مهریه بیان شده که برخی از آنها به علت وضع حکم مهریه و بعضی نیز به جهت اجتماعی حکم مهریه توجه داشته است (فضل‌الله، ۱۳۸۷: ۲۵۶).

در خصوص وجوب مهریه، روایتی از امام هشتم^(ع) در عیون اخبار الرضا^(ع) و علل الشرایع تحت این مضمون بیان شده است: «علت اینکه مهر بر مردان واجب شده این است که پرداخت هزینه‌های زن با مرد است. به درستی که زن نفس خود را می‌فروشد و مرد مشتری است و همانا بیع صورت نمی‌پذیرد، مگر با پرداخت ثمن» (صدوق، ۱۳۷۸: ۱۸۸). درواقع مقصود امام^(ع) این بوده که عقد ازدواج، نوعی معامله است که طرفین، محبت و عشق را در آن مبادله می‌کنند و تفسیر زن و مرد به فروشنده و مشتری، تشبیه معقولی است. درواقع مرد با قبول مهریه برای زن و اهدا به او، صداقت و وفاداری خود را به زن ابراز می‌کند. غالب روایت‌هایی که از حضرت رضا^(ع) پیرامون مهریه بیان شده، پاسخ ایشان به سؤال‌هایی است که در این زمینه پرسیده شده و با کمی دقت پی می‌بریم که پاسخ‌های ایشان با نوع حکم هماهنگ است. به عنوان مثال در روایت دیگری فرمودند:

خداوند عزوجل بر خود واجب ساخته است که هر مؤمنی ۱۰۰ بار الله‌کبر، ۱۰۰ بار سبحان‌الله، ۱۰۰ بار الحمدلله، ۱۰۰ بار لا اله الا الله و ۱۰۰ بار صلوات بر پیامبر^(ص) بگوید و «اللهم زوّجنی من الحُورِ العین» بر زبان آورد، زمینه ازدواج او را

فراهم می‌کند. از این رو سنت است که مهریه زنان ۵۰۰ درهم باشد و هر مؤمنی از برادر ایمانی خود زنی را با صدق ۵۰۰ درهم خواستگاری کند و اگر او نپذیرد، با او بد رفتاری و نامهربانی کرده است (همان).

این توجیه زیبایی از میزان مهر بر حسب سنت است، همان چیزی که حل مشکل نیازمندان بسته به آن است. همچنین این حدیث، عمل زشت کسی را که از وی زنی با صدق ۵۰۰ درهم خواستگاری می‌شود و نمی‌پذیرد، به عقوبت تعبیر کرده که عبارت از حقیر شمردن مؤمن و ترک مهربانی و خوش رفتاری با اوست (فضل‌الله، ۱۳۸۷: ۲۵۹).

۲. نفقه، راهکار حمایت مالی از زنان در حقوق خانواده

به استناد ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی، از جمله حقوقی که با انعقاد نکاح دائم برای زن در نظر گرفته شده، حق دریافت نفقه از شوهر است. فصل هشتم از باب اول هفتم جلد دوم قانون مدنی، به حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر اختصاص یافته است. مطابق با ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی، همین که نکاح به طور صحیح واقع شود، رابطه زوجیت بین طرفین ایجاد و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می‌شود. نفقه در لغت به معنی آنچه صرف هزینه عیال و اولاد کنند، هزینه زندگی زن و فرزندان، روزی و مایحتاج معاش آمده است (دهخدا، ۱۳۴۷: ۶۷۳).

در اصطلاح فقه، مفهوم نفقه جدا از مفهوم لغوی آن نیست و بر مالی اطلاق می‌شود که انسان موظف است در زندگی خود خرج کند و در دو دسته قابل تقسیم‌بندی است: ۱. نفقه‌ای که واجب است انسان برای ادامه زندگی خود برای خود خرج کند که اصطلاحاً به آن «نفقه لنفسه» گفته می‌شود؛ ۲. نفقه‌ای که واجب است برای دیگران خرج شود که از آن تعبیر «نفقه لغيره» شده و اسباب وجوب آن شامل قرابت، ملکیت و ازدواج است (فراهیدی، ۱۴۰۵ ق، ج ۵: ۱۷۷).

اما بر مبنای قانون مدنی، نفقه عبارت از: همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن است که حصری ندارد، چنانچه ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی مقرر داشته: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض.» بنابراین تعبیر قانون مدنی از نفقه بسیار گسترده است و مهم‌ترین مسئله در رابطه با نفقه زوجه، اجزاء و مصادیق آن است. بسیاری از فقهای امامیه اعتقاد دارند مقدار لازم برای نفقه زوجه عبارت از: هر چیزی است که زن به آن نیاز دارد، یعنی نفقه شرعاً اندازه‌ای ندارد، بلکه قاعده این است که مرد به آنچه زن احتیاج دارد قیام کند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۵۶۱).

با توجه به چنین تعریف مطلق از نفقه، با این سؤال روبرو خواهیم بود که آیا مرد موظف است برای زن خدمتکار بگیرد یا نه؟ بنابر نظر مشهور فقها، در این خصوص باید به موقعیت زن توجه کرد. اگر او عادت به داشتن خادم دارد، مرد هم موظف است برای او خدمتکاری استخدام کند. همچنان که محقق حلی چنین حکمی داده است: «در مورد خادم گرفتن، عادت زن ملاک است. اگر از زنانی بوده که خادم دارند، خادم گرفتن بر مرد واجب است» (۱۴۱۷ق: ۲۴۹).

دلیل این گروه هم مفهوم و دلالت معاشرت به معروف است که قرآن کریم به آن امر فرموده است. درواقع حق نفقه زوجه ازجمله حقوقی است که قرآن^۱ به دلیل اهمیت ویژه‌ای

۱. الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأْضَرُّوهُنَّ فَإِنَّ أَطْعَمَكُمُ فَلَا تُبْغُوا عَلَيْنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا؛ مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند. پس زنان درستکار فرمان‌بردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تأثیر نکرد] آنان را ترک کنید. پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید که خدا، والای بزرگ است (نسا/ ۳۴).

❖ که برای زن قائل است آنرا مانند سایر احکام کلی و مسائل اساسی و اعتقادی اسلام در زمره نصوصی قرار داده که از زبان وحی مطرح می‌شود. مؤید آیات نیز روایت‌های صریحی است که مصادیق نفقه را ذکر می‌کنند و فقها در این موارد اتفاق نظر دارند. به عنوان مثال حلبی می‌گوید از امام صادق (ع) پرسیدیم: «مَنْ الَّذِي أُجْبِرُ عَلَى نَفَقَتِهِ؟» چه کسانی واجب‌النفقة هستند؟ حضرت فرمودند: «الْوَالِدَانِ وَالْوَلَدُ وَالزَّوْجَةُ وَالْوَارِثُ الصَّغِيرُ؛ پدر و مادر، فرزندان همسر و وارث صغیر»^۱ (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ح ۹: ۵۱۱).

وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيُعْلِنُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ * وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَتَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا أَنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ * وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْتِمَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تَضَارُّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ و زنان طلاق داده شده باید مدت سه پاکی انتظار کشند و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند برای آنان روا نیست که آنچه را خداوند در رحم آنان آفریده پوشیده دارند و شوهرانشان اگر سرآشتی دارند به بازآوردن آنان در این [مدت] سزاوارترند و مانند همان [وظایفی] که بر عهده زنان است به طور شایسته به نفع آنان [بر عهده مردان] است و مردان بر آنان درجه برتری دارند و خداوند، توانا و حکیم است * و چون آنان را طلاق گفتید و به پایان عده خویش رسیدند، پس به خوبی نگاهشان دارید یا به خوبی آزادشان کنید [والی] آنان را برای [آزار و] زیان رساندن [به ایشان] نگاه ندارید تا [به حقوقشان] تعدی کنید و هر کس چنین کند قطعاً بر خود ستم کرده است و آیات خدا را به ریشخند مگیرید و نعمت خدا را بر خود و آنچه را که از کتاب و حکمت بر شما نازل کرده و به [وسیله] آن به شما اندرز می‌دهد به یاد آورید و از خدا پروا داشته باشید و بدانید که خدا به هر چیزی داناست * و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و خوراک و پوشاک آنان [=مادران] به طور شایسته بر عهده پدر است. هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند و هیچ پدری [نیز] نباید به خاطر فرزندش [ضرر ببیند] و مانند همین [احکام] بر عهده وارث [نیز] هست، پس اگر [پدر و مادر] بخواهند با رضایت و صوابدید یکدیگر کودک را [زودتر] از شیر بازگیرند گناهی بر آن دو نیست و اگر خواستید برای فرزندان خود دایه بگیرید بر شما گناهی نیست، به

❖ ۲۱۹ ساختار حمایت‌های مالی از زنان در ...

در روایتی از امام محمدباقر^(ع) اندازه نفقه عیال «تکفیهم فی جمیع ما یحتاجون الیه»، به معنای کفایت در تمام چیزهایی که افراد واجب‌النفقه به آن محتاج هستند ذکر شده است (همان، ج ۱۵: ۲۵۰).

در روایت دیگری از امام صادق^(ع)، از «إِمْسَاکَ بِمَعْرُوفٍ» به «کَفَالِ الْأَذَى وَاحِیَاءِ النَّفَقَةِ» یعنی اذیت نکردن زنان و پرداخت نفقه تعبیر شده است (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ر ۱۳: ۲۲۶). ازجمله روایت‌های دیگر در خصوص ماهیت نفقه می‌توان به روایت‌هایی از امام رضا^(ع) اشاره داشت. به‌عنوان مثال علی‌بن‌شعیب می‌گوید: به محضر امام هشتم^(ع) شرفیاب شدم. فرمودند: چه کسی بهتر از تمام مردم، معاش و زندگی نیکویی دارد؟ عرض کردم: شما داناترید. فرمودند: کسی که دیگران در معاش او به‌خوبی معیشت کنند و در پرتو زندگی او، مرفه زندگی کنند (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۴۸).

شرط آنکه چیزی را که پرداخت آن را به عهده گرفته‌اید به‌طور شایسته بپردازید و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست (بقره/ ۲۲۸، ۲۳۱ و ۲۳۳).
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ أَعْدَتَهُنَّ وَأَحْضُوا أَلْعَدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُخْدِتُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ۖ أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِيُضْيِقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلًا فَلَا تَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَآمِرُوا بِبَيْنِكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسَتَرْضِعْ لَهُ أُخْرَى؛ ای پیامبر چون زنان را طلاق گوئید در [زمان‌بندی] عده آنان طلاقشان گوئید و حساب آن عده را نگه دارید و از خدا، پروردگارتان بترسید. آنان را از خانه‌هایشان بیرون نکنید و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند. این است احکام الهی و هر کس از مقررات خدا [پای] فراتر نهد قطعاً به خودش ستم کرده است. نمی‌دانی شاید خدا پس از این پیشامدی پدید آورد ۖ همانجا که [خود] سکونت دارید به‌قدر استطاعت خویش آنان را جای دهید و به آنها آسیب [و زیان] مرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ کنید و اگر باردارند خرجشان را بدهید تا وضع حمل کنند و اگر برای شما [بچه] شیر می‌دهند مزدشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود به مشورت بپردازید و اگر کارتان [در این مورد] با هم به دشواری کشید [زن] دیگری [بچه را] شیر دهد [طلاق/ ۱ و ۶].

۱. مقصود از وارث صغیر این است که پدر و مادر ارث می‌برند، اولاد هم ارث می‌برند و زوجه هم ارث می‌برد. اگر یکی از ورثه مرده باشد، صغیر او ارث می‌برد در حالی که ارث نمی‌برد، پس چه کنیم روایت را حمل می‌کنیم بر استحباب (درس خارج فقه آیت‌الله مظاهری، النکاح، ۱۳۹۲/۲/۳۴).

همچنین در روایت دیگری از ایشان بر این نکته تصریح شده که هر کس باید به مقدار توانش برای اهل منزل خود انفاق و خرج کند (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱: ۵۴۰). این تعبیر امام^(ع)، دلیلی بر وجوب نفقه^۴ زوجه است. با دقت در روایت‌های امام رضا^(ع) می‌توان ادعا کرد تأمین رفاه خانواده و به‌ویژه زوجه و وجوب توسعه انفاق، از مواردی بوده که به‌صراحت در این احادیث مورد تأکید قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

در نظام حقوقی اسلام، حمایت از حقوق زنان به شکلی است که رعایت دقیق حقوق معنوی مورد توجه بوده و اصول حاکم بر نظام خانواده و نظام جمعی لحاظ شده است. در راستای تأمین اهداف مذکور و همچنین گسترش حمایت از زنان، بر مبنای فقه و حقوق، چارچوب حمایتی ویژه‌ای در قالب ساختار نظام مالکیت اصلی و بالذات، تبعی و حمایتی در نظر گرفته شده است. در ارزیابی نهایی بر اساس این نظام حمایتی مالی می‌توان چنین نتیجه گرفت که می‌آید:

۱. به استناد آیه «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ...» (نسا/ ۳۲) و روایت‌های وارد در این زمینه، از نظر شرع مقدس اسلام منعی بر اشتغال زنان وارد نشده و ایشان بدون هیچ قید و شرطی مالک درآمد خود هستند. البته این جواز منوط به حفظ شأن زن و رعایت مصالح خانواده است.^۱

۲. در حقوق اسلام حتی در موارد تفاوت فرض زن با مرد و نصف بودن سهم زن از ارثیه که مستند به آیات قرآن کریم و روایت‌های معصومان^(ع) است، راه‌های فرعی برای بهره‌مندی مساوی یا بیشتر زن از ترکه باز است. به‌عنوان مثال تساوی ارث کالاه مادری، تساوی ارث پدر و مادر میت در صورتی که میت دارای فرزند باشد و تعلق سهم بیشتر به

۱. ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافعی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود زن باشد، منع کند.»

دختر در صورتی که میت غیر از پدر و دختر، وارث دیگری نداشته باشد. علاوه بر موارد مذکور، پدر و شوهر می‌توانند از راه وصیت تا مرز ثلث ترکه خود را به سود دختر یا همسر خود وصیت کنند یا زن، هنگام عقد ازدواج، به‌عنوان شرایط ضمن عقد، برخی امتیازهای مالی را برای خود شرط کند.

۳. اگرچه در بحث از دیه مشخص شد که نمی‌توان دیه مطرح در قتل خطای محض و شبه‌عمد را با توجه به تعلق آن به خانواده مقتول در زمره حمایت‌های مالی در نظر گرفته شده در اسلام برای زنان دانست، اما با کمی دقت نظر در بحث از دیه نقص عضو و جراحات‌های وارده می‌توان به توجه و رعایت مصلحت اقتصادی زن از سوی شارع پی برد، چنانچه قول مشهور فقهای امامیه نیز بر این اصل استوار است که زن و مرد در دیه اعضا و جراحات‌ها با هم مساویند، البته تا زمانی که جراحت زن به یک‌سوم نرسیده باشد. همین‌طور از باب اهمیت جنبه زیبایی برای زنان، در خصوص ایجاد نقص و صدمه به موی سر، برای زن نسبت به مرد، دیه بیشتری در نظر گرفته شده است، چنانچه اگر موی ریخته شده، نروید دیه مرد ۱۰۰ دینار طلا و دیه زن هزار دینار است و در صورت رویش مجدد مو، برای مرد، ارش و برای زن معادل مهریه کامل (چندین برابر دیه مرد) در نظر گرفته می‌شود.

۴. مهریه از نظر اسلام، هدیه به زن است که باعث بقای خانواده و مانع از فروپاشی آن است. مهریه باعث تعادل اقتصادی است. هر چند از نظر اسلام، زن، دارای استقلال مالی و اقتصادی است، ولی به‌طور معمول در جوامع، ابتکار عمل به‌دست مردان است، در صورت طلاق و جدایی، احتمال اینکه زن بدون پشتوانه اقتصادی بماند، بسیار زیاد است. مهریه، نوعی احساس امنیت اقتصادی و پشتوانه‌ای برای زن است. به هر حال مهریه از نظر اسلام تنها جنبه مادی ندارد، بلکه افزون بر آن، حکمت‌های دیگری نیز در تعیین مهریه نهفته است و روایت‌هایی نیز که از امام رضا^(ع) در خصوص مهریه، بیان شد مؤید این مطلب بوده و تمامی ابعاد و جنبه‌های اجتماعی، مالی و حقوقی مهریه از این روایت‌ها قابل برداشت است.

۵. نفقهٔ زوجه، جزء اموری است که طبق آیات قرآن و روایت‌های مؤید آن، به‌عنوان یکی از حقوق مسلم زن بر عهدهٔ مرد گذاشته شده است. زوجه به شرطی که در عقد دائم باشد و از مرد تمکین کند مستحق دریافت نفقه خواهد بود، اهمیت نفقه تا حدی است که گاهی حتی بعد از طلاق و در مدت عده نیز پرداخت آن به عهدهٔ مرد باقی می‌ماند. مرد موظف است با توجه به حال خود و در حد توان، نفقهٔ زوجه را که شامل تمام نیازمندی‌های او از قبیل انواع خوراک، لوازم زندگی، پوشاک، هزینهٔ دارو و درمان، خدمه، آرایش و زینت می‌شود، طبق حال او و عرف جامعه بپردازد، چنانچه حضرت رضا^(ع) بر به‌کار بستن تمام تلاش زوج برای رفع نیازهای زن تصریح کردند. با توجه به این نکته که عرف هر جامعه با در نظر گرفتن زمان و مکان ممکن است بسیار متفاوت باشد، بنابراین به‌نظر می‌رسد اصلاح مادهٔ ۱۱۰۷ قانون مدنی به شرح زیر راهکار مثبت و متقنی برای ثبات خانواده خواهد بود:

نفقه، عبارت است از: همهٔ نیازهای زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی، خادم و هر آنچه که برای تأمین رفاه زن در خانواده لازم است. زوج مکلف است تمام تلاش خود را برای تهیهٔ آنها به‌کار بندد، بدیهی است ملاک برای اطمینان از اینکه زوج تمام تلاش خود را به‌کار گرفته است یا خیر، عرف است.

منابع و مأخذ

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ق). *کتاب النکاح*. بی جا: مکتبه الفقیه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۶). *ترمیولوجی حقوق*. تهران: گنج دانش.
- حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۴۱۲ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: آل البيت المشرفه لاحیاء التراث.
- حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۷ق). *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*. قم: اسلامی.
- خویی، ابوالقاسم، (بی تا). *تکمله المنهاج*. قم: نشر آثار امام خویی.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۷). *لغت نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴ق). *المفردات فی غریب القرآن*. تهران: کتاب.
- رشیدرضا، محمد، (۱۴۱۶ق). *تفسیر المنار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- زمانی درمزاری، محمدرضا، (۱۳۸۷). *حقوق خانواده*. تهران: نگاه بینه.
- شهیداول، شمس الدین محمدبن مکی، (۱۳۶۹). *اللمعه الدمشقیه*. مترجم علیرضا فیض، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

❖ ۲۲۴ فرهنگ رضوی

- شهیدثانی، زین‌الدین بن علی، (بی‌تا). **الروضه البهیة فی شرح اللمعة**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی، (۱۳۶۹). **من لا یحضره الفقیه**. تهران: صدوق.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی، (۱۳۷۸). **عیون اخبار الرضا^(ع)**. مصحح علی‌اکبر غفاری، بی‌جا: جهان.
- طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۷۲). **المیزان فی تفسیر القرآن**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن علی، (۱۴۰۶ق). **مجمع البیان**. تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی، (۱۳۴۳). **النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فراهیدی، ابی عبدالرحمان خلیل بن احمد، (۱۴۰۵ق). **کتاب العین**. قم: دارالهجره.
- فضل‌الله، محمدجواد، (۱۳۸۷). **تحلیلی از زندگانی امام رضا^(ع)**. مترجم محمد عارف، مشهد: آستان قدس رضوی.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷). **قانون مدنی در نظم حقوق کنونی**. تهران: میزان.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۵)، **اصول کافی**. مترجم محمدباقر کمره‌ای، قم: اسوه.
- محدث‌نوری، میرزا حسین، (۱۴۲۰ق). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**. قم: آل‌البيت^(ع).
- محقق‌حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۳ق). **شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام**. بیروت: دارالاضواء.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵). **نظام حقوق زن در اسلام**. تهران: صدرا.
- موسوی‌بجنوردی، محمد، (بی‌تا). **قواعد فقهیه**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ره).
- موسوی‌خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۸). **تحریر الوسیله**. قم: اسلامی.
- نجفی، محمدحسن، (بی‌تا). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**. الطبعه الثالثه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق/۱۹۸۷م). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**. بیروت: آل‌البيت لاحیاء التراث.

The Structure of the Financial Support of Women in the Legal System of Islam {with Focused on Traditions from Imam Reza(AS)}

Mansoor Fasih Ramandi: Member of the Scientific Board of the Institute for Culture, Art and Communication (PHD Student, Department of Private Law, Kharazmi University)

Abstract

Islam by clarifying the true image of women and removing the illusions and superstitions, recognized the right to Property for Women for managing her. It can be said in the Islamic Legal system, the women not only has a financial independence, But also they have the property right in three assume ownership such as main property , subordinated property and Protection property. In fact, in the Islamic Legal system, at the result of recognition of financial independence such as inheritance, Wergild, a dowry and alimony for women, they can enjoy economic security.

This protection is Unlike the property right of the husband, that on the base of it, the other members of family Like the children, wife and parents in use, can enjoy commonly for his property And even with the imposition of criminal enforcement for him, they have right to claim their demands from the financial revenues of his property remained untouched. This article examines the inheritance, dowry, alimony of women and divides these rights to three property structures according to verses and ahadith with focused on traditions from Imam Reza(AS)

Key words: Law, Women`s right, The Financial Rights, Islamic Rights, Property.

The Comparison of Imam Reza's(P.B.U.H.) Efforts to Struggle Along the Ways of the Prophets

Masumeh Roodi: M.A. in Philosophy and Islamic Wisdom, Ferdowsi University of Mashhad

Morteza Husseini Shahroodi: Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

In this study the versatility of Imam Reza and the prophets' combating higher ideals were pursued. All the prophets have fought against four principals: evil, ignorance, superstition, and injustice. This study found that Imam Reza's ways of pursued were precisely the same.

Enduring works in Publishing of religious books, denouncing the monarchy of Ma'mun and Haron and proposing solutions for releasing imprisoned Shiite believers, are Imam Reza's efforts against tyranny. He also struggled with Ma'mun in several other occasions such as: refusing to accept the crown and dictating sever terms in order to accept it; participating in debates and prayers(Fetr and asking for rain) while renouncing different statecrafts.

Imam's uncovering injustices of Harun and Ma'mun, efforts to release innocent Shiite prisoners, and dictating specific conditions in the term for accepting the crown were examples for his struggles against injustice.

Attending debates, establishing religious schools, and publishing Islamic books are among Imam Reza's efforts against ignorance and backwardness.

Presenting conceptual argumentations against Jesus deification and the prophet Mohammed's families' worship by some people(Ghalian) are among Imam Reza's fights against superstitions.

Key words: Fight, Ignorance, Superstition, Evil, Justice

Analysis of Verbal Rewards of the Words of Imam Reza and Imam Sajjad (P.B.U.H.)

Moustafa Esfandiari (faqih): Razavi University of mashhad

Hassan Abdullahi: Ferdowsi University of Mashhad

Alireza naderian laeen: PhD Students Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

Word of the infallible Imams (AS) along with the meanings of human high that the spirit is high and Islamic thought. Full of beautiful and thought-provoking words and combinations that are usually polished soul and search In the words of the elders of the eloquent words of delicacies is necessary . It elaborated on the importance of their tasks and in the study of verbal rewards of balance in the words of Imam Reza (AS) and Imam Sajjad (AS) escorting we have the ability to detect His audience. His eloquent words of the honorable Vnsayh and principles of Islam and moral values in a speech filled with rhetorical images of verbal expression of the industry such as: pun, rime, etc. are used, Add depth to the meaning and effect of his words, and it will intensify the effect of beauty . Without particle situations of deep religious meaning reduced.

In this paper, descriptive, and analytical writing situations with the use of library resources. Examples going to balance the rewards of verbal speech, the Imam (AS) in the meaning of the sublime and unique combinations Innovative industries located in the coverage and the nature of their attractive Kingdom raised for everyone.

Keywords:Imam Reza (AS), Imam Sajjad (AS), rhyme, pun, rhetorical skills, verbal advantages

Content and Structural Design for Virtual Pilgrimage Portal of Shia Holy Shrines

Moslem Alimahdi (Corresponding Author): PH.D Student of Media Management, Imam Reza University, Mashhad

Mahdi Montazerghaem: Assistant Professor of Social Communication Science, Tehran university

Abstract:

Nowadays, with the growth of the new communication technologies such as Internet, many people respond to some of their needs like religious needs by this media tool. One of these religious needs, that used by muslims and particularly by Shia, is pilgrimage. 'Shia holy shrine virtual pilgrimage' needs to design special services in the internet. So the purpose of this article is study of internet sites with religious-pilgrimage subject to design the virtual pilgrimage portal of shia holy shrine in content and structural dimensions. Hence 23 religious-pilgrimage internet sites chosen selectively and were studied with qualitative content analysis method. Results show that there are 89 content and structure dimensions in religious-pilgrimage internet sites. These dimensions include 21 structural and 69 content dimensions that classified in 12 categories. These categories include: 1. Pilgrimage, 2. Interactions with site, 3. Providing service to the shrine, 4. More acquaintance, 5. Media, 6. Notification, 7. Pilgrimage groups, 8. Time and programs management, 9. Education and research, 10. Softwares, 11. Business, and 12. Structural factors. According to these dimensions, two content and structure models are introduced and, after repeatedly reviewing of the sites structures and locations of services in the studied sites, we have proposed three structural model for 'Shia holy shrine virtual pilgrimage portal', that include: 1. Preface page, 2. Home page, and 3. Site map.

Keywords: Pilgrimage, Virtual Pilgrimage, Qualitative Content Analysis, Portal, Holy Shrines

Ali ibn Musa al-Reza(P.B.U.H.) and Islamic Lifestyle in Social Relations

Seyed Hassan Qorayshi Karin: Assistance Professor and Faculty Member of the History Department of Payam-e Noor University, Qom Branch, Iran;

Hamid Fazel Qane: Graduated from Qom Seminary and M.S. in Sociology;

Arman Foruhi: M.S. in History of Islam, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Abstract

Lifestyle is a collection of behaviors and action patterns of people which cover the normative and semantic dimensions of one's social life. Since religious teachings affect the formation and establishment of social beliefs, values and norms, it can be said that the recognized behavioral patterns in a social group are considerably influenced by the religious teachings and role models introduced by the religion. The apparent manifestation of the lifestyle can be sought in the realm of social relations; for Islam, the best behavioral pattern is the lifestyle of the Holy Prophet of Islam (PBUH) and his Ahl al-Bayt. In this view, regarding his special social status, both the behavior and speeches of Imam Ridha (AS) are investigated by this paper. Imam Ridha's (AS) era has been given more attention because of its influence on Iranians' life and also due to the fact that the Holy Shrine of Imam Ridha (AS) is located in Iran; hence, benchmarking his lifestyle would be hugely beneficial thanks to the existing spiritual connection. Using the desk study and analytical-descriptive methods, this paper tries to answer the question that how Imam Ridha (AS) used to act in adornment, cooperation, moralization, cultural interaction in the theoretical and practical spheres?

Keywords: Lifestyle, Imam Ridha (AS), Islam, Social Relations, Behavior Pattern

The Scientific and Ethical Principles of Imam Reza's (P.B.U.H.) Debates

Fariba Rezazadeh: PhD Candidate in Quran and Hadith Sciences,
University of Mazandaran, Mazandaran, Iran;

Alireza Farsinejad: Faculty Member of Theology School of University of
Shiraz, Shiraz, Iran.

Abstract

As a tradition with a special status in the Islamic culture, debate entails certain principles¹ and basics which must be learnt and observed for being successful in this issue. These principles can be divided into two scientific and ethical classes: scientific principles refer to those skills and sciences with which a debater needs to be provided before starting a debate; as these skills and sciences may help him/her to embark on an effective and successful debate. However, being provided with merely the necessary knowledge and meeting the technical requirements are not enough to be successful in a debate; and the ethics also need to be respected by the debater for being able to affect the opposing party or presumably the audience.

This study has tried to elicit and analyze the most practical scientific and ethical principles used by Imam Ridha (AS) in his debates while acknowledging the necessity of observing the scientific and ethical principles in a debate and in response to the question that is there any suitable model to pursue in this regard?.

In this regard and with the aim of proposing a practical model, the most important principles that the eighth Shiite Imam (AS) used to observe comprising of three scientific principles, including using the best form of disputation, taking advantage of rational demonstration and avoiding fallacy, as well as three ethical principles, including treating people politely, avoiding criticizing people's personality and avoiding militancy and prejudice, are explained here.

Keywords: Debate, Principles of Debate, Scientific Principles, Ethical Principles, Imam Ridha (AS)

1. Principles, Here, Refer to the Items Which are Observed in all Debates and do not Solely relate to Special Condition and Certain Debates.

**Cultural Methods of Imam Reza (P.B.U.H.)
Related to Vitalization of the Memorial and the Name of
Imam Hussain (P.B.U.H.)**

Madi Akbarnejad: Associate Professor, Ilam University, Iran.

Payman Salehi: Assistant Professor, Ilam University, Iran.

Abstract:

In the holy revolt of Imam Hussain assisting the intelligent architecture and the predicted braveness of that unique man of the era all of the political, social and cultural aspects of the of the event of Karbala have arranged in such an organized and unique arrangement that periods of time gradually increases to its depth and its effectiveness and also its strength. However one of the most important reasons of such efficiency is the tradition of the holy innocents (P. B. U. Th.) in vitalizing the memorial and the method of Imam Hussain (P.B.U.H). Tis research tries to analyze the cultural methods and procedures of Imam Reza (P.B.U.H) in order to protect and support of the holy revolt of Imam Hussain(P.B.U.H). Results show that he had had especial ways and methods such as: clarifying the sublime position of Imam Hussain(P.B.U.H.) among other Imams(P. B. U. Th.), expressing hatred of his murderers, clarifying the outcomes of respect or contempt to Ashura, provoking poet to say mournful poems for Imam Hussain(P.B.U.H.), venerating the soil of Karbala, recommending to visit his holy shrine and appointing especial times and also especial prayers for his pilgrimages and even clarifying divine results of such holy visits like: achieving to the position of closeness to God, having the privilege of being forgiven from sins, equality of such pilgrimage to hajj, and also establishing mournful ceremonies and its results like: protecting effects and results of Ashura, knowing the reality of the religion, linking to Imam Hussain(P.B.U.H.), being forgiven from sins, liberating from the fright and the horror of the Resurrection.

Key words: Imam Hussain(P.B.U.H.), Muarram, Asura, Cultural Procedures, Protecting Results

Editorial Office

**No.3, Shahid Kamyab 34 St. Shahid Kamyab
Intersection, Mashhad, Islamic Republic of Iran**

Tel: (051) 32283044-9

Approach: with an academic and research approach, this journal accepts articles with their main focus on Imam Reza (PBUH) which are authored in various areas including ideological, theological, juridical (fiqh), interpretive, Hadith, historical and comparative as well as other scientific aspects of the Erudite of Mohammad (PBUH) Family.

In the Name of God

Journal of Razavi Culture

Imam Reza (AS) International Foundation for Cultural and Arts
Vol.3, No.9, Spring 2015

Managing Director: Seyyd Javad Jafari Ahmadabadi
Editor in Chief: Jalal Dorakhshah
Executive Director: Mohammad Ali Nedae

Seyyed Mohammad Reza Ahmadi Tabatabai: Associate Professor of Imam Reza ^(AS)
International Foundation for Cultural & Arts
Jalal Dorakhshah: Professor of Imam Sadeq ^(AS) University
Ali Soroorimajd: Assistant Professor of Imam Reza ^(AS) International Foundation for
Cultural & Art
Mahnaz Shayestehfar: Associate Professor of Tarbiat Modares University
Mahmoud Vaezi: Assistant Professor of Tehran University
Mohammad Hadi Homayoon: Associate Professor of Imam Reza ^(AS) International
Foundation for Cultural & Arts
Seyedeh Razieh Yasini: Assistant Professor of Research Institute of Culture, Art and
Communication

Editing and Layout: Dadeh Gostar Hor Institute
Printing office: Zomorrod